



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مهدی باوری در کودکان

نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان
بازویش‌تربیتی **تلقین** و **الگوپذیری**



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدی باوری در کودکان

نویسنده:

ابراهیم عبدالهی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	مهدی باوری در کودکان
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۳	فهرست اجمالی مطالب
۲۷	فهرست مطالب
۴۵	مقدمه
۵۲	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۵۲	اشاره
۵۳	گفتار یکم: مفاهیم
۵۳	یک . تربیت
۵۳	الف) تربیت در لغت
۵۴	ب) تربیت در اصطلاح
۵۵	ج) مقصود از تربیت
۵۶	دو. راهکار تربیتی
۵۷	سه. نهادینه سازی
۵۷	الف) نهادینه سازی در لغت
۵۷	ب) جایگاه نهادینه سازی
۵۷	۱. آیات و روایات
۵۸	۲. علم اخلاق
۵۹	۳. جامعه شناسی
۶۱	ج) مقصود از نهادینه سازی
۶۱	اشاره
۶۱	۱. جنبه فردی

۶۱	اشاره
۶۱	مرحله اول: باورسازی
۶۱	مرحله دوم: درونی سازی
۶۱	مرحله سوم: ملکه سازی
۶۲	۲. جنبه اجتماعی
۶۳	چهار. آموزه مهدوی
۶۳	اشاره
۶۳	الف) آموزه
۶۳	ب) مهدوی
۶۴	ج) مقصود از آموزه مهدوی
۶۴	اشاره
۶۵	نکته یکم: نگاه فراگیر
۶۵	نکته دوم: رویکرد آموزه ای
۶۶	پنج. کودک
۶۷	گفتار دوم: ویژگی های راه کار تربیتی
۶۷	اشاره
۶۷	یک. مؤثرترین روش و ماندگارترین اثر
۶۸	دو. لزوم سازگاری روش با دیگر مؤلفه های تربیتی
۷۰	سه. بیان خبری کلی و حاکی از دستور
۷۰	گفتار سوم: گونه شناسی راهکار تربیتی
۷۳	فصل دوم: بازشناسی دوره کودکی و آموزه مهدوی متناسب
۷۳	اشاره
۷۴	مقدمه
۷۵	گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی
۷۵	یک. اهمیت شناخت دوره کودکی
۷۶	دو. دوران کودکی از نظرگاه پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

۸۰	سه. رویکردی تربیتی به دوران کودکی
۸۱	گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک
۸۱	اشاره
۸۴	یک. حیطه شناختی
۸۴	الف) تعریف
۸۶	ب) اهمیت
۸۶	ج) ویژگی های حیطه شناختی کودک
۸۶	اشاره
۸۷	۱. تحوّل زبان
۸۷	۲. شکل گیری تصویر ذهنی
۸۸	۳. پیش تصویری بودن
۸۸	۴. درون سازی مفاهیم و فعالیت رمزی
۸۹	۵. زمینه سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان
۸۹	۶. خودمحوری
۹۰	۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح
۹۱	۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی
۹۱	۹. شکل گیری خودپنداره
۹۳	۱۰. انعطاف فکری و زودباوری
۹۴	۱۱. کنجکاوی
۹۴	۱۲. یادگیری مشاهده ای
۹۵	۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی
۹۶	۱۴. تحوّل چشم گیر بازشناسی و تحوّل اندک نگهداری
۹۶	دو. حیطه عاطفی
۹۶	الف) تعریف
۹۶	ب) اهمیت
۹۸	ج) ویژگی های حیطه عاطفی کودک

- ۹۸ اشاره
- ۹۹ ۱. محبت خواهی
- ۹۹ ۲. احترام خواهی
- ۱۰۰ ۳. نیازمندی به امنیت
- ۱۰۰ ۴. نیاز به شادمانی
- ۱۰۰ ۵. استقلال طلبی
- ۱۰۰ ۶. تنوع طلبی
- ۱۰۱ ۷. خود نمایی
- ۱۰۱ ۸. میل به ارتباط با همسالان
- ۱۰۲ ۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش
- ۱۰۲ سه. حیطه رفتاری
- ۱۰۲ الف) تعریف
- ۱۰۲ ب) اهمیت
- ۱۰۳ ج) ویژگی های حیطه رفتاری کودک
- ۱۰۳ اشاره
- ۱۰۴ ۱. تقلید پذیری
- ۱۰۵ ۲. دعوت پذیری عملی
- ۱۰۶ ۳. شتاب زدگی
- ۱۰۶ ۴. ناپایداری اراده
- ۱۰۶ ۵. عادت پذیری
- ۱۰۶ ۶. بازی
- ۱۱۰ گفتار سوم: گونه شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان
- ۱۱۰ یک. ضرورت گونه شناسی و گزینش
- ۱۱۱ دو. معیارهای گزینش
- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۱ الف) قابل فهم بودن

- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۲ نمونه اول فاقد معیار: زیاده روی درباره جنگ پس از ظهور
- ۱۱۴ نمونه دوم: افراط در ویژگی های ماورائی امام
- ۱۱۴ نمونه سوم: بداء در آموزه های مهدوی
- ۱۱۴ نمونه چهارم: تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه سازی
- ۱۱۷ (ب) سودمندی
- ۱۱۸ (ج) قابلیت الگو برداری
- ۱۱۹ گفتار چهارم: دسته بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک
- ۱۱۹ اشاره
- ۱۲۰ یک. آموزه غیر قابل بیان
- ۱۲۰ دو. آموزه قابل بیان
- ۱۲۰ اشاره
- ۱۲۰ الف) قابل بیان اجمالی
- ۱۲۱ (ب) قابل بیان تفصیلی
- ۱۲۲ فصل سوم: روش تلقین آموزه مهدوی
- ۱۲۲ اشاره
- ۱۲۳ گفتار یکم: معناشناسی تلقین
- ۱۲۳ یک. معانی لغوی تلقین
- ۱۲۳ دو. تعاریف اصطلاحی
- ۱۲۴ سه. تعریف پیشنهادی و نکات آن
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۴ الف) نتیجه ی تلقین؛ تحقق باور
- ۱۲۵ (ب) تکرار نظام مند، عنصر اصلی تلقین
- ۱۲۵ (ج) ارتباط مستقیم تلقین با جنبه ی شناختی و گرایشی
- ۱۲۵ (د) جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تدکّر
- ۱۲۵ اشاره

- مرحله اول: آموزش ۱۲۵
- مرحله دوم: یادآوری و تذکر ۱۲۵
- مرحله سوم: تکرار تلقین آمیز ۱۲۶
- ه) تلقین، روش و ابزاری مشترک برای تحقق اهداف صحیح و باطل ۱۲۶
- گفتار دوم: جایگاه شناسی تلقین ۱۲۶
- گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان ۱۲۷
- اشاره ۱۲۷
- یک. تبیین سوال ۱۲۷
- دو. پاسخ با تبیین دو گونه تلقین ۱۲۸
- اشاره ۱۲۸
- الف) تلقین آسیب زا در فرآیند آموزش ۱۲۹
- ب) تلقین باورساز پس از آموزش ۱۲۹
- گفتار چهارم: انواع تلقین ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- یک. خودتلقینی و دگر تلقینی ۱۳۱
- دو. تلقین قولی و فعلی و محیطی ۱۳۲
- سه. تلقین مثبت و منفی ۱۳۳
- گفتار پنجم: تلقین پذیری کودکان ۱۳۴
- اشاره ۱۳۴
- یک. ویژگی های هم سو با تلقین پذیری ۱۳۷
- اشاره ۱۳۷
۱. شکل گیری خودپنداره ۱۳۷
۲. یادگیری مشاهده ای و تقلیدپذیری ۱۳۸
۳. انعطاف فکری و زودباوری ۱۳۸
۴. شتاب زدگی ۱۳۹
۵. ناپایداری اراده ۱۳۹

۶. عادت پذیری ۱۳۹
۷. علاقه مندی به تکرار ۱۳۹
۸. محبت خواهی و دلبستگی به محبوب ۱۴۰
- دو. ویژگی های معارض با تلقین پذیری ۱۴۰
- اشاره ۱۴۰
۱. خودمحوری ۱۴۱
۲. استقلال طلبی ۱۴۱
۳. خود نمایی ۱۴۱
- سه. کیفیت جهت دهی ویژگی معارض ۱۴۱
- گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی ۱۴۲
- اشاره ۱۴۲
- مرحله اول: انتخاب موضوع ۱۴۳
- مرحله دوم: استخراج پیام ۱۴۵
- مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- نمونه کاربردی ۱۴۶
- گفتار هفتم: اصول تلقین ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷
۱. خلوص نیت ۱۴۸
۲. اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی ۱۴۹
۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک ۱۴۹
۴. ثبات و پرهیز از تردید ۱۴۹
۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی ۱۵۰
۶. تمرکز بر پیام واحد ۱۵۱
۷. رعایت تناسب ۱۵۲
- اشاره ۱۵۲

- ۱۵۲ الف) تناسب شیوه، قالب و محتوا با هدف
- ۱۵۲ ب) انتخاب موقعیت مناسب
- ۱۵۳ ۸. نظام مندی و استمرار تکرار
- ۱۵۳ اشاره
- ۱۵۴ الف) عوامل موثر بر تنظیم تعداد تکرار
- ۱۵۴ ب) تنظیم تکرار در شبانه روز و روزهای متوالی
- ۱۵۵ ۹. توجه به واکنش ها
- ۱۵۶ ۱۰. بهره‌بری از تنوع
- ۱۵۷ گفتار نهم: شیوه‌های کلی اجرای تلقین
- ۱۵۷ اشاره
- ۱۵۸ یک. پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک
- ۱۵۹ دو. در معرض داوری قرار دادن کودک
- ۱۶۰ سه. روش خودافشایی
- ۱۶۰ اشاره
- ۱۶۰ الف) اهمیت به کارگیری
- ۱۶۲ ب) انواع خودافشایی
- ۱۶۲ ۱. خودافشایی حقیقی و مصنوعی
- ۱۶۵ ۲. خودافشایی فکری، عاطفی، اراده و تصمیم
- ۱۶۵ ۳. خودافشایی محبتی و نفرتی
- ۱۶۶ ج) نکات اجرایی خودافشایی
- ۱۶۷ گفتار دهم: قالب‌های اجرایی تلقین
- ۱۶۷ اشاره
- ۱۶۸ ۱. قصه
- ۱۶۸ الف) اهمیت قصه
- ۱۶۹ ب) قصه نوعی از تکرار
- ۱۷۰ ج) تکرار پیام در قصه

- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۰ نوع اول: تکرار یک پارچه و کامل پیام
- ۱۷۰ نوع دوم: تکرار تجزیه ای پیام
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۱ مثال: قصه بزرگترین هدیه
- ۱۷۳ (د) بهره بری از قصه در دگر تلقینی و خود تلقینی
- ۱۷۴ ۲. شعر و نظم
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۵ مثال ها
- ۱۷۹ ۳. نقاشی و رنگ آمیزی
- ۱۷۹ ۴. نمایش
- ۱۸۱ ۵. پرسش و پاسخ
- ۱۸۶ فصل چهارم: روش الگونمایی مهدوی
- ۱۸۶ اشاره
- ۱۸۷ گفتار یکم: معناشناسی
- ۱۸۷ اشاره
- ۱۸۷ یک . الگو و اسوه
- ۱۸۸ دو. تقلید
- ۱۸۹ سه. الگوی مهدوی
- ۱۹۰ چهار. الگونمایی مهدوی
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۱ الف) نام ها و تعاریف الگونمایی
- ۱۹۲ ب) تعریف پیشنهادی
- ۱۹۳ گفتار دوم: جایگاه شناسی روش الگونمایی
- ۱۹۳ اشاره
- ۱۹۴ یک. قرآن و روایات

- ۱۹۵ دو. بیان تربیت پژوهان اسلامی
- ۱۹۶ سه. روان شناسی
- ۱۹۷ چهار. جامعه شناسی
- ۱۹۸ گفتار سوم: الگوپذیری کودکان
- ۲۰۰ گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۰ یک. تأثیرپذیری از محیط
- ۲۰۱ دو. کمال طلبی
- ۲۰۱ سه. قهرمان جویی
- ۲۰۲ چهار. نیاز روانی به الگو
- ۲۰۲ گفتار پنجم: اصول الگوپذیری مهدوی
- ۲۰۲ اشاره
- ۲۰۳ ۱. نمونه و ممتاز بودن الگو
- ۲۰۴ ۲. جذابیت رفتاری الگو
- ۲۰۵ ۳. هماهنگی رفتار الگو
- ۲۰۵ اشاره
- ۲۰۵ الف) هماهنگی بین رفتار و گفتار الگو
- ۲۰۵ ب) هماهنگی رفتار الگو در موقعیت های مشابه
- ۲۰۶ ج) هماهنگی رفتار الگو با گفتار و رفتار الگوهای دیگر
- ۲۰۶ ۴. فراهم سازی مشاهده کامل الگو
- ۲۰۷ ۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها
- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۸ معیار اول: قابلیت مشاهده
- ۲۰۸ معیار دوم: قابلیت الگو برداری و تقلید پذیری
- ۲۰۹ معیار سوم: محوریت بر واقعی بودن
- ۲۱۰ ۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگو برداری

- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۱ الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو
- ۲۱۲ ب) تشخیص مصداق
- ۲۱۴ ج) اهداف و دلایل
- ۲۱۶ د) شیوه های الگوبرداری
- ۲۱۶ ه) مراحل الگوبرداری
- ۲۱۶ اشاره
- ۲۱۷ یک. توجه
- ۲۱۷ دو. به یادسپاری
- ۲۱۷ سه. بازآفرینی حرکتی
- ۲۱۷ چهار. انگیزش
- ۲۱۸ ۷. بهره بری از تنوع
- ۲۱۸ اشاره
- ۲۱۹ الف) تنوع الگوها
- ۲۲۰ ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی
- ۲۲۰ ۸. تناسب و هماهنگی
- ۲۲۰ اشاره
- ۲۲۱ الف) وجوه اشتراک، جنبه ای از تناسب
- ۲۲۱ ب) آثار تناسب و هماهنگی
- ۲۲۲ ج) چند نمونه از تناسب
- ۲۲۲ نمونه اول: تناسب با شرایط خانوادگی
- ۲۲۲ نمونه دوم: مثال قرآنی مشابهت
- ۲۲۳ نمونه سوم: مشابهت در سطح زندگی
- ۲۲۴ گفتار ششم: انواع الگونمایی
- ۲۲۴ اشاره
- ۲۲۵ یک. مشاهده ای (مستقیم) و توصیفی (غیرمستقیم)

- ۲۲۵ دو. تصریح به الگوبودن شخص و عدم تصریح
- ۲۲۶ سه. معرفی الگو با اسم یا عنوان عام
- ۲۲۷ گفتار هفتم: انواع و شیوه های الگوبرداری
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۹ یک. تقسیم از جهت وجود آگاهی
- ۲۲۹ اشاره
- ۲۲۹ الف) تقلید ناآگاهانه
- ۲۲۹ ب) تقلید نیمه آگاهانه
- ۲۲۹ ج) تقلید آگاهانه
- ۲۳۰ دو. تقسیم از جهت تطابق کامل
- ۲۳۰ الف) الگوبرداری عینی
- ۲۳۱ ب) الگوبرداری غیرعینی
- ۲۳۲ گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی
- ۲۳۲ اشاره
- ۲۳۲ ۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا
- ۲۳۳ ۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر
- ۲۳۴ ۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار
- ۲۳۵ ۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت
- ۲۳۶ ۵. سوق دهی گرایش ها به مهدویت
- ۲۳۷ ۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی
- ۲۳۸ ۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف
- ۲۳۹ گفتار نهم: آسیب شناسی
- ۲۳۹ اشاره
- ۲۴۰ ۱. شخصیت گرایی با آثار یا مصادیق مختلف
- ۲۴۰ اشاره
- ۲۴۰ الف) فراموشی معیار و هدف در غیاب الگو

- ب) الگوبرداری کورکورانه و بی دلیل ۲۴۲
- ج) گرفتار شدن به دو گونه مغالطه الگویی ۲۴۳
- اشاره ۲۴۳
- خصوصیات زمینه ساز مغالطه الگویی در کودک ۲۴۴
- اشاره ۲۴۴
- یک) محدودیت ظرفیت شناختی و ناتوانی در تجزیه و تحلیل ۲۴۵
- دو) خوش بینی زیاد، تصوّر خوب و بد مطلق ۲۴۶
۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت ۲۴۶
۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو و آثار آن ۲۴۸
- اشاره ۲۴۸
- آثار تعارض و ناهماهنگی ۲۴۹
- الف) تردید ۲۴۹
- ب) قضاوت نابجای کودکانه ۲۴۹
- ج) کاهش محبوبیت الگو ۲۴۹
- د) بی اعتمادی یا کاهش اعتماد ۲۵۰
- ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا ۲۵۰
۴. لغزش الگو ۲۵۱
۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه الگویی ۲۵۲
- پیشنهادات ۲۵۴
- منابع ۲۵۶
- کتاب عربی و فارسی ۲۵۶
- مقالات ۲۶۴
- پایان نامه ها ۲۶۵
- سایت ها ۲۶۵
- درباره مرکز ۲۷۱

سرشناسه: عبدالهی، ابراهیم، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مهدی باوری در کودکان: (نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی) / ابراهیم عبدالهی.

مشخصات نشر: قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۲۱ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۱۱-۰ :

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۱ - ۲۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: تعلیمات دینی اسلامی برای کودکان

موضوع: Islamic religious education of children

موضوع: مهدویت

موضوع: Mahdism

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز تخصصی مهدویت

رده بندی کنگره: BP۲۵۳/۴/ع۹م۲ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۶۵۱۵

مهدی باوری در کودکان (نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی)

* مؤلف: ابراهیم عبدالمهی

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

این اثر ناچیز؛

تقدیم به نوباوه حیدر، نور دیده زهراى اطهر، حجت ثانی عشر، امام منتظر، تنها مربی واقعی، مولای عزیزتر از جانم حضرت ولی عصر عجل
الله تعالی فرجه الشریف که در تمام عمرم عنایات ایشان همیشه شامل عالم هست.

ص: ۴

فهرست اجمالی مطالب

فصل اول: مفاهیم و کلیات ۲۵

گفتار یکم: مفاهیم ۲۶

گفتار دوم: ویژگی های راه کار تربیتی ۴۰

گفتار سوم: گونه شناسی راهکار تربیتی ۴۲

فصل دوم: بازشناسی دوره کودکی و آموزه مهدوی متناسب ۴۵

گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی ۴۷

گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک ۵۲

ص: ۵

گفتار سوم: گونه شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان ۷۹

گفتار چهارم: دستهبندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک ۸۸

فصل سوم: روش تلقین آموزه مهدوی ۹۱

گفتار یکم: معناشناسی تلقین ۹۲

گفتار دوم: جایگاه شناسی تلقین ۹۵

گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان ۹۶

گفتار چهارم: انواع تلقین ۱۰۰

گفتار پنجم: تلقین پذیری کودکان ۱۰۳

گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی ۱۱۰

گفتار هفتم: اصول تلقین ۱۱۵

گفتار نهم: شیوه های کلی اجرای تلقین ۱۲۵

گفتار دهم: قالبهای اجرایی تلقین ۱۳۵

فصل چهارم: روش الگونمایی مهدوی ۱۵۱

گفتار یکم: معناشناسی ۱۵۲

گفتار دوم: جایگاه شناسی روش الگونمایی ۱۵۸

گفتار سوم: الگوپذیری کودکان ۱۶۳

گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان ۱۶۵

گفتار پنجم: اصول الگونمایی مهدوی ۱۶۷

گفتار ششم: انواع الگونمایی ۱۸۹

گفتار هفتم: انواع و شیوه های الگوبرداری ۱۹۲

گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی ۱۹۶

گفتار نهم: آسیب شناسی ۲۰۳

فهرست مطالب

مقدمه ۱۸

فصل اول: مفاهیم و کلیات ۲۵

گفتار یکم: مفاهیم ۲۶

یک . تربیت ۲۶

الف) تربیت در لغت ۲۶

ب) تربیت در اصطلاح ۲۷

ج) مقصود از تربیت ۲۸

دو . راهکار تربیتی ۲۹

سه . نهادینه سازی ۳۰

الف) نهادینه سازی در لغت ۳۰

ب) جایگاه نهادینه سازی ۳۰

۱. آیات و روایات ۳۰

۲. علم اخلاق ۳۱

۳. جامعه شناسی ۳۲

ج) مقصود از نهادینه سازی ۳۴

۱. جنبه فردی ۳۴

۲. جنبه اجتماعی ۳۵

چهار . آموزه مهدوی ۳۶

الف) آموزه ۳۶

ب) مهدوی ۳۶

ج) مقصود از آموزه مهدوی ۳۷

نکته یکم: نگاه فراگیر ۳۸

نکته دوم: رویکرد آموزه ای ۳۸

پنج . کودک ۳۹

گفتار دوم: ویژگی های راه کار تربیتی ۴۰

یک . مؤثرترین روش و ماندگارترین اثر ۴۰

دو . لزوم سازگاری روش با دیگر مؤلفه های تربیتی ۴۱

ص: ۸

سه . بیان خبری کلی و حاکی از دستور ۴۲

گفتار سوم: گونه شناسی راهکار تربیتی ۴۲

فصل دوم: بازشناسی دوره کودکی و آموزه مهدوی متناسب ۴۵

مقدمه ۴۶

گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی ۴۷

یک . اهمیت شناخت دوره کودکی ۴۷

دو . دوران کودکی از نظرگاه پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ۴۷

سه . رویکردی تربیتی به دوران کودکی ۵۱

گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک ۵۲

یک . حیطه شناختی ۵۵

الف) تعریف ۵۵

ب) اهمیت ۵۵

ج) ویژگی های حیطه شناختی کودک ۵۶

۱. تحوّل زبان ۵۷

۲. شکل گیری تصویر ذهنی ۵۷

۳. پیش تصویری بودن ۵۷

۴. درون سازی مفاهیم و فعالیت رمزی ۵۸

۵. زمینه سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان ۵۹

۶. خودمحوری ۵۹

۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح ۶۰

۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی ۶۰

۹. شکل گیری خودپنداره ۶۱

۱۰. انعطاف فکری و زودباوری ۶۳

۱۱. کنجکاوی ۶۴

۱۲. یادگیری مشاهده ای ۶۴

۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی ۶۵

۱۴. تحوّل چشم گیر بازشناسی و تحوّل اندک نگهداری ۶۶

دو . حیطه عاطفی ۶۶

الف) تعریف ۶۶

ب) اهمیت ۶۶

ص: ۹

ج) ویژگی های حیطه عاطفی کودک ۶۸

۱. محبت خواهی ۶۹

۲. احترام خواهی ۶۹

۳. نیازمندی به امنیت ۷۰

۴. نیاز به شادمانی ۷۰

۵. استقلال طلبی ۷۰

۶. تنوع طلبی ۷۰

۷. خود نمایی ۷۱

۸. میل به ارتباط با همسالان ۷۱

۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش ۷۲

سه . حیطه رفتاری ۷۲

الف) تعریف ۷۲

ب) اهمیت ۷۲

ج) ویژگی های حیطه رفتاری کودک ۷۳

۱. تقلید پذیری ۷۴

۲. دعوت پذیری عملی ۷۵

۳. شتاب زدگی ۷۶

۴. ناپایداری اراده ۷۶

۵. عادت پذیری ۷۶

۶. بازی ۷۶

گفتار سوم: گونه شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان ۷۹

یک . ضرورت گونه شناسی و گزینش ۷۹

دو . معیارهای گزینش ۸۰

الف) قابل فهم بودن ۸۰

نمونه اول فاقد معیار: زیاده روی درباره جنگ پس از ظهور ۸۱

نمونه دوم: افراط در ویژگی های ماورائی امام ۸۳

نمونه سوم: بداء در آموزه های مهدوی ۸۳

نمونه چهارم: تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه سازی ۸۳

ب) سودمندی ۸۶

ج) قابلیت الگوبرداری ۸۷

ص: ۱۰

گفتار چهارم: دسته بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک ۸۸

یک . آموزه غیر قابل بیان ۸۹

دو . آموزه قابل بیان ۸۹

الف) قابل بیان اجمالی ۸۹

ب) قابل بیان تفصیلی ۹۰

فصل سوم: روش تلقین آموزه مهدوی ۹۱

گفتار یکم: معناشناسی تلقین ۹۲

یک . معانی لغوی تلقین ۹۲

دو . تعاریف اصطلاحی ۹۲

سه . تعریف پیشنهادی و نکات آن ۹۳

الف) نتیجه ی تلقین؛ تحقق باور ۹۳

ب) تکرار نظام مند، عنصر اصلی تلقین ۹۴

ج) ارتباط مستقیم تلقین با جنبه ی شناختی و گرایشی ۹۴

د) جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تذکر ۹۴

ه) تلقین، روش و ابزاری مشترک برای تحقق اهداف صحیح و باطل ۹۵

گفتار دوم: جایگاه شناسی تلقین ۹۵

گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان ۹۶

یک . تبیین سوال ۹۶

دو . پاسخ با تبیین دو گونه تلقین ۹۷

الف) تلقین آسیب زا در فرآیند آموزش ۹۸

ب) تلقین باورساز پس از آموزش ۹۸

گفتار چهارم: انواع تلقین ۱۰۰

یک . خود تلقینی و دگر تلقینی ۱۰۰

دو . تلقین قولی و فعلی و محیطی ۱۰۱

سه . تلقین مثبت و منفی ۱۰۲

گفتار پنجم: تلقین پذیری کودکان ۱۰۳

یک . ویژگی های هم سو با تلقین پذیری ۱۰۵

۱. شکل گیری خودپنداره ۱۰۵

۲. یادگیری مشاهده ای و تقلید پذیری ۱۰۶

۳. انعطاف فکری و زودباوری ۱۰۶

ص: ۱۱

۴. شتاب زدگی ۱۰۷
۵. ناپایداری اراده ۱۰۷
۶. عادت پذیری ۱۰۷
۷. علاقه مندی به تکرار ۱۰۷
۸. محبت خواهی و دل بستگی به محبوب ۱۰۸
- دو. ویژگی های معارض با تلقین پذیری ۱۰۸
 ۱. خودمحوری ۱۰۹
 ۲. استقلال طلبی ۱۰۹
 ۳. خود نمایی ۱۰۹
 - سه. کیفیت جهت دهی ویژگی معارض ۱۰۹
- گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی ۱۱۰
 - مرحله اول: انتخاب موضوع ۱۱۱
 - مرحله دوم: استخراج پیام ۱۱۳
 - مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی ۱۱۳
 - نمونه کاربردی ۱۱۴
 - گفتار هفتم: اصول تلقین ۱۱۵
 ۱. خلوص نیت ۱۱۶
 ۲. اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی ۱۱۷
 ۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک ۱۱۷
 ۴. ثبات و پرهیز از تردید ۱۱۷
 ۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی ۱۱۸
 ۶. تمرکز بر پیام واحد ۱۱۹

۷. رعایت تناسب ۱۲۰

الف) تناسب شیوه، قالب و محتوا با هدف ۱۲۰

ب) انتخاب موقعیت مناسب ۱۲۰

۸. نظام مندی و استمرار تکرار ۱۲۱

الف) عوامل موثر بر تنظیم تعداد تکرار ۱۲۲

ب) تنظیم تکرار در شبانه روز و روزهای متوالی ۱۲۲

۹. توجه به واکنش ها ۱۲۳

۱۰. بهره بری از تنوع ۱۲۴

گفتار نهم: شیوه های کلی اجرای تلقین ۱۲۵

ص: ۱۲

یک . پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک ۱۲۶

دو . در معرض داوری قرار دادن کودک ۱۲۷

سه . روش خود افشایی ۱۲۸

الف) اهمیت به کارگیری ۱۲۸

ب) انواع خود افشایی ۱۳۰

۱. خود افشایی حقیقی و مصنوعی ۱۳۰

۲. خود افشایی فکری، عاطفی، اراده و تصمیم ۱۲۷

۳. خود افشایی محبتی و نفرتی ۱۳۳

ج) نکات اجرایی خود افشایی ۱۳۴

گفتار دهم: قالب های اجرایی تلقین ۱۳۵

۱. قصه ۱۳۶

الف) اهمیت قصه ۱۳۶

ب) قصه نوعی از تکرار ۱۳۷

ج) تکرار پیام در قصه ۱۳۸

نوع اول: تکرار یک پارچه و کامل پیام ۱۳۸

نوع دوم: تکرار تجزیه ای پیام ۱۳۸

مثال: قصه بزرگترین هدیه ۱۳۹

د) بهره بری از قصه در دگر تلقینی و خود تلقینی ۱۴۱

۲. شعر و نظم ۱۴۲

مثال ها ۱۴۳

۳. نقاشی و رنگ آمیزی ۱۴۵

۴. نمایش ۱۴۵

۵. پرسش و پاسخ ۱۴۷

فصل چهارم: روش الگونمایی مهدوی ۱۵۱

گفتار یکم: معنانشناسی ۱۵۲

یک. الگو و اسوه ۱۵۲

دو. تقلید ۱۵۳

سه. الگوی مهدوی ۱۵۴

چهار. الگونمایی مهدوی ۱۵۵

الف) نام ها و تعاریف الگونمایی ۱۵۶

ص: ۱۳

ب) تعریف پیشنهادی ۱۵۷

گفتار دوم: جایگاه شناسی روش الگونمایی ۱۵۸

یک. قرآن و روایات ۱۵۹

دو. بیان تربیت پژوهان اسلامی ۱۶۰

سه. روان شناسی ۱۶۱

چهار. جامعه شناسی ۱۶۲

گفتار سوم: الگوپذیری کودکان ۱۶۳

گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان ۱۶۵

یک. تأثیرپذیری از محیط ۱۶۵

دو. کمال طلبی ۱۶۶

سه. قهرمان جویی ۱۶۶

چهار. نیاز روانی به الگو ۱۶۷

گفتار پنجم: اصول الگونمایی مهدوی ۱۶۷

۱. نمونه و ممتاز بودن الگو ۱۶۸

۲. جذابیت رفتاری الگو ۱۶۹

۳. هماهنگی رفتار الگو ۱۷۰

الف) هماهنگی بین رفتار و گفتار الگو ۱۷۰

ب) هماهنگی رفتار الگو در موقعیتهای مشابه ۱۷۰

ج) هماهنگی رفتار الگو با گفتار و رفتار الگوهای دیگر ۱۷۱

۴. فراهم سازی مشاهده کامل الگو ۱۷۱

۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها ۱۷۲

معیار اول: قابلیت مشاهده ۱۷۳

معیار دوم: قابلیت الگو برداری و تقلید پذیری ۱۷۳

معیار سوم: محوریت بر واقعی بودن ۱۷۴

۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگوبرداری ۱۷۵

الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو ۱۷۶

ب) تشخیص مصداق ۱۷۷

ج) اهداف و دلایل ۱۷۹

د) شیوه های الگوبرداری ۱۸۱

ه) مراحل الگوبرداری ۱۸۱

۷. بهره‌بری از تنوع ۱۸۳

ص: ۱۴

الف) تنوع الگوها ۱۸۴

ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی ۱۸۵

۸. تناسب و هماهنگی ۱۸۵

الف) وجوه اشتراک، جنبه ای از تناسب ۱۸۶

ب) آثار تناسب و هماهنگی ۱۸۶

ج) چند نمونه از تناسب ۱۸۷

نمونه اول: تناسب با شرایط خانوادگی ۱۸۷

نمونه دوم: مثال قرآنی مشابهت ۱۸۷

نمونه سوم: مشابهت در سطح زندگی ۱۸۸

گفتار ششم: انواع الگونمایی ۱۸۹

یک. مشاهده ای (مستقیم) و توصیفی (غیرمستقیم) ۱۹۰

دو. تصریح به الگوبودن شخص و عدم تصریح ۱۹۰

سه. معرفی الگو با اسم یا عنوان عام ۱۹۱

گفتار هفتم: انواع و شیوه های الگوبرداری ۱۹۲

یک. تقسیم از جهت وجود آگاهی ۱۹۳

الف) تقلید ناآگاهانه ۱۹۳

ب) تقلید نیمه آگاهانه ۱۹۳

ج) تقلید آگاهانه ۱۹۳

دو. تقسیم از جهت تطابق کامل ۱۹۵

الف) الگوبرداری عینی ۱۹۵

ب) الگوبرداری غیرعینی ۱۹۵

گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی ۱۹۶

۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا ۱۹۷

۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر ۱۹۸

۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار ۱۹۸

۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت ۱۹۹

۵. سوqدهی گرایشها به مهدویت ۲۰۰

۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی ۲۰۱

۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف ۲۰۲

گفتار نهم: آسیب شناسی ۲۰۳

ص: ۱۵

۱. شخصیت گرابی با آثار یا مصادیق مختلف ۲۰۴

الف) فراموشی معیار و هدف در غیاب الگو ۲۰۵

ب) الگوبرداری کورکورانه و بی دلیل ۲۰۶

ج) گرفتار شدن به دو گونه مغالطه الگویی ۲۰۸

خصوصیات زمینه ساز مغالطه الگویی در کودک ۲۰۹

۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت ۲۱۰

۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو و آثار آن ۲۱۲

الف) تردید ۲۱۳

ب) قضاوت نابجای کودکان ۲۱۳

ج) کاهش محبوبیت الگو ۲۱۳

د) بی اعتمادی یا کاهش اعتماد ۲۱۴

ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا ۲۱۴

۴. لغزش الگو ۲۱۵

۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه الگویی ۲۱۶

پیشنهادات ۲۱۸

منابع ۲۲۰

کتاب عربی و فارسی ۲۲۰

مقالات ۲۲۸

پایان نامه ها ۲۲۹

سایت ها ۲۲۹

ص: ۱۶

مهدویت، اندیشه‌ی انتظار موعودی الهی است که افزون بر شمولیت نسبت به تمام اعتقادات و باورهای اسلامی، نویدبخش آموزه‌هایی است که عامل حرکت، امید، تعالی و پیشرفت در جامعه‌ی بشری به ویژه جامعه بزرگ اسلامی می‌گردد.

آموزه مهدویت، عصاره ناب تمام معارف اسلامی است که در آن ظرفیت‌های فراوانی برای تربیت انسان جهت زمینه‌سازی ظهور به منظور تحقق جامعه آرمانی فراگیر اسلامی و دولت کریمه دارد.

در عصر غیبت کبری و دوری ظاهری از مربی و حجت الهی، جامعه‌ی شیعی بیش از هر زمان دیگر، به منظور ارتقاء و رشد علمی، عملی و معنوی افراد جهت زمینه‌سازی ظهور، نیازمند دانش‌افزایی و تقویت باورها نسبت به آموزه‌های مهدوی است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱) زمینه‌سازی، به معنای آمادگی معرفتی، اخلاقی و رفتاری برای ظهور و پذیرش امر معصوم است به گونه‌ای که زمینه و مقدمات ظهور فراهم گردد.

(۲)

این آرمان ارزشمند با پرورش نسلی مهدوی تحقق می‌یابد. از این رو، باید بهترین سن برای تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری، یعنی دوران کودکی را انتخاب نمود. زیرا شاکله شخصیتی و زیر بناهای فکری، اعتقادی و اخلاقی هر فرد در آن دوران پایه‌ریزی می‌گردد

ص: ۱۸

۱- بالادستیان و همکاران، نگین آفرینش، ج ۱، ص ۲۲.

۲- آیتی، نصرت الله، «زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل‌نامه مشرق موعود، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۹، صص ۱۹-۵۹.

و در واقع دانشگاه تربیت محسوب می شود.

لازم به ذکر است که منابع اسلامی، مملو از آموزه های تعالی بخش مهدویت است که قابلیت انتقال به تمامی سنین حتی دوره کودکی را دارد. البته سه نکته مهم را نباید فراموش کرد؛

نکته اول، صرف انتقال اطلاعات پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به کودکان کافی نیست و علاوه بر انتقال، باید به فکر نهادینه سازی، درونی شدن و تبدیل به باور و ایمان نیز باشیم تا اثر تربیتی ماندگار داشته باشد و در نتیجه افعال خیر با میل درونی صادر گردد. دوره ی کودکی بهترین زمان برای این امر است.

نکته دوم، با توجه به ویژگی های خاص شخصیتی کودکان، شایسته است که آموزه های مهدوی به لحاظ قرار گرفتن در سامانه ی انتقال به کودک به گونه ای روشمند دسته بندی و گزینش شوند.

نکته سوم، باید روش های متناسب با سیر رشد و تحول شناختی، عاطفی و رفتاری کودک، اتخاذ شود؛ چون در غیر این صورت، کودکان در معرض تهدید آسیب های جدی

معرفتی و عاطفی نسبت به آن آموزه ها قرار خواهند گرفت و هیچ بهره ی معرفتی و معنوی از آن ها نخواهند برد.

امروزه متأسفانه، نکات فوق در نهادهایی که تأثیر آموزشی و تربیتی مستقیم بر کودکان دارند مانند خانواده، مدرسه و رسانه مورد غفلت قرار گرفته است. مثلاً در اکثر مراکز آموزشی کودکانه مانند مهدکودک ها و پیش دبستانی ها تنها موضوعات بهداشتی و اجتماعی تکراری در لیست آموزشی قرار دارد آن هم با مفاهیم کلی و بدون پشتوانه دینی، (البته به جز مراکز قرآنی) و بحث درباره امام مهدی (عج) فقط اختصاص به روز ولادت آن بزرگوار دارد که عموماً مطالب سطحی بیان می شود. در حالی که گروهک ها و جریانات ضدّ دیانت و مهدویت مانند بهائیت در زمینه ی انتقال مفاهیم و گزاره های انحرافی و به ظاهر دینی به کودکان، فعالیت های گسترده ای دارند. آن ها از طریق تلقین و تکرار آموزه های انحرافی خود و همچنین ارائه ی الگوهای نامناسب، قصد تغییر و سوق دادن اندیشه و گرایش های کودکان از معارف ناب اسلامی و مهدوی به سوی اهداف باطل دارند.

این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که والدین و مربیان و به طور کلی افراد و نهادهای تأثیرگذار، در زمینه‌ی ایجاد و تقویت روحیه‌ی مهدی باوری و مهدی‌یابوری میان افراد جامعه بسیار کم توجه بوده‌اند. افزون بر آن، پیرامون آغاز پرورش چنین روحیه‌ی رشد‌دهنده‌ای از سنین کودکی، اقدامات سازنده و تحقیقات علمی قابل استنادی صورت نگرفته است. این کاستی، به خاطر فقدان معرفتی و انگیزشی نسبت به دو امر است؛ یکی، جایگاه آموزه‌های مهدوی در تربیت انسان به ویژه در دوره‌ی طلایی کودکی و دیگری، نقش تربیت و روش‌های صحیح آن در نهادینه‌سازی معارف مهدویت می‌باشد.

پیرامون روش‌های انتقال و نهادینه‌کردن مفاهیم دینی و همچنین روش‌های تربیتی، پژوهش‌هایی انجام گرفته که برخی از آن‌ها در قالب پایان‌نامه عبارتند از «راه کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی»، «روش‌های نهادینه‌کردن ارزش‌ها در جوانان در سیره‌ی ائمه»، «شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در کودک و نوجوان از منظر دین و روان‌شناسی»، «آسیب‌شناسی تربیت کودک براساس آیات و روایات»، «روش‌های تغییر و اصلاح رفتار کودک و نوجوان با نگاه آیات و روایات». برخی دیگر در قالب کتاب تالیف شده، در خصوص روش تلقین و الگودهی، علاوه بر منابع مذکور، تحقیقات مستقلی نیز مکتوب شده که جا دارد پیرامون محتوا و روش هر کدام از آن‌ها، که تحقیقات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند بحث شود. (حتی برخی از آن‌ها برای نوشتن این رساله، مورد مطالعه قرار گرفته است و در بخش منابع معرفی شده‌اند) ولی اولاً، موضوعشان عام است و شامل کلیه‌ی مفاهیم دینی می‌شود. ثانیاً، تخصصی و ویژه‌ی سنی که در این تحقیق لحاظ شده نیست. ثالثاً، انتقال و نهادینه‌کردن در پژوهش‌ها با رویکرد خصوصاً راه کارهای تربیتی نیست، بلکه عام است. رابعاً، آن‌هایی که با موضوع روش تربیتی خاص مثل تلقین و الگودهی نگاشته شده‌اند به شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی آن برای کودک اصلاً اشاره نشده یا نگاه اجمالی داشته بدون بیان نمونه‌ی کاربردی.

پژوهش پیش‌رو، به قصد تبیین جایگاه روش‌های تربیتی در انتقال و نهادینه‌سازی معارف مهدویت در دوره کودکی تالیف شده و برگرفته از پایان‌نامه سطح سه (کارشناسی ارشد) نگارنده بوده که با موضوع «راه کارهای تربیتی نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان» در مرکز تخصصی مهدویت قم دفاع گردیده است. در واقع این تحقیق، با

تکیه بر مبانی و اصول تربیت اسلامی، در پی شناسایی و یافتن راه کارها و روش های تربیتی مناسب همگام با رشد و تحوّل شخصیتی کودکان بوده تا به منظور نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان به کار گرفته شود. از بین روش های بیان شده در کتب تبلیغی، تربیتی و روان شناسی، دو روش تربیتی تاثیرگذار بر کودک یعنی تلقین و الگونمایی مهدوی انتخاب گردیده است. پرداختن به شیوه ها و قالب های اجرایی دو روش مذکور به همراه ذکر نمونه ی کاربردی متناسب با دوره ی کودکی چهار تا هفت سال، از دیگر امتیازات این نوشتار است.

فصل اول این نوشتار، به توضیح اجمالی پیرامون مفاهیم کلیدی و همچنین سه ویژگی مهم راه کار تربیتی و گونه شناسی آن می پردازد.

در فصل دوم، ابتدا به بازشناسی دوره کودکی و توصیف حیطه های شخصیتی کودکان پرداخته می شود. زیرا رکن اساسی انتقال و نهادینه سازی معارف مهدویت، شناخت دقیق پیام گیرنده می باشد و دیگر اینکه ویژگی های بیان شده پیرامون دوره کودکی، در فصل های بعدی هنگام بررسی راه کارها و روش ها، مورد استناد قرار می گیرند. در قسمت پایانی این فصل، نگاهی گذرا به گونه شناسی و معیارهای گزینش آموزه های مهدوی برای کودکان مطرح می شود.

فصل سوم اختصاص به تبیین روش تلقین دارد با ذکر اموری همچون معناشناسی، جایگاه شناسی در تربیت کودکان، گونه شناسی، تنظیم محتوای تلقینی مهدوی، اصول و قالب های اجرایی تلقین.

در فصل چهارم، روش الگونمایی مهدوی مورد بررسی قرار می گیرد که پس از معناشناسی و توضیح جایگاه آن در تربیت کودک و همچنین در متون دینی و علمی، چهار مبنای انسان شناسانه مطرح می شود. در ادامه، به اصول و انواع الگونمایی و الگوپردازی اشاره و هفت کارکرد برای این روش بیان می گردد. این فصل با بحث آسیب شناسی الگونمایی به پایان می رسد.

به نظر می رسد با بهره گیری از روش های تربیتی مذکور، می توان استعداد های نهفته در کودکان را با جهت دهی به سوی آموزه های مهدوی رشد و شکوفایی بخشید. از این طریق، نه تنها کودکان با این آموزه ها آشنا می شوند بلکه زمینه ی نهادینه سازی و درونی شدن آن ها

فراهم و به صورت باور و ایمان در می آید. این امر، افزون بر خود مراقبتی حاصل از درک حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باعث استحکام اعتقادات، انجام رفتارهای پسندیده با میل و رغبت درونی و همچنین موجب آمادگی برای عصر ظهور می گردد.

این پژوهش می تواند در زمینه ی هدف مهمی همچون بازنمایی جامعی از ظرفیت ها و استعداد های کودکان در پذیرش آموزه های مهدوی کمک کند. دیگر این که مدخل نویی در

کاوش پیرامون آموزه های مهدوی ایجاد کند و آن عبارت است از پیوند و ارتباط متقابل روش های تربیتی و معارف مهدویت. هدف دیگر این است که روش های تربیتی تأثیرگذاری همچون تلقین و الگودهی، از مباحث صرفاً نظری عبور کرده و بتوان به شیوه ها و قالب های اجرایی آن ها با توجه به ویژگی های روحی و شخصیتی دوران کودکی دست یافت و به صورت یک دستورالعمل قابل اجرا جهت نهادینه سازی و درونی شدن آموزه های مهدوی در کودکان ارائه کرد. هدف نهایی این نوشتار، آن است که با تربیت نسلی مهدی باور و مهدی یاور بتوان زمینه های سازندگی انسان ها برای زندگی مهدوی و آمادگی برای ظهور فراهم گردد.

لازم به ذکر است که متن کتاب حاضر، بارها در کلاس «تربیت ربّی کودک با گرایش مهدویت» توسط مولف تدریس شده و به خاطر سهولت در مطالعه و یادداشت برداری دانش پژوهان، عناوین برخی مباحث، به صورت نمودار ذکر گردیده است.

در پایان لازم می دانم از تمامی مسئولان و اساتید مرکز تخصصی مهدویت قم که زمینه و فضای مناسب را جهت پژوهش در حوزه اندیشه والای مهدویت به ویژه تدوین این اثر فراهم نمودند، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از زحمات استاد راهنما و مشاور حجج اسلام دکتر سید محمّد رضا موسوی نسب و سید علیرضا تراشیون و دیگر اساتید عرصه پژوهش حجج اسلام؛ دکتر مجید حیدری فر، دکتر صفری فروشانی، دکتر رحیم کارگر و دکتر امیر محسن عرفان کمال تشکر دارم. چرا که در تدوین این رساله علمی، مشوّق این حقیر بوده اند. افزون بر این بزرگواران، استاد عزیز و گرانقدر حجت الاسلام والمسلمین حسن ملایی مدیر گروه اخلاق و تربیت، نگارنده را رهین منت خود دارند و با بزرگواری و دلسوزی تمام، با ایجاد انگیزه و راهنمایی مشفقانه خویش از هیچ تلاشی فروگذار نمودند و در نتیجه ی ارشادهای بی دریغ و سازنده ایشان، عناوین و اصول محتوایی فصل

سوم و چهارم تنظیم و نوشتار حاضر به سرانجام رسید.

اگر این اثر ناچیز و ناقص، ثوابی از روی لطف و محبت خدا داشته باشد به نیابت از مادر گرانقدرم بوده که از کودکی توفیق خدمتگذاری ایشان را از دست دادم و همچنین پدر عزیزم که صدای قرآن و مناجات سحر ایشان هنوز در گوشم طنین انداز است و همواره مشمول دعای خیر ایشان و همسرشان هستم. تشکر ویژه دارم از همسر گرامی و دختران عزیزم که در تمامی سختی های دوران تحصیل، تبلیغ و تحقیق به ویژه تدوین این اثر، در کنار این حقیر صبر و مرا از حمایت بی منت خویش برخوردار نمودند. همچنین برادران و خواهرانم که همیشه پشتیبان و دعاگوی این برادر کوچکتر از خود بوده اند.

آن چه در این مجموعه گرد آمده، همه ی سخن نگارنده پیرامون موضوع نبوده و امید است که در آینده نزدیک، روش ها و قالب های دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد و در معرض دید مشتاقان بحث گذاشته شود. از همه خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنم که مرا از انتقادات و پیشنهادات راهگشای خود بهره مند گردانند.

الحمد لله رب العالمین

ابراهیم عبدالهی

eb.abdellahi@chmail.ir

ص: ۲۳

«تربیت» در لغت فارسی به معنای پرورش دادن، (۱) آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن (۲) و همچنین به معنای یاددادن ادب و اخلاق (۳) نیز آمده است. در زبان عربی، این واژه در قالب باب تفعیل از ریشه ی «رب و» ساخته شده (۴) به معنای افزودن، رشد و نمو کردن و علوّ (۵) که غالباً برای رسیدگی به امور موجود زنده جهت دست یابی او به رشد و نمو ظاهری استعمال می شود. معمولاً رسیدگی یادشده در مورد انسان، به دوران طفولیت وی منحصر می شود. (۶) در متون روایی، واژه ی «تربیه» ذکر شده (۷) اما در قرآن کریم،

ص: ۲۶

-
- ۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۸۶.
 - ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۶۰۱.
 - ۳- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۶۳.
 - ۴- «ربو» ناقص واوی است که وقتی به باب تفعیل رود، مصدر تفعله از آن ساخته می شود؛ «رَبَّوْ، يُرَبُّوْ، تَرَبَّوْه» و این مصدر طبق قواعد اعلال، به «تَرَبَّیْه» تغییر پیدا می کند.
 - ۵- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۲۸۳.
 - ۶- مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۶.
 - ۷- ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۳، باب فضل الولد و الصحیفه السجادیّه، دعای ۲۵، ص ۱۲۰ و صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۶.

کلماتی با ریشه ی «رب ب» (۱) آمده است مانند «ربّیانی». (۲) برخلاف نظر برخی، (۳) نمی توان قاطعانه ادعا کرد که هنگام به کارگیری لغت تربیت درباره ی انسان، تنها رشد و نموّ جسمانی مورد نظر باشد. (۴)

ب) تربیت در اصطلاح

برای تربیت تعاریف متعدّدی ارائه شده است. (۵) در این جا نخست دو تعریف کلی ذکر می گردد، سپس با توجه به موضوع مهدوی این پژوهش که خود، بخشی از آموزه های اسلامی است و همچنین راه کارهای نهادینه سازی آن ها که با در نظر گرفتن مبانی و اصول تربیت اسلامی تنظیم شده، به تعریفی از تربیت، بر اساس دیدگاه اسلامی نیز اشاره می شود.

(۱) «فَعَالِيَتِي مَنْظَمٌ وَمُسْتَمِرٌّ فِي جِهَتِ كَمَكٍ بِرِشْدِ جِسْمَانِي، شِنَاخْتِي، اخْلَاقِي، اجْتِمَاعِي، عَاطِفِي وَبِهِ -طَوْرٍ كَلِّي، پَرُورِشِ وَشَكُوفَايِي اسْتِعْدَادَهَائِي مَتْرَبِي كِه نَتِيجَه آن در شَخْصِيَّتِ مَتْرَبِي بِه وَيْزَه در رِفْتَارَهَائِي اَوْ ظَاهِرِ مِي شُود.» (۶)

(۲) «هر گونه فعّالیتی که معلّمان، والدین یا هر شخصی، به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می دهد.» (۷)

(۳) «فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته ی هویت متربیان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقّق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیّبه در همه ابعاد.» (۸)

ص: ۲۷

۱- برخی از لغت شناسان اصل «رب و» را «رب ب» می دانند. (ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم؛ ص ۳۳۶، ذیل ماده «رب ب») صرف نظر از بحث پیرامون صحّت آن، میان مشتقات این دو ماده، شباهت های معنایی فراوانی وجود دارد. (ر.ک: ابن منظور، محمّدين مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۸).

۲- «وَإِخْفَضَ لَهُمَا جَنَاحَ الدُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلَّ رَبُّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛» (سوره اسراء: آیه ۲۴).

۳- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۳۸.

۴- مصباح، محمّد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۶.

۵- ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، صص ۱۶۷-۳۶۲.

۶- حاجی ده آبادی، محمد علی، در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۲.

۷- داوودی و حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۰.

۸- جمعی از نویسندگان (تحت نظارت اساتید صاحب نظر تربیت اسلامی همچون علیرضا اعرافی، خسرو باقری، علی محمّد کاردان)، مبانی نظری تحوّل بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰، ص ۱۳۹.

مقصود از واژه ی «تربیت» در این پژوهش، معنایی جامع است که شامل ارکان مهم یادشده در تعاریف مذکور می شود مانند فعّالیت و فرایندی نظام مند و مستمر، رشد همه جانبه ی انسان اعّام از رشد فکری، اخلاقی و رفتاری، تعامل بین مربّی و متربّی، انتخاب آگاهانه و اختیاری، و انطباق با معیارهای نظام تربیتی اسلام. بُعد دیگر جامعیت، شمولیت نسبت به خودتربیتی و دگرتربیتی است. به عبارت دیگر؛ هم شامل تدابیر و فعّالیت هایی می باشد که از سوی انسان های نسبتاً رشدیافته نسبت به دیگران انجام می شود (مانند دگرتلقینی و الگونمایی) و هم شامل تدابیر و اعمال اصلاحی انسان نسبت به خویشتن یعنی خودسازی نیز می شود (مانند خود تلقینی) پس راه کارهای تربیتی که ذکر می گردد با قصد به کارگیری در هر دو مورد لحاظ می شود.

جنبه ی دیگر جامعیت، شمولیت نسبت به تمام تلاش های زمینه ساز تحوّل اختیاری و آگاهانه انسان است که به صورت یک پارچه با تحوّل تمام ابعاد وجودی او سر و کار دارد. از این رو، اندیشمندان تربیت اسلامی معتقدند مفهوم تربیت اسلامی، در بر دارنده تمام اقدامات و تدابییری همچون تمهید شرایط محیطی، تأدیب، تزکیه، تعلیم، مهارت آموزی، تذکّر و موعظه است که باید در راستای شکل گیری و تعالی شخصیتی توحیدی به طور هماهنگ سامان یابد. (۱) بر این اساس، برخی پژوهشگران، برای تربیت انواعی ذکر کرده اند مانند تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی و علمی. (۲) گر چه مهدویت به عنوان یکی از موضوعات اعتقادی (امامت) شناخته شده است، ولی با توجه به شمولیت مفهوم تربیت و همچنین ظرفیت بالای آموزه های مهدوی، می توان از روش های تربیتی با هدف نهادینه سازی آن آموزه ها در زمینه انواع تربیت همچون اعتقادی و اخلاقی بهره برد.

ص: ۲۸

۱- در منابع تربیتی غرب نیز واژه «Education» از چنین شمولی برخوردار است. مبانی نظری تحوّل بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰، ص ۲۰. همچنین ر.ک. کاردان، علی محمّد و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۸۶-۳۳۸ و ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، صص ۳۹-۴۰.

۲- ر.ک: داوودی و حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، صص ۹۹-۳۵۱.

واژه «راه کار» در زبان فارسی، برای معانی همچون راه حل، پاسخ، شیوه نامه، چاره جویی، روش اجرای کار و روش حلّ مسأله کاربرد دارد. «روش» (۱) نیز به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده (۲) و در اصطلاح تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. (۳) در علوم عملی مانند تعلیم و تربیت، «روش» به راه یا قاعده ای اطلاق می شود که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می گردد و در مقابل مؤلفه های دیگری همچون اصول، مبانی، اهداف، ساحت ها و مراحل قرار دارد. این روش ها که با عناوینی کلی بیان می شوند، در فضای تربیت اسلامی ناظر به انواعی از فعالیت های اختیاری بوده که ما را به اهداف مطلوب در حوزه ی تربیت اسلامی می رسانند و شامل فعالیت های خاصّ آموزشی و پرورشی و همچنین انواع عملیات مدیریتی مانند برنامه ریزی و ارزیابی نیز می شود. (۴)

به بیان ساده تر، راه کار تربیتی یعنی تمام راه حل ها و شیوه های اجرایی که هماهنگ با مؤلفه های تربیتی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای مترقی استفاده می شوند و بر نگرش، اخلاق و رفتار او بر اساس اهدافی مشخص اثر می گذارند. تربیت، یک فرآیند تدریجی منسجم دارد که شیوه های به کارگیری و اجرای آن ها را، راه کار تربیتی معین می کند. در این پژوهش، از میان واژگان هم سو و هم معنایی مانند روش، شیوه و قالب، کلمه «راه کار» انتخاب شده است بدین جهت که شامل تمام مراتب طولی روش ها (همه روش های کلی، جزئی و جزئی تر) باشد. (۵)

ص: ۲۹

۱- Method

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۴۵۳۸.

۳- برخی از تعاریف «روش» جمع آوری و در علوم تربیتی مورد بحث قرار گرفته اند. ر.ک. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۷۲ و همچنین حسینی زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی، صص ۲۸-۲۹.

۴- مصباح، محمّد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۶۵ و ۴۴۵ و ۴۵۰.

۵- توضیح آن ذیل گونه شناسی خواهد آمد. ر.ک. همین فصل، گفتار سوم، ص ۴۰-۴۱.

الف) نهادینه سازی در لغت

لغت «نهادینه» سابقه‌ی چندانی در زبان فارسی ندارد. (۱) با توجه به موارد استعمال آن در قالب صفت فاعلی و مفعولی، می‌توان معانی از قبیل تثبیت کردن، پایه‌ای و ریشه‌ای نمودن، تعمیق بخشیدن، پایداری، سرشته و استوار شده، استقرار یافته و درونی شدن را یافت. معادل انگلیسی این واژه، (۲) قرابت مفهومی با معانی مذکور دارد چنانچه معانی همچون رسمی کردن، وارد یا عضو نمودن کسی در سازمان یا جامعه یا فرهنگ به‌منظور بهنجار شدن، برای آن ذکر شده است. (۳)

ب) جایگاه نهادینه سازی

۱. آیات و روایات

در آیات و روایات، شواهدی به چشم می‌خورد که بر نهادینه‌سازی و پایداری ارزش‌ها و صفات اخلاقی در اشخاص و همچنین تعمیق بخشیدن آن‌ها در متن جامعه دلالت دارد مانند مواردی که پیرامون جایگاه، اوصاف و شرایط تبدیل یک امر به اعتقاد و باور قلبی می‌پردازد. همچنین مواردی که در مقام توصیف ایمان و مؤمن و یا ضد آن‌ها است. مثلاً آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...» (۴) که حاکی از امکان مقوله ایمان قلبی برای بشر است و در عین حال، برخی انسان‌ها از آن محروم‌اند. زیرا اعتقادات اولیه در آن‌ها به پایداری و نهادینه شدن نرسیده است. افزون بر آن، می‌توان به

ص: ۳۰

۱- در لغت نامه‌های دهخدا، معین و عمید یافت نشد. برخی معتقدند: در حدود نیم قرن پیش، برای اولین بار دکتر غلام حسین صدیقی واژه «نهاد» را معادل واژه (institution) در دروس جامعه‌شناسی خود به کار برد. سلطانی تیرانی، فلورا، نهادی کردن نوآوری در سازمان، ص ۸۴. (تاریخ چاپ این مطلب: ۱۳۷۸).

۲- institutionalize

۳- «Oxford, ۱۳۷۹, p.۶۷۴» به نقل از رحیمی، محمدرضا، نهادینه‌سازی وجدان کاری با رویکرد اسلامی، فصل نامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۵، ص ۹.

۴- «عرب‌های بادیه نشین گفتند: ایمان آورده ایم. بگو: شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است»؛ (سوره حجرات: آیه ۱۴).

روایاتی اشاره کرد که برای انتقال و آموزش مفاهیم، به دوره ای خاص مثل کودکی و جوانی توجه نموده است، زیرا دوره ی کودکی، بهترین زمان برای آموزش و درون سازی صفات پسندیده است. در واقع، این گونه روایات ما را از ویژگی های بهترین سن پذیرش علم، ایمان و اخلاق آگاه می سازند. علاوه بر آن، تأکید فراوانی دارند بر تربیت، آموزش و پایداری آن ها در جان و روح کودک. مثلاً در باب ماندگاری علم در کودکان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صَغَرِهِ كَأَلْتَقَشِ فِي الْحَجَرِ...» (۱). همچنین امام علی علیه السلام در وصیت و سفارش به فرزندشان امام حسن علیه السلام در ضمن توصیف قلب انسان قبل از میان سالی و پیری (که شامل قلب کودک هم می شود) فرمودند:

«...إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ؛ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ، وَيَسْتَعْلِلَ لُبَّكَ...» (۲). برخی از خصوصیات دوره کودکی و همچنین اهمیت تربیت و آموزش در آن دوره را از روایاتی که در قالب حقوق کودکان و فرزندان بیان شده است می توان یافت. (۳)

۲. علم اخلاق

اخلاق پژوهان برای تثبیت صفات در نفس آدمی، از واژه «ملکه» استفاده کرده اند که آن را می توان هم سو و هم معنا با نهادینه شدن دانست. چون از یک طرف، اخلاق را مجموعه صفاتی می دانند که به صورت ملکه در آمده است (۴) و از طرف دیگر، در تبیین مفهوم ملکه به عناصری از قبیل تکرار و عادت، کیفیت ثابت نفسانی دیر زوال، صفت راسخ، و همچنین رسوخ، ریشه دارشدن، بقاء، استواری و ثبات در نفس اشاره کرده و از جمله آثار مهم آن،

سهولت انجام عمل، اثر مستحکم و ثابت و شکل گیری ملکه‌ی راسخه

ص: ۳۱

۱- «حکایت کسی که در کودکی می آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است»؛ (علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴۹، ح ۲۹۳۳۶).

۲- «مانا قلب جوان، همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دل تو سخت و فکر تو در گیر شود، به تربیت تو مبادرت کردم»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۳ و ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجبه، ص ۲۲۲).

۳- ر.ک: صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۲، ح ۳۲۱۴ و کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۱۸، گزیده ای از این نوع احادیث در کتاب «حکمت نامه کودک» از محمدی ری شهری آمده است.

۴- غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، ج ۱، ص ۲۵.

ذکر مینمایند. (۱) برخی پژوهشگران اخلاق، ملکه را چنین تعریف کرده اند:

«ملکه به صفتی گفته می شود که در روح و جان انسان چنان نفوذ کرده و راسخ شده است که آثار، افعال و رفتار مناسب با آن صفت، خود به خود و بدون تأمل و درنگ، از انسان صادر می شود». (۲)

همان طور که مشاهده شد، در علم اخلاق بیشتر به جنبه شخصی نهادینه سازی یعنی همان خودسازی و تهذیب نفس توجه شده است. (۳)

۳. جامعه شناسی

«نهادینه سازی»، یکی از اصطلاحات علم جامعه شناسی نیز هست. نهادینه سازی یک امر اجتماعی، یعنی پایه ای و ریشه ای کردن آن در متن و عمق جامعه است. زمانی گویند چیزی، فکری، یا پدیده ای نهادینه شده که در روند استواری مبتنی بر سه ویژگی سازمان یافته بودن، سیستماتیک و ثابت شدن قرار گیرد به گونه ای که در جامعه پذیرفته شده باشد (۴) و همچنین نقش و کارکردهایی مشخص و محسوس از آن مشاهده گردد. برخی جامعه شناسان (۵) معتقدند که نهادینه شدن، مستلزم گذر از سه مرحله یا مقطع زمانی برون گرایی، عیثیت گرایی و درون گرایی است. منظورشان از برون گرایی انجام یک عمل، و از عیثیت گرایی تلقی و تفسیر آن عمل به عنوان یک واقعیت اجتماعی مستقل از فرد و از درون گرایی تبدیل این دنیای عینی به دنیای درونی می باشد. در دانش مدیریت، یکی از نظریات مطرح درباره ی نهادینه شدن، الگویی است که مبتنی بر تلقین ارزش ها بوده و سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط دارد. بر اساس آن، ارائه یا تلقین ارزش ها به یک

ص: ۳۲

-
- ۱- ر.ک. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، جلد اول، ص ۴۳ و ۵۳، و همچنین نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۲۲.
 - ۲- غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، ج ۱، ص ۲۵.
 - ۳- علت آن شاید یکی از این موارد باشد؛ در مقام تبیین تهذیب نفس بوده اند، معتقدند تهذیب نفس مقدم بر اصلاح جامعه است، با تهذیب نفس یکایک افراد، جامعه نیز اصلاح خواهد شد.
 - ۴- محسنی، منوچهر، جامعه شناسی، ص ۴۳۲.
 - ۵- برگر (Peter Ludwig Berger) و لاکمن (Luckmann Thomas).

ساختار یا فرآیند، نهادینه شدن آن را تقویت و تثبیت می نماید. (۱) می توان گفت حاکم شدن ارزش های اساسی و درونی شدن این ارزش ها در افراد، دو رکن اساسی نهادینه سازی است که نیازمند به سپری شدن فرایند زمانی خاص می باشد. یکی از آثار چنین نهادینه سازی، این است که رفتارهای خود انگیخته و پیش بینی ناپذیر، جای خود را به رفتارهای نظام یافته و پیش بینی پذیر می دهند. (۲) جهت فهم بهتر مفهوم نهادینه شدن، باید با تعاریف فرهنگ آشنا بود (۳) چون ارزش ها یکی از مؤلفه های فرهنگ شمرده شده است. (۴)

لازم به ذکر است که اگر آموزه های مهدوی به گونه ای در جامعه رواج پیدا کند که مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها، هنجارها، رسوم، سنت ها، شعائر و اعمال خاص پذیرفته شده در یک جامعه را در بر گیرد، (آن آموزه ها نهادینه شده و) فرهنگ مهدویت شکل می گیرد. (۵) این فرهنگ، ترکیبی منسجم و بی همتا از عشق، شعور و آگاهی را فراهم می آورد و در نتیجه فرهنگ مهدویت که حاکی از روش، منش، کنش، نگرش و بینش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است را تشکیل می دهد. (۶)

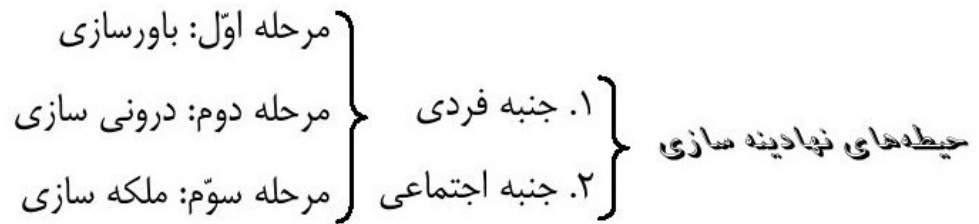
آموزه های مهدوی برای فرهنگ، تأمین محتوا می کنند. اگر از آن آموزه ها بتوانیم اصول، مبانی و همچنین روش های آن فرهنگ منسجم و نظام مند، مرکب از اندیشه، هنر، شیوه ی زندگی، آداب و رسوم و همچنین بایسته های الگوهای رفتاری جامعه را به دست آوریم، به مباحث نظری آن راه یافته ایم. حال اگر در جامعه و بین عموم مردم، چنان شناختی نسبت به آن اصول و مبانی به وجود آید که باعث علقه ی شدید جامعه به آن ها گردد و به گونه ای عملیاتی و اجرایی شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد، فرهنگ مهدوی محقق شده است.

ص: ۳۳

-
- ۱- تاسی، هنری، تئوری های سازمان، ترجمه ی علی پارسائیان، ص ۳۳۳.
 - ۲- کوئن، بروس (Bruce Cohen)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس، غلام عباس توسلی و رضا فاضل، ص ۱۵۳.
 - ۳- ر.ک: پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، و آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۳۰.
 - ۴- ر.ک: مور، استفان (Stephen Moore)، کلیات جامعه شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل ج ۱، ص ۱۸.
 - ۵- ر.ک: بهروزلک، غلام رضا، «اقتراح» (مصاحبه فصل نامه انتظار موعود)، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۲، صص ۳۵-۳۸.
 - ۶- آیت اللّهی، محمدتقی، همان، صص ۳۹-۴۱.

اشاره

با الهام از مطالب یادشده پیرامون مفهوم شناسی نهادینه سازی، می توان چنین نتیجه گرفت که برای نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان دو جنبه فردی و اجتماعی قابل تصوّر است و در این پژوهش، راه کارهای تربیتی به گونه ای مورد بررسی قرار می گیرند که برای هر دو جنبه، به کار آیند و مفید واقع شوند. حال توضیحی مختصر پیرامون دو جنبه ی مذکور از نظر می گذرد.



۱. جنبه فردی

اشاره

جهت نهادینه سازی آموزه های مهدوی در هر شخص، باید از بهترین سنّ تأثیرپذیری و تربیت پذیری یعنی دوره ی کودکی آغاز کرد و پس از آموزش و انتقال صحیح آن آموزه ها به کودکان، سه مرحله طی شود.

مرحله اول: باورسازی

باید کاری کنیم (روش هایی اتخاذ کنیم) تا آموزه ها در کودک به صورت باوری محکم و استوار درآید و به تمام معنا، اعتقادی محکم و راسخ نسبت به آن ها پیدا کند به گونه ای که راه برای حتّی ذرّه ای شک و تردید در دلش نسبت به درستی آن ها پیش نیاید.

مرحله دوم: درونی سازی

لازم است ذهن (حیطه ی شناختی) و عاطفه (حیطه ی گرایشی) کودک چنان نسبت به باورهای مهدوی تحریک گردد تا از درون ملتزم به انجام اعمالی متناسب با آن ها بوده و هیچ احتیاجی به ناظر بیرونی نداشته باشد و نوعی خودکنترلی حاصل از درک حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در او به وجود آید.

مرحله سوم: ملکه سازی

باید از طریق کثرت تکرار حالات و رفتارهای مهدوی توسط کودک، صفات نیکوی

مهدوی در روح و جان وی نفوذ کرده و پس از استواری، پایداری و راسخ شدن به صورت ملکه در آید. از آثار چنین حالتی آن است که انجام رفتارهای مهدوی متناسب با آن ملکه، برای کودک آسان و بی تکلف می شود. همچنین، به صورت خودکار و بدون درنگ در جای مناسب از او صادر می گردد. بنابراین اگر آن رفتار در کودک نهادینه شود، دائماً از او سر می زند، گویی جزیی از شخصیت او شده است.

۲. جنبه اجتماعی

برای این که آموزه های مهدوی در متن و عمق جوامع کوچک کودکانه مثل مهد کودک، پیش دبستانی و مدرسه نهادینه شود، می توان یک برنامه ی بلندمدت سازمان یافته، نظام مند و ثابت تنظیم نمود که حاوی اصول، شرایط و راه کارهای اجرایی باشد. مثلاً یکی از آن اصول این است که به گونه ای عمل شود تا آثار و کارکردهای باور به آموزه های مهدوی هر چه بیشتر برای کودکان نمایان و مشهود باشد. افزون بر آن، باید باورهای مهدوی، التزام و وفاداری دائمی نسبت به آن ها، توجه به شاهد و ناظر محترمی همچون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، استمرار و تکرار رفتارهای مهدوی در بین کودکان به صورت ارزش در آید. چون نهادینه شدن آموزه های مهدوی، ارتباط تنگاتنگی با نوع نگرش به آن ها دارد. بر این اساس، زمانی در مدرسه، فرهنگ معارف مهدوی نهادینه می گردد که آن ها به عنوان یک ارزش تلقی شوند. یکی از راه کارهای تحقق چنین امری، این است که آن امور، ملاک و معیار توجه ویژه و تشویق علنی مرئیان قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در بحث نهادینه سازی، باید تمام عوامل و نهادهای تأثیرگذار مانند خانواده، نظام آموزش و پرورش، مدرسه و پیش دبستانی، محیط زندگی، رسانه ها، مکان های مذهبی مثل مسجد بررسی شوند. همچنین با توجه به ظرفیت ها و قابلیت های آن ها، میزان تأثیرگذاری هر یک مشخص شود و راه کار و روش هایی متناسب با آن نهادها طراحی گردد. راه کارهای مورد بحث در پژوهش حاضر، عمومی بوده یعنی هر یک از نهادهای مذکور می توانند جهت نهادینه سازی از آن ها بهره ببرند.

مفهوم شناسی واژه ی ترکیبی «آموزه مهدوی»، مبتنی بر معناشناسی دو واژه «آموزه» و «مهدوی» و همچنین برخی کلمات هم خانواده ی تأثیر گذار در فهم معنا است.

الف) آموزه

در فرهنگ لغت فارسی، واژه ی «آموزه» به معنای «درس» آمده و به نظر می رسد به معنای مواد، مفاد و محتوایی است که در فرایند آموزشی قرار گرفته و به یاد گیرندگان منتقل می گردد. به تعبیر دقیق تر، به مسائل اصلی و تک گزاره های محوری یک محتوای آموزشی، «آموزه» اطلاق می شود مثلاً جمله «منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اعتقاد خود را به ایشان تقویت می کنند» یک آموزه مهدوی است. مقصود از «آموزش» نیز معنای اصطلاحی عام آن یعنی هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده با هدف ایجاد یادگیری در یاد گیرندگان می باشد (۱) و شامل انواع آموزش ها، اعم از رسمی و کلاسیک و غیر رسمی نیز می شود، به گونه ای که نه مقید به مکان و زمان ویژه است و نه مخاطبان ویژه ای دارد، حتی شامل آموزش های تلویزیونی و از راه دور هم می شود. (۲)

ب) مهدوی

واژه «مهدوی» به لحاظ ساختاری، اسم منسوب بوده که از الحاق «ی» نسبت، به کلمه «مهدی» ساخته شده است. (۳) واژه «مهدی» نیز صفت مفعولی از ریشه «ه دی» بوده و به معنای هدایت شده آمده است (۴) ولی در اصطلاح، لقب خاص امام دوازدهم شیعیان

ص: ۳۶

- ۱- سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی، ص ۱۴.
- ۲- اقتباس از حسینی زاده، سید علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، ص ۲۲.
- ۳- جهت اطلاع از نحوه ی اشتقاق و پدید آمدن واژه ی «مهدوی»، ر.ک: طباطبایی، محمد رضا، صرف ساده، ص ۱۶۹ و لطیفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، صص ۱۸-۱۹.
- ۴- «هدی» یعنی پیش افتادن برای نشان دادن راه درست (الرازی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، صص ۴۳-۴۲) همچنین مهدی بر کسی اطلاق می شود که به رشد و رستگاری هدایت شده، از گمراهی به دور باشد (الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج ۱۰، ص ۴۰۶) و خداوند به راستی وی را به راه حق برده (ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثار، ج ۴، ص ۲۴۴) و به سوی حق و حقیقت راهنمایی کرده است. ایشان فردی از اهل بیت علیهم السلام می باشد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بشارت ظهورش را داده اند و جهان را پس از آکنده شدن از ستم، سرشار از عدالت خواهند ساخت. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵)

می باشد.

بنابراین، واژه «مهدوی» یعنی اموری (اشیاء، اشخاص، مطالب و...) که منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. واژه «مهدویت» نیز تقریباً به همین معنی است. (۱) امروزه اصطلاح (مهدوی و) مهدویت (با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی ها، مقاله ها، کتاب ها، نشریه ها و مانند آن) برای اشاره به آموزه ها و بحث هایی در نظر گرفته می شود که به گونه ای با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط دارد. (۲)

ج) مقصود از آموزه مهدوی

اشاره

با توجه به توضیحات یاد شده پیرامون «آموزه» و «مهدوی»، می توان گفت: آموزه مهدوی (یا معارف مهدوی) (۳) یعنی مطالب، مباحث، معارف، درس ها و تک گزاره هایی که در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا به گونه ای مرتبط با ایشان است. این تعریف عام، شامل مباحث زیاد و متنوعی می شود مانند اوصاف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادعیه ی مهدوی، تاریخ زندگی، غیبت و علل آن، فوائد امام غائب، ملاقات ها و تشرف ها، توقیعات، داستان های مهدوی، طول عمر، شرایط و علائم ظهور، هدایت و مدیریت امام در زمان غیبت و ظهور، حکومت جهانی به رهبری امام، جامعه ی موعود و آرمانی، جایگاه و نقش امام در

ص: ۳۷

۱- برای «مهدویت» از نظر ساختاری، دو وجه مصدر صناعی و وصف برای موصوف محذوفی نظیر «العقیده»، «المسائل» یا «المباحث» متصور است که ساختار اخیر صحیح تر به نظر می رسد. (ر.ک: لطیفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، ص ۱۹) به این ترتیب، «مهدویت» به معنای عقائد، مباحث و مسائلی است که منسوب و مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و پیرامون ایشان می چرخد.

۲- سلیمیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۴۳۴.

۳- در عرف مردم و مطبوعات، تفاوت معنایی بین آن «آموزه» و «معارف» نیست و تغایر فقط در جایگاه استعمال است. مثلاً وقتی مباحثی، در فرآیند آموزش به مردم قرار گیرد یا به قصد الگودهی برای سبک زندگی مطرح شود، به آن آموزه می گویند ولی اگر به عنوان درس دانشگاهی یا مباحث نظری امامت، جلوه گری کند به آن معارف گویند. با توجه به معنای ریشه آن (عرف) که شناختن و علم پیدا کردن است وقتی «معارف» اضافه به «مهدوی» شود یعنی مجموعه مطالب، مباحث و اموری که به واسطه آن ها، ره یافتگی و هدایت شدن یا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بحث های مرتبط با ایشان شناخته می شود.

عصر غیبت کبری، انتظار و ویژگی های منتظران و جامعه منتظر. اما منظور از «آموزه مهدوی» در این پژوهش، مفهومی اخصّ بوده که ضمن بیان دو نکته، روشن می شود.

نکته یکم: نگاه فراگیر

در مورد هدف از طرح آموزه های مهدویت، دو دیدگاه وجود دارد: یکی نگاه انحصاری به آینده که بر اساس آن، باید معارف مهدوی تعلیم، تدریس و تبیین شوند تا در آینده وقتی موعود جهانی ظهور کرد بتوانیم او را در اموری مانند تشکیل حکومت جهانی یاری و حمایت نماییم. دیگری، نگاه فراگیر با این توضیح که معتقدیم امام علیه السلام حجّت حئی و واسطه فیض الهی است و نعمت و رحمت الهی از طریق ایشان به ما می رسد. بر این اساس، شناخت و شناساندن مقام امامت و به طور کلی آموزه های مهدوی در تربیت، رشد و شکوفایی همه جانبه ی انسان در هر زمانی (حال و آینده، غیبت و ظهور) نقشی مؤثر و کلیدی دارد. با این عقیده، می توان برای آینده روشن یعنی ظهور نیز آماده بود. هدف از طرح آموزه های مهدوی، یک نگاه فراگیر است نه نگاه انحصاری به آینده.

نکته دوم: رویکرد آموزه ای

مقصود از «آموزه ی مهدوی» در پژوهش پیش رو، رویکرد آموزه ای است یعنی رویکردی جامع و سامان مند به مهدویت به معنای مجموعه معارف منسجم و نظام مند در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. این نوع نگاه، در مقابل رویکرد گزاره ای (یا تک واره ای و موردی) به معنای پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه، داستان های مهدوی یا بخشی از آن ها به صورت موردی و جزئی است. (۱) البته به رویکرد گزاره ای و شیوه های انتقال آن به صورت جزئی اشاراتی خواهد شد ولی غرض اصلی، همان رویکرد

ص: ۳۸

۱- توضیح بیشتر رویکرد آموزه ای؛ اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است. جهانیان در انتظار او به سر می برند و رسالت زمینه سازی ظهور او را بر عهده دارند. او در حضور و غیبت خود، حرکت جامعه جهانی و به طور خاص جوامع اسلامی را در رسیدن به جامعه آرمانی و پیروزی حق بر باطل، هدایت و مدیریت می کند. (پورسید آقایی، مسعود، مهدویت و رویکردها، فصل نامه مشرق موعود، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴، ص ۶) لازم به ذکر است رویکرد دکترین نیز مطرح شده که به دلیل عدم ارتباط با بحث ذکر نگردید. ر.ک. همان.

آموزه ای است. زیرا مقصود از نهادینه سازی معارف مهدویت، تربیت کودکان برای جامعه مهدوی و نسل منتظر بوده و این خود از بزرگ ترین مؤلفه های زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می آید. تحقق این امر خطیر، نیازمند مجموعه معارف نظام مند و منسجم در مورد مهدویت است به همراه اصولی که راهنمای عمل در حوزه ی کودک باشد.

این امور، با صرف دانستن گزاره ای از مهدویت بدون تأمل، تحلیل، استخراج مبانی و اصول فایده ی تربیتی نداشته و ما را به مقصد نمی رساند. اما با رویکرد آموزه ای غرض حاصل می شود.

پنج. کودک

در زبان فارسی واژه «کودک» به معنای کوچک، صغیر، (۱) طفل، (۲) بچه، خردسال، (۳) صبی، نوباوه و فرزندگی که به حد بلوغ نرسیده استعمال شده است. کودکی به عنوان یک گستره ی سنی متمایز از دوره های دیگر زندگی، در بیانی ساده به دوره ای اطلاق می شود که از تولد یا بعد طفولیت آغاز و تا دوران نوجوانی ادامه دارد. سنّ دقیقی را نمی توان برای آغاز و پایان آن گفت، زیرا انسان موجود پیچیده ای است که از زوایای مختلف جسمانی، روانی و هیجانی، اخلاقی، اجتماعی و... قابل بررسی بوده و نمی توان واقعیت زندگی وی را به طور دقیق طبقه بندی کرد. همچنین تقسیم بندی رشد او به خاطر وجود تفاوت های فردی نشأت گرفته از عوامل ارثی و محیطی مانند اختلاف فرهنگ، وضع اجتماعی و اقتصادی دشوار است. (۴) دانشمندان علوم مختلف، تعاریف و توصیفات گوناگونی پیرامون کودک ارائه کرده اند که این پژوهش، متأثر از آموزه های دینی درباره دوره کودکی و مرتبط با نظر روان شناسان شکل گرفته است. زیرا عهده دار بحث در مورد جنبه های شخصیت کودک نسبت به آموزه پذیری، تربیت پذیری و یافتن راه کار تربیتی می باشد. روان شناسان به دلایل گوناگون، کودکی را به دوره های پی در پی کوتاه تر تقسیم

ص: ۳۹

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۶۸۸.

۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۳۱۱۷.

۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۹۱.

۴- رضایی، حمیدالله، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان، ص ۳۵.

کرده اند (البته با اختلاف نظری اندک در تعیین هر دوره) که عبارت است از

کودکی اول: دو تا چهار سالگی

کودکی دوم: چهار تا هفت سالگی

کودکی سوم: هفت تا دوازده سالگی. (۱)

در این پژوهش از بین دوره های مذکور، کودکی دوم انتخاب شده و بر این اساس، مراد از کودک در این نوشتار سنین چهار تا هفت سال می باشد. علت چنین گزینشی آن است که راه کارهای تربیتی که معرفی می شود، غالباً بر اساس ویژگی های کودکی تنظیم شده که از یک سو، خزانه واژگان و قدرت برقراری روابط اجتماعی در او تا حد زیادی پیشرفت کرده به گونه ای که می توان به راحتی با او تعامل و گفتگو داشت و از سوی دیگر، هنوز توانایی خواندن و نوشتن نداشته و به مدرسه راه پیدا نکرده است. یعنی زبان آموزه پذیری وی، شنیداری و دیداری است.

گفتار دوم: ویژگی های راه کار تربیتی

اشاره

جهت دست یابی به بینشی صحیح نسبت به موضوع تربیتی این پژوهش، افزون بر تعریف و تبیین مفاهیم کلیدی، بیان ویژگی های راه کار تربیتی نیز لازم است، به همین خاطر، به سه مورد از مهم ترین آن ها اشاره می گردد.

یک. مؤثرترین روش و ماندگارترین اثر

برای نهادینه سازی و تعمیق بخشیدن اندیشه یا رفتاری در وجود کودکان، راه کارهای مختلفی می توان تصور کرد، ولی بهترین، اثر بخش ترین و ماندگارترین آن ها، راه کار تربیتی بوده که در مسیر شکل گیری شخصیت آنان قرار می گیرد. تأکید بر قید «تربیتی» به جهت محدود کردن «راه کار تربیتی» و جداسازی آن از راه کار سیاسی، نظامی، اقتصادی و مانند آن است. به دیگر سخن، در برخی نهادها و محیط های آموزشی علمی، نظامی، سیاسی، اداری و... روش ها و راه کارهایی جهت تفهیم و نهادینه سازی آموزه ها و ارزش ها، استفاده می شود که اگر چه بر دیگران اثرگذار بوده ولی از دایره ی بحث این

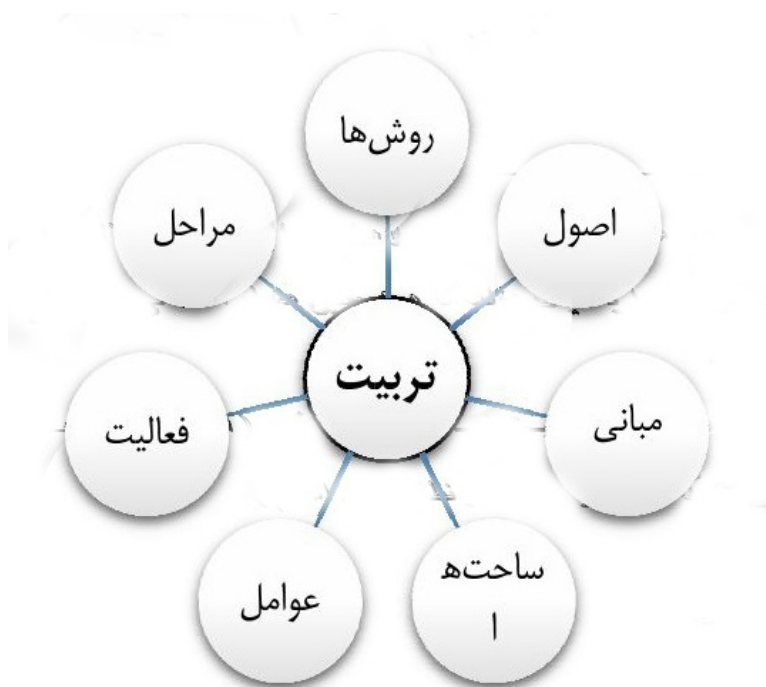
ص: ۴۰

پژوهش بیرون است، زیرا اولاً اجبار و مراقبت شدید، محرک و ضامن اصلی اجرای آن‌ها است. ثانیاً، اصرار بر انجام، بیشتر به خاطر حفظ نظم آن محیط‌ها و سازمان‌ها بوده نه به قصد تربیت. ثالثاً، افزون بر شواهد وجدانی، آمارها نشان می‌دهند که غالباً اثری ماندگار نداشته و به محض جدا شدن فرد از آن نهاد، ارزش‌ها و رفتارهای آموزش داده شده به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین، قلمرو بحث ما در پژوهش پیش رو، معرفی و بررسی راه کارهایی است که در فرآیند تربیتی صحیح قرار می‌گیرند.

دو. لزوم سازگاری روش با دیگر مؤلفه‌های تربیتی

میان اجزاء تشکیل دهنده نظام تربیتی، باید سازواری وجود داشته باشد، پس لازم است روش‌های تربیتی با سایر مؤلفه‌ها از قبیل فعالیت، اهداف، مبانی و اصول هماهنگ و مرتبط باشند تا با یکدیگر در تعارض و سایش نبوده بلکه مکمل و معاضد هم باشند. ضرورت این هماهنگی، گزینش روش‌ها را دشوار، محدود و مقتید می‌کند؛ مثلاً برای رسیدن به یک هدف، نمی‌توان از هر روشی بهره برد. لازم به ذکر است که در برخی کتب تربیتی، ناهمخوانی بین معرفی مؤلفه‌ها مشاهده می‌گردد مثلاً یک مورد در کتابی «مبنا» و در نوشته‌ای دیگر «اصل» و در جایی دیگر «روش» خوانده می‌شود. این امر، شاید به دلیل پیوند تنگاتنگ و پی‌نهادی میان روش و دیگر عناصر تربیتی است. (۱) در این پژوهش، بحث پیرامون دو روش منتخب تلقین و الگومایی و راه کارهای آن‌ها، با در نظر گرفتن هماهنگی با تمامی مؤلفه‌های نظام تربیتی اسلام به همراه توجه به معیار اسلامی بودن روش است. (۲) برخی تربیت‌پژوهان، ارتباط بین روش‌ها، اصول و مبانی را زایشی می‌دانند با این بیان که هر روش از یک یا چند اصل خاصی گرفته شده و مبتنی بر آن‌ها است، همچنین اصول را متکی و برخاسته از مبانی دانسته اند. (۳)

(نمودار لزوم ارتباط مؤلفه‌های تربیتی)



ص: ۴۱

۱- رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۲- جهت توضیح نحوه ارتباط روش با یکایک مؤلفه‌ها و همچنین معیار اسلامی بودن ر.ک. مصباح، محمّد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت،

۳- ر.ک: (خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۴) و (ابوطالبی، مهدی، تربیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و (مرتضوی، محمد، اصول و روش ها در نظام تربیتی اسلام)

روش‌ها همچون اصول، از سنخ دستورات عمل‌اند و به صورت گزاره‌های خبری بیان می‌شوند که حاوی «باید و نباید» است و به ما می‌گویند که برای رسیدن به هدف معین چه باید کرد با این تفاوت که اصول، دستورات عمل‌های کلی‌اند در حالی که روش‌ها، در عین کلیت و انتزاعی بودن، نسبت به آن‌ها جزئی‌تر هستند. (۱)

گفتار سوم: گونه‌شناسی راهکار تربیتی

برای راه‌کارها و روش‌های تربیتی، دسته‌بندی‌های مختلفی ذکر شده (۲) که بر اساس تنوع فعالیت‌ها، اهداف، ساحت‌ها، عوامل، موانع و مراحل مختلف تعلیم و تربیت و همچنین اختلاف مراتب طولی خود روش‌ها شکل گرفته است. (۳) برخی پژوهشگران، جهت تفکیک و تمایز این مراتب در نام‌گذاری برای مراتب کلی‌تر، عنوان «روش» و برای مراتب جزئی و جزئی‌تر عناوینی مانند قالب، شیوه، فن، شیوه اجرایی و روش جزئی‌تر انتخاب نموده‌اند.

ص: ۴۲

-
- ۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۴ و مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۴۴۷، در ضمن به خاطر اختصار و سهولت ارجاع، اصول و روش‌های مطرح در این نوشتار، به صورت عناوینی ناظر به گزاره‌های آن‌ها بیان می‌گردد.
 - ۲- افزون بر منابع مذکور در پی‌نوشت شماره ۳ صفحه ۳۹ همین نوشتار، ر.ک. (داوودی و حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام) و (حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی) و (مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۴۵۲-۵۱۱)
 - ۳- تقسیم روش‌ها با توجه به مراتب طولی یا درجه‌ی کلیت یعنی روش‌ها بر اساس مراتب طولی خود آن‌ها قابل تقسیم هستند چون روش‌ها با عناوینی کلی بیان می‌شوند و می‌توان برای آن‌ها، مراتبی در نظر گرفت، به گونه‌ای که از نظر درجه‌ی کلی بودن با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، برخی از روش‌ها مصداق روش‌های دیگر محسوب شوند. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۴۸ و ۴۵۲.

البته در نام گذاری مذکور، اختلافاتی مشاهده می شود. برخی دیگر معتقدند؛ در تعلیم و تربیت بین سه واژه ی روش، شیوه و فن تفاوت اساسی وجود دارد و برای هر کدام تعریفی جداگانه ارائه می کنند. (۱) برخی دیگر، آن سه را مراحل و اجزاء یک روش کلی می دانند. (۲)

فارغ از اختلافات مذکور، در این پژوهش، از عناوین سه گانه ی ذیل استفاده می شود؛

الف) «روش تربیتی»، مقصود از آن، روش های کلی از قبیل تلقین و الگودهی است.

ب) «شیوه کلی کاربردی و اجرایی»، منظور از شیوه کاربردی، اموری جزئی مانند پیوند دادن پیام با واقعیات زندگی کودک، در معرض داوری قرار دادن او و همچنین ترغیب به الگوشدن است که برای به کارگیری آن روش های کلی تربیتی، مورد استفاده قرار می گیرند.

ج) «قالب اجرایی»، مقصود از قالب اجرایی نیز، اموری جزئی تر و محسوس تر بوده که بیشتر نقش ابزار اجرایی را برای روش های پیشین ایفا می کنند مانند قصه گوئی، شعر و نمایش.

بنابراین، اصطلاح «راه کار تربیتی» ذکر شده در عنوان پژوهش حاضر، با هدف شمولیت بر تمامی موارد مذکور انتخاب شده و هدف از بیان آن ها، تبیین برخی نمونه ها بوده، نه استقصای کامل. (۳)

ص: ۴۳

۱- رک: فرمینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۳۶۹.

۲- رک: حسینی زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی، ص ۳۰.

۳- لازم به ذکر است که؛ از یک سو، نگارنده منبع قابل استنادی که در آن، با تبیین و توضیح راه کارهای تربیتی به نهادهای سازی آموزه مهدوی در کودکان پردازد نیافت و منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند، غالباً به طور کلی روش ها، شیوه ها و قالب های تربیت و انتقال مفاهیم را بررسی کرده اند و در موارد اندکی نیز مرتبط با مفاهیم کلی دینی از سوی دیگر، این راه کارها عام بوده و ذاتاً اختصاص به انتقال و نهادهای سازی آموزه دینی و مهدوی ندارند. پس در این نوشتار، در بسیاری از موارد به خاطر بهره بری بیشتر از آن راه کارها و همچنین یک پارچه گی و یکنواختی عبارات و رعایت اختصار، غالباً از نقل قول مستقیم پرهیز شده و با استناد به همان منابع، مطالب آن ها در قالب نهادهای سازی معارف مهدویّت در کودکان بیان می گردد.

ساختار اصلی این پژوهش، تبیین دو روش تربیتی تلقین و الگونمایی جهت نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی آنان است. موفقیت در این امر، پیش نیازهای مهمی پیرامون دوران کودکی و آموزه مهدوی دارد که این فصل در راستای تأمین برخی از آن ها تدوین و تنظیم گشته است. بنابراین در اینجا پس از تبیین جایگاه دوران کودکی در قالب اهمیت شناخت و توصیف این مرحله سنی از منظر معصومین علیهم السلام، به توضیح دقیق ویژگی های کودک در سه محور شناختی، عاطفی و رفتاری پرداخته می شود. در این صورت افزون بر بازشناسی خصوصیات آموزه پذیری و تربیت پذیری کودک، ویژگی های تأثیرپذیری او نسبت به تلقین و الگو و همچنین دلیل انتخاب این دوره جهت نهادینه سازی آموزه ها روشن می گردد. در پایان نیز به بحث گونه شناسی و گزینش آموزه های مهدوی متناسب با این مرحله از زندگی و برخی شاخص های آن اشاره می شود.

عناوین اصلی فصل دوم

۱- بازنمایی جایگاه دوران کودکی

۲- بازشناسی ابعاد شخصیت کودک

۳- گونه شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان

۴- دسته بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک

ص: ۴۶

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کسی که بدون دانش و شناخت، دست به انجام کاری زند، مانند رونده ای در بیراهه است که هر چه سرعتش بیشتر باشد از مقصد دورتر خواهد شد و با سرعت رفتن، جز دوری و گمراهی چیزی بر او نمی افزاید.» (۱)

بر این اساس، ابتدا باید شخصیت کودک و تمام ابعاد وجودی او، آن گونه که هست شناخته شود، سپس در پی یافتن موضوعات و گزاره هایی متناسب با فهم او باشیم. شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، قابلیت ها، کاستی ها و نیازهای کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر تربیت و انتقال مفاهیم مهدوی به ویژه مفاهیم انتزاعی آن ها به شمار می آید. به همین خاطر، برای دست یابی به راه کارهای صحیح انتقال و نهادینه سازی آموزه ها از طریق روش های تربیتی، ابتدا نیازمند توجه به مراحل رشد و ویژگی های آن ها هستیم. افزون بر آن باید نسبت به ابعاد مختلف رشد مانند رشد جسمی، فکری، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی کودک آگاهی کافی داشته باشیم که این آگاهی، کلید حل بسیاری از نابهنجاری های رفتاری و مشکلات روحی - روانی آن ها خواهد بود. بر این اساس، در اینجا به بررسی و شناسایی بخش هایی از خصوصیات کودکان خواهیم پرداخت که ارتباط بیش تری با تربیت پذیری و آموزش پذیری این دوره دارد.

ص: ۴۷

۱- «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعُهُ السَّيْرَ إِلَّا بُعْدًا»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۳).

پیرامون شناخت دوران کودکی، ابتدا به سراغ کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام می رویم (۱) که سیره و سخنان عین حق است، چون متصل به وحی اند. روایات «سبع سنین» نمونه ی بارز توجه ایشان به این دوره از زندگی انسان و همچنین نشان گر اهمیت آن در تربیت

اسلامی است که مراحل زندگی از تولد تا جوانی را به بخش های هفت ساله تقسیم می کند و برای هر بخش، ویژگی یا وظیفه ی تربیتی خاصی معین می نماید. حال به برخی از آن ها اشاره می شود. امام علی علیه السلام در ضمن روایتی، هفت سال اول زندگی را سنّ تربیت و پرورش می نامند (۲) که شامل پرورش جسمی نیز می شود. این نشان گر آن است که توجه به رشد جسمی کودک در کنار رشد فکری و معنوی وی از اهمیت بالایی برخوردار است. رشد و نموّ جسمی انسان در دوره ی کودکی، با تأمین خواسته های بدنی و نیازهای جسمی او از طریق امکانات و وسایل مادی از قبیل غذا، بهداشت مناسب، آب، هوا، مسکن، خواب، استراحت، بازی و امثال آن انجام می پذیرد. البته باید توجه داشت که هر کودکی برحسب سن، حالات فیزیکی، شرایط جسمی و جنسی، نیازهای متفاوتی دارد.

حضرت علی علیه السلام در سخن دیگری، از کودک در این دوره به ریحان و گل خوشبو تعبیر کرده اند و فرمودند: «فرزند تو هفت سال ریحان و دسته گل توست» (۳) که این تعبیر هم حاکی از اهمیت دادن به کودک است، زیرا ریحان در عین لطافت و ظرافت، نیاز به مراقبت شدید دارد تا تازگی و طراوت خود را هم چنان حفظ کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از این مرحله از زندگی به دوره ی سیادت و آقایی کودک یاد می کنند. (۴) لغت «سید» به معنای آقا، بزرگ تر و سرور است که می تواند اشاره به این باشد که

ص: ۴۸

۱- از آنجا که هنوز پژوهشی عمیق در مورد مفهوم شناسی واژگان احادیث معصومین علیهم السلام پیرامون دوره ی کودکی انجام نشده و نقل آن ها در کنار کلام روان شناسان و کارشناسان تربیتی، ممکن است باعث تفسیر نابجا از آن ها شود، این سخنان تحت عنوانی مجزا ذکر شد.

۲- «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا وَيُشِيتُ خَدْمَ سَبْعًا وَ مُنْتَهَى طُولِهِ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً وَعَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالْتَّجَارِبِ»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۶).

۳- «وَلَدُكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا وَ خَادِمُكَ سَبْعًا ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ»؛ (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۳، ح ۹۳۷).

۴- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۷۰، ح ۶۱۰۴.

کودک در هفت سال اول باید به اندازه ی کافی از نظر شخصیتی مورد احترام قرار گیرد و مرکز توجه اعضای خانواده باشد. دو خصوصیت دوره ی کودکی در کلام امام صادق علیه السلام به چشم می خورد؛ یکی بازی کردن (۱) و دیگری در قالب سفارش به رها و آزاد گذاشتن است. (۲)

در سیره ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین ائمه علیهم السلام شواهدی مبنی بر هم بازی شدن ایشان با کودکان و تأکید فراوان ایشان درباره ی بازی کودک وجود دارد. (۳) حتی تأثیر آن در بزرگ سالی در برخی روایات، چنین تبیین شده است:

«بازی گوشی بچه در کودکی، نشانه ی فزونی خرد و عقل او در بزرگ سالی است» (۴)

«خوب است بچه در کودکی بازی گوش باشد تا در بزرگ سالی حلیم و بردبار گردد». (۵)

به خاطر اهمیت بازی در این دوره، نکاتی پیرامون آن خواهد آمد. (۶) این دوره آن قدر مهم است که امام سجاد علیه السلام پنج حق برای کودک در این سن بیان کرده اند که والدین و مربیان باید به آن عمل کنند. آن حقوق عبارت از مهربانی در آموزش، بخشیدن و پوشاندن (اشتباهات)، مدارا کردن و یاری کردن اوست. (۷) در واقع، این موارد حاکی از نیازهای کودک از جهت روحی روانی، عاطفی و... می باشد. امام علی علیه السلام پیرامون اهمیت

ص: ۴۹

۱- «الْعَلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۳) و «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲، باب حال من يموت من أطفال المشركين و الكفار).

۲- «أَمَهْلَ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَ صَلَحَ وَ إِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ»؛ (همان، ص ۴۶، ح ۲).

۳- ر.ك. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۸۵.

۴- عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ (علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۹۱، ح ۳۰۷۴۷).

۵- عن الامام الكاظم عليه السلام: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ... مَا يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۵۱، ح ۳ و ۲، و صدوق، محمد بن علی، من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۸).

۶- ر.ك. همین فصل، ویژگی های جنبه رفتاری کودکان، ص ۴۵-۴۶.

۷- «حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ، وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ، وَالرَّفْقُ بِهِ، وَالْمَعْيُونَةُ لَهُ...»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۵، ح ۳۲۱۴).

روحیه ی پرسش گری در دوره ی کودکی و تأثیر آن در بزرگ سالی فرمودند:

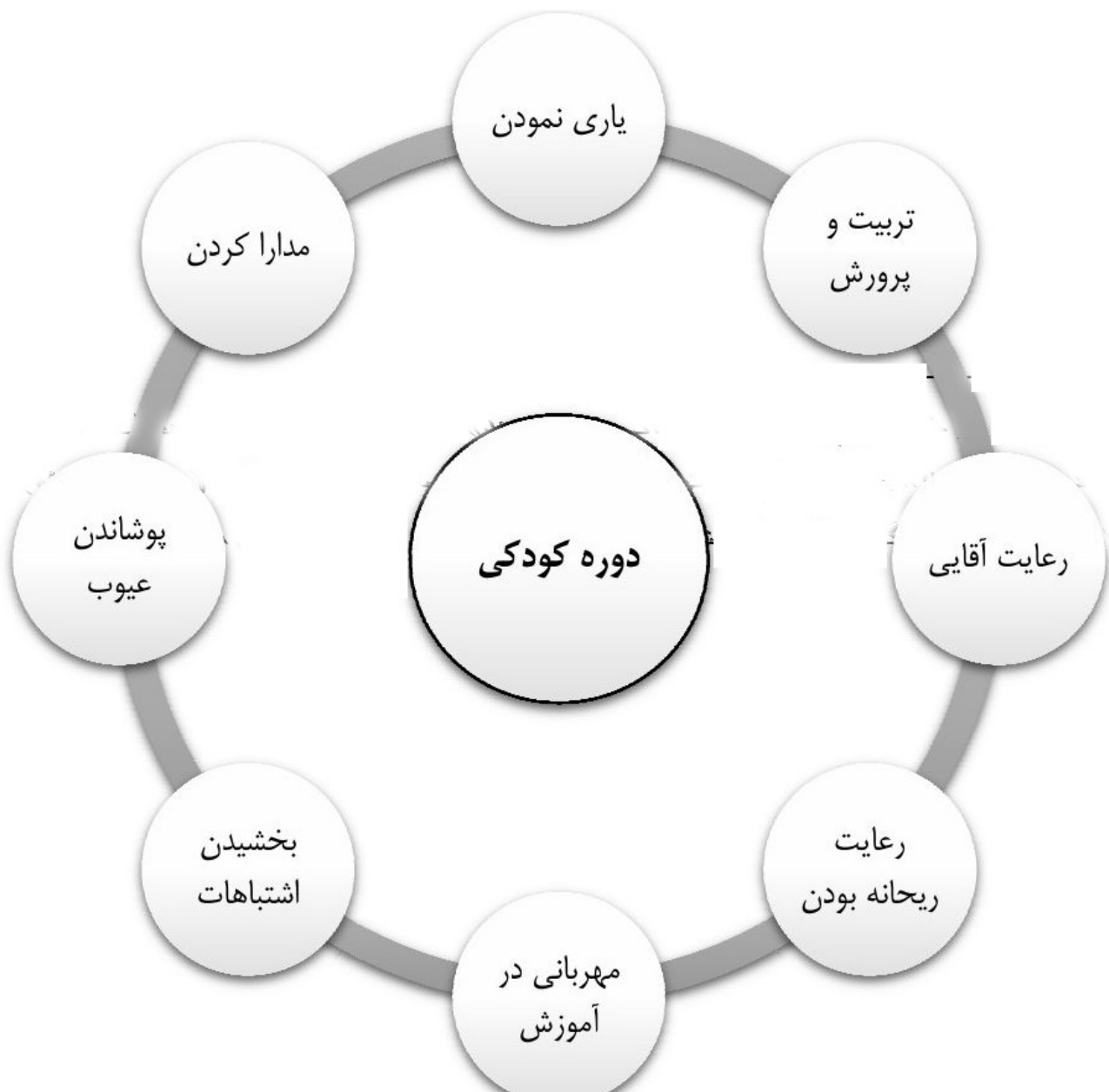
«مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ»

«مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ» (۱)

همچنین می توان به روایت «وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ...» اشاره کرد که ذکرش گذشت. (۲)

نکته مهمی که در جمع بین روایات فوق به ذهن می رسد آن است که در هنگام تربیت فرزند، هر کدام از ویژگی های مذکور برای دوره کودکی را که می خواهیم مد نظر قرار دهیم و هماهنگ با آن، عمل متناسب انجام دهیم، باید مقید به رعایت و توجه به دیگر ویژگی ها نیز باشد. مثلاً یکی از خصوصیات کودک «نیاز به مهربانی در آموزش» است که هنگام به کارگیری روش های تربیتی برخورد متناسب با آن، باید دیگر ویژگی های این دوره سنی مورد توجه قرار گیرد مانند تربیت پذیری، ریحان و دسته گل بودن حاکی از لطافت، سیادت و آقایی، بازی دوستی، رهایی و آزاد بودن، بخشش خواهی، نیاز به مدارا و یاری. مثال دیگر این که «بازی کردن» زمانی برای کودک لذت بخش و آرامش دهنده است که همراه با ویژگی های مذکور باشد.

(نمودار توجه به هماهنگی همزمان ویژگی های دوره کودکی)



ص: ۵۰

-
- ۱- «هر کس در خردسالی بی‌رسد، در بزرگی سالی پاسخ می‌دهد»؛ (آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، ح ۸۲۷۳)؛ «هر کس در کودکی نیاموزد، در بزرگی سالی پیش نمی‌افتد»؛ (همان، ح ۸۹۳۷).
- ۲- ر.ک. فصل اول، گفتار اول، ذیل عنوان «نهادینه سازی در آیات و روایات»، ص ۲۹.

کودکی، به عنوان یک مرحله ی ویژه و حساس در زندگی فرد است به گونه ای که ارکان اصلی زندگی انسان بالغ و رشید، به کیفیت آن دوران بستگی دارد. (۱) دوران کودکی پایه و اساس شخصیت آدمی را تشکیل می دهد. روان شناسی مشهور (۲) می گوید: «کودک در پنج شش سالگی، نسخه ی کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد». (۳) اگر این دوره سرنوشت ساز، آن گونه که در فرمایشات معصومین علیهم السلام موج می زند با عطف و مهرورزی، هم دلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی ترین، سالم ترین و متعادل ترین ستون های تکوین شخصیت پی ریزی می شود.

دوره ی طلایی کودکی درحقیقت، دانشگاه تربیت محسوب می شود که در آن، شاکله ی شخصیتی انسان با پایه ریزی زیر بناهای اعتقادی، اخلاقی و شاخص های رفتاری تشکیل می گردد. از نظر مباحث تربیتی، حساسیت این فصل از زندگی انسان به خاطر آن است که بهترین سن آموزش پذیری و همچنین بهترین دوره برای تربیت پذیری است. در این باره فرهنگ دینی ما مملو از سفارشات معصومین علیهم السلام است که به نمونه هایی از آن اشاره شد. (۴)

ص: ۵۱

۱- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۰.

۲- (Arnold Lucius Gesell ۱۸۸۰-۱۹۶۰)

۳- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۰.

۴- ر.ک. همین فصل و گفتار، ص ۴۵-۴۸.

روان‌شناسان هم با مشاهده رفتار کودکان به برخی از ویژگی‌های این دوره پی برده‌اند. مطالعات روان‌شناسی کودک نشان می‌دهد که سال‌های بین سه تا شش سالگی مرحله‌ی شکل‌گیری شخصیت، تربیت حواس و تربیت تخیل است. (۱) تحقیقات اندیشمندان نظیر کمنیوس، روسو، پستالوزی، فروبل، ماریا نیتسوری و ژان پیازه مؤید اهمیت دوره‌ی کودکی از نظر رشد گویایی، رشد جسمی و حرکتی، رشد عاطفی و اجتماعی، رشد شناختی، اخلاقی و رشد خلاقیت است. (۲) توجه به رشد جسمی کودک نیز برای تربیت وی اهمیت دارد. یکی از وجوه آن اهمیت، این است که در سنین کودکی، شکل‌گیری هویت جنسی کودک و نقش جنسی (پسر یا دختر بودن) رخ می‌دهد. تقریباً در سه سالگی، پسران و دختران تفاوت‌های جسمی خود را می‌یابند که در آینده مرد یا زن خواهند شد و والدین باید جهت موفقیت در تربیت جنسی کودک خود، اطلاعات کافی در مورد مواجهه با آن داشته باشند.

گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک

اشاره

تربیت پژوهان و روان‌شناسان، سه حیطه و ساحت برای انسان در نظر گرفته‌اند که عبارتند از شناختی، عاطفی و رفتاری.

در بیانی ساده، بُعد شناختی مربوط به شناخت دهی و تامین اطلاعات ذهنی کودک می‌شود. حیطه عاطفی مربوط به تامین نیازهای روحی روانی و عاطفی او است و منظور از حیطه رفتاری، تحریک اراده و تصمیم‌گیری و همچنین فعالیت بدنی است. در این جا پس از بیان تعریف و اهمیت هر یک از این حیطه‌ها، ویژگی‌های هر یک در دوره کودکی بیان می‌گردد.

لازم به ذکر است که انتقال هر آموزه‌ای به کودک و یا به کارگیری هر یک از روش‌های تربیتی در گرو توجه به هر سه بُعد شخصیت کودک است. این مساله در ضمن یک مثال تبیین می‌شود.

مرتبان یا والدینی که قصد دارند مفهوم «لزوم یاری امام زمان علیه السلام» را در یک کودک

ص: ۵۲

۱- ر.ک. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، فصل ۱۱.

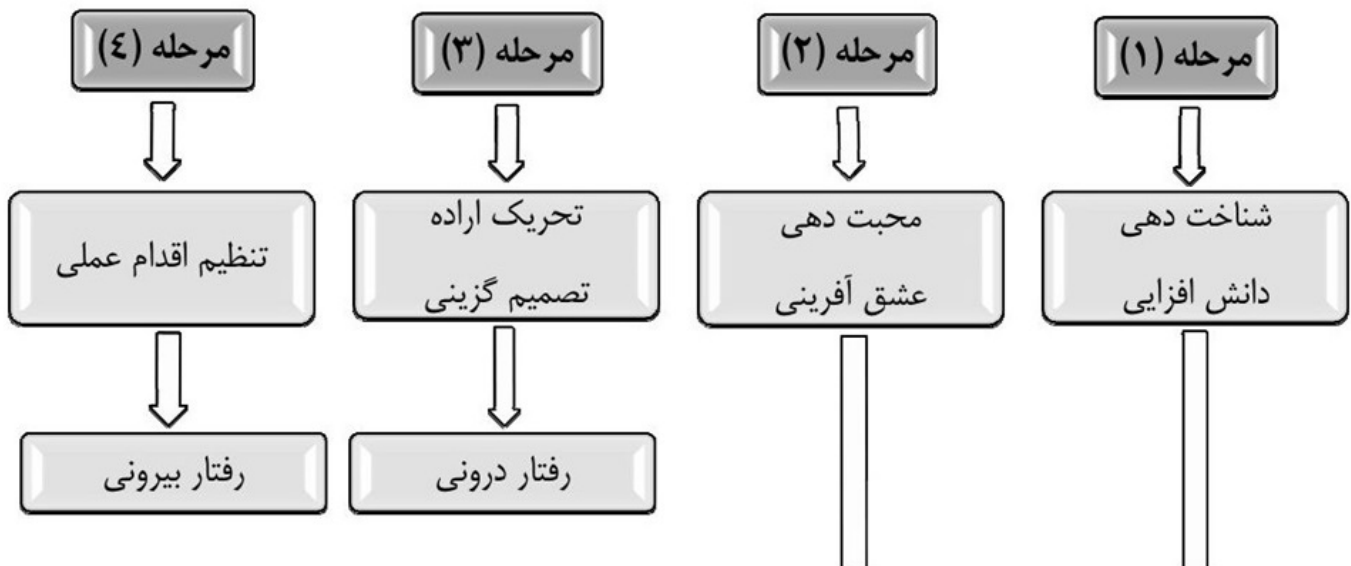
۲- صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، ص ۲۹. البته بدیهی است که نقل سخنی از اندیشمندان روان‌شناسی و تربیتی غرب، دلیل بر قبول تمام نظریات آن‌ها نمی‌باشد.

نهادینه نمایند ابتدا باید با زبان کودکانه از طریق شعر، سرود، قصه و... اطلاعات کافی پیرامون یاری حضرت و اهمیت آن به وی بدهند. سپس عاطفه و امیال او را به سوی یاری مذکور جهت دهی کنند به گونه ای که با جان و دل امام مهدی علیه السلام را دوست داشته و محبت یاری ایشان در دلش جوانه بزند. در مرحله بعدی قوه اراده و تصمیم گیری کودک را به سمت یاری امام مهربان تحریک کنند تا خودش با میل درونی، عمل متناسب را انتخاب و طبق آن، رفتار نماید.

مراحل مذکور را در نمودار صفحه بعد که به طور واضح ترسیم شده، خواهید دید.

نکته مهم دیگر پیرامون ابعاد شخصیت کودک این است که اگر ناهنجاری اخلاقی و رفتاری در او نسبت به آموزه دینی و مهدوی یا امور اجتماعی مشاهده شد، گام اول تربیتی درمان، شناسایی ظرف ناهنجاری است به این معنا که بدانیم اخلاق یا رفتار ناپسند کودک نشأت گرفته از کاستی در کدام حیطه شخصیتی است. اگر مربوط به نقصان در اطلاعات است راه کارهای مخصوص به خود را دارد و اگر مربوط به حیطه عاطفی یا قوه تصمیم گیری و اقدام عملی است نیز راه حل های ویژه خود را می طلبد.

(مراحل نهادینه سازی آموزه مهدوی با توجه به ابعاد شخصیت کودک)



(نمودار کامل ویژگی های کودک به تفکیک سه حیطه شخصیتی)

ویژگی های شخصیت کودک	
۱. تحول زبان	۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی
۲. شکل گیری تصویر ذهنی	۹. شکل گیری خودپنداره
۳. پیش تصویری بودن	۱۰. انعطاف فکری و زودباوری
۴. درون سازی مفاهیم و فعالیت رمزی	۱۱. کنجگاری
۵. زمینه سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان	۱۲. یادگیری مشاهده ای
۶. خود محوری	۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی

حیطه شناختی

۱۴. تحول چشم‌گیر بازشناسی و تحول اندک نگهداری	۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل	
۶. تنوع طلبی	۱. محبت خواهی	حیطه عاطفی
۷. خود نمایی	۲. احترام خواهی	
۸. میل به ارتباط با همسالان	۳. نیازمندی به امنیت	
۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش	۴. نیاز به شادمانی	
	۵. استقلال طلبی	
۴. ناپایداری اراده	۱. تقلید پذیری	حیطه رفتاری
۵. عادت پذیری	۲. دعوت پذیری عملی	
۶. بازی	۳. شتاب زدگی	

یک. حیطه شناختی

الف) تعریف

مقصود از حیطه ی شناختی (۱) در مباحث تربیتی، حوزه هایی است مرتبط با بینش انسان با هدف آموزش یا تقویت آن ها که شامل دانسته ها، یافته ها و دریافت های انسان از خود و دیگران (۲) و همچنین در سطح نهاد شامل باورها، ارزش ها و اطلاعات درباره هدف شناخته شده می باشد. (۳) مراحل از قبیل دانش، درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش یابی برای آن بیان شده است. (۴)

ص: ۵۵

۱- گاهی از آن به جنبه، بُعد و بخش شناختی، حوزه ی معرفتی و ساحت بینشی تعبیر می شود.

۲- مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۳۰.

۳- رضاییان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، ص ۲۰۲.

۴- ر.ک: گرونلند، نورمان ادوارد (Gronlund, Norman Edward)، هدف های رفتاری برای تدریس و ارزش یابی، ترجمه امان الله

هر چند تحوّل شناختی کودک، هماهنگ با تحوّل عاطفی و اجتماعی اوست ولی در عین حال، عامل تأثیرگذار و زیر بنای ابعاد دیگر مانند جنبه گرایشی و رفتاری وی نیز می باشد. (۱) بر این اساس، گرایش ها و رفتارهای مثبت و منفی کودک، مبتنی بر نوعی شناخت نسبت به متعلّق آن ها است، به طوری که ممکن نیست او چیزی را که هیچ شناختی از آن ندارد دوست داشته و رفتاری متناسب با آن انجام دهد، یا از آن بیزار بوده و رفتاری تنفرآمیز از او سرزند. (۲) بنابراین چنان چه یک مربّی بخواهد گرایش به مهدویّت و همچنین انجام رفتاری متناسب با رضایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کودک تقویت کند گام اوّل، اعطاء بینشی صحیح نسبت به آن رفتار و نتایج سودمند آن از راه های ورودی شناخت همچون چشم، گوش، خطورات ذهنی، نیروی تخیل و مفهوم پردازی است. پس لازم است حیطه ی شناختی کودک و سیر تحوّل آن، مورد توجه قرار گرفته و به خوبی شناخته شود تا بتوان هم سو و هماهنگ با این سیر طبیعی، در هر مرحله، محتوای مهدوی مناسب ارائه کرد و از نظر فهم و پذیرش، انتظاری مناسب با همان مرحله داشت.

ج) ویژگی های حیطه شناختی کودک

اشاره

انسان در آغاز تولّد از نظر شناختی، بیشتر بالقوه است. یعنی به جای دارا بودن شناخت، ظرفیت هایی برای به دست آوردن آن دارد که یا ساخت های شناختی اند یعنی در همه ی انسان ها وجود داشته و در مقاطع زمانی خاصّ خودش متناظر با رشد سنّی فرد، به فعلیت می رسد و یا اکتسابی اند که به تلاش ها و تجربیات فرد وابسته است. (۳) چون کودکان، افزون بر اینکه از محیط اطّلاعات می گیرند با استفاده از طرح واره هایی تجاربشان را مفهوم کرده و دنیای شناختی خود را فعّالانه از طریق جذب و انطباق می سازند. (۴)

ص: ۵۶

- ۱- موسوی نسب، محمّد رضا، رساله دکترا، بررسی تحوّل فهم دعا در کودکان و نوجوانان، ص ۱۵.
- ۲- مصباح، محمّد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۶۱.
- ۳- کاویانی، محمّد، روان شناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی، ص ۱۸۲.
- ۴- موسوی نسب، محمّد رضا، رساله دکترا، بررسی تحوّل فهم دعا در کودکان و نوجوانان، ص ۱۵.

برای رشد شناختی، دوره‌هایی در نظر گرفته شده (۱) که یکی از آن‌ها دوره‌ی «نمادی یا پیش‌عملیاتی» ویژه‌ی کودکان ۲ تا ۷ سال است. پیش‌عملیاتی یعنی کودک در راه شکل‌گیری عملیات منطقی عینی گام برمی‌دارد بی‌آنکه بتواند از عهده‌ی انجام دادن آن‌ها به‌طور کامل برآید. گستره‌ی پیش‌عملیاتی را باید فرصتی جهت شکل‌گیری، گسترش و استقرار ابزارهای جدید ذهنی از قبیل زبان یا کنش‌علامتی، فعالیت رمزی، شکل‌گیری تصویر ذهنی و تقلید الگوی پنهان و همچنین موقعیتی برای پیشرفت در جهت کسب ظرفیت‌های شناختی مقدماتی دانست (۲) که توضیح اجمالی آن‌ها و ویژگی‌های دیگر مرتبط بیان می‌گردد.

۱. تحوّل زبان

تحوّل زبان، زیر تأثیر تحوّل شناختی است. خزانه‌ی لغات کودک بر اساس شکل‌گیری مفاهیم در ذهن وی به سرعت غنی‌تر می‌شود. مادر، ابتدا نقش مترجم را بازی می‌کند ولی در ادامه، رعایت دستور زبان از بهبود بیشتری برخوردار گشته و کلمات از حدّ «پیش‌مفهوم» به سطح مفهوم، ارتقا می‌یابد. (۳)

۲. شکل‌گیری تصویر ذهنی

شکل‌گیری تصویرهای ذهنی، اساس تبدیل دوره‌ی حسّی حرکتی به تجسّمی را تشکیل می‌دهد. این ویژگی، امکان تجسّم اشیاء، اشخاص، مکان‌ها و رویدادهای غایب و دور از نظر و همچنین استدلال بر مبنای آن‌ها را برای کودک فراهم می‌نماید. (۴) دیگر اینکه سبب می‌شود او بتواند جریان اعمال خود را تصوّر و نتایج آن‌ها را پیش‌بینی کند. (۵) همچنین باعث رشد قوّه‌ی تخیل می‌گردد که از علاقه به داستان‌های عجیب و ترس از

ص: ۵۷

۱- دوره‌ی حسّی حرکتی (Sensorimotor)؛ از تولّد تا دوسالگی، تجسّم می‌عینی (Preoperational)؛ از دو تا یازده سالگی و انتزاعی (Concrete operations)؛ از یازده تا پانزده سالگی. دوره‌ی دوم به دو نیم‌دوره تقسیم شده که پیش‌عملیاتی یکی از آن دو است. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، ص ۱۹۰.

۲- همان، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۳- همان، صص ۱۹۱ و ۱۵۳.

۴- همان، صص ۱۵۴ و ۱۹۰.

۵- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۳.

۳. پیش تصویری بودن

کودکان ۲ تا ۴ سال در دوره ی پیش تصویری (۱) قرار دارند یعنی مقدمه ای از مفاهیم را دارند، ولی از چگونگی طبقه بندی آن ها بی اطلاع هستند؛ مثلاً هر خزنده ای را مار تصوّر می کنند. (۲) در ۴ تا ۵ سالگی همزمان با گسترش کنش های نمادی، مقدمات به کار گرفتن ظرفیت عملیاتی نیز در کودک قابل ردیابی است، امّا هنوز انجام ساده ترین عملیات منطقی در حدّ کامل و درست، امکان پذیر نیست. مثلاً در مطابقت دادن دو ردیف از اشیاء در شکل «مطابقت یک با یک»، کم یا زیاد شدن عناصر مطابقت دادنی هر ردیف را تمیز نمی دهد، و به صرف آن که ابتدا و انتهای ردیف ها در یک چشم انداز قرار دارند آن ها را به رغم عدم مطابقت تعداد، برابر تصوّر می کند. ۵ تا ۷ سالگی حکایت از یک پیشرفت نسبی در زمینه ی عملیات است. کودک هنوز یک عمل ساده مانند ردیف کردن یا مرتّب کردن تعدادی تیره چوب از بزرگ به کوچک یا بالعکس را به طوری که تماماً صحیح باشد، نمی تواند به ثمر برساند. امّا این عمل به شکل چند بخش درست، در حدّ جزء های مستقل، در مجموع ناقص به ثمر می رسد. (۳)

۴. درون سازی مفاهیم و فعالیت رمزی

کودک برای تصوّرات خود در عالم واقع، ما به ازایی به دست می آورد. مثلاً علامتی چون یک تکه چوب را جانشین واقعیّتی مثل ماشین اسباب بازی می سازد و حتّی ممکن است اشیای بی جان را به جای اشخاص، مخاطب خود قرار دهد. (۴) فکر و کنش های رمزی و فعالیت های نمادی، باعث انعطاف بیشتر فکر کودک شده و امکان بیان آسان و دلخواه افکار، خواسته ها و آرزوهایش را فراهم می سازد. این خود دریچه ای برای کشف و درک خواست ها و انگیزه های کودک از خلال رفتار ظاهری او است. مثلاً کودک با لذّتی

ص: ۵۸

۱- Preconceptual.

۲- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، صص ۲۳ و ۳۹.

۳- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، ص ۱۵۵.

۴- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۳.

آشکار و انمود می کند که سرش را روی روزنامه ای که به منزله ی بالش است گذاشته و در حال خواب است. یا در سنی بالاتر در یک صندلی راحتی، خود را به صورت ماشین در آن حرکت می دهد. کودک در این اعمال، واقعیت را با حرکتی که انجام می دهد در خود درون سازی می کند، به آن تغییر شکل داده و از آن چیز دیگری به وجود می آورد، یعنی تاحدی از آن جدا می شود. او با بازی کردن، موقعیت های آن ها را برای خود مجسم می کند. این نحوه ی تفکر او درباره ی آن ها، نحوه ی تصور کردن آن هاست. (۱)

۵. زمینه سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان

تقلید در کودکان از سطح حسّی - حرکتی یا مستقیم در جهت تقلید متمایز از الگو تحوّل می یابد. این تقلید در غیاب الگو یا تقلید از الگوی پنهان، به واسطه تصویرهای ذهنی تحقّق می یابد. مثلاً کودک می تواند از اندام های بدن فرد مورد تقلید، قسمت هایی که در بدن خود او نامرئی هستند مانند چشم، ابرو و بینی تقلید کند. (۲)

۶. خودمحوری

کودکان، خودمحور یا خودمیان بین (۳) هستند به این معنا که خود را محور کائنات پنداشته

و تصوّر می کنند همه چیز در حول و حوش او اتفاق می افتد و جهانی که می نگرد همان جهانی است که دیگران می نگرند. حاصل چنین پنداشتی، جان دارپنداری (۴) (همه چیز را دارای فهم و شعور دانستن) و ساخته پنداری (۵) (همه چیز را محصول خلاقیت انسان دانستن) نه حاصل فعالیت های دیگر)، عدم درک نظرات دیگران و قرار ندادن خود در نظرگاه آنان، داوری صرفاً از نقطه نظر خود، پافشاری بر نظر خود و دفاع از آن حتّی با تناقض گویی است. با این توضیح که وقتی دیدگاهی برگزید، به دشواری می تواند از آن دست بردارد، به همین سبب وقتی با توجه به بعضی داده ها و غفلت از برخی دیگر، در

ص: ۵۹

۱- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۵۴ و ۱۹۰-۱۹۲.

۲- همان، ص ۱۵۴.

۳- Egocentricity

۴- Animism

۵- Artificialism

ارزیابی خود دچار اشتباه شد، جلب توجه او به همه داده ها، اگر امکان پذیر باشد، بی فایده است، زیرا برای پافشاری بر نظری که انتخاب کرده است، بی آن که ناراحت شود، به تناقض گویی می پردازد و به همین دلیل نیز قادر نیست نظریات دیگران را درک و خود را در نظرگاه دیگران قرار دهد. آگاهی از نظریات دیگران مستلزم چرخش روانی است که کودک در این سن، هنوز از آن بی بهره است. (۱)

۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح

یکی از عوامل مهم خودمحوری، عدم درک صحیح و ناتوانی در تجزیه و تحلیل است. کودک در حدود چهارسالگی به تصویری کلی از جهان دست یافته که اگر چه محصول تماس با واقعیت است، اما پیش از آنکه نتیجه درک عینی واقعیت باشد، مخلوق ذهن اوست. از آنجا که هنوز قادر به تجزیه و تحلیل مجموعه هایی که درک می کند نیست، اگر درباره ی آن ها از او سؤال شود، با وجود این که دیگر از نظر زبان مشکلی ندارد، از توصیف و تبیین آن ها عاجز مانده و در پاسخ پرسش های مربوط، بی آن که بتواند یا حتی لازم بداند به روابط عینی توجه کند و در تبیین پدیده ها پای بند به قانون علیت باشد، بیشتر ابداع می کند و داستان می سازد. مثلاً به پدیده های طبیعی انگیزه های انسانی می دهد و در توجیه نظریات خویش، بر خلاف بزرگسالان، به هیچ وجه مقید به رعایت روابط منطقی نیست.

به خاطر حسّی بودن فکرش، استنتاج هایش، جزء از جزء بوده و ناتوان در نتیجه گیری منطقی است. در ارزیابی های خود، قسمتی از داده ها را به حساب می آورد و از قسمت دیگر غافل می ماند و وقتی توجهش به قسمت اخیر جلب شود، داده های سابق، خودبه خود از نظرش محو می گردد، گویی قادر نیست که برای ارزیابی موقعیت ها، به همه داده ها هم زمان توجه نماید. (۲) اندیشه ی کودک، ایستا و تحرک ناپذیر است یعنی اشیاء را همیشه به یک وضع ثابت می پندارد و رابطه ی مقدار ماده را با تغییر شکل آن درک نمی

ص: ۶۰

۱- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، صص ۲۴-۲۵ و منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۵۷ و ۱۶۹.

۲- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۶.

۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی

فکر کودک جنبه کاملاً حسی دارد و نشانه‌ای از انتزاعی بودن در دست نیست. وی اشیاء را تنها بر اساس یک ویژگی کاملاً محسوس، طبقه بندی می‌کند. البته نیروی حسی حرکتی، اساس هوش است و در سطح عالی تفکر، بیشتر از ادراک، به ایجاد مفاهیم ذهنی کمک می‌کند. جهان کودک، جهان محسوسات و مشهودات است یعنی از اشخاص و اشیای تشکیل می‌شود که کودک می‌بیند و لمس می‌کند یا فعالیت‌هایی است که در آن‌ها شرکت می‌جوید. بنابراین، آگاهی‌های او در چهارچوب امور محسوس است. به همین خاطر درک مفاهیم نامحسوس و انتزاعی (۲) برای کودک، سخت و در برخی موارد ناممکن است. مفاهیم انتزاعی مانند عدالت و فضیلت را نمی‌تواند خوب بفهمد و تنها به واسطه‌ی تمثیل و تشبیه به محسوسات است که به معنای سطحی‌شان پی می‌برد. بسیاری از والدین و مربیان بدون توجه به این نکته، از کودکان خود انتظار دارند که مفاهیم و افکار انتزاعی را درک کنند که این امر، نه تنها بیهوده بوده بلکه ممکن است سبب ایجاد تصوراتی غلط در ذهن آنان شود. مثل کلمه‌ی «خدا» و عبارت «خدا همه جا حاضر و بر همه امور نظارت می‌کند» باید این گونه مفاهیم و عقاید را متناسب با درک آن‌ها و با استفاده از محسوسات برای آنان مطرح کرد. (۳)

۹. شکل‌گیری خودپنداره

خودپنداره، تصویری جامع است که هر فرد از خود دارد. در واقع، خودپنداره پاسخی است به پرسش «من کیستم؟» این پاسخ، مجموعه‌ی ویژگی‌ها، نگرش‌ها، توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که فرد از خود سراغ دارد. دوره کودکی، مرحله‌ی آغازین شکل‌گیری خودپنداره انسان است. کیفیت خودپنداره در شکل دهی شخصیت انسان در بزرگسالی

ص: ۶۱

۱- پارسا، محمد، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۱۰۶.

۲- تصور انتزاعی مانند تصور خصوصیات شی یا رویدادی جدای از آن.

۳- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، صص ۲۶ و ۳۹.

خودپنداره ی برخی کودکان همیشه مثبت است یعنی برداشت کلی آنها از خودشان این است که دارای صفات پسندیده کلی هستند مثل مؤدب و منظم بودن. البته بعضی دیگر از کودکان تنها نسبت به بعضی صفات پسندیده و مثبت، به خودباوری خاصی رسیده اند و خودپنداره ی آنان نسبت همان صفات، مثبت است ولی نسبت به صفات دیگر خودپنداره منفی دارند. مثلاً کودکی می گوید: «من آدمی هستم که همیشه با ادب حرف می زنم ولی وقتی می خواهم تکالیف مدرسه ام را انجام دهم تنبلی می کنم» حال ممکن است واقعاً در همه ایام گذشته عمرش با ادب یا تنبل نبوده باشد ولی آنقدر برجسب های کلی مثبت یا منفی از طریق اطرافیان بر او زده شده که باورش شده که آن صفات را داراست.

بنابراین، اگر به کودکی برجسب های کلی منفی زده شود، خودپنداره های منفی در او شکل می گیرد. مثلاً اگر به کودکی که در هفته فقط دو روز آن هم فقط در مورد انجام تکالیف مدرسه مثل نقاشی، تنبل باشد مرتب بگوییم: «تو تنبلی» اگر واقعاً ده درصد ویژگی تنبلی داشته باشد کم کم به این باور می رسد که هشتاد درصد تنبل است. در این صورت، آسیب های روحی روانی جدی به دنبال دارد و امید به اصلاح در دلش روز به روز کم رنگ تر می شود. به نظر می رسد در چنین مواردی که قصد اصلاح ناهنجاری اخلاقی و رفتاری کودک وجود دارد، نباید کل شخصیت او را هدف قرار دهیم و بگوییم: «تو تنبلی و همیشه همین طور بوده ای. حالا- که اهل تلاش نیستی و از همه عقب افتادی اصلاً دوست ندارم»

بلکه راه کار صحیح تربیتی آن است که ابتدا شخصیت کودک را تحسین و تمجید کنیم

و در مرحله ی بعد، ویژگی منفی را جدای از کل شخصیت او در نظر بگیریم و فقط ناراحتی خود را از کار یا حالت زشت او ابراز کنیم. به بیان دیگر، به شخصیت کودک انتقاد نشود بلکه نسبت به خصوصیت ناپسند وی تذکر داده شود. مثلاً بگوییم:

«پسر، عزیزم، من شما را خیلی دوست دارم حتی بیشتر از ستاره های آسمان. اما دیروز صبح وقتی از خواب بیدار شدید یک کاری انجام دادید که من را ناراحت



۱۰. انعطاف فکری و زودباوری

انسان در دوره کودکی، به خاطر کم اطلاعی و محدودیت در ظرفیت شناختی، انعطاف فکری زیادی دارد. به همین خاطر، خیلی زود و سریع، سخنی را صحیح پنداشته و نسبت به

آن باور و اعتماد پیدا می کند. میزان انعطاف پذیری کودکان همیشه یکسان نیست، بلکه در هنگام بروز هیجانات شدید مثبت و منفی، آن ها بیشترین تأثیرپذیری، زودباوری و تلقین پذیری را دارند. (۱) هیجان شدید مانند حالات کودک در هنگام مراسم جشن تولدش.

۱۱. کنجکاوی

کودک با علاقه به مشاهده و آزمایش می پردازد و روحیه ی کنجکاوی و پرسش گری در او موج می زند و در سه سالگی به اوج می رسد.

۱۲. یادگیری مشاهده ای

یادگیری های کودکان، غالباً از راه مشاهده است. (۲) شاید به همین خاطر است که زمان و مکان و آداب خوردن و آشامیدن را سریع تر از دستشویی رفتن می آموزد چون امر نخست را از طریق مشاهده فرا می گیرد ولی موضوع اخیر را از طریق شنیدن توصیه های والدین می آموزد. برخی روانشناسان از جمله آلبرت بندورا (۳) به این نکته توجه نموده و نظریه یادگیری اجتماعی و مشاهده ای (۴) را مطرح کرده است. بر اساس این نظریه مؤثرترین، مهم ترین و بیشترین یادگیری ها از راه مشاهده، (۵) تقلید (۶) و الگوبرداری (۷) انجام می شود. کودک با انتخاب یک الگو، به تقلید رفتار آن می پردازد. (۸)

کودک، بسیاری از رفتارهای خود را با مشاهده ی رفتارهای دیگران یاد می گیرد. (۹) مشاهده عواقب رفتار الگو توسط کودک، باعث جلوگیری او از انجام کورکورانه رفتار

ص: ۶۴

۱- اقتباس از کاوبانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تاکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۳۱-۲۴۰ و گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، صص ۲۰۲ و ۲۱۰.

۲- همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۴۶.

۳- Albert. Bandura

۴- Social learning

۵- Observation

۶- Imitation

۷- Modeling

۸- سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۳۱۴.

۹- گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، ص ۴۴.

یا تشویق به رفتاری خاص می شود. (۱) افزون بر آن، کودک با مشاهده دیگران انواع رفتارها، فکرها و احساسات را یاد گرفته و این مشاهدات بخشی از شخصیت وی را می سازند و نوعی تقلید محسوب می شود. (۲) برای یادگیری مشاهده ای چهار مرحله ی توجه، به یاد سپاری (یادداری)، بازآفرینی (بازتولید حرکتی) و انگیزشی و تقویت ذکر شده است. (۳)

از مجموعه آن چه در مورد یادگیری مشاهده ای بیان شده، می توان نمودار ذیل را ترسیم نمود.

(نمودار مراحل یادگیری مشاهده ای)

تصویر



۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی

ص: ۶۵

- ۱- فیرس، ای. جری و جی. ترال، تیموتی، روان شناسی بالینی، ترجمه مهرداد فیروزبخت با همکاری سیف اله بهاری، ص ۵۴۳.
- ۲- سانتراک، جان دبلیو، زمینه روان شناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۳۵۰.
- ۳- سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۳۱۴.

در کودک، تصوّر فضا و شکل و اندازه، از راه تماس مستقیم وی با اوضاع و اشیاء حاصل می شود. مفاهیم مکانی مانند بالا، پایین، رو، زیر، جلو و عقب؛ نخستین مواردی هستند که معمولاً پس از پنج سالگی آموخته می شوند. مفاهیم زمانی از الگویی همانند مفاهیم مکانی پیروی می کنند، اما دیرتر ادراک می شوند و به کندی به دست می آیند. کودک میان سال های پنج و شش می تواند اختلاف و شباهت موجود میان اشیاء را درک کند. (۱)

۱۴. تحوّل چشم گیر بازشناسی و تحوّل اندک نگهداری

بررسی هایی که درباره ی تحوّل حافظه ی کودک به عمل آمده اند نشان می دهند که بازشناسی در کودک خوب، ولی یادآوری از تحوّل کمتری برخوردار است. (۲)

دو. حیطه عاطفی

الف) تعریف

مقصود از حیطه ی عاطفی، میل های باطنی انسان اعم از گرایش های مخصوص انسان، مشترک میان انسان و حیوان، و گرایش های مثبت و منفی است. به این تربیت، تمایلات غریزی، محبت، عشق، نفرت، کینه، خشم، غضب، ترس، امید، یأس، اضطراب، شادی، غم و همچنین احساس تعجب، تجلیل، تحسین، پرستش و مانند این امور را می توان به ساحت گرایشی مربوط دانست. (۳) برخی برای این ساحت، مراحل دریافت، واکنش، ارزش گذاری، سازمان بندی و تبلور در نظر گرفته اند. (۴)

ب) اهمیت

برای مدیریت افعال کودک در فرایند رشد و تربیت پایدار و مستمر، افزون بر شناخت دهی، احتیاج به جهت دهی و تقویت گرایش های مفید و مثبت است، زیرا گرایش ها

ص: ۶۶

۱- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۶.

۲- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۳- مصباح، محمّد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۳۳۱-۳۳۲.

۴- ر.ک: گرونلند، نرمان ادوارد، هدف های رفتاری برای تدریس و ارزش یابی، ترجمه امان الله صفری، صص ۵۶-۵۹.

منشأ مهم و تأثیرگذاری برای رفتارها محسوب می شوند. بر این اساس چنان چه مربی قصد ایجاد، تقویت یا تغییر نوعی رفتار را داشته باشد باید پس از اعطای بینش، میل و انگیزه ی کودک را نسبت به آن رفتار به اندازه ی کافی تحریک و تقویت کند. همچنین برای جلوگیری از رفتار نابهنجار، باید میل و انگیزه ی درونی او را نسبت به آن کاهش دهد.

برای بهره بری مناسب از بینش ها نیز باید به گرایش ها توجه نمود، زیرا خود گرایش ها می توانند تأثیرگذار بر بینش های دیگر اعم از ادراک های حسی، خیالی و عقلی باشند. با این توضیح که امیال و انگیزه های کودک باعث توجه نفس به ادراکات حسی شده و در این که به چه چیزی بیشتر توجه و آن را احساس کند مؤثرند. تخیل، حافظه، تفکر و استدلال نیز از گرایش ها تأثیر می پذیرند. از آنجا که دلبستگی یا تنفر از چیزی ممکن است مانع فهم درس آن شود، باید گرایش ها را کنترل و از طغیان غرائز و هواهای نفسانی جلوگیری نمود. تحصیل آگاهی که در واقع رفتاری اختیاری است نیز مبتنی بر گرایش به آن است. پس اگر می خواهیم کودک با اختیار و اراده ی خود به دنبال شناخت چیزی باشد، باید از پیش، گرایش و علاقه ی او برای شناخت آن، به اندازه ی کافی تحریک شده باشد. (۱)

لازم به ذکر است که جهت ایجاد و تقویت گرایش ها، باید بینش های مرتبط با آن گرایش ها به کودک انتقال یابد، زیرا گرایش ها مبتنی بر بینش ها شکل گرفته و تأثیرپذیری مستقیم از آن ها دارند به گونه ای که پیدایش و افزایش گرایش نسبت به انجام یا ترک کاری، مستقیماً متأثر از پیدایش و افزایش بینش نسبت به سود و زیان آن است.

در متون دینی (قرآن کریم، روایات، ادعیه و زیارات) پیرامون تاثیر متقابل و دو جانبه جنبه شناختی و عاطفی انسان، شواهد زیادی می توان یافت از جمله آیه ذیل؛

«وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (۲) «و هر زمان آیه ای را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم های آنها را می بینی که (از

ص: ۶۷

۱- اقتباس از مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۱۸۱ و ۳۲۶ و ۳۶۱-۳۶۳.

۲- سوره مائده، آیه ۸۳، ترجمه از آیت الله مکارم شیرازی.

شوق)، اشک می ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آنها می گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد صلی الله علیه و آله و سلم) بنویس!»

در ابتدای آیه شریفه مذکور، سخن از دریافت اطلاعات پیرامون آیات قرآن از طریق حسّ شنوایی است که حاکی از بُعد معرفتی و شناختی انسان می باشد. زیرا هر آنچه از طریق حواسّ پنجگانه و تأمّل و تفکر درک شود مربوط به جنبه معرفتی است. (وَ إِذَا سَجَعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ الرَّسُولِ) در ادامه آیه، تأثیر این دریافت شناختی و شنیدن آیات الهی بیان می شود که عبارت است از جاری شدن اشک شوق از چشم شنندگان آیات که نشانه ی تحریک عاطفی است (تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ).

ممکن است کسی پیش خود گمان کند، اشک شوق آن ها به خاطر عبارات موزون آیات قرآن یا صوت زیبای قاری آن بوده و این تحریک عاطفی، ربطی به شناخت و معرفت نسبت به قرآن ندارد. در حالی که از عبارت (مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ) فهمیده می شود گریه ی شنندگان قرآن به خاطر معرفت و حقیقتی بود که دریافته بودند. همان معرفتی که باعث می شود بگویند: خدایا ایمان آوردیم و از تو می خواهیم ما را در زمره ی شاهدان و خوبان خودت بنویس (يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ).

ج) ویژگی های حیطه عاطفی کودک

اشاره

در دوران کودکی، به موازات پدیدار شدن سه نوع تازگی (کنش رمزی، تجسم بر اساس آن و مبادلات فکری بین فردی از طریق زبان) در سازمان روانی، تحوّل عاطفی نیز رخ می دهد که جنبه های عواطف شهودی در شکل احساسات اجتماعی و اخلاقی ابتدایی متجلی می شوند. در زمینه ی احساسات بین فردی، در وهله ی اوّل می توان از هم احساسی و ناهم احساسی یعنی پدیده ارزنده سازی بین فردی سخن گفت که نوعی تقابل بازخوردها است یعنی تأثیر فردی در فرد دیگر، بروز احساس رضایت در طرف مقابل و برجاگذاردن یک اثر پایدار در قالب نوعی حق شناسی و سرانجام ارزش قائل شدن برای فرد اثرگذار. در وهله ی دوم وقتی این مبادلات در الگوی خود ارزنده سازی متجلی می شوند یعنی فرد آن ها را یک تنه در خود برقرار می سازد، خود به خویش پاسخ می دهد و احساس

ارزشمندی یا عدم ارزشمندی در فرد به وجود می آید. (۱) ویژگی های روحی - روانی، گرایش ها و امیالی در

کودک وجود دارد که حاکی از نیازهای اوست. در این جا برخی از آن ها ذکر می گردد. (۲)

۱. محبت خواهی

نیاز به محبت، یکی از نیازهای اساسی کودکان به شمار می آید. در اسلام به این موضوع بسیار توجه شده تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند بنده اش را به واسطه ی شدت محبتی که به فرزند خود دارد، رحم می کند». (۳)

پژوهش ها نشان داده اند، کودکانی که با والدینشان ارتباط عاطفی و محبت آمیز ندارند، در طول زندگی عاطفی خود بیشتر به اضطراب دچار می شوند و از نداشتن اعتماد به نفس رنج خواهند برد. کودکان، به سرعت علاقه مند و دلبسته کسی می شوند که با آن ها مهربان باشد و محبت کند. البته روش های ابراز محبت به کودک، بسته به سن او متفاوت است. مثلاً در مورد کودکان پیش دبستانی، تشویق، حمایت و آزاد گذاشتن نسبت به انجام استقلالی کارها، نوعی مهرورزی به آنان محسوب می شود، زیرا آن ها در بیشتر مهارت های شخصی خود به سرعت مستقل می شوند و بدان علاقه مندند. همچنین، نیکو صدا زدن، نوازش و در آغوش گرفتن کودک، نوعی پاسخ به نیاز عاطفی و محبت خواهی او به شمار می آید.

۲. احترام خواهی

اگر به سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر اکرام فرزندان (۴) عمل شود می توان انتظار داشت که آن ها هم برای بزرگ سالان احترام قائل شوند. بی احترامی به کودک مانند سرزنش ،

ص: ۶۹

۱- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۲- توضیح چهار ویژگی نخست برگرفته از همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، صص ۳۴ و ۴۲-۴۶ و ۷۳.

۳- «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشُدَّهُ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۴۶۹۵).

۴- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندانتان را اکرام کنید...»؛ (حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشّیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶، ح ۲۷۶۲۹).

تحقیر و فریاد زدن؛ حتی انجام دادن کارهایی که وی می تواند از پس آن ها برآید نیز از نظر کودک بی احترامی محسوب می شود.

۳. نیازمندی به امنیت

کودک نیاز دارد تا در محیطی آرام همراه با آرامش و صمیمیت زندگی کند. محبت والدین به یکدیگر در واقع آرامش و امید به آینده را به کودک منتقل می کند.

۴. نیاز به شادمانی

شاد بودن، بدون نیاز به برنامه ای مفضل با کارهایی مانند غذا درست کردن گروهی با اعضای خانواده و دوستان یا خرید کردن حاصل می گردد. همچنین درخواست تعریف لطیفه از کودک، چون کودکان دوست دارند بخندند و به وجه خنده دار به همه چیز توجه کنند.

۵. استقلال طلبی

کودک میل شدید به استقلال طلبی دارد یعنی می خواهد در فکر، آرزو و رفتار مستقل و متمایز از دیگران باشد. او تمام تلاش خود را برای انجام کارهایش به کار می بندد و می خواهد آن ها را به تنهایی و بدون کمک بزرگترها و هم سالانش انجام دهد. کودک از استقلال تازه یافته ی خویش، شادمان بوده و مرتب می گوید: «خودم می خواهم انجام دهم». تبعیت محض کودک از دیگران به ویژه زمانی که با خواسته هایش در تعارض باشد باعث ناراحتی و آزرده خاطر شدن او می گردد. در این هنگام رفتارهایی از او سر می زند که در ظاهر و از دید والدین و بزرگ سالان، مخالفت و نافرمانی محسوب می شود، درحالی که در واقع نشانه ی تشخیص طلبی آن ها است. (۱) استقلال طلبی و تشخیص طلبی در مسیر رشد کودکان نقش مؤثری دارد و اگر خوب جهت دهی نشود روحیه ی استقلال و جرأت در انجام کارها از آنان سلب خواهد شد.

۶. تنوع طلبی

ص: ۷۰

کودکان از یک سو، بر اساس حس کنجکاوی، تحرک زیادی دارند تا نیاز جستجوگری خود را تأمین نمایند. از سوی دیگر، متمرکز نمودن آن‌ها بر یک موضوع به ویژه در فعالیت‌های ذهنی در مدت طولانی دشوار است (۱) و از آن‌ها گریزانند. بنابراین، به خاطر

آزادی خواهی طبیعی که دارند، به دنبال تنوع طلبی هستند. به همین خاطر، در مباحث تعلیم و تربیت تأکید شده که برای دستیابی به موفقیت در آموزش و تربیت، باید هم‌سو با این ویژگی طبیعی، از قالب‌ها و روش‌های مختلف و متنوع استفاده کرد.

«بر اساس یک تجربه‌ی عام، علت ناکامی بسیاری از معلمان و استادان امور دینی و تربیتی نسبت به آموزش و تربیت مخاطبان، استفاده نکردن از روش‌های متنوع آموزشی و تربیتی در بُعد دینی است.» (۲)

توجه به تنوع طلبی کودکان، آن‌قدر مهم است که حتی یکی از عوامل درونی اثرگذار در فضای آموزشی تربیتی مدرسه، ساماندهی مداوم و متنوع فرصت‌های تربیتی شمرده شده است. این تنوع شامل مواردی از قبیل تنوع در زمان، مکان ارائه، طراحی انواع برنامه‌های درسی و همچنین تنوع در روش اجرا و نحوه‌ی اجرای برنامه‌های درسی است. (۳) این امر، علاوه بر کمک به بهتر فهمیدن، از یکنواختی در امر آموزش جلوگیری کرده و با ایجاد تنوع و جذابیت، آموزش و تربیت را آسان می‌نماید.

۷. خودنمایی

علاقه زیاد به خودنمایی در کودک موج می‌زند و می‌خواهد مرکز انحصاری توجه و محبت باشد. (۴)

۸. میل به ارتباط با همسالان

کودک میل شدیدی به ارتباط با گروه هم‌سال دارد؛ البته در صورتی که احساس خطر

ص: ۷۱

۱- همان، ص ۴۴.

۲- سروریان، حمیدرضا، روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، نشریه معارف، اسفند ۸۵، شماره ۴۴، ص ۷۴.

۳- حاجی بابایی، حمیدرضا، ویژگی‌های «مدرسه‌ای که دوست دارم» با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، تابستان ۹۱، ش ۴۲، ص ۶۱.

۴- ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۸.

نسبت به خود، وسایل و اسباب بازی هایش نکند. لازم به ذکر است که بیشترین تأثیرپذیری های دل خواهانه کودک، از جوامع کوچک کودکانه دوستانه اطرافش شکل می گیرد.

۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش

از جمله امیالی که در کودک نمایان است پافشاری بر اعتقادات خود و دفاع از آن ها است. (۱)

سه. حیطه رفتاری

الف) تعریف

منظور از حیطه رفتاری (یا ساحت توانایی و کنش)، حوزه ای از ویژگی های انسان است که منشأ رفتار اختیاری او می باشد. حال این رفتار اختیاری شامل رفتار درونی (یا جوانحی مثل اراده) و بیرونی (یا جوارحی) می گردد که با هدف روشن سازی رفتارهای مورد انتظار برای مخاطب جهت به کارگیری قدرت خود برای تحقق آنها مورد توجه است. (۲)

ب) اهمیت

برای تربیت کودک در جهت ایجاد و تقویت نوعی رفتار، پس از اعطای بینش و تحریک انگیزه ی ابتدایی، باید به او کمک کرد تا در پرورش و تقویت اراده و به کارگیری توانمندی خود در انجام آن رفتار موفق شود. البته پس از رفتار، ممکن است مرحله بینش قرار گیرد و این چرخه ادامه یابد. حیطه رفتاری، نتیجه و ثمره عملی دو ساحت بینشی و گرایشی است، زیرا رفتار اختیاری کودک، مبتنی بر شناخت، خواست و گرایش او نسبت

ص: ۷۲

۱- همان، ص ۲۵.

۲- گرچه رفتارهای غیراختیاری و بازتابی نیز در حوزه ساحت رفتاری قرار می گیرند ولی در این جا رفتارهای اختیاری مدنظر است. تعریف حیطه رفتاری اقتباس شده از مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۱۸۱ و ۳۳۲ و ۳۶۰.

به آن رفتار و هدف از انجام آن است. آن رفتار نیز بر بینش ها و گرایش های وی تأثیرگذار بوده و آن ها را تقویت می کند، زیرا با انجام دادن کار و تکرار آن، به تدریج هم شناخت او از عمل خود و پیامدهایش بیشتر می شود و هم به انجام دادن آن عادت نموده و گرایش بیشتری به آن پیدا می کند. کنش های درونی در واقع عین اراده اند، امّا در هنگام سنجش با کنش های بیرونی حاصل از آن ها، مراحل متصوّر است که عبارتند از تذکر و یادآوری (توجه)، ترجیح گرایش (شوق اکید)، تقویت اراده (قصد) و سپس زمینه سازی برای تحقق رفتار بیرونی.

گرچه کنش درونی، منشأ و محرّکی برای رفتار بیرونی است ولی کنش بیرونی نیز ممکن است در برخی کنش های درونی دیگر تأثیر بگذارد. مثلاً- گریه از ترس خدا، در احتراز از نافرمانی او مؤثر است، و نیز کودکی که کار ناشایستی را چندین بار تکرار می کند، به تدریج ممکن است اعتقاد درونی خود را به ناشایست بودن آن از دست بدهد. (۱)

(نمودار مراحل کنش درونی هنگام سنجش با کنش بیرونی)

تصویر



ج) ویژگی های حیطه رفتاری کودک

اشاره

بحث تحوّل اخلاقی و شکل گیری رفتارهای مهار یافته در کودکان، متأثر از احساسات اخلاقی آن ها است. ارزش های هنجاری یا دستوری که جنبه خودجوش نداشته و کودک ناگزیر از پذیرفتن آن ها است. احساسات اخلاقی، نیز نشأت گرفته از روان بنه های مربوط به اشخاص به ویژه والدین است که در روابط خانوادگی به کار گرفته می شوند و یکی از سرچشمه های اخلاق اطاعت یا فرمان برداری کودک است. رفتار کودک، بیشتر حاصل

ص: ۷۳

خودمحوری اوست که زمینه های اجتماعی شدن را فراهم کرده (۱) و همچنین همراه با روحیه استقلال طلبی و تشخیص طلبی است. وی برخی از کارها را می تواند انجام دهد، گرچه به صورت ناقص و جزئی؛ چون در دوره ی پیش عملیاتی است. کودکان، دانشمندان کوچک اند، چون می خواهند هر کاری را تجربه کنند. (۲) در این جا برخی دیگر از ویژگی های رفتاری این دوره سنی که اهمیت بیشتری دارند ذکر می گردد.

۱. تقلید پذیری

تقلید، به طور طبیعی در دوره کودکی بیش از دیگر مراحل سنی رخ می دهد. کودکان با توجه کردن به محیط اطراف، مشاهدات دقیقی دارند، تصاویر و حالات و حرکات را زود به خاطر می سپارند و به دلیل تأثیرپذیری از محیط اطراف سریع می پذیرند و آینه وار اقدام به همانندسازی رفتار دیگران می کنند. تأثیرپذیری رفتاری کودک بیشتر از راهنمایی عملی است تا راهنمایی لفظی، زیرا اعمالی که یاد می گیرد بیشتر از راه مشاهده است. (۳) اغلب اعمال آن ها، انعکاسی و از روی تقلید و همانندسازی (۴) نسبت به الگوهای همچون والدین و گروه هم سال می باشد و باید آنان را مقلدان بزرگ نامید. روان شناسان، پیرامون تقلیدپذیری در دوره کودکی به نتایجی رسیده اند که خلاصه ای از آن در اینجا ذکر می شود.

تقلید (۵) یک جنبه ی پیوسته و کنشی رفتار به معنای بازپدیدآوری یا تولید مجدد فعال کیفیات و خصوصیات ادراک شده ی رفتار موجود دیگر است. تقلید، صرفاً امری غریزی یا

ص: ۷۴

۱- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۹۳-۱۹۶.

۲- همّتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۷۴.

۳- جهت تبیین «یادگیری مشاهده ای»، ر.ک: همین فصل، گفتار دوم، ویژگی ۱۲ از حیطه شناختی، صص ۶۱-۶۲.

۴- برخی معتقدند تقلید و همانندسازی شبیه یکدیگرند با این تفاوت که همانندسازی، الگوبرداری ناآگاهانه و ناخودآگاه از رفتار الگو است (همّتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۷۶) و تنها نسبت به کسانی صورت می گیرد که مورد علاقه شدید باشند پس انگیزه عمل در آن، علاقه شدید قلبی است. (بی ریا، ناصر و دیگران، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۱، ص ۴۴۴).

۵- Imitation.

مکانیزم حرکتی ادراکی نیست، بلکه از همان ماه‌های اول زندگی هماهنگی‌های متأثر از جنبه‌ی عقلی در آن وجود دارد. در کودکان، تقلید در مرحله‌ی پیش‌عملیاتی است و در سیر تحول خود، از چارچوب حسّی حرکتی جدا شده و جنبه‌ی تجسّمی به خود می‌گیرد. یعنی فرایند ذهنی کودک به مرحله‌ای از تحول می‌رسد که می‌تواند روان‌بنه‌هایی از موقعیت‌ها را برای خود متصوّر و مجسم نماید سپس آن را در رفتار خود منعکس کند و توانایی تقلید معوّق یعنی تقلید بدون حضور الگو در وی گسترش می‌یابد. پیازه، تقلید را تقدّم و غلبه‌ی برون‌سازی روان‌بنه‌ها بر درون‌سازی می‌داند. تقلید و الگوپذیری در زندگی کودک، نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا می‌کند از جمله، در بسیاری از فعالیت‌ها و بازی‌ها به ویژه آن‌هایی که جنبه‌ی رمزی، سازندگی یا تخیل دارند، در انتشار هیجان‌ها،

فراهم‌سازی زیربنای تجسّم و تصویر ذهنی و همچنین پایه‌ی یادگیری‌های مختلف مانند یادگیری زبان قرار می‌گیرد. البتّه تقلید کودک تحت تأثیر مکانیزم خودمحوری است. (۱)

۲. دعوت‌پذیری عملی

این ویژگی (۲) در واقع، مرتبط با سه خصوصیت «انعطاف فکری»، «یادگیری مشاهده‌ای» و «تقلیدپذیری» است و به این معنی است که شخصی مثل والدین کودک، عملی را در مقابل او انجام دهند به قصد اینکه وی را تحریک و دعوت به انجام نمایند و به خاطر خصوصیات مذکور، او به راحتی قبول و مشغول همانندسازی می‌گردد. در متون دینی نیز به دعوت‌پذیری عملی در انسان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلِسْتِكْمَ لِيُرَوْا مِنْكُمْ اَلِاجْتِهَادَ وَ اَلصَّدَقَ وَ اَلْوَرَعَ» (۳)

«مردم را از طریقی غیر از زبان‌هایتان (یعنی با اعمال و رفتار خود به کارهای خیر) دعوت کنید تا تلاش و راستگویی و پرهیزکاری را از رفتار شما ببینند.»

از آن‌جا که تمام اوامر و اصول تربیتی که از قرآن و روایات به دست می‌آید حاکی از

ص: ۷۵

۱- اقتباس از منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۲۹۰-۲۹۸.

۲- ویژگی «دعوت‌پذیری عملی» در بحث حیطه رفتاری ذکر گردید زیرا «تصمیم بر پذیرش و اراده انجام عمل»، از جمله رفتارهای درونی شمرده شده. ر.ک: همین فصل و گفتار، تعریف و اهمّیت حیطه رفتاری، ص ۶۹.

۳- طبرسی، علی بن الحسین، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، ص ۴۶.

ویژگی های شخصیت انسان است و با آنها مطابقت دارد، امر به دعوت مردم در حدیث مذکور، نشان گر دعوت پذیری انسان است. روش تبلیغی «دعوت» به خاطر دارا بودن نوعی احترام و تکریم مخاطبی همچون کودک، باعث علاقه مندی و جذب وی می شود. حال وقتی «دعوت» عملی باشد یعنی از طریق نمایش واقعی اعمال و رفتار انجام گیرد، کیفیت آثار مذکور چند برابر می شود.

۳. شتاب زدگی

رفتارهای کودک، شتاب زده و عجولانه ی به دور از احتیاط های مدنظر بزرگ سالان است.

۴. ناپایداری اراده

اراده که یک نوع رفتار درونی است در کودکان ناپایدار می باشد و خیلی زود در اثر میل و رغبت های آنی و همچنین در برابر اصرار و فشار تسلیم می شوند.

۵. عادت پذیری

انعطاف پذیری شخصیت در سنین کودکی باعث می شود که با طرز فکر، روحیه و رفتاری خاص خو بگیرد و علاقه به تکرار، سبب می شود تا آن قدر آن را بازپدیدآوری و تکرار نماید تا به صورت ملکه و عادت در آید. تلقین، تقلید، قصد و اراده از مکانیزم های شکل گیری عادت های پسندیده یا ناپسند کودکان محسوب می شوند. (۱) از نظر اخلاقی، کودکی دوره ی ایجاد عادات مطلوب است. (۲)

۶. بازی

عمل عمده ی دوران کودکی، بازی است به طوری که همه رفتارهای کودک در آن خلاصه می شود. بازی از نیاز های طبیعی و ضروری کودک شمرده شده که برای او صرفاً

ص: ۷۶

۱- کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تاکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۴۹.

۲- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۲۴.

تفریح نیست، بلکه در واقع مقدمه ای برای عمل جدّی و هدفمند است. فعالیت های کودک روزه روز بیشتر می شود و میل به بازی همراه با کنجکاوی و لذّت در او شدّت می گیرد. کودک در بازی، همه ضعف ها و قوّت ها، ترس ها و نگرانی ها، بینش ها و نگرش ها، علائق و نفرت ها و به طور کلی شخصیت خود را بروز خواهد داد و به آن پی می برد. (۱) بازی نقش مهمی در ارتقاء رشد همه جانبه کودک اعم از رشد شناختی و ذهنی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و همچنین رشد جسمی وی دارد.

شاید بتوان گفت: اگر والدین برای روزی دو ساعت بازی فعال، پُر جنب و جوش و پُر نشاط کودک برنامه ریزی نکنند، کودک برای بیست و چهار ساعت والدین و دیگر اطرافیان برنامه ریزی می کند با نق زدن، غُر زدن، لجبازی کردن و ...

بازی برای کودکان فواید و کارکردهای فراوانی دارد (۲) که عبارتند از:

ص: ۷۷

۱- داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۹۱.

۲- ر.ک: حسینی، مریم؛ کودک، بازی و اسباب بازی؛ شجاعی، محمد صادق، بازی کودک در اسلام؛ مهجور، سیامک رضا، روان شناسی بازی؛ صالحی، علی محمد، بازی را جدّی بگیرید.

۱) پی بردن به توانایی های فکری و عملی خود در برقراری ارتباط با دیگران.

۲) پی بردن به قدرت زبانی، عقلی و جسمی نهفته.

۳) رشد و شکوفایی استعداد ها و مهارت ها.

۴) شادی روحی.

۵) بارور سازی توانایی جهت خلاقیت و نوآوری.

۶) کاهش ناملایمات روحی مانند عصبانیت ها و تمایل به ستیزه جویی و جنگ جویی.

۷) رشد سازگاری اجتماعی.

۸) رشد هماهنگ دستگاه ها و اعضای بدن.

۹) تقویت حواس.

۱۰) رشد هوشی.

۱۱) رشد و شکوفایی احساسات.

۱۲) پرورش هیجان ها و عواطف.

۱۳) افزایش برون نگری.

۱۴) ارضای نیاز به برتری جویی.

۱۵) تخلیه انرژی.

۱۶) رفع خشم.

۱۷) جلوگیری از بی قراری و بیش فعالی ناهنجار.

۱۸) ارتباط با محیط بیرون و گسترش دنیای اجتماعی.

۱۹) فراگیری موضوعات علمی به ویژه مفاهیم انتزاعی دینی.

۲۰) یادگیری اصول اخلاقی، رفتاری و ارزش ها مانند کمک به دیگران و همکاری. مشارکت، هم دلی، وفاداری، تحمّل عقیده مخالف و گذشت.

۲۱) فراگیری روش های تسلط بر خود و اعتماد به نفس.

۲۲) مهارت آموزی پیرامون چگونگی بروز احساسات و عواطف و همچنین کنترل و ارضای مناسب آن ها.

۲۳) یادگیری توانایی تأثیر گذاری و نفوذ در دیگران.

۲۴) افزایش قدرت ابراز وجود و رهایی از ترس و کم رویی.

۲۵) آشنایی با رقابت و تجربه ی شکست. (۱)

ص: ۷۸

۱- صالحی، علی محمد، بازی را جدی بگیرید، صص ۱۵-۲۵.

برای انتقال آموزه های مهدوی به کودکان و نهادینه سازی آن ها، افزون بر اتخاذ روش های جذاب، متنوع و متناسب با دوره کودکی، باید به نوع محتوا و معیارهای انتخاب آن جهت قرارگرفتن در سامانه انتقال و آموزش به کودک نیز توجه نمود. بازشناسی این معیارها که از اصول تربیتی و آموزشی ویژه دوره کودکی استخراج می شود، ما را به بهره بری گزینشی از معارف مهدوی رهنمون می سازد، زیرا همه آن آموزه ها برای ارائه به کودک مناسب نبوده و قابلیت قرارگرفتن در لیست انتقال به وی را ندارند. با در نظر گرفتن معیارهای مذکور، پس از گونه شناسی و دسته بندی آموزه های مهدوی، باید تعدادی را جهت انتقال و نهادینه سازی انتخاب و گزینش نمود. موفقیت در این امر، در گرو توجه به اصل تفاوت های فردی و رعایت اصل تناسب است. به هر حال، شخصیت هر کودکی در شرایط و محیط ویژه خود، شکل می گیرد و ویژگی های خاص خود را دارد، پس تفاوت های طبیعی، ارثی، زیستی و فرهنگی بین آنان وجود دارد. بر این اساس، باید کودک از جهات مختلف شناخته شود مانند ویژگی های ظاهری و درونی، شرایط و موقعیت زندگی، محیط تربیتی، روحیه او نسبت به مسایل دینی (تشنه، بی تفاوت یا فراری)، مرحله سنی و رشد، ظرفیت و قابلیت و استعدادها، نیازها و مشکلات. (۱)

در سیره آموزشی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام نیز شواهدی مبنی بر گزینش آموزه های دینی برای انتقال به مخاطب مشاهده می شود. مثلاً ایشان برای جلب توجه هر شخص یا گروهی به معارف دینی، افزون بر اتخاذ شیوه ای خاص، (۲) محتوای خاصی از معارف را انتخاب و با بیانی متناسب با فهم آنان ارائه می نمودند. همچنین نسبت به ایجاد و افزایش انگیزه و

ص: ۷۹

۱- جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- مانند طرح سؤال، بر انگیزختن سؤال در ذهن مخاطب، تأکید بر اهمیت مطلب، استفاده از تکیه کلام های گوناگون و کلمه های خطاب در لابه لای سخن. مثال های متعددی از سیره معصومین علیهم السلام در این باره نقل شده است. ر.ک: حسینی زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، صص ۳۳-۳۷.

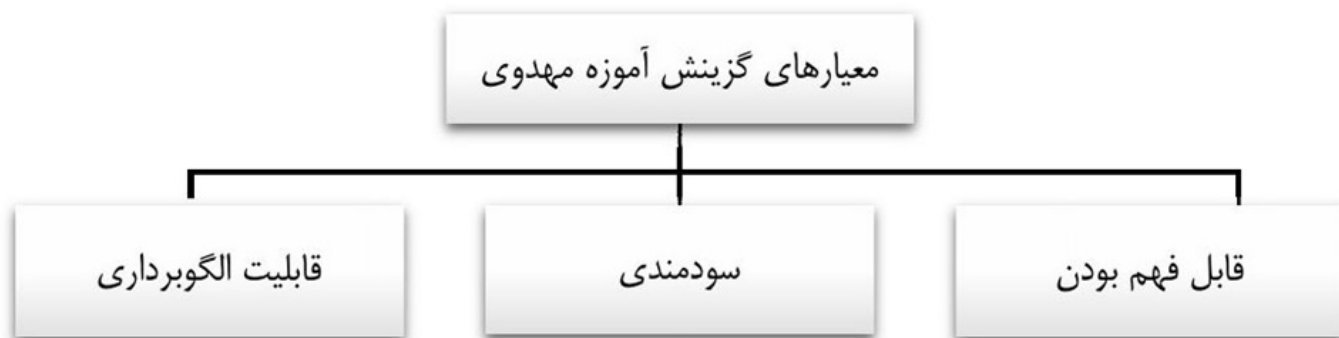
رغبت به یادگیری آموزه های دینی، با توجه به اینکه هر انسانی امیال و گرایش های خاصی دارد، برای هر مخاطبی، افزون بر استفاده از شیوه ای خاص، (۱) از محتوایی متناسب با حیطه گرایشی او نیز استفاده می کردند. اموری از قبیل «پاسخ ندادن به سؤالات بعضی اشخاص، بیان برخی مطالب به افراد خاص و سفارش به مخفی نگهداشتن آن ها، بیان پاسخ های متفاوت به افراد مختلف نسبت به یک سؤال و استفاده از روش پرسش و پاسخ خصوصی» (۲) نشان گر گزینش آموزه های دینی توسط معصومین علیهم السلام جهت ارائه به مخاطبان مختلف است.

دو. معیارهای گزینش

اشاره

با در نظر گرفتن نکات یادشده پیرامون ویژگی های دوره کودکی به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری و همچنین اصول تربیتی و آموزشی ویژه آن دوران، می توان به شاخص ها و معیارهایی جهت انتخاب آموزه های مهدوی متناسب با این دوره سنی دست یافت. در اینجا به سه نمونه اشاره می گردد.

تصویر



الف) قابل فهم بودن

اشاره

جهت نهادینه سازی معارف مهدوی در کودک، باید آموزه هایی انتخاب شوند که برای وی قابل فهم بوده و او توانایی درک صحیح آن ها را داشته باشد، زیرا با توجه به

ص: ۸۰

۱- مانند آگاه سازی مخاطب از جهل خود و برانگیختن احساس نیاز به دانستن، تشویق و تکریم علم آموزی و اهل علم. ر.ک: همان، صص ۳۷-۴۱.

۲- ر.ک: همان، صص ۴۶-۵۱.

محدودیت ظرفیت شناختی و میزان درک این مرحله سنی، همه آموزه های مهدوی برای ارائه و انتقال به کودک مناسب نیستند. توضیح اینکه؛ از یک سو، برای فهم و درک صحیح برخی آموزه ها از قبیل حوادث قبل و بعد از ظهور، فرآیند تشکیل حکومت جهانی، گسترش عدل، خصوصیات امام و وظایف منتظران، احتیاج به قوه فکری نظام مند، جامع نگر و همچنین آشنا با مفاهیم کلی، نامحسوس و انتزاعی است. از سوی دیگر، کودک قدرت درک بعضی از مفاهیم را ندارد به خاطر پیش تصویری بودن، انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم کلی انتزاعی، ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح و همچنین کندی روند درک مفاهیم کیفی و کمی که توضیحشان قبلاً بیان شد. افزون بر آن، برای فهم عده ای از مفاهیم به دلیل پیچیدگی خاص، احتیاج به دانستن و درک واژه ها و مفاهیم زیاد دیگری می باشد در حالی که فرهنگ واژگان و مفاهیم کودک بسیار محدود است.

بنابراین قابل فهم بودن آموزه برای کودک، معیاری مهم و اساسی جهت گزینش معارف مهدوی برای او محسوب می شود. اگر به این شاخص توجه نشود، انبوهی از آن معارف بیان می شود در حالی که کودک، برخی از آن ها را یا اصلاً نمی تواند درک کند و بفهمد و یا دچار درک ناقص می شود که در این صورت ممکن است آسیب های معرفتی جبران ناپذیر یا دیراصلاح به دنبال داشته و حتی عامل شکل گیری شبهه در ذهن او گردد. اکنون توضیح چهار مثال و نمونه از موضوعات مهدوی از نظر می گذرد که فاقد معیار مذکور می باشد.

نمونه های فاقد معیار اول

۱- زیاده روی درباره جنگ پس از ظهور

۲- افراط در ویژگی های ماورایی امام

۳- بداء در آموزه های مهدوی

۴- تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه سازی

نمونه اول فاقد معیار: زیاده روی درباره جنگ پس از ظهور

اگر در مبحث وقایع پس از ظهور، تمام مطالب پیرامون جنگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانشان با دشمنان بدون لحاظ معیار مذکور و بدون هیچ گزینشی برای کودک بیان گردد، چهره ای منفی از عصر ظهور، امام منجی و به طور کلی معارف مهدوی در ذهن او

نقش می بندد و در ادامه، به حیثه گرایشی و عاطفی او نسبت به امام مهدی علیه السلام و فرهنگ مهدویت، آسیب می رساند.

لازم به ذکر است که در برخی روایات، هشت ماه برای جنگ و نبرد حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان بیان شده است. از ابوبصیر نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«... وقتی قیام کند همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار خواهد کرد، جز این که او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را روشن می سازد (مأموریتش دنباله همان مأموریت پیامبر است) و شمشیر بر گردن خویش حمایل ساخته و هشت ماه به شدت مبارزه می کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می اندازد.» (۱)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«قائم خروج نخواهد کرد مگر حلقه سپاه به کمال و تمام رسیده باشد ... او در حالی که خون (نیاکان خویش) مطالبه نشده دارد و خشمگین و متأسف است به خاطر خشم خداوند بر این مردم، خروج خواهد کرد، ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی باکانه می کشد...» (۲)

این مدّت کوتاه در مقابل جنگ و خونریزی ظالمانه دشمنان اسلام و دین داران در سال ها و قرن های گذشته چیزی نیست. افزون بر آن، هشت ماه مبارزه جهادگونه ی حضرت و یارانشان پس از ظهور، بخش اندکی از حکومت مقتدرانه، عدالت محور، مهربانانه و دولت کریمه را در بر می گیرد. لازم به یادآوری است که همان مبارزه ی کوتاه مدّت نیز بعد از ارائه ی استدلال، کرامات و معجزات روشنگرانه و تنها در مقابل عدّه ای لجوج رخ خواهد داد که با وجود آشکار بودن حقانیت رهبری حضرت مهدی علیه السلام، حاضر به قبول حق نیستند.

ص: ۸۲

۱- «عَنْ أَبِي بصَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ البَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ... إِذَا قَامَ سَارَ بِسَبِيرِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَ يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثُمَّ يَأْتِيهِ أَشْهُرٌ هَرْجَاءً هَرْجَاءً حَتَّى رَضِيَ اللَّهُ قُلْتُ فَكَيْفَ يَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ قَالَ يُلْقِي اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ»، نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ص ۱۶۴ و ۱۶۵. ترجمه از، غفاری، محمد جواد، الغيبة للنعمانی، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۲- «عَنْ أَبِي بصَيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْرُجُ القَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةُ الحَلْقَةِ... إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْثُورًا غَضَبَانَ أَسْفًا لِعُضْبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الحَلْقِ... يُجْرِدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجَاءً...»، همان، ص ۳۰۸، ترجمه از همو.

نمونه دوم: افراط در ویژگی های ماورائی امام

معارفی که بیان گر اوصاف و فضایل ماورائی امام مهدی علیه السلام است مانند آموزه هایی که در مقام توصیف گسترده و وسعت علم امام علیه السلام است. مثلاً تفصیلات و جزئیات علم

امام علیه السلام به همه مخلوقات، گذشته و آینده و حتی زمان و کیفیت شهادت خود. کودک در هنگام شنیدن چنین آموزه هایی ممکن است تصور کند فرقی میان امام و خداوند متعال نیست و در ادامه، به شناخت توحیدی او آسیب رساند. به همین خاطر، برای کودکانی که فقط از زاویه ی دید محدود خود به همه چیز می نگرند، نباید روایاتی پیرامون فضایل معرفتی امام علیه السلام در سطحی بالاتر از فهم آنان بیان شود.

نمونه سوم: بداء در آموزه های مهدوی

فهم بحث امکان و وقوع بداء که در مباحث اعتقادی مطرح می شود برای کسانی که دوره ی کودکی را پشت سر گذاشته و به بزرگ سالی رسیده اند، سخت بوده چه رسد به بداء در علائم و شرایط ظهور و به طور کلی آموزه های مهدوی. (۱) زیرا عرف مردم کمتر توضیح داده شده و نیازمند اطلاعات و تحقیقات عمیق تری است. این موضوع و مسایل پیرامون آن، قابل فهم برای ذهن محدود کودک نیست، بنابراین نباید در لیست موضوعات آموزشی کودکان قرار گیرد.

نمونه چهارم: تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه سازی

یکی از اوصافی که برای خداوند حکیم در قرآن کریم بیان شده، انتقام گرفتن از دشمنان است که در مورد فرعون و پیروانش می فرماید:

«فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ؛ اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم» (۲)

ص: ۸۳

۱- ر.ک. رضایی شریف آبادی، حسین، پایان نامه سطح سه، بداء در آموزه های مهدوی.

۲- سوره زخرف، آیه ۵۵. ترجمه از آیت الله مکارم. همچنین ر.ک. آل عمران: آیه ۴، مائده: آیه ۹۵، زمر: آیه ۳۷، ابراهیم: آیه ۴۷.

از آن جا که معصومین و حجّت های الهی، آینه ی تمام نمای اوصاف خداوند متعال هستند (به غیر از اوصاف خاصّ خدا مانند احدیّت و خالقیت مطلق)، ویژگی فوق برای امام زمان علیه السلام نیز ذکر شده است. در کتاب الزام الناصب عبارتی نقل شده که حاکی از انتساب لقب انتقام برای حضرت مهدی علیه السلام است.

«إذا ظهر القائم عليه السلام قام بين الركن و المقام و ينادى بندايات خمسه: الأول: ألا يا أهل العالم أنا الإمام القائم، الثاني: ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم...» (۱)

انتقام، به خودی خود، عمل بدی نیست و نوعی باز پس گیری حقّ غصب شده محسوب می شود. البتّه باید بدانیم که انسان در هنگام تصمیم گیری نهایی پس از ظلمی که به او شده باید همه صفات اخلاقی از قبیل صبر، ایثار، عفو و گذشت را در نظر بگیرد. به نظر می رسد در متون دینی در بیشتر موارد، توصیه به گذشت شده مگر منافق و کافری که به دشمنی با خداوند و حجّت های او می پردازد و همچنین مشغول به اذیت مومنان و مظلومان جهان است و در فرصتی که به او داده می شود توبه نمی کند. تهدید به انتقام، می تواند عامل بازگرداندن منحرفان از مسیر خود و همچنین سبب تنبّه دیگران شود و جهت حفظ جامعه از خطرات اخلاقی در برابر دشمنان، گاهی استفاده می گردد.

اگر مفهوم انتقام را نسبت امام زمان علیه السلام بدون هیچ گونه مقدمه چینی و زمینه سازی فکری و اعتقادی برای کودک بیان کنیم، به یقین دچار آسیب هایی در حیطه تربیت اعتقادی و اخلاقی خواهد شده مانند:

۱) نقش بستن چهره ای منفی (جنگ جو، کینه توز و خشن) از امام علیه السلام در ذهن کودک.

۲) احساس تنفّر و دل زدگی نسبت به امام.

۳) عدم تمایل به فرا رسیدن هر چه زودتر ظهور.

۴) عدم تصویر آرمانی زیبا از زندگی همراه با امام بعد از ظهور.

۵) بی انگیزگی برای یاری امام.

۶) الگوبرداری عینی از رفتار انتقام گونه امام.

ص: ۸۴

۱- یزدی حایری، علی، الزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب، ج ۲، ص ۲۳۳. ترجمه: زمانی که قائم ظهور کند، ما بین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد... دوّم؛ آگاه باشید ای اهل عالم، منم شمشیر انتقام گیرنده.

الگو برداری عینی یعنی اگر قبلاً به شدت علاقمند به امام زمان علیه السلام بوده، وقتی می شنود که ایشان منتقم هستند سعی می کند همانند سازی نماید. در این صورت، در برابر هر گونه ناملایمتی از جانب دوستانش، اقدام به انتقام می کند و در نتیجه منجر به خشونت های کودکانه می گردد.

از یک سو، نمی توان نسبت به تبیین و انتقال مفهوم «انتقام» بی تفاوت بود زیرا جزئی از آموزه های مهدوی است و نشان گر روحیه ی جهادی، حق طلبانه و اقدام شجاعانه ی امام مهدی علیه السلام در برابر دشمنان است و دانستن آن، در تربیت اعتقادی کودک و تحریک برای روحیه شجاعت و غیرت و رزوی مهم تلقی می گردد. اگر هم والدین و مربیان، حرفی از این لقب حضرت نزنند ممکن است از دوستانش، رسانه، سخنرانی ها و مدّاحی ها بشنود. از سوی دیگر نمی توان مفهوم انتقام را به صورت خام بدون برنامه ریزی علمی متناسب با فهم کودک، بیان نمود زیرا آسیب های یادشده را به دنبال دارد.

برای رهایی از مشکل فوق، مراحل هشت گانه ذیل پیشنهاد می شود؛

مرحله اول: توصیف جلوه های مهربانی امام مهدی علیه السلام.

مرحله دوم: بیان زیبایی های ظهور.

مرحله سوم: توضیح پیرامون آشکار بودن حق در زمان ظهور.

مرحله چهارم: تبیین زیبایی های قبول حق و عمل به آن و همچنین زشتی های عدم قبول آن مانند لجاجت و حسادت به گونه ای که تنفر و عدم گرایش نسبت به شخص حق گریز پیدا کنند.

مرحله پنجم: توصیف مراحل دعوت حق گونه امام علیه السلام مانند: برخورد مهربانانه، ارایه ی دلیل و معجزه، دادن فرصت تفکر و تحقیق.

مرحله ششم: سوال از کودک.

بدین صورت که از او می پرسیم: اگر شما جای امام بودید در برابر این همه ظلم از طرف دشمنان و همچنین نسبت به وظیفه ای که نسبت به مظلومان دارید چه اقدامی می کردید؟ به طور قطع، کودک مجازات های سنگین برای ظالمان تعیین می کند چون تنفر نسبت به آن ها پیدا کرده است.

مرحله هفتم: تبیین مهربانی‌های ابتدایی امام در مواجهه دشمنان مانند عفو و دادن فرصت توبه و بازگشت.

مرحله هشتم: مطرح کردن مفهوم «دفاع در برابر دشمن» و پیوند زدن آن با انتقام چون روحیه‌ی دفاعی برای کودک ملموس‌تر است تا شروع به جنگ و انتقام برای اهداف کلی مانند اصلاح جامعه.

ممکن است برخی از موضوعات مراحل پیشنهادی فوق، در روزها و یا ماه‌های گذشته به طور مفصل برای کودک توضیح داده شده ولی برای تبیین مفهوم انتقام تکرار آن‌ها بسیار ضروری است هر چند مختصر و گذرا بیان گردد.

(ب) سودمندی

غرض از انتقال و نهادینه‌سازی آموزه مهدوی به کودک آن است که از طریق شناخت دهی و تحریک عواطف او نسبت به مهدویت، در جهت تربیت نسل منتظر گام برداریم. بر این اساس، باید از معارف مهدوی که در این زمینه سودمند و مفید باشند استفاده کرد. در کتب مهدویت مطالبی وجود دارد که در معرفت دهی و سوق دادن گرایش کودک به مهدویت و سیر تربیتی او تأثیر قابل توجهی ندارد. طرح این گونه مطالب، ذهن و فکر کودک را درگیر و جز تضییع وقت ثمری برای او ندارد. نظیر بیان اختلاف اقوال در برخی مسایل مانند ملیت مادر امام زمان، تعداد علائم حتمی و غیر حتمی، و همچنین طرح شبهات، خرافات و رد آن‌ها. البته می‌توان زیرکانه و به صورت روش مند، وجوه صحیح آن‌ها یا موارد مشهور بین علما را در قالب‌های کودکانه مطرح کرد بدون اشاره به اقوال، شبهات و رد آن‌ها.

مثلاً- موضوعی همچون «چاه جمکران» محور جلسه آموزشی ما برای کودکان نیست و پیرامون آن سخنی به میان نمی‌آوریم. (۱) اما درباره نقاشی کشیدن و نامه نوشتن برای امام زمان علیه السلام صحبت می‌کنیم و حتی در قالب مسابقه، همه را به آن دو تشویق و ترغیب نموده

ص: ۸۶

۱- زیرا مقدّس دانستن انحصار انداختن عریضه (یعنی برگه حاوی حوایج و آرزوها) در چاه جمکران، قابل تأمل و بررسی است. ر.ک. شهبازیان، محمّد و همکاران، «بررسی و تحلیل اسناد عریضه نویسی با تأکید بر آسیب‌های آن»، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۴۲.

و به بهترین ها جایزه می دهیم. پس از آن کودکان را متوجه این نکته می کنیم که «حضرت مهدی علیه السلام از همه اعمال و رفتار شما حتی نوشتن نامه و محتوای آن آگاهی دارند و اگر درد و دل ها و خواسته ها را برای ایشان ننویسیم و نگوییم، باز اطلاع دارند». اما به مطالبی که در ذهن معتقدین به عریضه نویسی و انداختن در آن چاه است به هیچ وجه اشاره نمی کنیم.

ج) قابلیت الگو برداری

پذیرش یک انسان به عنوان الگو و تقلید از او، از جمله ارکان شکل گیری شخصیت کودک است که سریع ترین، آسان ترین و بیشترین تأثیرگذاری را در وی دارد. کودک دوست دارد در برابر هر نوع آموزه ای به ویژه آموزه های متضمن رفتار، الگو برداری کند. (۱) مثلاً وقتی در توصیف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کمک کردن به دیگران سخن به میان می آید، کودک به خاطر تجلیل دیگران از این صفت و تشویق به انجام آن و همچنین علاقه ای که به آن حضرت دارد، سعی می کند این صفت نیکو را طبق همان تصویری که پیدا کرده نسبت به کودکان دیگر انجام دهد.

برخی از آموزه های مهدوی، برای کودک قابلیت الگو برداری ندارند. مانند اوصاف ماوراء الطبیعه مختص به امام از قبیل قدرت مافوق بشر و کرامات. کودک به خاطر قوه تخیل بالا و علاقه ی شدید به داستان های عجیب و غریب، سریع تر و بهتر از بزرگ ترها می تواند به تصویری از آن دست یافته و راحت قبول نماید. امّا اگر تمام فضای ذهن او لبریز از این اوصاف ماورائی امام علیه السلام شود، تصویری یک شخصیت خیالی در ذهنش نقش می بندد و حتی ایشان را در حدّ یک شخصیت منجی و قهرمان خیالی در انیمیشن ها و داستان ها تنزل می دهد. در نتیجه ویژگی های آن را به امام علیه السلام نسبت می دهد و حتی در مواردی خصوصیات منجی موعود حقیقی یعنی امام علیه السلام را به آن قهرمان ها تطبیق می دهد. چنین تصویری، نسبت دهی و تطبیقی افزون بر آسیب های معرفتی، سبب شکل گیری اعتقاد به عدم امکان الگو پذیری از امام علیه السلام خواهد شد. با این بیان که؛ کودک گمان می کند

ص: ۸۷

۱- شاید معیار شماره ۳، از مصادیق معیار «سودمندی» باشد، ولی به خاطر اهمیت و آثار فراوان آن، به صورت مجزا ذکر گردید.

امام علیه السلام یک انسان ماورائی است، از عالم دیگری آمده و از ما بسیار فاصله دارد. همچنین نه تنها نمی تواند دوست و راهنمای ما باشد بلکه نمی توان او را الگو و سرمشق خود قرار داد چون نمی توانیم کارهای خارق العاده او را انجام دهیم. این طرز تفکر سرایت می کند به اخلاق و رفتار امام مهدی علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام در عالم طبیعی و زندگی معمولی ایشان در بین مردم. یعنی کودک خیال می کند رفتار و اعتقادات آن ها همانند معجزات و کرامات، مختص به خودشان است و نمی توان مانند آن ها را انجام داد و از آن ها الگوبرداری کرد.

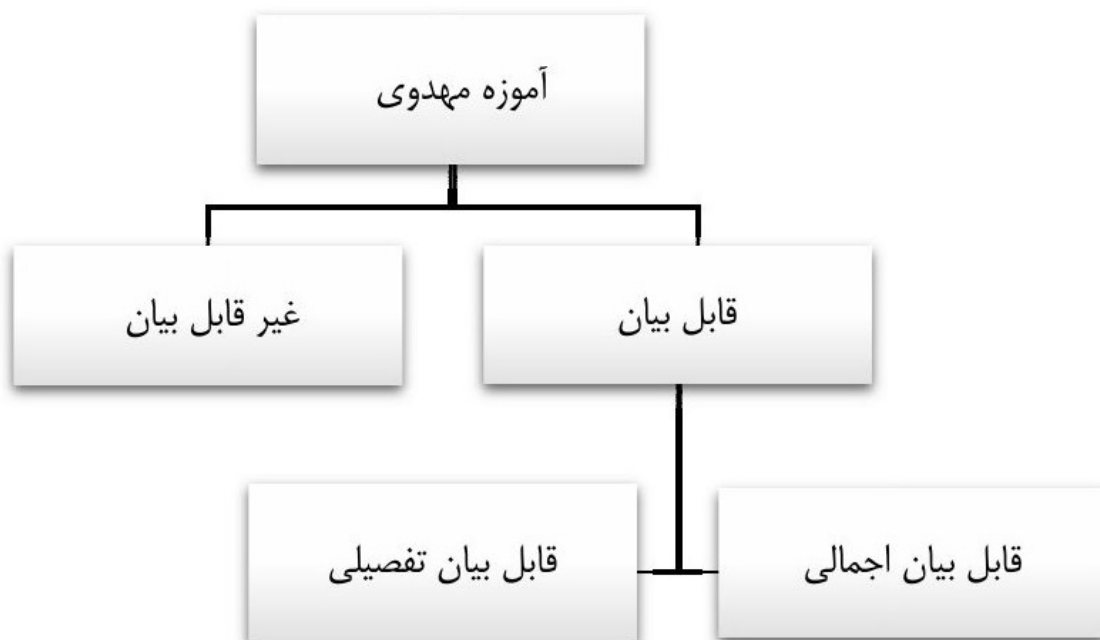
گفتار چهارم: دسته بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک

اشاره

برای آموزه های مهدوی، از جهات مختلف می توان گونه ها و دسته بندی های متنوعی ذکر کرد مانند دسته بندی به لحاظ اهمیت فراگیری از نظر دین پژوهان و اولویت های نیاز جامعه، ویژگی های کودک از نظر جنسیت، حیطه های شخصیتی و همچنین شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خانواده و محیط زندگی. با توجه به جهات مذکور و معیارهای گزینش آموزه های مهدوی برای کودکان، می توان به دسته بندی های جامعی از آن آموزه ها از نظر قرار گرفتن در سامانه انتقال به کودک دست یافت. در اینجا یک نمونه با در نظر گرفتن حیطه شناختی دوره کودکی ذکر می گردد.

(نمودار دسته بندی آموزه مهدوی)

تصویر



یک. آموزه غیر قابل بیان

برخی از آموزه های مهدوی اصلاً نباید در چرخه ی آموزش و انتقال به کودکان قرار گیرند، نه به صورت اجمالی و نه به طور تفصیلی. به عبارت دیگر، به هیچ وجه نباید جزء مواد و محتوای درسی باشند. این ممنوعیت به خاطر دلایل تربیتی و روان شناختی است مانند

عدم توانایی درک صحیح، عدم سودمندی و عدم قابلیت الگوبرداری. آموزش مفاهیمی همچون انتقام و قصاص بدون مراحل هشتمگانه ای که قبلاً ذکر گردید، از جمله آموزه های غیر قابل بیان محسوب می شود.

دو. آموزه قابل بیان

اشاره

آموزه هایی از فرهنگ غنی مهدویت که می توان آن ها را فی الجمله در لیست انتقال و آموزش به کودک قرار داد که خود به دو گروه تقسیم می شوند.

الف) قابل بیان اجمالی

این گروه شامل مفاهیم و گزاره هایی از مهدویت است که در روند آموزشی و انتقال، فقط به نام شخص، حادثه و یا جریان، به صورت اجمالی اشاره می شود. این آموزش در حدی است که کودکان نام آن را بدانند و در مورد خوب یا بد، پسندیده یا ناپسند، فضیلت یا رذیلت بودن آن به طور مختصر اطلاعاتی داده می شود بدون بیان تفصیلات و جزئیات آن. این محدودیت، به خاطر عواملی از قبیل مواردی است که در آموزه های غیر قابل بیان ذکر گردید. مانند موضوع دجال، که در برخی سخنرانی ها ممکن است کودکان نام او را بشنوند و پیرامون آن سؤالاتی بپرسند. اگر بنا باشد درباره آن برای کودکان صحبت شود، باید فقط به نام او و این که از دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است بسنده گردد، زیرا افزون بر اینکه سند و دلالت روایاتی که درباره دجال موجود است قابل تأمل و

بررسی است، (۱) نیازی به بیان تفصیلی ویژگی های دجال که در متن آن روایات ذکر شده نیست.

(ب) قابل بیان تفصیلی

این گروه، شامل تمام آموزه های مهدوی است که از لحاظ محتوایی فارغ از آسیب های یادشده می باشد و دارای جنبه ی افزایش معرفت، گرایش و محبت کودکان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنین باعث شکل گیری و رشد شخصیتی کودکان جهت مهدی شناسی، مهدی باوری و مهدی یابوری می شوند. البته تحقق آن، به شرطی است که با رعایت جوانب روان شناختی دوران کودکی در روش و قالبی زیبا و مناسب ارائه گردد.

آموزه های قابل بیان تفصیلی مانند:

۱) آمادگی برای ظهور با انجام کارهایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوست دارند.

۲) ایشان از تمام افکار و اعمال ما خبر دارند.

۳) امام علیه السلام ما را بیشتر از پدر، مادر و دوستان دوست دارند.

۴) با کارهای خوب می توان ایشان را خوشحال کرد.

ص: ۹۰

یک. معانی لغوی تلقین

برای تلقین، معانی لغوی متعددی ذکر شده مانند فهماندن، (۱) یاددادن کلامی و وادار کردن به گفتن، فهماندن مطلبی را زبانی گفتن، القا کردن اصول و مبانی مذهبی به میت هنگام دفن، (۲) باوراندن اندیشه و طرز فکری خاص، القای شهادتین به محتضر. (۳) در این نوشتار، از بین معانی مذکور، باوراندن مدنظر است.

دو. تعاریف اصطلاحی

برای تلقین، تعاریف اصطلاحی متعددی نیز می‌توان یافت که برخی ناظر به خودتلقینی و بعضی دیگر اشاره به دگرتلقینی دارد. در اینجا چند نمونه ای که بیشتر مرتبط با معنای مقصود است به نقل از کتب لغوی و مقالات علمی ذکر می‌گردد.

در روان‌شناسی تلقین یعنی «قبولاندن یا باوراندن عقیده، باور، تلقی یا احساسی به کسی معمولاً با تکرار و بدون درک و اقناع». (۴) همچنین در تصوف به «گفتن و یاددادن ذکر خاصی به مرید و واداشتن او به تکرار آن» (۵) معنا شده است.

در مباحث معرفه‌النفس درباره تلقین به نفس گفته شده:

«به کمک اراده، بر ضعفی روانی یا تردیدی باطنی غلبه کنند و آن ضعف یا تردید را بر اثر تعلیم و پند دادن به خود و تکرار در آن زایل سازند و بالعکس». (۶)

بنابر نظر برخی اندیشمندان تربیت اسلامی، «تلقین به نفس» یعنی:

«از طریق به زبان آوردن قولی معین یا آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، تغییری به مقتضای

ص: ۹۲

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۱۳۳.

۲- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۹۴۲.

۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۱۷.

۴- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، ص ۶۵۵.

۵- همان.

۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۹۴۲.

آن در ضمیر پدید آید». (۱)

برخی پژوهشگران فلسفه ی تحلیلی تعلیم و تربیت مانند پیترز (۲) تلقین را چنین تعریف کرده اند:

«فرونشاندن هر نوع آموزه (۳) یا باور (۴) در ذهن فرد که منجر به ایجاد تعهدی تزلزل ناپذیر نسبت به حقایق آن شود به طوری که درهای ذهن خود را بر هر احتمالی دایر بر خطابودن آن آموزه یا باور ببندد». (۵)

سه. تعریف پیشنهادی و نکات آن

اشاره

با بهره گیری از معانی لغوی و اصطلاحی یادشده، نگارنده تعریف ذیل را ارائه می کند تا بیان گر معنای مقصود از تلقین در این پژوهش باشد.

«تلقین یعنی ایجاد و تقویت باور در خود یا دیگری از طریق تکرار نظام مند محتوای تلقینی در قالب های متنوع، متناسب با حیطه ی شناختی و عاطفی و رفتاری تلقین شونده (کودک) در یک فرآیند تربیتی بعد از مرحله ی آموزش همراه با حفظ قدرت اراده، انتخاب گری و پرورش اندیشه به منظور تثبیت و افزایش اعتماد وی به حقایق آموزه های آن محتوا، جلوگیری از غفلت و فراموشی و همچنین به قصد ایجاد مصونیت در برابر اندیشه ها و رفتارهای تردیدزا و تزلزل آفرین» (۶)

در این تعریف، چند نکته گنجانده شده است که عبارت است از:

الف) نتیجه ی تلقین؛ تحقق باور

هدف در تلقین، ایجاد و تقویت باور است بدون این که در تلقین شونده هیچ گونه شک و تردید پدید آید؛ پس اگر تلاشی با هدف مذکور انجام شد، ولی به خاطر عدم رعایت

ص: ۹۳

۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.

۲- R. S. Peters

۳- Doctrine

۴- Belief

۵- رایین بارو و رونالد وودز، درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فاطمه زیباکلام، ص ۹۶.

۶- غرض نگارنده از تعرف پیشنهادی، جمع آوری و بیان نکات مهم درباره تلقین و همچنین ارائه تصویری روشن از آن بوده است. به همین خاطر، از بیان اختصار گونه ی تعریف با قیود مبهم پرهیز شده است.

اصول تلقین یا وجود موانعی، باور محکم در مخاطب حاصل نشد، تلقینی رخ نداده است.

(ب) تکرار نظام مند، عنصر اصلی تلقین

عنصر اصلی تأثیرگذار در تلقین، تکرار است که شامل تکرار قولی و فعلی و محیطی می شود و همچنین اعم از تکرار برای خود و دیگری است که توضیح آن ها در بحث انواع تلقین خواهد آمد. البته هر نوع تکراری تلقین آمیز نیست، بلکه باید هدف مند و نظام مند باشد یعنی با هدف ایجاد باور شکل گیرد که این امر، رعایت اصول تلقین (که بعداً ذکر می شود) را می طلبد.

(ج) ارتباط مستقیم تلقین با جنبه ی شناختی و گرایشی

تلقین، افزون بر ارتباط با ذهن و حیطه ی شناختی انسان، با حیطه ی عاطفی وی نیز در ارتباط است به گونه ای که بخش قابل توجهی از میزان پذیرش باور و همچنین تقویت و استحکام آن، وابسته به جنبه ی گرایشی تلقین شونده نسبت به محتوای تلقینی و تلقین کننده است. بنابراین، تکرار یک آموزه، نخست ذهن را به خود مشغول می سازد و با ادامه یافتن فرایند تلقین، امیال درونی نیز همراهی می کنند و اگر بازتاب عملی داشته باشد، به رفتاری متناسب منجر می شود.

(د) جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تذکر

اشاره

تلقین به لحاظ رتبه و حتی گاهی از نظر زمانی در مرحله ای بعد از اطلاع و خبردادن، آموزش و توجیه شناختی و همچنین تذکر و بازپدیدآوری ذهنی قرار دارد که طی سه مرحله روشن می گردد.

مرحله اول: آموزش

نخست یک آموزه، آموزش و تعلیم داده می شود و متناسب با آن از شواهد، دلایل و استدلال های منطقی جهت اثبات حقایق آن استفاده می گردد تا از انتقال صحیح و توجیه شناختی نسبت به آن آموزه، اطمینان حاصل گردد.

مرحله دوم: یادآوری و تذکر

در این مرحله، به جهت جلوگیری از غفلت و فراموشی، تذکر و یادآوری لازم صورت می گیرد. به ویژه اگر محتوای آن آموزه، از گزاره های علوم کاربردی باشد که غرض از

تذکر در آن‌ها، بهره‌گیری از فوائد عملی است.

مرحله سوم: تکرار تلقین آمیز

این مرحله، جایگاه بحث تلقین است و در آن، نوبت به تکرار تلقین آمیز می‌رسد تا با ایجاد عقیده و باوری محکم در مکان و زمان‌هایی که از آموزش فاصله گرفته می‌شود، مورد انکار و حتی تردید و تزلزل واقع نشود.

گاهی ممکن است تلقین همزمان با آموزش و تذکر اتفاق بیفتد، ولی به لحاظ عقلی و شواهد تجربی، مؤخر از آن‌ها تحقق می‌یابد و می‌توان برای آن به طور جداگانه برنامه‌ریزی کرد. البته با هر بار تکرار، تذکر نیز رخ می‌دهد، ولی هر تذکری تلقین نیست؛ بلکه تلقین، نوعی تذکر سازمان‌یافته و مستمر محسوب می‌شود.

ه) تلقین، روش و ابزاری مشترک برای تحقق اهداف صحیح و باطل

واژه ی تلقین، در بین مردم بار عاطفی منفی داشته و ملالت‌آور است. شاید یکی از دلایل چنین برداشتی این است که در این عصر، برخی شرکت‌های تبلیغاتی جهت ترغیب دیگران به خرید محصولات تجاری خود، زیاد از آن استفاده می‌کنند و گاهی اوقات به بزرگ‌نمایی کاذب و سوء استفاده منجر می‌شود. در حالی که تلقین، ابزار مشترکی است که برای دست‌یابی به اهداف صحیح و نیز تحقق اهداف باطل کاربرد دارد. بنابراین اگر والدین یا مربی، با هدف صحیحی همچون نهادینه‌سازی عشق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کودکان (که هنوز قدرت درک درست خوب و بد را ندارند و برای تشخیص آن دو، چشم به گفتار و کردار اطرافیان دوخته‌اند) بعد از تربیت عقلانی و توجیه شناختی در حد فهم آنان، از روش تلقین استفاده کنند، به لحاظ تربیتی و روان‌شناسی کار اشتباهی انجام نگرفته و هیچ آسیب معرفتی و تربیتی به دنبال نخواهد داشت.

گفتار دوم: جایگاه شناسی تلقین

«تلقین» یکی از روش‌های تأثیرگذار بر نفس و روح آدمی است که جایگاهی ویژه در برخی علوم انسانی دارد. برخی پژوهشگران تربیت اسلامی بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن»، روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام توصیه شده مانند تحلم که

ماهیتاً مشمول عنوان «تلقین» است. (۱) در علم اخلاق نیز «تلقین به نفس» به عنوان راه کاری جهت درونی شدن صفات حسنه مطرح شده است. در روان شناسی، تلقین به عنوان شیوه ای درمانی برای بیماری هایی مانند کم رویی به کار می رود. امروزه تلقین درمانی، در بیشتر کلینیک های روان درمانی جهان رواج دارد و بسیار اثرگذار ارزیابی شده است. در بحث ظرفیت های روان شناختی، تلقین به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک شمرده شده و همچنین تلقین به مخاطب در زمان وارد شدن هیجانات شدید و تلقین به نفس در حالت هشپاری، از جمله راه های ورود و تأثیر گذاری بر سطح ناهشیار انسان محسوب می شود. اساس کار هیپنوتیزم نیز تلقین است، ولی به خاطر اینکه راهی مصنوعی می باشد (۲) و در آن از شیوه ها و ابزارهای غیرمتعارف استفاده می شود از بحث ما خارج است.

گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان

اشاره

پیرامون استفاده از روش تلقین جهت ایجاد باورهای دینی به ویژه مهدوی، سوالی مطرح است که تبیین آن به همراه پاسخ، از نظر می گذرد.

یک. تبیین سوال

آیا باوراندن و تلقین عقاید مهدوی، کاری تحمیلی است و با اصل تحقیقی بودن عقاید و همچنین با تربیت عقلانی کودکان منافات ندارد؟ با این توضیح که: از یک سو، هر انسانی به قدر توانایی باید درباره ی حقایق اصول عقاید اسلامی تحقیق کند که پس از اطمینان، طبیعتاً آن را پذیرفته و نسبت به آن معتقد می شود. بر این اساس، تقلید از دیگری نسبت به قبول آن ها کاری ناپسند است. این امر، در مورد باور به امامت و همچنین مهدویت که یکی از آن عقاید است نیز جاری می شود. از سوی دیگر، ایجاد و تقویت باورهای صحیح دینی مانند مهدویت در دوره کودکی، نقش مهمی در فرآیند تربیت دینی و شکل گیری شخصیت انسان دارد. باید این باورسازی با تربیت عقلانی یعنی پرورش نیروی عقل و تفکر متربئی همراه باشد تا وی با اختیار بدون هیچ گونه تحمیل و تحکمی،

ص: ۹۶

۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۷۶.

۲- کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، صص ۱۰۱ و ۲۲۸-۲۳۲.

عقاید دینی را قبول کرده و در او باوری تزلزل ناپذیر نسبت به آن‌ها پدید آید.

از سوی سؤم، با این که تلقین روش تربیتی تأثیرگذار شمرده شده ولی به معنی فرونشاندن باور در انسان بوده که منجر به تحمیل عقیده‌ای خاص و اجبارکردن فرد بر پذیرش آن است. در این صورت، حق‌اندیشه‌ورزی، قضاوت و انتخاب در مرتب‌ی سلب شده و در نتیجه موجب ایجاد تعهدی تزلزل ناپذیر در او همراه با روحیه‌ای متعصبانه، نگرشی مصونیت‌آمیز نسبت به آن عقیده و بی‌اعتمادی به سخن دیگران می‌شود و البته گاهی باعث دل‌زدگی و بی‌رغبتی نسبت به گزاره‌های تلقین شده می‌گردد. بدیهی است که این امور با تربیت عقلانی منافات دارد. بنابر نظر برخی پژوهشگران فلسفه‌ی تحلیلی تعلیم و تربیت مانند آنتونی فلوو و پل هرست (۱) استفاده از تلقین در ارایه‌ی مباحث دینی و تربیت دینی، عملی تحقیرآمیز و زشت، روشی غیراخلاقی و غیرعقلانی و همچنین تهدید برای هر نوع آموزشی محسوب می‌شود. (۲) البته اشکال اصلی آن‌ها به ماهیت مفهوم تربیت دینی بر می‌گردد و مدعی تلقین‌آمیز بودن آن هستند که پاسخ‌های مقتضی از جانب طرف داران تربیت دینی داده شده است. (۳)

دو. پاسخ با تبیین دو گونه تلقین

اشاره

در پاسخ به سؤال مذکور، چنین به نظر می‌رسد که اصل تحقیقی بودن عقاید از جمله مهدویت و همچنین لزوم توجه به تربیت عقلانی و پرهیز از تحمیل عقیده به ویژه نسبت به کودکان، اموری هستند پذیرفته شده و غیرقابل انکار. اما پاسخ دهی به پرسش مذکور، در گرو تبیین دو گونه تلقین نسبت به فرآیند آموزشی است.

بهره‌بری از تلقین در حیطه آموزشی

الف) تلقین آسیب‌زا در فرآیند آموزش ممنوع است.

ب) تلقین باورساز پس از آموزش مجاز است.

ص: ۹۷

۱- Anthony Flew and Paul Hirst

۲- حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن علی، «تلقین؛ چالشی فراروی تربیت دینی»، فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۸۷-۸۸.

۳- ر.ک: باقری، خسرو، چیستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست).

اگر تلقین، به عنوان محور تربیت دینی و روشی جهت آموزش معارف مهدویت استفاده شود بدون بیان پشتوانه‌های فکری و استدلالی و عدم توجیه شناختی نسبت به آن‌ها، آثار منفی جبران‌ناپذیر یا دیراصلاح‌یادشده در تبیین سوال مانند تعصب بیجا را به دنبال دارد. مثلاً اگر در فرآیند آموزش معارف مهدوی، نگرشی مصونیت‌آمیز نسبت به آن‌ها اتخاذ شود، به گونه‌ای که مربی مصمم باشد درباره‌ی حقیقت آن‌ها بدون ارایه‌ی شواهد و دلایل، تعهدی تزلزل‌ناپذیر در ذهن متریان فرونشاند، فعالیت‌وی جنبه‌ی تحمیلی به خود می‌گیرد. همچنین اگر مربی آموزه مورد نظر خود را به گونه‌ای عرضه کند که پیشاپیش برای همه‌ی پرسش‌های مخالفت‌آمیز، پاسخ‌های خاموش‌کننده و نه قانع‌کننده تدارک دیده باشد، یا از ارایه‌ی نظریات متفکران مختلف درباره‌ی مطلب اجتناب کرده، عمداً به القای یک عقیده‌ی خاص به منزله‌ی حقیقتی تردیدناپذیر (بدون اجازه دادن برای تفکر و پژوهش پیرامون آن) اکتفا کند، آن‌گاه تعلیم به تلقین آسیب‌زا تبدیل خواهد شد، زیرا حق انتخاب و قضاوت شاگردان پامال می‌شود و آموزش، دربردارنده‌ی این پیام است که «بیندیش همان‌گونه که ما می‌اندیشیم و جرأت سوال و تردید نداشته باش». نتیجه‌ی چنین تدریسی آن است که دانش‌آموزان پس از اتمام درس، آموزه‌ها و اعتقادات کسب‌شده را قابل بازنگری ندانسته و به بحث درباره‌ی ماهیت آن‌ها بی‌رغبت اند. هیچ استدلالی را در ردّ باورهای (غلط) خود معتبر ندانسته و هیچ دلیلی آن‌ها را معجب‌نمی‌کند تا در آن‌ها تجدید نظر کنند. (۱)

ب) تلقین باورساز پس از آموزش

چنانچه در معناشناسی بیان شد، می‌توان از تلقین به عنوان مرحله‌ی پس از آموزش در قالب تکرار نظام‌مند بهره‌برد. این کار به منظور اقناع و افزایش اعتماد متربی به صحت آموزه و تثبیت اعتقادات، جلوگیری از فراموشی پشتوانه‌های استدلالی آن و بروز تزلزل در فکر و دل انجام می‌گیرد و چنین تلقین‌تثبیت‌افزا و اعتمادسازی تحمیل‌محسوب

ص: ۹۸

۱- اقتباس از حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن علی، «تلقین؛ چالشی فراروی تربیت دینی»، فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۹۰ و ۹۳.

نمی شود. البته در ضمن تکرار ممکن است استدلال ها یا نکات جدید بیان شود ولی غرض در اینجا متوجه نفس تکرار باورساز است.

در این پژوهش غرض از روش تلقین، نوع اخیر یعنی تلقین باورساز پس از آموزش است. مقصود از به کارگیری روش تلقین جهت باورسازی مهدوی در کودکان، زمینه سازی برای تثبیت و نهادینه سازی آموزه های مهدوی در آن ها و شکوفایی فطرت معنویّت جوی آنان نسبت به حَقّانیت، مفیدبودن و کارآمدی آن آموزه ها در زندگی کودکان می باشد. در این صورت، افکار، امیال و رفتارهای کودک از درون به سمت معرفت، محبت، اطاعت و در نهایت، پذیرش ولایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت دهی می شود. این امر، مستلزم تعطیلی قوه ی تفکر، اختیار و قدرت انتخاب کودک و همچنین سلب اجباری آزادی در اندیشه، امیال درونی و رفتار او نمی باشد، چون در اجرای تلقین باید به سه شاخصه ی «تربیتی استقلال در انتخاب و تصمیم گیری»، «اندیشه ورزی یا تأمل عقلانی»، «استواری شخصیت یا قدرت اراده» توجه نمود.

نکات فوق را می توان در فضای تربیتی کودک نیز مطرح کرد لکن با قالبی متناسب با دوره ی کودکی، یعنی مربی مهدویّت در مرحله ی آموزش، استدلال های کودکان و قابل فهم را برای کودکان بیان می کند و ضمن آن، اندیشه و عاطفه ی آنان را به سمت باورهای مهدوی سوق می دهد. سپس به تکرار تلقین آمیز آن می پردازد تا منجر به ایجاد باور شود به گونه ای که کودک حس کند خودش آن را فهمیده، قانع شده و آزادانه انتخاب نموده است. البته موفقیت در به کارگیری این روش برای کودکان، در صورتی است که تهیّه محتوای تلقینی و همچنین شیوه ها و قالب های اجرای آن، با در نظر گرفتن نکات روان شناختی پیرامون تلقین پذیری این دوره ی سنی باشد که به برخی از آن ها اشاره خواهد شد.

نکته مهم

باید توجه داشته باشیم که امروزه کودکان در زمینه ی عقاید، اخلاق، سبک زندگی و آداب و رسوم، در معرض تلقین باورهای مغایر با آموزه های وحیانی هستند. این امر توسط انیمیشن و فیلم های کودکانه شرکت های سینمایی غرب و همچنین از طریق تبلیغ و پخش انواع کالاهای خوراکی، پوشاک و اسباب بازی انجام می شود. چه متوجه باشیم و چه

ص: ۹۹

نباشیم قطار تلقین پذیری کودکان به سرعت در حال حرکت است. حال شایسته است که اشخاص و نهادهای تأثیرگذار در جامعه از این ظرفیت تلقین پذیری، جهت ترویج آموزه‌ها

و باورهای مهدوی استفاده‌ی بهینه نمایند و آن را فرصتی برای آشناساختن کودکان با معارف مهدوی و زمینه‌سازی جهت قبول استدلالی آن معارف در بزرگسالی تلقی کنند.

گفتار چهارم: انواع تلقین

اشاره

ذکر انواع تلقین موجب آشنایی بیشتر با ابعاد گسترده و مصادیق متعدّد آن می‌شود. دسته‌بندی‌های متنوعی برای تلقین بیان شده‌اند «شنیداری و دیداری و نوشتاری»، «فکری و کلامی»، (۱) «اجازه و امر»، «مثبت و منفی»، «مستقیم و غیرمستقیم» (۲)، «خودتلقینی و دگرتلقینی» و «قولی و فعلی» (۳) که توضیح برخی از آن‌ها به‌خاطر اهمیت و کارآمدی بیشتر در اجرای تلقین، ذکر می‌گردد.

دسته‌بندی‌های تلقین

(۱) شنیداری، دیداری و نوشتاری

(۲) فکری و کلامی

(۳) اجازه و امر

(۴) خودتلقینی و دگرتلقینی*

(۵) قولی، فعلی و محیطی*

(۶) مثبت و منفی*

یک. خودتلقینی و دگرتلقینی

خودتلقینی یا تلقین به نفس که مستقیماً توسط شخص نسبت به خودش صورت می‌گیرد، یعنی به زبان آوردن قول یا فعلی معین که به مقتضای آن، تغییری در ضمیر پدید آید. (۴) دگرتلقینی یعنی تلقین غیرمستقیم که از سوی دیگری انجام می‌شود. استفاده از هر کدام از

ص: ۱۰۰

۱- هاشمی، انسیه، نقش تلقین در تقویت اراده، ص ۱۱.

۲- لوکرون، لسل، اتوهیپنوتیزم، ترجمه همایون فر، یدالله، ص ۷۸.

۳- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.

۴- همان.

دو نوع مذکور، وابسته به عواملی مانند وسعت و ضیق بودن ضمیر تلقین شونده است، پس هر یک در شرایط خاصی نتیجه مثبت می دهد. (۱)

دو. تلقین قولی و فعلی و محیطی

آن چه از استعمال کلمه ی تلقین پیرامون متعلق تکرار یا جنس ماده ی تلقینی متبادر است غالباً چیزی از سنخ لفظ در قالب گفتار یا نوشتار می باشد، یعنی مثلاً واژه یا گزاره ای چندین مرتبه گفته می شود تا باور متناسب با آن، در جان و روح تلقین شونده تثبیت گردد که به آن تلقین قولی گفته می شود. در قرآن کریم نیز از این نوع تلقین در قالب تکرار آموزه ای خاص استفاده شده که بارزترین نمونه ی آن، ۳۱ بار تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره ی «الرَّحْمَن» و ۱۰ مرتبه تکرار آیه «وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره ی «المرسلات» است. پیرامون تلقین قولی در فضای خودتلقینی، روایتی وارد شده که در آن سفارش شده به گفتن «لا اله الا الله» در هنگامی که اندیشه های کفرآمیز در دل موج می زند.

«شخصی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: گاهی تصورات کفر آمیزی در دلم خطور می کند. ایشان فرمودند: هر گاه چنین شد بگو لا اله الا الله. از آن پس هر گاه وسوسه ای در دلم ایجاد می شد می گفتم لا اله الا الله، و آن وسوسه ها برطرف می شد.» (۲)

افزون بر تکرار واژگان، می توان یک حالت روحی روانی یا رفتار را نیز تلقین کرد، یعنی با انجام مستمر و پی در پی نوعی عمل یا نشان دادن روحیه ای خاص، باور مورد نظر در معرض تلقین قرار گیرد که تلقین فعلی نام گرفته است. تلقین فعلی در فضای خودتلقینی یعنی آشکار ساختن عملی به نحو تظاهر بر اعضا و جوارح، در حالی که آن فعل و آثار آن در درون ما ریشه ندوانده است تا سایه و طنین آن را به درون بیفکنیم. (۳)

به طور کلی، استمرار و عمل پیوسته آثار فراوانی دارد مانند یادگیری درست، سرعت

ص: ۱۰۱

۱- هاشمی، انسیه، نقش تلقین در تقویت اراده، ص ۱۳.

۲- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّهُ يَقَعُ فِي قَلْبِي أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ جَمِيلٌ فَكُلَّمَا وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ قُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَيَذْهَبُ عَنِّي»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، باب الوسوسة و حدیث النفس، ص ۴۲۴). ترجمه از بهبودی، محمد باقر، گزیده کافی، جلد ۱، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۳- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۶۸-۶۹.

عمل، یافتن مهارت، جلوگیری از فراموشی (۱) و همچنین ایجاد و تقویت رفتاری ثابت و عاداتی استوار در کودک و نوجوان. (۲) به بیان دیگر، باعث تثبیت در افکار، حالات و اعمال

می شود. حتی ایمان انسان نیز نوعی تثبیت در سایه ی عمل است؛ همچنان که در این حدیث نیز بدان اشاره شده؛ «لَا يَثْبُتُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ ایمان جز با عمل تثبیت نمی شود». (۳) افزایش تکرار عمل، زمینه ی تثبیت آن را بیشتر خواهد نمود.

در نظام تربیتی اسلام، شیوه ها و دستورات فراوانی دیده می شود که حاکی از تلفیق تلقین قولی و فعلی است و تأثیری مضاعف دارد. مانند نماز که نمازگزار در آن، سخنان معنی را بر زبان می راند و حرکات معینی را انجام می دهد که هر یک با حالات ویژه ای تناسب دارد و آن را در باطن می انگیزد. (۴) با توجه به وسعت معنایی تلقین، می توان مواردی از قبیل فضا سازی و شرایط محیطی مانند نحوه ی چینش، نوع و کیفیت رنگ و صدا را تلقین محیطی نامید. برای تلقین محیطی می توان از راه کارهای زیر استفاده کرد.

۱) نمایشگاه زیبایی های ظهور برای کودکان.

۲) نصب عکس های نمادینی که نشان گر رابطه محبت آمیز بین امام مهدی علیه السلام و کودک باشد.

۳) پخش صداها و نواهای مهدوی کودکانه در فضای بازی و کلاس.

۴) پخش فیلم یا نمایش کودکی که مشغول خودتلقینی مهدوی است.

سه. تلقین مثبت و منفی

دو معنا برای مثبت یا منفی بودن تلقین بیان شده است.

برخی، این دو نوع را در فضای بیان عبارات تلقینی مطرح کرده اند و معتقدند برای حفظ قدرت و آثار مثبت تلقین، باید از کلماتی نظیر «نه»، نمی خواهیم، نمی توانم و

ص: ۱۰۲

۱- شعبانی، حسن، مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)، ص ۲۳.

۲- همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۲۷.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۳۸.

۴- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۷۰.

نخواهد شد» خودداری شود. مثلاً- به جای جمله‌ی «امروز من سردرد نخواهم داشت» که تلقینی منفی است، از عبارت «امروز من خیلی تندرست، سالم و سرحال هستم» استفاده شود. (۱)

برخی دیگر، تلقین مثبت را تلقینی می‌دانند که به خاطر مطلوب بودن ماده‌ی تلقینی، باید

به کار گرفته شود و منفی، نباید صورت پذیرد. (۲) مثلاً- در تلقین فعلی مثبت، مقصود آن است که صورت یک عمل مطلوب نشأت گرفته از یک باور صحیح را تظاهرگونه بر اعضا و جوارح خویش آشکار سازیم، در حالی که ریشه‌های باور و عقاید مربوط به آن هنوز در درون ما تثبیت نشده است؛ مانند تحلم به معنای تظاهر به حلم و نقش فردی حلیم بازی کردن که حضرت علی [در حدیثی فرمودند:

«اگر حلیم و بردبار، نیستی پس خود را بردبار جلوه ده؛ چه اندک پیش آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود» (۳)

همچنین تباکی یعنی تظاهر به گریه از خوف خدا در قنوت نماز وتر که در صورت عدم توانایی بر گریستن، مستحب شمرده شده است. (۴) در تلقین منفی فعلی نیز مقصود آن است که صورت فعلی نامطلوب را از خود دور کنیم در حالی که ممکن است آثار آن در درون ما ریشه دوانده باشد مانند تبختر در راه رفتن.

کفتار پنجم: تلقین پذیری کودکان

اشاره

کودکان، تأثیرپذیری افزون تری نسبت به دیگران داشته و بیشتر تحت تأثیر تلقین قرار می‌گیرند. (۵) برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این تأثیرپذیری اشاره دارد مانند سخن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند:

ص: ۱۰۳

۱- لو کرون، لسلی، اتوهینو تیزم، ترجمه همایون فر، یدالله، ص ۸۱.

۲- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.

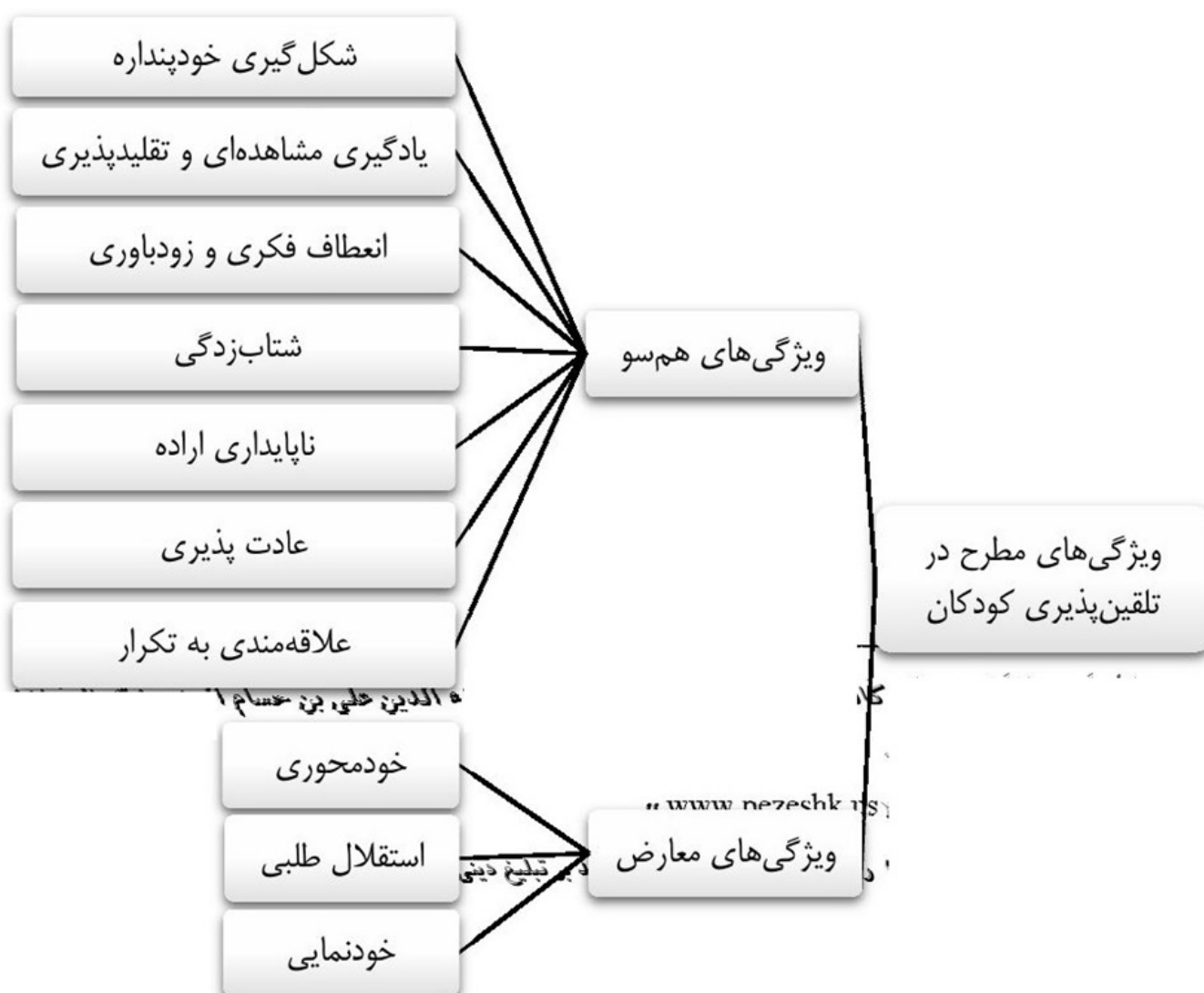
۳- «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»؛ (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۰۷، ص ۵۰۶).

۴- ر.ک. طوسی، محمدین حسن، مصباح المتهدج، ص ۱۵۲ و ۱۵۵.

۵- شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، ص ۴۰۸.

«حکایت کسی که در کودکی می آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است» (۱).

تأثیرپذیری در دوره کودکی، حتی در درمان برخی بیماری ها مؤثر است؛ چنانچه روان شناسان به این نتیجه رسیده اند که سنین کودکی به خاطر تلقین پذیری و تأثیرپذیری بالای آن، بهترین زمان جهت درمان برخی بیماری ها است. (۲) یکی از روش های تربیتی که ارتباط مستقیم با تأثیرپذیری مذکور دارد تلقین است. برنامه ریزی برای درست هدایت کردن باورهای دوره ی کودکی از طریق تلقین، بهترین راه برای تأثیرگذاری و جهت دهی سطح ناهشیار انسان می باشد. (۳) جهت بهره‌بری از آن برای ایجاد باورهای مهدوی در کودکان، نخست باید ویژگی های شخصیتی کودک و سیر تحول آن ها از نظر معرفتی، عاطفی و رفتاری شناخته شود. در این صورت می توان هماهنگ با این سیر طبیعی، در هر مرحله محتوای مهدوی مناسب با قالبی متناسب تلقین کرد و همچنین از نظر فهم و پذیرش، انتظاری مناسب با همان مرحله داشت. از میان ویژگی های مذکور، تعدادی که ارتباط بیشتری با بحث تلقین پذیری کودکان دارد انتخاب شده و در قالب دو گروه «ویژگی های هم سو» و «ویژگی های معارض» ارائه می گردد به همراه تبیین نحوه ی ارتباط آن ها با تلقین.



ص: ۱۰۴

۱- «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»؛ (متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵۰، ح ۲۹۳۳۶).

۲- سایت پزشکان بدون مرز؛ «www.pezeshk.us»

۳- برگرفته از کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، صص ۲۳۱-۲۴۰.

مقصود از ویژگی های هم سو، آن دسته از امور فطری و غریزی هستند که مسیر تلقین پذیری کودک را از نظر جسمی، فکری و یا عاطفی هموار می کنند. در واقع، این خصوصیات درونی، زمینه را جهت قبول و پذیرش پیام تلقینی مهیا و فراهم می نمایند.

۱. شکل گیری خودپنداره

چنان چه بیان شد، (۱) دوره کودکی، آغاز شکل گیری خودپنداره انسان است و این خود، بستر مناسبی جهت تلقین آموزه مهدویت می باشد. زیرا تلقین، خودپنداره ی کودک را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می دهد. (۲) معلمان و والدین و به طور کلی، اشخاص و نهادهای تأثیرگذار با تلقین های تأثیرگذار خود تا حدودی سرنوشت کودکان را تعیین می نمایند. اگر آنها در ارتباط کلامی با کودکان از برجسب هایی مثبت مانند خوش اخلاقی و یار امام زمان بودن، و منفی مانند تنبلی و بی نظمی، استفاده کنند یا اینکه خود کودکان، عناوین فوق را از واکنش های دیگران دریافت و مرتب به خود تلقین کنند، خواسته یا ناخواسته مشغول شکل دهی و تثبیت خودپنداره های مثبت یا منفی هستند که آینده ی اخلاقی و رفتاری کودکان را پایه ریزی می کند.

اگر والدین و مربیان بخواهند از ویژگی فوق برای تلقین معارف مهدوی به کودکان بهره ببرند، لازم است کودک را در معرض برجسب های کلی ارزشی مرتبط با مهدویت قرار دهند تا خودپنداره های مهدوی در او ایجاد شود. در این زمینه، راه کارهای ذیل پیشنهاد می گردد.

(۱) استفاده از کلمات خطابیه همچون مهدی شناس، مهدی باور، مهدی یاور، دوست

ص: ۱۰۵

۱- ر.ک. فصل یکم، گفتار دوم، ویژگی (۹) از ویژگی های حیطه شناختی کودک، صص ۵۹-۶۰.

۲- همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، صص ۹-۱۰.

صمیمی امام زمان، عاشق مهدی، سرباز واقعی امام، غنچه های امید، شکوفه های انتظار، گل های باغ مهدوی.

۲) تهیه مدال های افتخار، حلقه های گل گردن آویز و کارت امتیاز با عناوین فوق و اهداء آن به کودک در عوض فعالیت های پسندیده مهدوی.

۳) بیان قصه ای که شخصیت اصلی آن، متصف به عناوین فوق باشد. هر چه آن شخصیت به لحاظ سن و جنس و... شباهت با کودک داشته باشد، تلقین پذیری بیشتر است. زیرا در هنگام شنیدن قصه، قوه ی هم ذات پنداری و همانندسازی با شخصیت قصه فعال است و عناوین ارزشی آن را بر خود تطبیق می دهد.

۴) پخش فیلمی از یک کودک به دیگر همسالانش که در حال خواندن شعر، اجرای سرود و یا انجام کار پسندیده مهدوی است.

۲. یادگیری مشاهده ای و تقلیدپذیری

یادگیری مشاهده ای باعث می شود تا کودک در هنگام تلقین فعلی، عمل مورد نظر را از طریق مشاهده به طور دقیق فراگیرد. تقلیدپذیری نیز سبب می شود تا او بدون دلیل یا با اندک دلیلی به صرف جذابیت کاری بدان علاقه مند شده و اقدام به انجام و تکرار آن نماید. این امر سبب تقویت باورهای او و کودکان دیگر نسبت به آن فعل می گردد. افزون بر آن، خودتلقینی و دگرتلقینی را فرا گرفته و همچنین یاد می گیرد که آن دو را نسبت به خود و افراد کوچک تر و یا حتی اسباب بازی خویش اجرایی کند که این کار نیز باورهای یادشده را استحکام می بخشد. مثلاً- فیلم کودک در حال درد و دل و صحبت با خود درباره امام زمان علیه السلام برای کودکان پخش شود یا نمایش کودکانه با همین مضمون.

۳. انعطاف فکری و زودباوری

این ویژگی باعث می شود کودک پیام تلقینی را به سرعت صحیح پنداشته و نسبت به آن باور و اعتماد پیدا کند. این انعطاف به ما کمک می کند تا با دفعات کمتری پیام تلقینی را تکرار کنیم و راحت و سریع به مقصود که همان باورسازی است برسیم. گرچه تلقین، مرحله ای فراتر از آموزش و انتقال مفاهیم است ولی به خاطر انعطاف مذکور، می توان با تلقین حتی بر ادراک کودک تأثیر گذاشت و پیام تلقینی را آن گونه که صحیح است و می

خواهیم درک کند.

۴. شتاب زدگی

این خصوصیت سبب سرعت در تقلید و الگوبرداری میشود و روند تلقین پذیری را سریع تر و آسانتر می نماید.

۵. ناپایداری اراده

این ویژگی باعث می شود کودک به خاطر اصرار یا رغبتی که نسبت به تلقین کننده و پیام پیدا می کند، در برابر آن ها زود تسلیم شود و زمینه برای سرعت در تلقین پذیری و تقلیدپذیری فراهم گردد.

۶. عادت پذیری

با توجه به عادت پذیری کودکان و همچنین تلقین که یکی از مهم ترین مکانیزم های شکل گیری آن است، (۱) می توان با تکرار قوی و فعلی پیام تلقینی، زمینه عادت کودک به گفتن یا عمل کردن به محتوای تلقینی را فراهم نمود تا با سهولت از طریق باورسازی مهدوی، آن ها را نهادینه ساخت. افزون بر آن، عادت به پذیرش پیام های تلقینی و خودتلقینی های مثبت مهدوی و همچنین انس با آنها سبب تثبیت و ماندگاری باورهای مرتبط با آن پیام ها می شود.

۷. علاقه مندی به تکرار

یکی از ویژگی های طبیعی کودک که ظرفیت پذیرش تکرار گفتار یا عمل را افزایش می دهد، علاقه مندی به تکرار است. به همین خاطر است که اگر کتاب قصه ای را ده بار برای کودکمان بخوانیم، خسته نمی شود و باز می خواهد آن را برایش تکرار کنیم. (۲) این ویژگی، یکی از نشانه های تلقین پذیری کودک است، زیرا تکرار عنصر اصلی تلقین است. در روایات نیز، سفارشات فراوانی ناظر بر اهمیت تکرار آموزه دینی و مداومت در عمل به مقتضای آن بیان شده که حاکی از روحیه تلقین پذیری در انسان به ویژه در دوره کودکی است. مانند روایتی که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

ص: ۱۰۷

۱- کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۴۹.

۲- همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۲۸.

«وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، باید (از او بخواهند) به او بگویند: هفت مرتبه بگو لا اله الا الله سپس رهايش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن گاه به او بگویند: هفت مرتبه بگو صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ سَپس...» (۱)

۸. محبت خواهی و دل بستگی به محبوب

گرچه می توان برای کودکان بر حصّانیت آموزه ها و باورهای مهدوی، استدلال هایی به زبان کودکانه در قالب قصّه و شعر و... بیان کرد تا اطمینان بیشتری نسبت به صحت آن و در ادامه رغبت بیشتری جهت تکرار پیدا کنند، ولی محبوبیت و مقبولیت تلقین کننده و پیام تلقینی نزد کودکان به مراتب بیشتر از استدلال و هر چیز دیگر، در ترغیب آنان به انجام و تکرار محتوای تلقینی اثرگذار است. کودکان، سخن و عمل تلقین کننده ای را سریع تر باور، تقلید و تکرار می کنند که بیشتر دوستش داشته باشند. بر این اساس، می توان با ایجاد انس کودک با تلقین کننده و پیام مهدوی، تلقین پذیری را همراه با رغبت بیشتر وی سرعت بخشید.

دو. ویژگی های معارض با تلقین پذیری

اشاره

مقصود از ویژگی های معارض، آن دسته از امور فطری و غریزی است که به لحاظ فکری، عاطفی و یا جسمی در تعارض با تلقین پذیری کودک باشد. یعنی در هنگام انجام فرایند تلقین، واکنش مقابله ای و معارض گونه از خود نشان می دهند و مانعی برای قبول و پذیرش پیام تلقینی محسوب می شوند، در نتیجه روند تلقین پذیری کند و حتی گاهی متوقف می گردد. ویژگی های معارض در کودک، نمایان گر اظهار خود و آزادی بیشتر در افکار، امیال و رفتار است مانند خودمحموری یا خودمیان بینی، علاقه به خود نمایی، مرکز انحصاری توجه و محبت بودن، اثبات خود و توانایی ها، استقلال طلبی و میل شدید به آزادی. در هنگام اجرای روش تلقین، اگر این خصوصیات، مزاحمت ایجاد کرد، شایسته

ص: ۱۰۸

۱- «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَعِشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ: سَبْعَ مَرَّاتٍ: «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» ثُمَّ...»؛ (صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱).

است که شخص یا نهاد تلقین کننده افزون بر آشنایی با آن‌ها، راه جهت دهی آن‌ها به سوی فرایند تلقین پذیری کودک را به خوبی بداند. یعنی باید با ایجاد انگیزه در او، از همان ویژگی‌های معارض جهت اجرایی شدن تلقین آموزه‌های مهدوی استفاده شود تا کودک پیام تلقینی را با میل و رغبت درونی قبول نماید. در غیر این صورت، ممکن است در اثر کم‌اطلاعی و بدسلیقگی در اجرای تلقین، در کودک نوعی عناد و تنفر نسبت به معارف مهدویت به وجود آید. در این جا به سه معارض اشاره می‌گردد.

۱. خودمحوری

خودمحوری چون مستلزم درک ناقص یا عدم فهم پیام تلقینی و فواید آن، وابستگی

شدید به نظر خود، و عدم قبول و پذیرش سخن و رفتار تکرارآمیز تلقین کننده است، معارض محسوب می‌شود.

۲. استقلال طلبی

مانعیت و معارض بودن استقلال طلبی به خاطر آن است که مستلزم عدم تبعیت محض کودک از تلقین کننده است.

۳. خودنمایی

علاقه به ابراز وجود و نمایش استعدادها و توانایی‌ها، به طور طبیعی در همه کودکان وجود دارد. این ویژگی زمانی که همراه با وجود رقیبی از گروه هم‌سال باشد، شدت بیشتری پیدا می‌کند و در برخی موارد حتی تحمل پذیرش و تکرار محتوای تلقینی را از آن‌ها سلب می‌نماید.

سه. کیفیت جهت دهی ویژگی معارض

برای بهره‌بری از خودمحوری و استقلال طلبی کودکان و جهت دهی آن‌ها به سمت تلقین پذیری، شایسته است به نکاتی توجه شود که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

در تلقین قولی نباید لحن کلام و حالت بیان آمرانه، تحکم آمیز، زورگویانه و تحمیلی باشد بلکه پیشنهادگونه با لحنی آرام و دوستانه متناسب با دوره‌ی کودک صورت گیرد. البته معیار در تشخیص این موارد افزون بر فرهنگ ادبیات گفتگوی هر منطقه، فهم کودک است، یعنی اوست که باید احساس کند پیام تلقینی، تحمیلی نیست و آزادانه آن را

انتخاب و پذیرفته است. همچنین تصوّر نکند که آزادی او سلب شده و نظرات، امیال و آرزوهایش مورد بی توجهی، بی مهری و بی احترامی قرار گرفته است. باید او را به خاطر انتخاب پیام تلقینی و باورمندی نسبت به آن مورد توجه ویژه قرار داد مانند تحسین و تشویق به ویژه در برابر دیگران. حتی می توان در این باره، جملات تلقینی مثبت به زبان بیاوریم. مثلاً بگوییم:

«شما حالا دیگر بزرگ شده ای و خودت انتخاب کردی، خودت دوست داشتی امام مهدی علیه السلام را بشناسی و یاری کنی، چه انتخاب زیبایی و...» افزون بر آن، اجازه دهیم کارها را به تنهایی و مستقل از دیگران انجام دهد، البته با نظارت های پنهان و مخفیانه.

همچنین برای جهت دهی و بهره بری از خودنمایی کودک به سوی تلقین آموزه مهدوی می توان از این عبارات استفاده نمود.

«آیا دوست داری کار خوبی که دیروز انجام دادی را مادر یا دوست بداند؟ بالاتر از آن، آیا دوست داری در میهمانی امشب که همه آشنایان و بستگان دور هم جمع اند، به همه بگیم چه کار خوبی انجام داده ای؟ بالاتر از آن، آیا می خواهی فردا در جشن مدرسه تان که همه بچه ها حضور دارند، فیلمی را که از رفتار خوبت گرفتیم پخش کنیم؟ بالاتر از آن، آیا مایلی همان فیلم، امشب از تلویزیون برای همه مردم کشورمان پخش شود تا همه تو را بشناسند و خوبی هایت را به همه نشان بدهیم؟ اما من تصمیم گرفته ام یک کاری بالاتر از همه این ها انجام بدهم یعنی کارهایم را به کسی نشان بدهم که از همه آن افراد، بالاتر و بهتر است. کسی است که خیلی من را دوست دارد، وقتی رفتارم را به ایشان نشان دهم خوشحال می شود، برایم دعا می کند و همیشه کمکم می کند. از گذشته و آینده ام و حتی از فکر و دلم هم خبر دارد. او کسی نیست جز امام مهدی علیه السلام»

گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی

اشاره

تهیه و تنظیم محتوای تلقینی مهدوی متناسب با دوره ی کودکی، پیش نیاز بسیار مهمی برای بهره مندی از عنصر تکرار در اجرای تلقین آموزه ی مهدویّت به کودکان است. اکنون

فرایند تنظیم آن در قالب سه مرحله ارائه می‌گردد.

(مراحل تنظیم محتوای تلقینی)

مرحله اول: انتخاب موضوع

مرحله دوم: استخراج پیام

مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی

مرحله اول: انتخاب موضوع

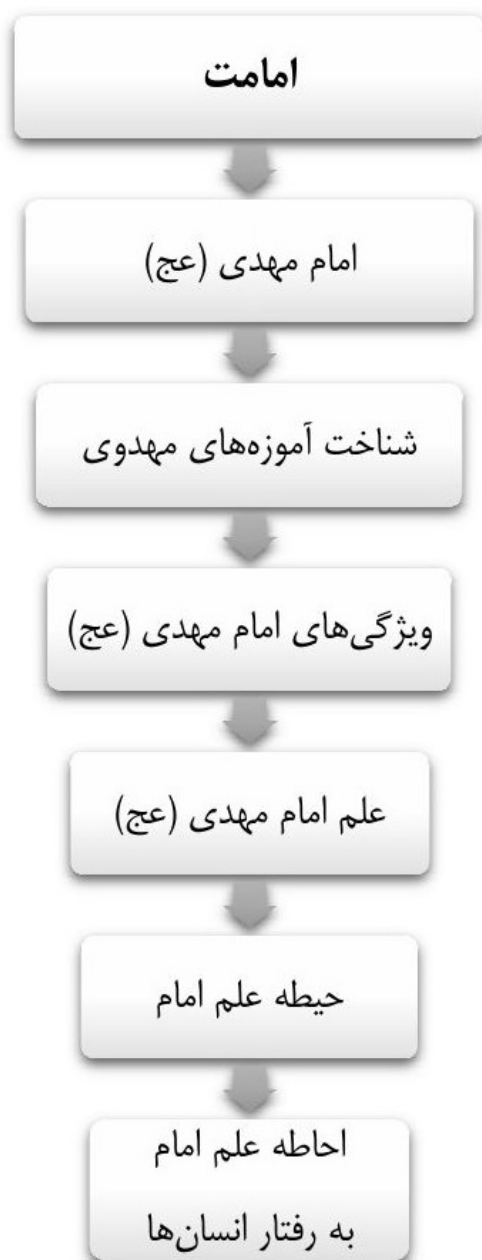
با در نظر گرفتن معیارهای یادشده برای گزینش موضوع و آموزه‌ی مهدویت برای کودکان، ابتدا به یک موضوع کلی از معارف مهدویت توجه و پس از توجه به ریزموضوعاتش، یکی از آن‌ها گزینش می‌شود. هر چه موضوعات منتخب به لحاظ مفهومی ضیق‌تر باشند، افزون بر سهولت در دسته‌بندی و تمرکز بیشتر بر آن، برای کودک قابل‌فهم‌تر و انتقال و باورسازی آن نیز راحت‌تر خواهد بود. همچنین فرصت بیشتری برای بیان مصادیق و مثال‌های متعدد جهت تبیین موضوع و اثرگذاری تربیتی فراهم می‌گردد.

یکی از نکات مهمی که نسبت به انتخاب موضوع باید رعایت شود این است که مربی، موضوعاتی را که در طرح درس اولیّه نوشته، شاید قابل ارائه برای دانش‌آموزان نیست و باید روی انتخاب واژه‌ی مناسب بیشتر دقت نموده و سلیقه به خرج دهید. نباید اصل مهم نوع‌گرایی را فراموش کنیم به این معنا که یا باید خود موضوع نو و تازه باشد برای مخاطب و یا این که موضوع قدیمی و تکراری را با عنوان نویی مطرح گردد. مثلاً به جای موضوع «نماز»، بگوییم: «سکوی پرواز». همچنین به جای «سربازان امام‌زمان» بگوییم: «یاران خورشید»

برای انتخاب ریزموضوع، به این نمونه توجه نمایید. در مبحث امامت عامّه، موضوعات

متعددی وجود دارد که یکی از آن‌ها، امام شناسی است. این موضوع را نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظر می‌گیریم، زیرا ما در عصر امامت ایشان هستیم و شناخت امام هر زمان بر مردم آن زمان واجب است و همچنین محور بحث در اینجا مهدویت می‌باشد. شناخت آموزه‌های مهدوی خود در بردارنده‌ی موضوعاتی همانند ضرورت شناخت، آثار و کارکردهای شناخت و ویژگی‌های امام است که از میان آن‌ها، مورد اخیر انتخاب می‌شود. سپس از بین ویژگی‌ها، علم امام مورد توجه قرار می‌گیرد. علم امام نیز مباحث متعددی دارد از قبیل چگونگی، محدوده و متعلق علم امام که از بین آن‌ها، ریزموضوعی همچون متعلق و حیطه‌ی علم امام انتخاب می‌گردد. متعلق علم یعنی علم امام به چه اموری تعلق می‌گیرد و به بیان ساده‌تر یعنی امام چه چیزهایی می‌داند. باز می‌توان موضوعی جزئی‌تر برگزید مانند علم امام به رفتار ما انسان‌ها.

(نمودار سیر از موضوع کلی به موضوع جزئی‌تر)



مرحله دوم: استخراج پیام

در این مرحله با توجه به محوریت موضوع منتخب، باید پیام های مناسبی در قالب گزاره های خبری استخراج کرد و از بین آن ها، یک پیام انتخاب نمود. مثلاً از موضوع منتخبی که ذکر شد یعنی حیطة ی علم امام و اطلاع ایشان از رفتار ما انسان ها، پیامی همچون «علم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به اعمال انسان ها احاطه دارد» استخراج می شود. این پیام، در واقع همان ماده درسی از معارف مهدویت است که مربی پیرامون محتوا و روش های انتقال آن به کودک، مطالعه و تحقیق می کند. اما هیچگاه در کلاس و فرایند آموزشی، آن را عیناً به زبان نمی آورد، بلکه با تفکر و دقت تلاش می کند تا با زمینه سازی مناسب برای طرح پیام، آن را در حد فهم کودک تنزل دهد.

مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی

اشاره

در هر جلسه کلاس، از میان جملات متعددی که بر زبان مربی جاری می شود، فقط یکی نقش محوری داشته و بیان گر پیام آن جلسه است که «جمله کلیدی» نام می نهم. این جمله، گزاره ای خبری است که در طول تدریس تمام زمینه سازی ها، توضیحات، استفاده از ابزار آموزشی و کمک آموزشی حول محور تبیین و تفهیم آن می چرخد و نقش مهمی در انتقال و تلقین پیام مهدوی با زبان کودکانه دارد. زیرا در قالب های متعددی مانند بازی، شعر و قصه جهت انتقال پیام استفاده می شود و آن جمله توسط مربی و کودکان مرتب تکرار می گردد. جمله کلیدی در این بحث، نمای کودکانه پیام است که در فرایند تنظیم طرح درس برای کودکان، با توجه به پیام اصلی درس ساخته می شود.

برای ساختن جمله کلیدی، باید پیام مهدوی را به صورت عبارتی کوتاه، ساده، روان، واضح، آهنگین و زیبا درآوریم به گونه ای که قابل فهم و متناسب با خزانه لغات کودک باشد. اگر آیه یا حدیثی با این ویژگی ها پیدا شد استفاده می گردد. همچنین می توان جمله کلیدی را در قالب متن ادبی، شعر، ضرب المثل حتی با خمیرمایه ای از طنز ارائه کرد. واژگان نامأنوس استفاده نمی شوند مگر به قصد آموزش واژه ای جدید که زمینه سازی جهت

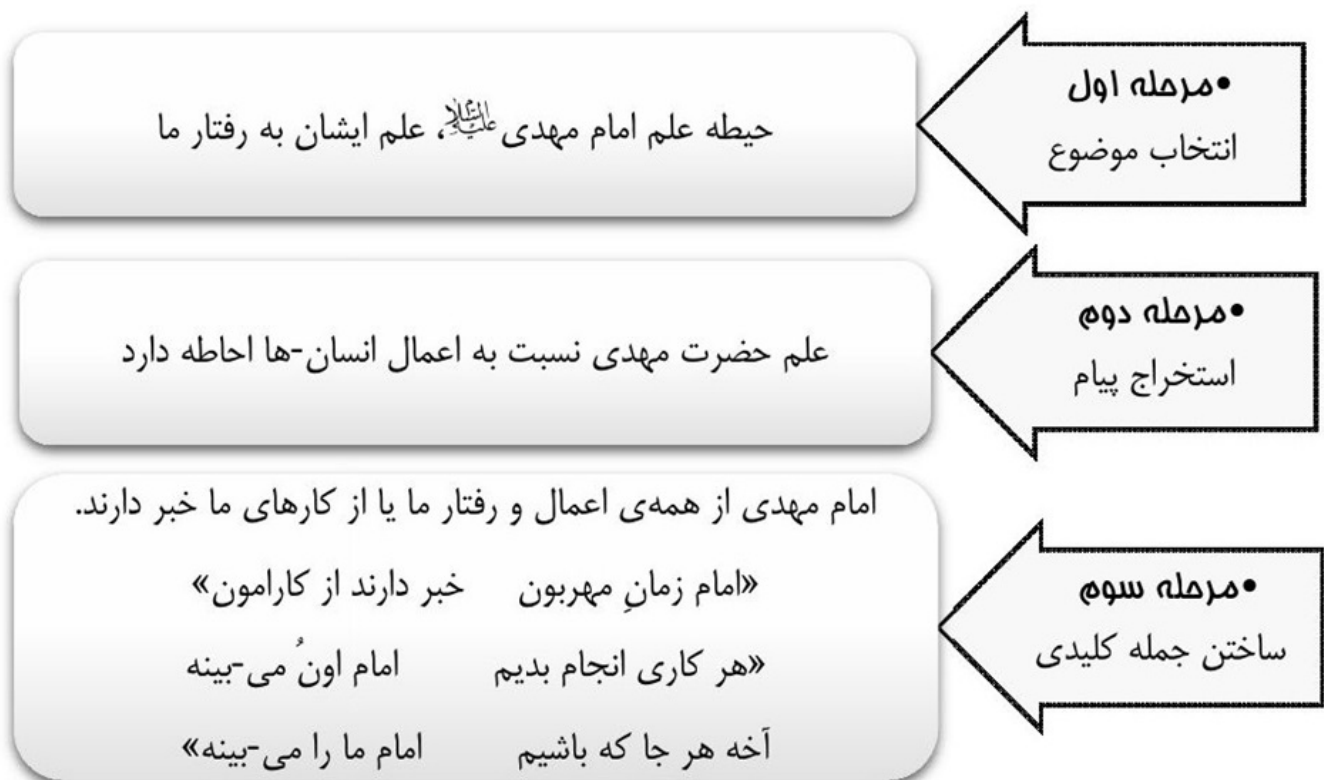
طرح آن به همراه توضیحات کوتاه لازم است. زودحفظ بودن جمله کلیدی باعث سهولت و سرعت حفظ و یادآوری آن می‌گردد تا هر موقع (بر حسب عادت یا تذکر اطرافیان در زمان و مکانی متناسب با پیام اصلی) آن جمله بر ذهن یا زبان کودک آمد، تمام مطالب آموزشی مرتبط با آن که در جلسه درسی یاد گرفته، در ذهنش تداعی شود. حتی اتفاقات پیرامون آن مانند بازی که تداعی آن در ماندگاری مطالب تأثیرگذار است.

نمونه کاربردی

به عنوان نمونه، پیام مهدوی مذکور در بخش قبل یعنی «علم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به اعمال انسان ها احاطه دارد» را به گزاره «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه ی اعمال و رفتار ما یا از کارهای ما خبر دارند» تبدیل کرده و سپس جمله های کلیدی شعری ساخته می‌شود که در جدول زیر تبیین می‌گردد.

(نمودار کاربردی مراحل تنظیم محتوای تلقینی)

تصویر



برخی پژوهشگران عرصه تبلیغ دینی در بحث روش های ارائه مفاهیم دینی از «قالب شعاری؛ تکرار دسته جمعی» یاد کرده اند که شباهت فراوانی با جمله ی کلیدی دارد و آن

چنین تعریف نموده اند:

«انتقال یک یا چند مفهوم دینی به مخاطب، در یک یا چند جمله به صورت شعار، تا در ذهن و جان مخاطب نهادینه شود».^(۱)

ایشان معتقدند تکرار شعار در لابه لای مطالب در جای مناسبش به صورت پی در پی آثار و فوایدی به دنبال دارد که عبارتند:

(۱) سرعت انتقال ذهن به محتوای پیام.

(۲) دریافت دقیق پیام و تداعی محتوای کلاس در هنگام یادآوری شعار.

(۳) ماندگاری پیام در ذهن، تثبیت و نهادینه شدن آن.

(۴) تحریک عواطف و احساسات.

(۵) جلب توجه مخاطب.

(۶) تأکید بر مطالب و تفهیم اهمیت موضوع.

فوائد مذکور برای قالب شعاری، بیشتر به جهت موجز بودن، تأثیرگذاری عمیق و اعتمادسازی به خاطر خرد جمعی یعنی صحه گذاردن جمع بر پیام می باشد.^(۲)

گفتار هفتم: اصول تلقین

اشاره

مقصود از اصول تلقین در این پژوهش، مجموعه قواعد کلی مبتنی بر مبانی و اصول آموزشی و تربیتی ویژه کودکان است که جهت بیان چگونگی تحقق باور به آموزه های مهدوی در آنان از طریق تکرار محتوای تلقینی مهدوی، به منزله معیار و راهنمای اجرای تلقین تنظیم می گردد.

جامعیت این بحث، زمانی است که پیرامون هر یک از ارکان تلقین یعنی تلقین کننده، تلقین شونده، محتوای تلقینی و نحوه اجرای تکرار، قواعد کاربردی ارائه شود.

در اینجا به جهت محدودیت، به برخی از اصول تلقین که برگرفته از اصول تعلیم و تربیت

ص: ۱۱۵

۱- جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، ص ۱۸۴ با کمی تغییر اندک.

۲- ثمره خواندن شعار در جمعی از افراد و تکرار آن ها، اتمام حجت و تثبیت مطلب است به دلیل صحه گذاردن جمع بر آن که به «خرد جمعی» تعبیر شده است. (همان، صص ۱۸۵-۱۸۶).

اسلامی و همچنین نکات روان شناختی دوره کودکی است، اشاره می گردد. (۱)

اصول تلقین

۱. خلوص نیت

۲. التزام و اعتقاد عملی به پیام تلقینی

۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک

۴. ثبات و پرهیز از تردید

۵. توجه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی

۶. تمرکز بر پیام واحد

۷. رعایت تناسب

۸. نظام مندی و استمرار تکرار

۹. توجه به واکنش ها

۱۰. بهره بری از تنوع

۱. خلوص نیت

اگر قصد تلقین کننده در هنگام تلقین، جلب رضایت الهی و باوراندن آموزه های مهدوی به کودک در جهت تربیت نسلی مهدی باور و مهدی یاور باشد، تأثیر کلام و عملش بیشتر و ماندگارتر خواهد بود. بر این اساس، نباید هدف، پیشبرد اغراض و امیال شخصی باشد. مثلاً اگر کودک از والدین خود درخواست کرد که او را به جشن نیمه شعبان ببرند تا با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صحبت کند و حاجت های خود را از ایشان بخواهد، شایسته نیست که والدین به خاطر تنبلی یا تماشای فیلم مورد علاقه ی خود، مرتب به فرزند خود القا کنند که

«هر جا که باشی؛ حتی در خانه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صدای تو را می شنوند و می توانی با ایشان سخن بگویی»

گرچه این گونه جملات، صحیح است اما چون علت بیان آن ها در مثال فوق، تنبلی یا

ص: ۱۱۶

۱- البته لازم به یادآوری است که برخی از اصولی که برای تلقین در متن ذکر می گردد، اختصاص به روش تلقین ندارد بلکه ممکن است جهت اجرای روش های دیگر نیز به کار آید. غرض از نقل آن ها در این بحث، یادآوری امور تاثیرگذار در اجرای روش تلقین و تبیین آن ها در فضای تلقین است.

اشتغال به کار غیر ضروری بوده، آسیب‌هایی به دنبال دارد همچون عدم تأثیر کلام معنوی و احتمال بروز بی‌اعتمادی به والدین نسبت به دستورات دینی. زیرا بعدها که کودک، به علت بیان آن جملات پی‌ببرد ممکن است نوعی سوءظن به اوامر والدین پیدا کند به این معنا که هنگام شنیدن هر توصیه به آموزه‌ی دینی از والدین، شک یا گمان می‌کند که بر علت و پشتوانه منفعت طلبانه شخصی تکیه دارد.

۲. اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی

اگر مربی و والدین نسبت به پیام مهدوی مورد تلقین، اعتقاد کامل داشته و در طول زندگی خویش، در انجام اعمال متناسب با آن استمرار داشته باشند، تأثیر بسزایی در تلقین‌پذیری کودکان خواهد داشت. زیرا کودکان با مشاهده تعهد اعتقادی و عملی آنان، انگیزه و انعطاف بیشتری برای پذیرش آموزه از خود نشان می‌دهند. این به خاطر آن است که کودکان زیر هفت سال از راهنمایی‌های عملی و فراگرفتن راه و روش‌های کاربردی بیشتر بهره‌مند می‌شوند تا راهنمایی‌های لفظی و غیر عملی. (۱)

۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک

تلقین‌کننده باید سعی کند از طریق ایمان و صفای نفس و همچنین به کارگیری اخلاق خوش، در حیطه عاطفی و دل کودک نفوذ نماید تا نزد او دوست‌داشتنی و مقبول باشد، زیرا محبوب و مقبول بودن در فرایند تأثیرگذاری تلقین نقش مهمی ایفا می‌کند که توضیحش گذشت.

(۲)

۴. ثبات و پرهیز از تردید

این اصل در واقع، ظهور، بروز و نمای بیرونی و ظاهری اصل «اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی» است با این توضیح که:

تلقین‌کننده در هنگام اجرای تلقین، باید با اطمینان کامل و بیانی محکم در هر مرتبه از

ص: ۱۱۷

۱- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۸.

۲- ر.ک: همین فصل، گفتار پنجم، ذیل ویژگی شماره (۸) از ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری، ص ۱۰۴.

تکرار، محتوای تلقینی را بر زبان جاری (تلقین قولی) یا عملیاتی (تلقین فعلی) نماید و از هر گونه تردید و دو دلی در بیان سخن یا انجام فعل تلقینی پرهیز کند. افزون بر آن، این ثبات، اعتقاد و اطمینان شخصی به محتوای تلقینی را باید به کودک تفهیم کرد. چون هر قدر هم که تلقین کننده با ثبات باشد، ولی کودک از وجود چنین اطمینانی بی خبر باشد، آسیب هایی همچون نفوذ تردید در او را به دنبال دارد.

اگر تلقین کننده، ثبات در قول و فعل نداشته باشد یا کودک اینچنین تصوّر کند، از شنیدن و استماع و حتی توجه به آن سر باز می زند و به بحث و جدل می پردازد به ویژه اگر سخن تلقینی مستلزم فعالیت عملی باشد و یا ماده ی تلقینی از نوع تلقین فعلی باشد. همچنین ممکن است دچار تردید و سردرگمی شود و نداند آیا باید به مقتضای محتوای تلقینی عمل نماید یا نه. (۱)

۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی

باید کودک را نسبت به کارآمدی و مفید بودن پیام تلقینی در زندگی کودکانه ی خویش توجیه شناختی (۲) نمود و همچنین اقداماتی انجام داد تا لذت همراهی پیام اعم از تکرار شنیدن، گفتن و یادآوری پیام و عمل به مقتضای آن به او چشاند شود. اگر چه دادن اطلاعات به زبان کودکانه و افزایش شناخت کودکانه نسبت به آثار مثبت و خوشایند محتوای تلقینی باعث زیادتیر شدن میل و محبت آنان نسبت به پیام می شود، ولی افزون بر آن، باید زمینه های خوشایندی از فعالیت های آزاد کودکانه را فراهم ساخت تا آن ها با هر بار تکرار، احساس خوب و لذت گرایانه نسبت به آن پیدا کنند و خودشان طعم خوش انس با ماده ی تلقینی و کارآمدی آن را در زندگی خویش بچشند. همچنین اگر پیام،

ص: ۱۱۸

۱- عنوان و برخی عبارات توضیحی اصل ثبات و اصل توجیه شناختی و چشاندن لذت، الهام گرفته شده از: همّتی، مجید، فرزندان قانون (روش های نظم آموزی به کودکان)، ص ۱۹.

۲- جهت تبیین «توجیه شناختی» ر.ک: بی ریا، ناصر و دیگران، روان شناسی رشد، صص ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵؛ قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۰۱؛ جان بزرگی، مسعود و دیگران، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون به کودکان، ص ۲۵.

مستلزم دستورها و اوامر اخلاقی باشد، کودک از آن پیروی کند. این اصل، جایگاه بسیار مهمی در تلقین آموزه مهدوی به کودکان زیر هفت سال دارد، زیرا در دوره «ناپیروی» (۱) به سر می‌برند که در آن دستورها و اوامر اخلاقی برای کودکان جایگاهی نداشته و او فقط از تمایلات و خوشی و لذت خویش پیروی می‌کند. (۲)

۶. تمرکز بر پیام واحد

در فرایند تلقین هر آموزه ی مهدوی، شایسته است که مربی و والدین، بر یک پیام اصلی و محوری تمرکز داشته باشند. بر این اساس، نباید در یک جلسه ی درسی یک باره به القاء، تفهیم و تکرار چند پیام با هم اقدام کرد. به دلیل اینکه از منظر اصول روان شناسی آموزشی، مدت زمان توجه کودک جهت استماع و یادگیری محدود است و همچنین او قادر نیست به همه ی داده ها هم زمان توجه نماید که بیانش گذشت. (۳)

«(کودک) هنوز توانایی کافی برای توجه و نیز درک یک مجموعه ی افکار و اهداف که کلّ واحدی را به وجود می آورند، ندارد، لذا باید در هر درس (و جلسه ی آموزشی) یک هدف آموزشی منظور گردد و به سادگی به آن پرداخته شود و از گنجانیدن چندین هدف با لحاظ روابط پیچیده بین آن ها پرهیز گردد». (۴)

حال اگر کودک در معرض بارش پیام های متعدّد قرار گیرد ممکن است از درک همه آن ها به طور کامل محروم بماند چون فرصت کافی برای تبیین تمام آن پیام ها نیست. افزون بر آن، ممکن است خود کودک، اقدام به ایجاد ارتباط بین پیام ها کند و به خاطر ناتوانی در تجزیه و تحلیل و رعایت روابط منطقی میان آن ها، تصوّرات و تحلیل غلطی در ذهنش نقش بندد. از جمله ثمرات عمل به اصل تمرکز، آن است که با وجود زمان کافی برای توضیح پیام، می توان آن را با شیوه های مختلف در قالب های گوناگون ارائه کرد و

ص: ۱۱۹

۱- Anomy.

۲- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، ص ۱۷۸.

۳- ر.ک: فصل دوم، گفتار دوم، ذیل ویژگی شماره (۷) از ویژگی های حیطه شناختی کودک، ص ۵۷.

۴- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۴۴.

همچنین به مصادیق بیشتری از آن اشاره نمود که در نتیجه باعث تفهیم و تبیین بیشتر پیام تلقینی می گردد.

مثلاً در تبیین پیام «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تمام اعمال ما خبر دارند»، مصادیق متعدّد آن از جهت زمانی، مکانی، نوع عمل و... بیان می شود. برخی از آن ها در قالب جملات کودکانه عبارتند از:

۱) وقتی دارید نماز می خوانید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شما را می بیند.

۲) آن روز که به حرف بابا گوش کردید و به مامان در جمع کردن سفره کمک کردید امام مهربانمان خیلی خوشحال شدند، چون ایشان کار خوب شما را دیدند.

۳) امام عزیزمان، صدای خوشگل قرآن خواندن شما بچه ها را می شنوند.

۴) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن لحظه ای که مشغول دعوا کردن بودید خبر دارند.

۷. رعایت تناسب

اشاره

یکی دیگر از اصول تلقین، تناسب است که شئون مختلفی دارد مانند تناسب شیوه با قالب اجرایی، تناسب شیوه و قالب با محتوا، تناسب شیوه و قالب و محتوا با شرایط و موقعیت کودک، و همچنین با هدف. بحث پیرامون گونه های یادشده، بسیار گسترده است که در اینجا فقط به دو مورد اشاره می گردد.

الف) تناسب شیوه، قالب و محتوا با هدف

شیوه، قالب و همچنین محتوای تلقینی باید با هدف و انتظاری که از تأثیر می رود هماهنگ باشد. به عنوان مثال اگر هدف از تلقین، تهییج و تحریک کودک برای مقاوم سازی وی در برابر تنبلی یا عصبانیت باشد، بهتر است با استفاده از زبان بدن (حرکات دست، چشم و حالات ابرو و...) جملات محکم و با صلابت خاصی بیان و تکرار شود. حال اگر در موقعیتی دیگر، هدف، ایجاد روحیه ی پشیمانی و عذرخواهی باشد، باید از واژه ها و جملات عاطفی و احساسی استفاده کرد.

ب) انتخاب موقعیت مناسب

در بیشتر مواقع می توان موقعیت مناسب برای تلقین را انتخاب کرد. با تحقیق پیرامون موقعیت های مختلف تلقین پذیری کودک می توان در مورد تلقین آموزه های مهدوی در

بهترین شرایط و موقعیتی که میزان پذیرش پیام تلقینی توسط کودک در سطح بالایی قرار دارد به موفقیت دست یافت. بر این اساس، باید در زندگی کودک پژوهش نمود و بهترین زمان ها، مکان ها و موقعیت های روحی- روانی مؤثر بر تلقین پذیری او را کشف و شناسایی کرد. در غیر این صورت، ممکن است آموزه هایی مقدس، مفید و تربیت ساز مانند مهدویت، با کج سلیقگی در بدترین زمان، مکان و حالت القا شود و آثار زیان باری همچون بی رغبتی و تنفر نسبت به آن آموزه ها به دنبال داشته باشد.

مثلاً هنگامی که کودک به طور ناگهانی در اثر سر و صدای زیاد از خواب بیدار شده و مدت زمان خواب او به اندازه ی کافی نبوده است یا در هنگام گرسنگی و خستگی شدید یا وقتی که مشغول تماشای فیلم یا بازی مورد علاقه ی خویش باشد، به هیچ وجه زمان مناسبی برای تلقین نیست.

اما هنگامی که کودک احتیاج شدید به محبت دیگران دارد و زمانی که دل بسته و عاشق فردی به ویژه تلقین کننده شده و همچنین در موقعیت های مورد علاقه کودک مانند جشن تولد، بهترین زمان ها برای تلقین هستند؛ چون در آن مواقع انعطاف پذیری بالایی دارد. مثلاً در شب نیمه ی شعبان، اتاق کودک یا بهترین جای خانه با تزئیناتی زیبا و کودکانه آراسته گردد به قصد اینکه یکی از جشن های معروف بین کودکان مانند جشن تولد،

پایان دوره مهدکودک و پیش دبستانی، جشن الفبا و نقاشی در آن برگزار شود. همچنین او را ترغیب کنیم تا از دوستانش برای شرکت در این جشن دعوت نماید. این چنین شرایطی بهترین زمان، مکان و موقعیتی است که کودک در اثر شادمانی زیاد و احساس رضایت از والدین، طبیعتاً حاضر به قبول و پذیرش هر تلقینی به ویژه آموزه مهدوی می باشد.

گفتنی است که اگر ما با شرایط از پیش طراحی شده ای مواجه شدیم و تغییر و آماده سازی آن برای تلقین پذیری کودک امکان پذیر نبود و همچنان قصد تلقین آموزه ای را داشته باشیم، باید این کار متناسب با شرایط موجود وی تنظیم شود.

۸. نظام مندی و استمرار تکرار

اشاره

چنان چه بیان شد؛ (۱) عنصر اصلی تأثیر گذار تلقین، تکرار نظام مند است که یکی از

ص: ۱۲۱

۱- ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، ذیل عنوان «تعریف پیشنهادی و نکات آن»، ص ۹۰.

مهمترین عوامل شکل‌گیری آن، استمرار و تداوم تکرار با تعدادی حساب شده و مشخص در یک بازه زمانی معین می‌باشد. بر این اساس، لازم است جدولی طراحی گردد که در آن زمان بندی دقیقی برای دفعات تکرار در شبانه روز و روزهای متوالی وجود داشته باشد. پیرامون تنظیم استمرار و دفعات تکرار پیام تلقینی دو مطلب بیان می‌شود.

الف) عوامل مؤثر بر تنظیم تعداد تکرار

تنظیم دفعات تکرار آموزه وابسته به اموری است از قبیل اهمیت آموزه، میزان آسانی یا پیچیدگی آموزه، اهتمام و حوصله تلقین کننده و تعداد کارهای متناسب با آن آموزه در زندگی روزمره ی کودک و همچنین تفاوت های فردی بین کودکان مانند اختلاف سلیقه در پذیرش، میزان حوصله و آستانه تحمل و عکس العمل های کودک نیز در تعیین آن تعداد نقش دارند. علاوه بر موارد مذکور، باید در انتخاب تعداد تکرار، رعایت اعتدال شود و از افراط و تفریط پرهیز شود، زیرا از یک سو، افراط موجب تحمیل و اجبار بر پذیرش پیام، ملالت و خستگی، بی میلی و بی رغبتی و حتی در مواردی تنفر کودک نسبت به آن پیام می‌شود و از سوی دیگر، تفریط باعث کاستی و نقصان در تکرار و در نتیجه سبب فراموشی آموزه می‌گردد.

بر اساس عوامل مذکور، تعداد تکرار همیشه برای همه کودکان به طور ثابت و یکسان نبوده و ممکن است نسبت به شخصیت های مختلف، متغیر باشد. همچنین ممکن است در طول دوره تلقین یک کودک، آن تعداد به خاطر بروز عواملی باید تغییر کند و یکی از راه های فهم آن، توجه به عکس العمل ها و واکنش های کودک در برابر تکرار پیام تلقینی است که در اصل «توجه به واکنش ها» توضیح داده خواهد شد.

ب) تنظیم تکرار در شبانه روز و روزهای متوالی

در یک شبانه روز، باید سخن یا فعل تلقینی را با دفعاتی معین تکرار کرد تا اثری که از تلقین انتظار می‌رود حاصل شود. مثلاً برای تلقین آموزه ی «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همیشه به یاد ما هستند» ده مرتبه با شیوه ها و قالب های متنوع در یک شبانه روز در نظر می‌گیریم. بنابراین، این گونه نباشد که یک آموزه در یک روز دو دفعه و در روز دیگر شش مرتبه تکرار گردد چون بی نظمی و ناهماهنگی روزها از نظر دفعات تکرار، روند بهره‌بری کامل

از روش تلقین را مختل می سازد.

تکرار آموزه ی مهدوی، هنگامی به مقصد نهایی یعنی تلقین و باورسازی نسبت به آن می رسد که افزون بر تکرار در شبانه روز، استمرار در روزهای متوالی هم داشته باشد. بر این اساس، اگر نسبت به تکرار محتوای تلقینی مهدوی در روزهای متوالی بی نظمی شود، پیام مهدوی مدنظر در جان و روح کودک، درونی و تثبیت نمی شود. مثلاً آموزه ای در یک روز چندین بار در فرایند آموزشی قرار گرفته و تکرار شود، ولی در روزهای دیگر، تعداد دفعات بسیار کم و یا حتی به فراموشی سپرده شود و هیچگاه بازپدیدآوری ذهنی نگردد. بنابراین شایسته است که مثلاً برای فرایند تلقین آموزه ای مهدوی مثل «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه ی کارهای ما خبر دارند» بازه ی زمانی خاصی مانند پنج روز در نظر گرفت و در پایان هر روز، میزان تأثیرگذاری آن بررسی گردد.

۹. توجه به واکنش ها

کودکان افزون بر ویژگی های عمومی دوره ی کودکی، (۱) هر کدام شخصیتی متمایز از دیگری دارند. بر این اساس، تفاوت شخصیت کودکان نسبت به ویژگی های معارض با تلقین مانند خودمحوری و استقلال طلبی، موجب تفاوت کودکان در میزان انعطاف پذیری و تلقین پذیری می شود. مثلاً برخی کودکان، مانند چوبی خشک انعطاف ناپذیرند چون به گونه ای ثابت و در قالب فکری و رفتاری معینی تربیت شده اند و نمی توانند تلقین یک آموزه را به راحتی بپذیرند.

با در نظر گرفتن اصل تفاوت های فردی و همچنین دگرگونی هایی که ممکن است در شخصیت کودک رخ دهد، لازم است پس از هر بار تکرار آموزه و همچنین در انتهای هر روز، به واکنش ها و بازخوردهای کودک نسبت به محتوای تلقینی توجهی ویژه نمود، زیرا از عکس العمل های وی میزان تأثیر تکرار آن محتوا و همچنین موانع آن شناخته می شود.

نتیجه ی چنین بررسی این است که امکان دارد با توجه به میزان تأثیر و موانع آن در هر کودک، به قصد تأثیرگذاری بیشتر، تصمیم به تغییر زمان، مکان و روش های تلقین شود و یا حتی تعدادی که در ابتدای فرآیند تلقین برای تکرار معین شده تغییر کند؛ زیرا

ص: ۱۲۳

به کارگیری روش تلقین، باید هم سو و هماهنگ با حالات روحی- روانی کودک و با در نظر گرفتن واکنش های او باشد.

۱۰. بهره‌بری از تنوع

برای تلقین باورهای مهدوی به مخاطب خصوصاً کودکان، باید از تنوع و گوناگونی نسبت به انواع تلقین، پیام، محتوا، روش، شیوه و قالب بهره برد. به دلیل اینکه:

از یک سو، کودکان به طور طبیعی تنوع طلب اند و با افزایش سن، این ویژگی وسعت بیشتری پیدا می کند.

از سوی دیگر، نفس تکرار یک آموزه با رویه ای (شیوه، قالبی و...) یکنواخت و ثابت، ملالت آور و خسته کننده است به ویژه برای کودکان که متمرکز نمودن فعالیت های ذهنی آنان برای مدت طولانی دشوار است. (۱) این مشقت، در بحث تلقین نمایان تر است، زیرا محتوای واحدی تکرار می گردد.

از سوی سوم، چنان چه گذشت، (۲) با توجه به تفاوت های فردی بین کودکان، آن ها در مواجهه با تلقین یکسان نیستند و در مواردی از قبیل سلیقه در پذیرش شیوه و قالب و همچنین میزان آستانه ی تحمیل که نشأت گرفته از اختلاف گرایش ها، استعدادها و ظرفیت ها است با هم تفاوت دارند.

از سوی چهارم، حالات روحی روانی کودک در طول زندگی اش نسبت به تلقین پذیری و همچنین از نظر میل و گرایش به انواع شیوه ها و قالب ها همیشه ثابت نیست.

بنابراین، استفاده ی از یک شیوه، قالب و... خاص برای همه ی کودکان و همچنین در تمام دوره تلقین یک کودک امری اشتباه و آسیب زا است. باید در هنگام تکرار تلقین آمیز محتوای مهدوی، از شیوه ها و قالب های متنوع به ویژه آن هایی که در خود قابلیت تکرار بیشتر دارند استفاده نمود. این تنوع، ناظر به گوناگونی نحوه ی تکرار است. به عبارت

ص: ۱۲۴

۱- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۴۴.

۲- ر.ک: همین فصل و گفتار، اصل «توجه به واکنش ها»، ص ۱۱۸-۱۱۹.

دیگر، اگر بنا باشد آموزه ای چندین بار تکرار گردد، لازم است در هر مرتبه، شیوه و قالبی خاص به کار گرفته شود تا کودک از آسیب هایی همچون ملالت، بی رغبتی و حتی تنفر نسبت به محتوای تلقینی و تلقین کننده مصون بماند. در صورت یکنواختی، هر چه دفعات تکرار افزایش یابد، زمینه های آسیب های یادشده شعله ورتر می شود.

گوناگونی و تنوع را می توان با کنار هم قرار دادن و توجه به مجموع انواع شیوه های اجرا و قالب های اجرایی تلقین به دست آورد. مثلاً برای تلقین آموزه ای، یک بار از خود تلقینی و مرتبه دیگر از دگر تلقینی استفاده می شود. در هر دو نوع مذکور، همان آموزه یک بار با تلقین قولی و مرتبه ای دیگر با تلقین فعلی القا می گردد. همچنین موارد مذکور را می توان در شیوه ها و قالب های مختلف ارائه کرد که این بحث، خود پژوهشی مستقل می طلبد و این نوشتار، نگاهی گذرا به برخی گونه ها دارد.

کفتار نهم: شیوه های کلی اجرای تلقین

اشاره

با توجه به ویژگی های شخصیتی دوره کودکی، شیوه های فراوانی برای اجرای تلقین پیام مهدوی می توان یافت که دوازده نمونه از آن عبارتند از:

۱) الگونمایی و ترغیب برای تقلید.

۲) نشان دادن آثار، زیبایی ها و جذابیت های مهدی دوستی در زندگی کودک.

۳) آموزش خود تلقینی.

۴) درخواست راهنمایی و مشاوره از کودک.

۵) زمینه سازی ارتباط و معاشرت با خانواده و گروه همسال مهدوی.

۶) بهره بری از عادت پذیری.

۷) استفاده از حس کنجکاوی.

۸) جهت دهی حس زیبایی خواهی و زیبایی دوستی.

۹) استفاده از گرایش کودک به گفتگو.

۱۰) پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک.*

۱۱) در معرض داوری قرار دادن کودک.*

۱۲) بهره بری از روش خود اِشایی محبتی.*

در این جا به جهت اختصار، سه مورد اخیر به همراه نمونه کاربری تبیین می گردد.

یک. پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک

یکی از شیوه های کلی تلقین آموزه های مهدوی به کودکان، عیبت بخشی آن آموزه ها است. این شیوه، به معنای ملموس کردن مفاهیم مهدوی به ویژه آن ها که انتزاعی و نا آشنا هستند و همچنین ربط دادن آن ها با واقعیات آشنا و روزمره ی زندگی کودک است. نمونه های بسیار زیبایی از این روش، جهت انتقال مفاهیم دینی در قرآن و سیره ی معصومین علیهم السلام وجود دارد. (۱) ایجاد ارتباط بین آموزه مهدوی و یکی از واقعیات زندگی کودک به ویژه حوادثی که به طور طبیعی، زیاد در حیات او اتفاق می افتد، باعث تلقین آن آموزه

می گردد، زیرا هر دفعه که آن واقعه رخ دهد ناخود آگاه کودک به یاد آموزه ی مذکور می افتد و با تکرار واقعه، یادآوری نیز تکرار می گردد که این شیوه، نوعی تلقین فعلی است. در واقع، این گره زدن پیام با بخشی از زندگی کودک به منزله روشن کردن موتور تکرار و رها ساختن آن در زندگی طبیعی وی است.

مثلاً مهر و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به مردم به ویژه کودکان، موضوعی است که برای کودک ملموس و مشهود نمی باشد. جهت تبیین چنین موضوع غیر محسوسی، می توان از طریق برقراری پیوند بین آن و مهربانی والدین نسبت به کودک که واقعیتهایی پرتکرار در زندگی اوست استفاده کرد. بدین صورت که با زبان کودکانه در قالب هایی همچون قصه، تمثیل و بیان مصادیق متعدد، توجه کودک را نسبت به مهربانی ها و محبت های پدر و مادر جلب نموده و سپس با در نظر گرفتن شئون امامت، آن ها را در ابعاد وسیع تر (۲) به حضرت

ص: ۱۲۶

۱- اقتباس از اسماعیلی مبارکه، محمد، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، صص ۱۳۸-۱۴۲.

۲- غرض از «ابعاد وسیع تر»، آن است که؛ محبت والدین نسبت به فرزند، قابل مقایسه با محبت گسترده امام معصوم علیه السلام نسبت به مردم نیست. از آنجا که نمی توان چنین مطلبی را به کودک تفهیم کرد، از عباراتی حاکی از افضلیت محبت امام علیه السلام استفاده می شود که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است مانند سخنی از امام رضا علیه السلام که فرمودند: «لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ؛ يَكُونُ أَعْلَمُ النَّاسِ... أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ...» (طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۷).

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت دهیم. همچنان که در برخی روایات برای تبیین محبت امام علیه السلام از تشبیه آن به دلسوزی و مهربانی پدر، مادر و برادر استفاده شده است. (۱) این شیوه باعث می شود پس از تفهیم محبت امام زمان علیه السلام به کودک، با هر بار اظهار مهربانی والدین، محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ذهنش تداعی گردد.

دو. در معرض داوری قرار دادن کودک

از دیگر شیوه های تلقین پیام مهدوی، این است که برای داوری کودک، فرصت ها و موقعیت های مناسبی ایجاد کنیم. این شیوه در تحریک وجدان، افتخار و تشویق کودکان به اظهار عکس العمل بسیار مفید است. فراهم سازی موقعیت برای داوری، در واقع، در مسند قضاوت قرار دادن کودک است تا خود حکم کند حق با کدام طرف بوده و کار صحیح کدام است. وقتی حاکم، خود کودک باشد و با تفکر و اندیشه ی خویش، جانب حق را بیابد، با

تمایل بیشتری آن را قبول می نماید و همچنین اوامر و انجام اعمال متناسب با آن را می پذیرد. (۲)

مثلاً پنج عکس یا نقاشی با موضوع «کارهایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوست دارند» تهیه شود؛ سپس پنج عکس یا نقاشی دیگر با موضوعاتی نقطه مقابل عکس های قبلی آماده گردد، یعنی همان موضوعات، ولی کارهایی باشد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوست ندارند. سپس از کودک بخواهیم که هر عکس را با ضدش مقایسه نماید و خود به تنهایی در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت کند و مطابق با روایات و ظرفیت شناختی دوره کودکی، از او دلیل بخواهیم و در ادامه، فکرش را جهت دهی کنیم. تکرار این کار، باعث تلقین آموزه مرتبط با عکس ها می گردد.

ص: ۱۲۷

۱- مانند روایت امام رضا علیه السلام: «...الْإِمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ...»؛ (همان، ص ۴۳۴).

۲- اسماعیلی مبارکه، محمد، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، ص ۱۷۹.

اشاره

خودافشایی یعنی ابراز امور درونی خود از قبیل افکار، احساسات و عواطف درونی و همچنین اراده و تصمیم گیری نسبت به یک موضوع. البته به خاطر عاطفی بودن کودکان و غلبه احساسات بر آن ها، خودافشایی بیشتر در زمینه ی ابراز حالات حیطة عاطفی دوره کودکی بحث می شود.

الف) اهمیت به کارگیری

امروزه آگاهانه یا ناآگاهانه، والدین و همچنین مربیان کودک از روش مذکور استفاده می کنند. مثلاً پدر خانواده نسبت به دیدن برنامه اخبار از تلویزیون، حساسیت خاصی نشان می دهد. این نوع حساسیت ها به گونه ای است که اگر از فرزندی پرسیم که پدر شما چه چیزهایی را در این دنیا بیشتر از بقیه امور دوست دارد؟ خواهد گفت: دیدن و شنیدن برنامه اخبار، موبایل، دسته چک، کلید ماشین و... همچنین برای امور محبوب مادر می گوید: تمیزی خاص خانه، فیلم ها و سریال های عاطفی، آرایش و زیبایی لباس و... .

علت پی بردن کودکان به امور محبوب بزرگ ترها، غالباً خودافشایی های محبتی است که نسبت به اشیاء، امور و اتفاقات اطراف خود داشته اند. بر این اساس، روش خودافشایی روش نوظهور و جدیدی نیست بلکه کودکان مرتب در معرض ابراز عواطف، امیال درونی و احساسات اطرافیان خود هستند.

نکته ی جالب توجه این که تثبیت و ماندگاری آموزه هایی که از این طریق به کودک منتقل می شود، بسیار پر رنگ تر و عمیق تر از روش های دیگر است. زیرا کودکان زیر هفت سال، عاطفی تر هستند و در نتیجه، ابراز حالات عاطفی با جملات و حرکات خاص بیشترین تأثیر را در آن ها دارد.

جای بسی تأسف است که اگر از برخی کودکان رشد یافته در خانواده های مذهبی پرسیده شود: پدر و مادر شما چه چیزهایی را بیشتر از همه در دنیا دوست دارند و برایشان مهم است؟ کمتر به موضوعاتی همچون دوست داشتن همسر و والدین خود، نماز، ظهور امام زمان علیه السلام و یآوری ایشان اشاره می کنند. زیرا گر چه در خانواده های مذهبی، اطرافیان کودک، معتقد به امور فوق هستند ولی هیچ گاه احساس درونی خود را ابراز نمی کنند. افزون بر آن، اگر فردی از خانواده جملاتی عاطفی حاکی از حالات درونی

خود نسبت به امور فوق را بر زبان جاری نماید، ممکن است او را به خودنمایی، ریاکاری یا لوس شدن متهم کنند. در حالی که گاهی آنچه را که کودک درک و احساس می کند، صادقانه می گوید و حالات متناسب با آن را از خود نشان می دهد بدون قصد صفات ناپسند مذکور. دیگر اینکه دریافت های وی غالباً از آن مقدار از کلام و رفتاری است که مشاهده می نماید و حتی از خود، تحلیل هایی بر آن می افزاید. بر این اساس، او نیازمند دانستن و مشاهده ی جلوه های بیرونی حالات درونی مثبت اطرافیان است تا در علاقه مندی و تحریک اراده و تصمیم گیری وی نسبت به کارهای خوب، تأثیر ماندگار داشته باشد.

متأسفانه غالباً کودکان، دعوای و مشاجرات والدین را می بینند ولی خودافشایی یا همان ابراز احساسات آن ها نسبت به یکدیگر را مشاهده نمی کنند. در حالی که با رعایت حیا و عفت، می توان به کودک نشان داد که چقدر والدین همدیگر را دوست دارند تا برای زندگی خود به صورت آگاهانه و حتی ناخودآگاه الگو برداری نماید.

لازم به ذکر است که محبت به همسر دو گونه است:

یکی محبت همسرانه ی خاص که خط قرمز آنها در برابر فرزندان و دیگران محسوب می شود. دیگری محبت برادرانه و دوستانه که شامل اموری همچون صحبت های عاطفی، دست دادن و بوسیدن می شود به شرط آن که جلوه های جنسی و شهوتی، همراه آن ها آشکار نگردد.

مقصود از خودافشایی محبتی و ابراز عشق ورزی نسبت به همسر در اینجا، همین نوع اخیر است یعنی محبت دوستانه نه همسرانه ی خاص. مثلاً وقتی پدر وارد خانواده می شود به همه اعضای خانواده نگاه محبت آمیز داشته و با مهربانی سلام کند و در حین احوال پرسی، با همه دست دهد و حتی پیشانی آن ها را ببوسد. در این حد، هیچ آسیبی به تربیت جنسی کودکان وارد نمی شود.

اگر والدین دوست دارند فرزندانی داشته باشند که در خانه، مدرسه و مهمانی نسبت به بزرگترها و گروه همسال و حتی در آینده ی نزدیک، بعد از تشکیل خانواده نسبت به زیردستان خود مهربانانه رفتار کنند، موظفند در برابر دیدگان آن ها، محبت خود را نسبت به همسر و دیگر اعضای خانواده آشکارا ابراز نمایند. به دیگر سخن، این عشق قلبی

درونی را در کلام و رفتار خود نشان دهند و در ادامه، این دوست داشتن را به کودک القا کنند.

حال که معنای خودافشایی، فراوانی ظهور آن و همچنین تأثیرات زود بازده و ماندگار آن در زندگی کودک با عبارات مذکور روشن شد، شایسته است در استفاده از این روش تربیتی، اهتمام جدی داشته باشیم به ویژه برای انتقال و تلقین آموزه های عاطفی مهدوی و همچنین تعالیم مرتبط با تحریک اراده در جهت مهدی دوستی. خودافشایی محبتی والدین و مربیان کودک نسبت به امام زمان علیه السلام باعث تحریک احساسات او نسبت به آن بزرگوار شده و در ادامه، میل به همانندسازی با گفتار، حالات و رفتار مجری خودافشایی ایجاد و تقویت می گردد. در نتیجه، عمل مدّ نظر توسط کودک انجام و بارها تکرار می گردد.

(نمودار تأثیر فرآیند گونه خودافشایی محبتی)

تصویر



ب) انواع خودافشایی

۱. خودافشایی حقیقی و مصنوعی

ممکن است این سوال به ذهن برسد؛ زمانی که در والدین یا مربی، عشق و علاقه درونی نسبت به امور دینی مانند نماز و ظهور امام مهدی علیه السلام جوشش و غلیان داشته باشد، به راحتی می توانند از روش خودافشایی استفاده نمایند و این حالت درونی را در معرض مشاهده کودک قرار دهند. ولی گاهی اوقات این عشق و احساسات درونی در کمترین حدّ خود قرار دارد. حال، چگونه می توان از خودافشایی استفاده نمود چون در قلبشان، حالت درونی عاشقانه زیاد نسبت به امام زمان علیه السلام وجود ندارد تا بخواهند آن را ابراز

ص: ۱۳۰

پاسخ اینکه؛ دو نوع برای خودافشایی می توان در نظر گرفت. یکی خودافشایی حقیقی و دیگری مصنوعی. در خودافشایی حقیقی، حالت عاشقانه نسبت امر محبوبی واقعاً در دل وجود دارد و سعی در اظهار آن می شود. خودافشایی مصنوعی یعنی آن حالت در درون انسان بسیار کم رنگ شده یا اصلاً وجود ندارد اما داشتن آن حالت نزد شخص، یک ارزش محسوب می شود و آرزو دارد که آن را داشته باشد. به همین خاطر، به طور مصنوعی حالت عاشقانه از خود نشان می دهد. به عبارت دیگر، نقش انسان های عاشق حضرت مهدی علیه السلام را بازی می کند و از نوعی روش نمایشی بهره می جوید.

سوالی که در اینجا مطرح می گردد آن است که؛ آیا خودافشایی مصنوعی، افشای کاذب حالت درونی است؟ آیا نوعی دروغ گویی و عمل غیر اخلاقی محسوب می شود؟

در پاسخ می گوییم: در آموزه های دینی سفارشات آمده که از آن ها چنین استنباط می شود که اگر حالت درونی عملی خیر و حسن را در خود ندارید، نقش دارندگان آن را بازی کنید و به زبان عامیانه، خود را به حالت بزیند. نتیجه چنین کاری آن است که کم کم حالت ساختگی در فکر و دل انسان رسوخ پیدا کرده و در اثر انجام آن، به حالت واقعی تبدیل می گردد. در بحث انواع تلقین، ضمن توضیح پیرامون تلقین فعلی مثبت، دو نمونه تظاهر به کار خیر بیان گردید که عبارتند از «تحلم؛ تظاهر به حلیم بودن و نقش انسان بردبار بازی کردن» و «تباکی؛ شبیه نمودن حالت ظاهری خود به انسانی که واقعاً گریه می کند». (۱)

مثلاً کسی که دوست دارد رابطه احساسی عاشقانه با حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد، باید مدتی همچون عاشقان و شیفتگان رفتار نماید.

نقل شده مرحوم علامه میرجهانی سوز و گداز عجیبی نسبت امام زمان علیه السلام داشته اند و اشعاری در این زمینه سروده اند که این خود، نوعی خودافشایی حقیقی است. حال اگر فردی، مدتی با اشعار عالمانه ایشان مأنوس باشد، آرام آرام احساسات، امیال و آرزوهای او به سوی امام مهدی علیه السلام جهت دهی خواهد شد و اگر اهل انجام رفتار طبق

رضایت آن امام عزیز باشد، عشق او واقعی و تربیت ساز می گردد.

نقش جمال یار را تا که به دل کشیده ام
هر نظرم که بگذرد جلوه نوری از رُخش
عشق مجال کی دهد تا که بگویمی چسان
سوزم و ریزم اشک غم، شمع صفت به پای دل
چاک دل از فراق او می زخم و نمی زند
این دل سنگم آب شد، ز آتش اشتیاق شد
شرح نمی توان دهم سوزش حال خود به جز
حیران تا کی از غمش اشک به دامن آورد
یک سره مهر این و آن از دل خود بریده ام
بار دگر نکوترش بینم از آن چه دیده ام
تیر بلای عشق او بر دل و جان خریده ام
در طلبش چه خارها بر دل خود خلیده ام
بخیه به پاره های دل، کز غم او دریده ام
بس که به ناله روز و شب، کوره دل دمیده ام
ریزش اشک دیده و خون دل چکیده ام
چون دل داغدار خود، هیچ دلی ندیده ام (۱)

ص: ۱۳۲

۲. خودافشایی فکری، عاطفی، اراده و تصمیم

چنان چه در تعریف خودافشایی بیان شد، این روش تربیتی شامل آشکار کردن و فاش نمودن تصورات و افکار شخصی و همچنین عواطف و حالات درونی نیز می شود. افزون بر آن، شامل عیان کردن رفتار درونی یعنی عزم، اراده و تصمیم هم می گردد.

۳. خودافشایی محبتی و نفرتی

خودافشایی محبتی یعنی ابراز محبت درونی نسبت به شخص یا امری پسندیده مانند شوق به رسیدن ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و همچنین تمام کارهایی که مورد رضایت ایشان است.

خودافشایی نفرتی یعنی آشکار کردن انزجار و تنفر درونی نسبت به فرد یا امور ناپسند. هر چه اطلاعات ما نسبت به زشتی و پستی گناه بیشتر شود، انزجار و تنفرمان نسبت به آن افزایش می یابد و در نتیجه، اگر متکی به ایمان محکم باشد هیچ گاه به آن نزدیک نمی شویم. بهترین راه کار برای مصونیت در برابر گناه و کارهای زشت و همچنین ترک آن ها، تغییر میل و کشش نسبت به آن ها است. حال برای دور کردن کودک از کارهای زشت، می توان از این روش استفاده نمود با این توضیح که ابتدا بد بودن عمل زشت و لزوم ترک آن را به عدم رضایت خداوند متعال و حضرت مهدی علیه السلام استناد می دهیم و سپس تنفر خود را نسبت به آن عمل، با کلام و حالات انزجاری کودکانه نشان می دهیم. خودافشایی نفرتی، مبدأ میل کودک به کار زشت را تغییر می دهد یعنی پس از مدتی که این روش به کار گرفته شود، دیگر کودک میل به عمل زشت و انجام ناهنجاری رفتاری را از دست می دهد و آزادانه دوری جسته و ترک می نماید.

مثال کودکانه ی خودافشایی محبتی نسبت به امام زمان علیه السلام این است که در کلاس یا خانه، عبارات ذیل را با ابراز احساسات درونی بر زبان جاری کنیم.

«مدتی است دلم خیلی برای امام مهدی علیه السلام تنگ شده. این قدر دلتنگ شده ام که هر شبانه روز براشون دعا می کنم. یعنی میشه یه روز امام مهربان و عزیزم را ببینم و بهشون بگم که چقدر دوستشون دارم. دلم می خواد یه نقاشی خوشگل بکشم و دور آن را با گل واقعی تزئین کنم. اسم امامم را وسط گل ها بنویسم. خیلی دلم می خواد آن نقاشی را بهشون هدیه

بدهم ولی الان که هنوز ظهور نکردند نمی‌تونم به دستشون برسونم. اما همین که می‌دونم ایشان مرا می‌بینند و از نقاشی ام خبر دارند برایم کافیه. حالا وقتی نقاشی ام آماده شد اون را به بهترین جای دیوار اتاقم نصب می‌کنم تا هر وقت چشمم به آن می‌افتد یاد حضرت مهدی علیه السلام بیفتم و همیشه به یادشون باشم.»

متأسفانه برخی والدین و مربیان عزیز، ناخودآگاه نسبت به امور مقارن با کارهای خوب خودافشایی نفرتی نشان می‌دهد که آسیب‌های جدی تربیتی به دنبال دارد. مثلاً یک مادر مذهبی که با حجاب کامل اسلامی یعنی چادر به خانه بر می‌گردد و از شدت گرما خیلی اذیت شده، در لحظه ورود به خانه چادر و مانتوی خود را با حالت انزجار به گوشه‌ای پرت می‌کند و می‌گوید: «وای ... خیلی اذیت شدم، مُردم از گرما تو این همه لباس» بدیهی است که انزجار مادر از چادر نیست بلکه از گرمای شدید و اذیت شدن است ولی کودک به خاطر محدودیت ظرفیت شناختی، نسبت به چادر و رعایت حجاب کامل اسلامی تنفر پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که این گونه خودافشایی‌های نفرتی که منجر به نفرت کودک نسبت به امور مذهبی مثل حجاب می‌شود، بیش از ساعت‌ها سخنرانی پیرامون ترویج بدحجابی اثر گذار است.

تصویر



ج) نکات اجرایی خودافشایی

برای بهره‌برداری بیشتر از روش خودافشایی، نیاز به دانستن نکات اجرایی آن، تمرین و مهارت کافی است. در این مجال، به بیان پنج نکته کلی بسنده می‌شود.

نکته اول

از آنجا که این روش، تلقین آمیز بوده و عنصر اصلی تلقین تکرار است، باید برای خودافشایی یک جدول زمان‌بندی تکرار در یک روز و استمرار در روزهای متوالی طراحی

ص: ۱۳۴

نمود مثلاً پنج بار در یک روز و استمرار پنج روزه.

نکته دوم

نباید کودک را مستقیماً مخاطب قرار داد یعنی وی احساس نکند که می خواهید او را امر و نهی و حتی نصیحت کنید. پس شایسته است که خودافشایی در صحن علنی خانه و کلاس در حضور دیگران انجام شود بدون اینکه کودک را مخاطب خاص قرار دهیم.

نکته سوم

اگر حالت درونی مدّ نظر، در مجری روش خودافشایی، بسیار کم و ضعیف است، سعی کند آرزوی داشتن آن حالت را در دل خود پروراند و تقویت نماید و محبت به داشتن آن را به خوبی ابراز کند.

نکته چهارم

اجرا کننده روش باید نقش خود را خوب بازی کند تا کودک احساس نکند والدین کاری مصنوعی، ساختگی و دروغین انجام می دهند.

نکته پنجم

هنگام کلاس‌داری یا برخورد و گفتگو با کودک، لازم است موارد کاربرد روش خودافشایی را به خوبی بشناسیم. به بیان دیگر، شناسایی و به کارگیری موارد مختلفی که قابلیت دارند متعلق این روش قرار بگیرند. مانند خودافشایی محبتی نسبت به حضور در کلاس، دوستی و هم صحبتی با کودکان، موضوع کلاس یا گفتگو و قالب اجرایی همچون نمایش و نقاشی. مثلاً مربی کلاس همراه با ابراز احساسات درونی چنین جملاتی بگوید:

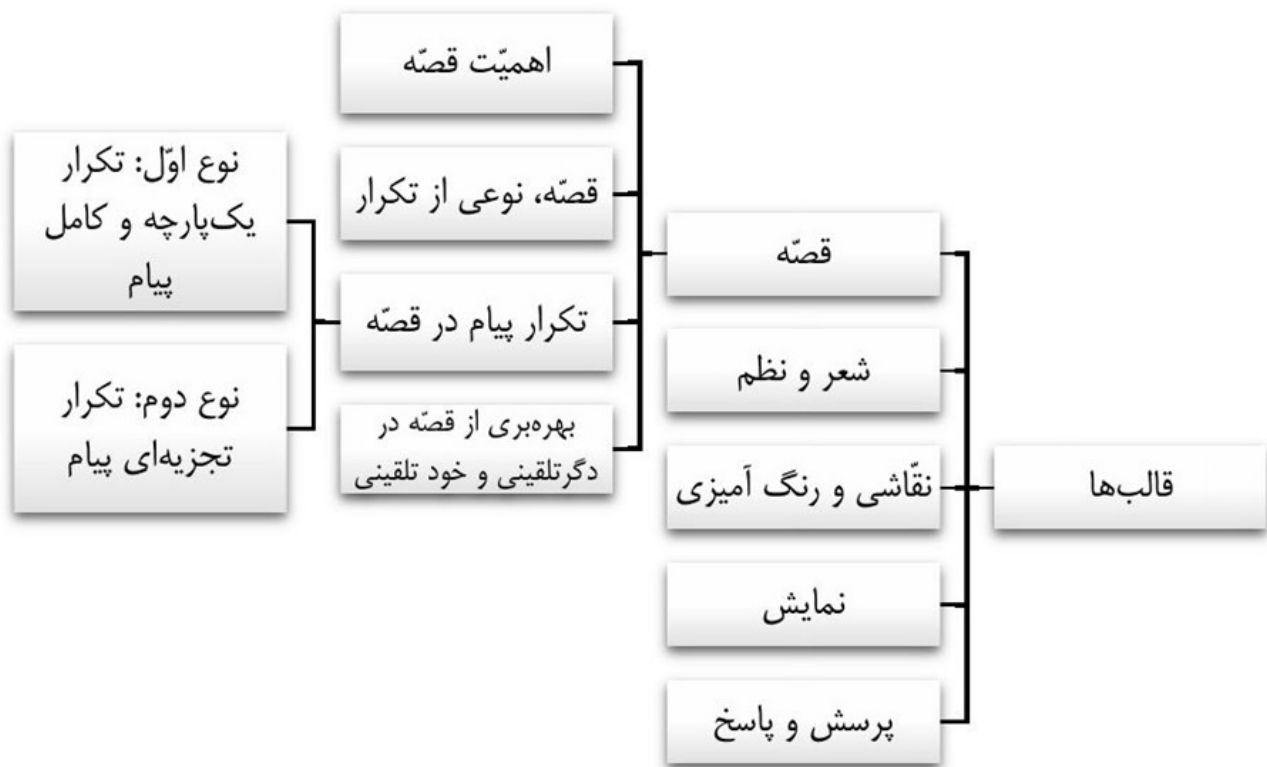
«از وقتی به من گفتند قراره معلّم کلاس شما باشم، این قدر خوشحال شدم که از دیروز تا حالا همش دارم به شما فکر می کنم... از ته دل خوشحالم که امروز می خواهیم درباره امام دوازدهم با هم دیگه یک سرود خوشگل بخوانیم...»

کفتار دهم: قالب های اجرایی تلقین

اشاره

قالب های متعددی جهت تلقین معارف مهدوی وجود دارند که در این نوشتار، به توضیح چند قالب به همراه نمونه کاربردی آن ها بسنده می شود.

ص: ۱۳۵



۱. قصه

الف) اهمیت قصه

قالب قصه یا داستان (۱) پربارترین و شایع‌ترین فرم هنری بوده (۲) که انسان به ویژه در کودکی، ذاتاً به سوی آن جذب شده و از آن لذت می‌برد. (۳) همچنین از نظر روان‌شناسی تربیتی، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی (۴) و تأثیرگذارترین ابزار جهت انتقال غیرمستقیم آموزه‌ها به حساب می‌آید که در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام استفاده از آن جهت ارائه مفاهیم دینی و تربیت اعتقادی و اخلاقی مخاطبان فراوان به چشم می‌خورد. (۵)

با توجه به ویژگی‌های دوره‌ی کودکی مانند رشد شکل‌گیری تصویرهای ذهنی، قوه‌ی

ص: ۱۳۶

۱- برخی بین قصه و داستان، تفاوت‌هایی ذکر کرده‌اند. ر.ک. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۹۷ و ۹۸.

۲- مک کی، رابرت، داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه‌نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، ص ۹.

۳- اقتباس از محدثی، جواد، هنر در قلمرو حکمت، ص ۲۲۵.

۴- مقدسی پور، علی، «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)»، فصل‌نامه معرفت، اسفند ۱۳۸۲، شماره ۷۵، ص ۴۱.

۵- ر.ک: «داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام» و «مهدوی، سعید، نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن» و «محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن»

تخیل، حس کنجکاوی، شیفتگی شدید نسبت به شنیدن داستان و جایگزینی خود در شخصیت های داستان و تقلید و الگوبرداری از آن ها، می توان گفت قصه یکی از مناسب ترین قالب ها جهت تلقین معارف مهدوی به کودکان است و این قدر ظرفیت دارد تا بخش عمده نهادینه سازی آن معارف از این طریق انجام گیرد.

ب) قصه نوعی از تکرار

در بعضی از دفعات تکرار پیام تلقینی، می توان از قصه ای با محتوای مهدوی استفاده کرد مانند قصه کتاب «فرشته ی خوش خبر» و «یاران آفتاب».^(۱)

مثال: قصه یاران آفتاب

جهت آشنایی خوانندگان محترم، خلاصه قصه «یاران آفتاب» نقل می شود که در آن به

غربت و تنهایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین لزوم توجه به ایشان (خصوصاً در زمان غیبت) اشاره دارد. این قصه، از سخن امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف الهام گرفته شده که حاکی از تشبیه خویش به خورشید پشت ابر است.^(۲)

«در دهکده ای، پیرمرد کشاورزی زندگی می کرد. روزی از روزها هنگام سرزدن به مزرعه اش، متوجه شد خورشید در آسمان پیدا نیست. پس از نگاه با دقت به آسمان فهمید که چند ابر سیاه و بزرگ جلوی خورشید را گرفته اند. پیرمرد رفت بالای تپه ی بلندی و از خورشید علت این حادثه را پرسید. خورشید گفت: «کسی به من توجه نمی کند. همه سرگرم کار خودشان هستند و من هیچ دوست و یاری ندارم. به همین خاطر، ابرهای سیاه جلوی من آمدند». پیرمرد به خاطر غربت و تنهایی او غمگین شد و به سفارش خورشید، دانه های آفتاب گردان را از مناطق مختلف جهان جمع کرد و در مزرعه ی خود کاشت. او هر روز به آن ها آب می داد و دعا می کرد تا هر چه زودتر بزرگ شوند، گل بدهند و رو به خورشید کنند. یک روز صبح جمعه، وقتی پیرمرد به مزرعه ی خود

ص: ۱۳۷

۱- یوسفیان، محمد و ولایی، ف، «فرشته خوش خبر» و «یاران آفتاب». در ضمن می توان از اشعار آخر این دو کتاب، جمله کلیدی را استخراج کرد.

۲- وقتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره نحوه بهره مندی از ایشان در دوره غیبت سؤال شد، فرمودند: «وَ أَمَا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛ بهره مندی از من در روزگار غیبتم، مانند سود بردن از خورشید است، آن گاه که ابرها، آن ها را از چشم ها پوشانده اند»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ۴۸۵).

رفت تا به آن‌ها سر بزند، از خوشحالی اشک در چشمانش حلقه زد، چون همه‌ی آفتاب‌گردان‌ها گل کرده بودند و رو به سوی خورشید، منتظر بودند تا او را ببینند. در این هنگام، خورشید از پشت ابرها بیرون آمد و یکی یکی به صورت گل‌ها نور پاشید. از اون روز به بعد دیگر هیچ وقت ابرها نتوانستند جلوی خورشید را بگیرند.»

ج) تکرار پیام در قصه

اشاره

افزون بر آن که قصه قالبی برای تکرار است، می‌توان از دو گونه تکرار در قصه نیز استفاده نمود. برای این امر، لازم است از قصه‌هایی که قابلیت تکرار پیام دارند بهره ببریم. در اینجا پس از اشاره به دو نوع یادشده، یک نمونه ذکر می‌گردد.

نوع اول: تکرار یک پارچه و کامل پیام

تکرار کامل پیام یعنی پیام در نظر گرفته شده که بهتر است شرایط جمله کلیدی آهنگین

و شعارگونه را داشته باشد، (۱) به صورت کامل بدون هیچ گونه تجزیه و تقطیعی در قسمت‌های مختلف قصه تکرار می‌گردد.

در قصه‌ی واحد و تک قسمتی، پیام واحد و کامل در صحنه‌های مختلف توسط شخصیت‌های آن تکرار می‌شود. در قصه زنجیره‌ای که در چند قسمت به طور سلسله وار تنظیم شده، در ابتدا، وسط یا انتهای همه قسمت‌ها، آن پیام به صورت یک پارچه تکرار می‌گردد.

نوع دوم: تکرار تجزیه‌ای پیام

اشاره

تکرار تجزیه‌ای پیام به این معنا است که پیام در نظر گرفته شده به چند بخش تجزیه و تقسیم می‌شود. پس از آن، قصه‌ای متناسب با تکرار تجزیه‌ای انتخاب و در هر صحنه از آن، بخشی از آن پیام توسط شخصیت‌های قصه تکرار می‌گردد و سپس در صحنه‌های بعدی به ترتیب، بخش‌های جدید پیام به همراه تکرار و یادآوری بخش‌های قبلی بیان می‌شود تا پیام تکمیل گردد.

در اینجا برای نوع اول تکرار پیام یعنی تکرار یکپارچه و کامل، قصه «بزرگترین

ص: ۱۳۸

۱- توضیح جمله کلیدی، در بحث «تنظیم محتوای تلقینی» گذشت. ر.ک. همین فصل، گفتار ششم، ص ۱۰۹.

هدیه» ذکر می شود. (۱)

مثال: قصه بزرگترین هدیه

یک روز صبح، مریم کوچولو از خواب بیدار شد که ناگهان صدای مامان را شنید که می گفت:

ص: ۱۳۹

۱- این قصه از نگارنده بوده و در حال آماده سازی برای چاپ می باشد. ضمناً به جهت رعایت اختصار، دو قصه مذکور در متن، با حذف بعضی بخش ها و عبارات عاطفی کودکانه به صورت خلاصه ذکر گردید.

بعد از آن، بابا هم با یک آواز قشنگ همان را تکرار کرد؛ امام زمانِ مهربان... مریم با تعجب به بابا و مامان نگاه کرد و گفت: «اینجا چه خبره؟ چرا همه با خوشحالی شعر می خوانید؟» آن ها بدون اینکه جواب بدهند، همان شعر را تکرار کردند؛ امام زمانِ مهربان...

مریم رفت به سمت اتاق داداش محمد تا ماجرا را از پرسد. محمد که داشت آماده می شد برای

رفتن به مدرسه، در اتاقش را باز کرد و گفت: امام زمانِ مهربان... همه ی اعضای خانواده نشستند کنار سفره برای خوردن صبحانه که محمد گفت: «آماده هستید؟ یک، دو، سه...» و همه با هم گفتند: امام زمانِ مهربان... چه صحنه ی جالبی؛ یک سرود دسته جمعی خانوادگی. مریم خیلی تعجب کرده بود؛ گفت: «کسی نمی خواهد به من بگوید اینجا چه خبره؟» مامان گفت: «صبر داشته باش شب خودت می فهمی». مریم گفت: «وای، من باید تا شب منتظر بمونم؟» بعد صورت مامان را بوسید و خواهش کرد تا ماجرا را بگوید. محمد گفت: «مربوط به جشن امشب است». مریم تا اسم جشن را شنید، خنده کنان با خوشحالی شروع کرد دور اتاق دویدن تا به نفس نفس افتاد و با همان حال پرسید: «چه جشنی؟» مامان گفت: «جشن تولد». مریم گفت: «تولد کیه؟» مامان گوشی تلفن را برداشت، شماره ای را گرفت و گفت: «از دایی محسن بپرس، جشن خانه ی ایشان برگزار می شود». مریم گوشی را گرفت و بعد از احوال پرسی، گفت: «دایی جان امروز از وقتی بیدار شده ام همه دارند شعر می خوانند و می گویند مربوط به جشن امشب، مگه امشب چه خبره؟» دایی گفت: «میشه آن شعر را بخوانی؟ مریم گفت: امام زمانِ مهربان * از کارهامون از کارامون... و دیگه بقیه شعر یادش نیامد که ناگهان دایی ادامه داد: «...خبر دارند * با کارهای خوب و قشنگ * امام همیشه خوشحال اند» و گفت: «امشب شب تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. جشن می گیریم تا هم به یاد ایشان باشیم و هم به خاطر این نعمت بزرگ، از خدا تشکر کنیم». مریم پس از خداحافظی با دایی محسن زیر لب می خواند: امام زمانِ مهربان... بعد از صبحانه، به عکس جشن تولدش که به دیوار نصب شده بود نگاه کرد و گفت: «مامان، تو جشن تولدم همه به من هدیه دادن. به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه کادویی می توانیم بدهیم؟» مامان پرسید: «تو چی دوست داری بدهی؟» مریم پاسخ داد: «یک نقاشی خوشگل با

یک عروسک». مامان لبخندی زد و گفت: «آفرین، هدیه ات خیلی خوب است؛ چون چیزهایی که خودت دوست داری می خواهی به ایشان هدیه بدهی، ولی ما تصمیم گرفتیم بزرگ ترین هدیه ی دنیا را به ایشان بدهیم». مریم گفت: «بزرگ ترین هدیه چیه؟ تو اتاق من جا میشه؟» اهل خانه با شنیدن این حرف، زدند زیر خنده. مریم گفت: «مگه حرف خنده داری زدم؟ خوب به من بگویند بزرگترین هدیه چیه؟» محمد گفت: «امام زمانِ مهربان... مریم گفت: «مگه می خواهی این شعر را هدیه بدهی؟» مامان گفت: «نه عزیزم. اگه به شعر خوب دقت کنی می فهمی که بزرگترین هدیه چیه» مریم زیر لب آهسته شروع کرد به خواندن: «امام زمانِ مهربان... بعد یه دفعه گفت: «فهمیدم، کارهای خوب» مامان گفت: «آفرین، درست گفتی. بزرگترین هدیه، این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را با انجام دادن کارهای خوب خوشحال کنیم؛ چون ایشان ما را می بینند و از کارهایی که انجام می دهیم خبر دارند. اگه کار خوب بکنیم چهره شان شاد می شود و برای ما دعا می کنند، ولی اگه کار بدی از ما سر بزنه خیلی ناراحت می شوند». مریم که حالا از ماجرای شعرخوانی و جشن با خبر شده بود، با صدای بلند شروع کرد به خواندن؛ امام زمانِ مهربان... تمام اعضای خانواده با هم قرار گذاشتند که تا شب هر کس کار خوب انجام داد همه دسته جمعی با خواندن آن شعر، او را تشویق کنند و اگر کار بدی از او سرزد، یک نفر آرام و مخفیانه، با خواندن همان شعر به او تذکر بدهد. بعد از آن، محمد گفت: «شعر خواندن برای امام مهدی، یه کار خوبه دیگه، پس بیاید خودمان را تشویق کنیم». در این هنگام همه گفتند:

امام زمانِ مهربان

با کارهای خوب و قشنگ

از کارهامون خبر دارند

امام همیشه خوشحال اند

(د) بهره بری از قصه در دگر تلقینی و خودتلقینی

جهت تنوع بهره بری از قصه می توان از قصه گویی مرئی و والدین، پخش صدای قصه گویای حرفه ای و فیلم های مشتمل بر داستان استفاده کرد. اگر در مسیر قصه به کودک اجازه مشارکت کلامی داده شود بدینصورت که در بعضی بخش های مرتبط با پیام تلقینی، روند قصه و جمله کلیدی را نیمه تمام بگذاریم تا او ادامه ی آن را حدس بزند و مدام این عمل تکرار شود، تأثیر بسزایی در تلقین قولی پیام مهدوی دارد. همچنین اگر کودک مشارکت فعلی داشته باشد مثل اجرای نقش برخی شخصیت های داستان، در تلقین فعلی موثر است. قصه گویی همراه با ایزاری همچون تقلید صدا، نمایش، نشان دادن

تصاویر زیبا و متناسب، تأثیر زیادی در تلقین دارد؛ چون از طریق دو ادراک حسی یعنی بینایی و شنوایی، پیام منتقل می‌شود و این به منزله‌ی تکرار است.

از قالب قصه می‌توان در خودتلقینی کودک نیز بهره برد؛ بدین صورت که او به قصه‌گویی به ویژه با ابزار جذاب، ترغیب و تشویق شود. زیرا با هر بار گفتن، صدای خود را می‌شنود و پیام مهدوی در جان و روح او تثبیت می‌شود. نفس محبوبیت و جذابیت قصه، عامل مهمی برای خودتلقینی است، زیرا کودکان داستان‌هایی را که دوست داشته و از

شنیدنشان لذت می‌برند، برای دوست و عروسک خود و حتی در هنگام تنهایی، زیاد تکرار می‌کنند. روش‌های متعددی جهت ترغیب وجود دارد مانند اینکه تصویرهایی از صحنه‌های مختلف قصه تهیه و از او خواسته شود ماجرای هر صحنه را بیان کند تا قصه به اتمام برسد یا اینکه در بعضی از صحنه‌ها، از او درخواست شود همانند صدای شخصیت قصه سخن بگوید.

۲. شعر و نظم

اشاره

کودکان به گزاره‌های آهنگین و موزون علاقه‌ی زیادی دارند. حال چه نظم باشد که برگردان موزون حادثه است و چه شعر باشد که بیان گر احساسات شاعر می‌باشد. افزون بر آنکه می‌توان از شعر برای شیوه‌ای از تکرار آموزه مهدوی استفاده کرد، ظرفیت بالایی نیز جهت تکرار پیام دارد. در شعر باید گوشواره‌ای مناسب با یک پیام مهدوی تنظیم گردد و به عنوان جمله کلیدی استفاده شود. نباید از شوق کودکان نسبت به حفظ شعر، خواندن سرود دسته جمعی، مسابقه شعرخوانی و... غافل بود. کتاب‌هایی با موضوع اشعار کودکان دینی و مهدوی تألیف شده، (۱) همچنین در کتاب‌هایی پیرامون تبلیغ و انتقال مفاهیم دینی، نمونه‌هایی از این اشعار معرفی گردیده است. (۲) در اینجا چند نمونه ذکر می‌گردد.

ص: ۱۴۲

۱- مانند کتاب «نغمه‌های دینی کودکان» از عزیزالله هاشمی و «چلچراغ» (دوره پنجم جلدی ۴۰ حدیث با موضوع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و «مجموعه شکوفه‌های امید» از مهدی وحیدی صدر و محمد یوسفیان.

۲- ر.ک: اسماعیلی مبارکه، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، صص ۱۱۹-۱۲۶ و جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۸۴-۱۹۳.

بر اساس حدیثی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند:

«ما یاد شما را فراموش نمی‌کنیم» (۱)

این شعر خوانده می‌شود:

او به یاد ما بوده، او به یادمان باشد او برای این مردم، صاحب الزّمان باشد

صاحب الزّمان فرمود، جمله ای که گشتم شاد شیعیان شماها را، ما نمی‌بریم از یاد (۲)

با الهام از سخن امام صادق علیه السلام پیرامون فراق امام دوازدهم که فرمودند:

«سرور من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده است»؛ (۳)

چنین شعری بیان می‌شود:

وقتی نباشی، ما بی‌قراریم یعنی که بی‌تو، ما بی‌بهاریم

ای سرور من، هستی تو مولا در غیبت تو، بی‌خوابم آقا (۴)

لازم به ذکر است که برای بهره‌مندی بیشتر از تأثیرگذاری شعر خوانی برای کودک، باید با انواع شعر و شیوه‌های شعر خوانی و همچنین اصول هر یک، آشنایی کافی داشته باشیم. در این مجال، تنها به یکی از تقسیم‌های آن، اشاره می‌شود.

انواع شعر

۱) شعر طراوت گونه

۲) شعر آموزش گونه

۳) شعر شعار گونه

۴) شعر سرود گونه

در مورد هر کدام از انواع فوق، مباحثی از قبیل تعریف، سبک اجرا، ویژگی‌ها، جایگاه کاربردی و نکات اجرایی مطرح است که در این مجال نمی‌گنجد و نگارنده قصد دارد ان شاءالله در کتابی مستقل به تفصیل بدان پردازد.

اکنون برخی از اشعار مهدوی سروده شده ویژه کودکان ذکر می‌گردد.

ص: ۱۴۳

۲- یوسفیان و وحیدی صدر، چلچراغ، ج ۳، ص ۸.

۳- «سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفْتِ رُقَادِي»؛ (ابن بابويه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳).

۴- یوسفیان، محمد، منتظم بیایی، ص ۸.

از محبت مهدی، گشته قلب ما لبریز می کند دعا هر روز، او به بنده ناچیز

از محبت آقا، توی زندگی شادم من به یاد ایشانم، چون که بوده او یادم

صاحب الزّمان، یادمان کند با دعای خود، شادمان کند

بعد خواب خوش، من به آن امام از صمیم قلب، می دهم سلام

سال تولّدش هست، دویست و پنجاه و پنج تا که بیاید آقا، پر بزند درد و رنج

سال ظهورش اما، همیشه مثل راز است وجود نور خورشید، برای ما نیاز است

او گر چه گشته، از دیده پنهان تاییده نورش، در قلبِ انسان

هم با شهامت، هم کوه صبر است مانند خورشید، در پشت ابر است

هستی ای امام، در دعای من در قنوت من، در صدای من

تا شود شتاب، در ظهور تو درد و دل کنم، در حضور تو [\(۱\)](#)

بیا مهدی زهرا تویی امید دل ها

منتظر تو هستند مردم کلّ دنیا

شده دعای فرج دعای هر روز من

عطر ظهورت شده صفای هر روز من

کاشکی یه روزی بشه پیام به دیدار تو

به من بده لیاقت تا که بشم یار تو

بیا ای گل نرگس کاش بدونم کجایی

۱- وحیدی صدر، مهدی، مجموعه شکوفه های امید، ج ۱، صص ۹-۱۲ و ج ۵، صص ۱۲ و ۴.

۲- یوسفیان، محمد، منتظرم بیایی، ص ۲.

کودکان علاقه فراوانی نسبت به نقاشی و رنگ آمیزی از خود نشان می دهند. اما فراسوی این علاقه و لذت بردن کودک از آن، نقاشی به منزله فرافکنی روان شناختی جهان کودکانه، آشکار کننده تمامی شخصیت اوست. شایسته است قبل از هر چیز؛ نقاشی کودک را (خواه زبان رمزی یا فریاد عشق یا کشاننده خلاق بدانیم)، بر پایه تحقیقات خط شناسی و روان تحلیل گری، یک پیام بنیادی تلقی کنیم؛ زیرا آنچه را نمی تواند به لفظ در آورد از طریق نقاشی انتقال می دهد. پس نقاشی خبر از راز و رمز جهان کودک می دهد و با دقت در آن، که هر بار منحصر به فرد است، می توان پیامش را درک کرده و روابط خود را با وی غنی تر

سازیم. (۱) بنابراین می توان از نقاشی، برای دست یابی به وضعیت موجود حیطه های شخصیتی کودکان نسبت به معارف مهدوی از طریق تهیه جامعه آماری بهره برد. همچنین نقاشی و رنگ آمیزی هایی با موضوع مهدویت، به ویژه اگر با توضیحاتی در قالب قصه و شعر به عنوان برخی از دفعات تکرار پیام تلقینی استفاده شود، کیفیت ایجاد و تقویت باورهای مهدوی در کودکان را افزایش می دهد.

مثال

برای تلقین محبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به کودکان، شش برگه نقاشی تهیه می کنیم. در برگه اول، مردی با چهره ای مهربان و متبسم در حال نوازش و هدیه دادن ترسیم و به عنوان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرده و از کودک می خواهیم آن را رنگ آمیزی کند و شعر متناسبی زمزمه می کنیم. در برگه دوم همان محتوا به همراه یک کودک کشیده می شود و شعرخوانی و خواسته قبلی تکرار می گردد. همین طور ادامه می دهیم تا نقاشی و رنگ آمیزی پنج کودک همراه امام کامل شود. در هر بار نقاشی، پیام تلقینی مناسب تکرار و بدین صورت مطلب مورد نظر، القاء می گردد.

۴. نمایش

منظور از قالب نمایشی یا روش ایفای نقش، مجسم کردن و مشهود و محسوس در آوردن پیام بوده و مبتنی بر دیدار و شنیدار است. با توجه به وجود عناصر متنوع هنری، ادبی و

ص: ۱۴۵

ترکیبی و جاذبه‌های دیگر در بافت نمایش، این قالب به عنوان یک واسطه‌ی بسیار قوی، می‌تواند در خدمت بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و تربیتی قرار گیرد. (۱)

نمایشی کردن مفاهیم خصوصاً مباحث عقلی و انتزاعی برای کودک، باعث می‌شود این مفاهیم، راحت‌تر و زودتر درک شوند و یادگیری، عمیق‌تر صورت پذیرد. همچنین موجب ماندگاری در ذهن، اثرگذاری بر عواطف و احساسات و هیجانات مخاطب، ارائه‌الگوی مناسب، تحرک بخشیدن به کلاس، ایجاد انگیزه و همچنین سهولت در یادآوری می‌گردد. (۲)

در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام نیز استفاده از قالب نمایشی به چشم می‌خورد. (۳) نمونه قرآنی آن مثل چگونگی برانگیخته شدن در روز قیامت از طریق نشان دادن احیاء زمین بعد از مرگ آن که در سوره «روم» و «ق» ذکر شده (۴) و همچنین آموزش دفن مُرده به قبایل به وسیله نشان دادن دفن کلاغ مرده توسط کلاغی دیگر که در سوره «مائده» بدان اشاره شده است. (۵)

با توجه به ویژگی‌های دوره کودکی که در قالب قصه گذشت و مواردی از قبیل حس درونی سازی واقعیات، علاقه به تجربه‌ی کار دیگران و بازپیداوری عملی آن‌ها، حس خودنمایی، میل به بازی نمایشی نمادین و علاقه به عروسک و مجسمه‌های نمادی اشیاء، می‌توان گفت: قالب نمایشی اعم از نمایش مشارکتی، عروسکی، خلاق و... یکی از بهترین روش‌ها جهت تلقین آموزه مهدوی به کودکان است. اگر در خود نمایش، برای تکرار پیام تلقینی در قالب شعر برنامه ریزی شود، اثر مورد انتظار از تلقین چند برابر خواهد شد. از قصه «یاران آفتاب» می‌توان برای اجرای نمایش مشارکتی استفاده کرد؛

ص: ۱۴۶

۱- کیومرثی، غلام‌علی، آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی مدارس، ص ۱۰۸.

۲- جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۳۲۷ و ۳۳۰.

۳- ر.ک: همان، صص ۳۲۷-۳۳۰ و اسماعیلی مبارکه، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، صص ۷۳-۷۶.

۴- «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (سوره روم: آیه ۱۹) و «...وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» (سوره ق: آیه ۱۱).

۵- «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ» (سوره مائده: آیه ۳۱).

بدین صورت که چند کودک برای ایفای نقش مرد کشاورز، خورشید، ابر سیاه، گل های آفتاب گردان انتخاب و دیالوگ ها آموزش داده می شود یا اینکه محتوای قصه به صورت اجمالی بیان می گردد تا آن ها با بهره گیری از خلاقیت خود و سلیقه ی دلخواه دیالوگ ها را بسازند.

لازم به ذکر است که نمایش، بهترین راه برای آموزش دگر تلقینی و خود تلقینی است. کودکی که مشغول تماشای تلقین نمودن پدر نسبت به فرزند دیگر است، دگر تلقینی را فرامی گیرد و نسبت به کودکی دیگر یا حتی اسباب بازی و عروسک خویش نیز انجام می دهد. والدین و مربیانی که قصد دارند کودک باورهای مهدوی را به خود تلقین کند، باید در برابر دیدگان وی، چندین بار «خود افشایی عاطفی» یا «خود تلقینی نمایشی» انجام دهند. مثلاً افکار و عواطفی که پیرامون عشق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن ها موج می زند

و گاهی از اوقات آن ها را به خود تلقین می کنند، در مقابل کودک به زبان بیاورند و احساسات خویش را نمایان سازند؛ البته بدون اجبار یا دعوت بر شنیدن و پذیرش آن ها. مانند بیان چنین جملاتی:

«امام زمان، ای امام مهربان، گاهی وقت ها دلم برای شما خیلی تنگ می شود. این قدر شما را دوست دارم که هر کاری شما دوست داشته و راضی باشید انجام می دهم. با کمک خداوند، من حتماً موفق می شوم».

۵. پرسش و پاسخ

با توجه به روحیه ی پرسش گری و حس کنجکاوی کودک، یکی از بهترین قالب های اجرای تلقین که مبدأ پیشرفت فکری و باعث تربیت عقلانی اوست، «پرسش و پاسخ» می باشد. قرآن حکیم و معصومین علیهم السلام، همواره مخاطبان خود را به پرسش گری درباره نادانسته ها دعوت و ترغیب نموده اند. (۱) مانند آیه «...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۲) و مانند این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

«دانش گنجینه هایی است و کلیدهای آن ها، پرسش است؛ پس رحمت خدا بر شما، پرسید که بر اثر

ص: ۱۴۷

۱- جهت اطلاع از نمونه های قرآنی و روایی ر.ک. محمدی، محمدعلی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، صص ۱۳-۱۶.

۲- «...اگر نمی دانید از آگاهان پرسید»؛ (سوره انبیاء: آیه ۷ و سوره نحل: آیه ۴۳).

آن چهار نفر پاداش می یابند: پرسنده، پاسخ دهنده، شنونده و دوستدار پرسش» (۱)

همچنین امام علی علیه السلام در ضمن حدیثی وجود روحیه پرسش گر در دوره کودکی را عامل (دانایی و) پاسخ گویی در بزرگ سالی می دانند. (۲)

قالب پرسشی، فوائد زیادی دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

(۱) برانگیختن حس کنجکاوی.

(۲) جلب توجه، به تفکر واداشتن.

(۳) پی بردن مخاطب به جهل خود.

(۴) فعال شدن.

(۵) پی بردن به نیاز مخاطب.

(۶) عمیق تر شدن مباحث.

(۷) تقویت رشد خلاقیت و ابتکار.

(۸) ایجاد رقابت سالم بین مخاطبان. (۳)

کودک، دوست دارد در معرض پرسش قرار گیرد و خود به تنهایی پاسخ دهد. حتی از تکرار سؤال توسط دیگران و یا حتی خودش لذت می برد. به همین جهت است که می بینیم یک سؤال را ده ها بار بر زبان جاری می کند و اصلاً احساس خستگی نمی کند. در هر پرسش و پاسخ مهدوی که توسط کودک و شخص دیگر صورت می گیرد، کودک به ناچار دو مرتبه، به موضوع مورد نظر توجه می کند که نوعی تکرار معنایی بوده و تلقین آمیز است.

اصول و قواعدی پیرامون بایسته های پرسش دینی و پاسخ گویی به آن وجود دارد که در استفاده از قالب پرسش و پاسخ در موضوعات مهدوی برای کودکان نیز باید رعایت نمود مانند این موارد:

(۱) گوش سپاری هشیارانه به پرسش و درک دقیق آن

ص: ۱۴۸

۱- «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهَا السُّؤَالُ فَسَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُجْزِي فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمُجِيبِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُجِبُّ لَهُ»؛ (دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۸۰).

۲- ر.ک: آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۶۲۵، ص ۶۰۶.

۳- جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۲۳-۱۲۴ و اسماعیلی مبارکه، محمّد و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، صص ۷۱-۷۲.

۲) بازگویی آن به زبان ساده

۳) استفاده از قصه و تمثیل و تشبیه در پاسخ

۴) اندیشه و درنگ در پاسخ گویی، (۱)

۵) اختصار پاسخ

۶) ارائه مستند و دلیل

۷) اجازه برای تکمیل پرسش

۸) آمیختگی بخشی به پرسش گر

۹) ریشه یابی سوالات

۱۰) مشورت برای تهیه پاسخ (۲)

۱۱) تربیت ساز بودن

۱۲) تمرکز بر یک مطلب در هر سوال و جواب

۱۳) تناسب با مخاطب

۱۴) پرهیز از اصطلاحات نامأنوس (۳)

۱۵) آشنایی با مقبولات مخاطب

۱۶) پرهیز از کلمات تحکم آمیز

۱۷) دلیل خواهی

۱۸) پرورش برخی سوالات، (۴)

۱۹) تغییر سوال

۲۰) تغافل و نشنیده گرفتن برخی پرسش ها

۲۱) همچنین گفتن «نمی دانم» در هنگام جهل. (۵)

با سؤال های پی در پی در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حتی برگزاری مسابقه ی پاسخ گویی و به

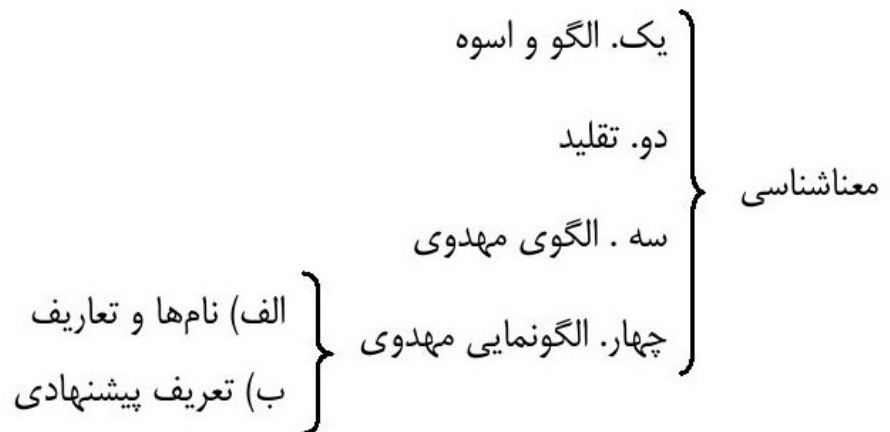
- ۱- حیدری ابهری، غلام رضا، خداشناسی قرآنی کودکان، صص ۱۵-۳۸.
- ۲- محمّدی، محمّدعلی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، صص ۶۷-۱۳۲.
- ۳- اسماعیلی مبارکه، محمّد و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، صص ۶۸-۷۰.
- ۴- جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۲۴-۱۳۰.
- ۵- گریوانی، مسلم، خدایی که در این نزدیکی است، صص ۷۳-۱۴۲.

کارگیری انواع آن، می توان یک آموزه مهدوی را در قالب جملات مختلفی تکرار و القا نمود.

ص: ۱۵۰

برای معناشناسی «الگونمایی مهدوی»، نخست لازم است سه واژه «الگو»، «اسوه»، «تقلید» و همچنین «الگوی مهدوی» تبیین شوند.

تصویر



یک. الگو و اسوه

در فرهنگ لغت فارسی، برای «الگو» معانی متعددی همچون مُدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، مثال، نمونه (۱) و طرح (۲) و برای «اسوه» نیز پیشوا، مقتدا، (۳) پیشرو، الگو و سرمشق بیان شده است. (۴) به نظر می‌رسد، الگو به لحاظ لغوی، اعم از اسوه باشد، زیرا اسوه تنها نسبت به انسان مطرح می‌گردد.

«اسوه» (به فتح و ضمّ همزه) در اصل، واژه‌ای عربی از ریشه‌ی «اس و» به معنای مقتدا بودن کسی و اقتدا کردن به او است؛ به این معنا که فردی از فعل و عمل کسی پیروی کرده و او را پیشوا قرار دهد، (۵) همچنین مثل او باشد و راضی به آنچه او راضی است. (۶) افزون بر معنای مصدری، به خودِ مقتدا نیز اسوه اطلاق می‌گردد. (۷) البتّه معانی

ص: ۱۵۲

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۲۴۸.

۲- معین، محمّد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴۲، ذیل واژه «اسوت».

۳- همان، ص ۲۷۶.

۴- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۴۶.

۵- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۳۳۳.

۶- ابن منظور، محمّد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۵.

۷- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۷.

دیگری هم بیان شده که مرتبط با این نوشتار نیست. (۱) واژه «اسوه» عام بوده و شامل تبعیت در نیکی و بدی، سار و ضار، شادمانی و زیان مندی و همچنین مقتدای حسن و قبیح می شود. (۲) این واژه، در منابع و متون اسلامی علاوه بر مقتدا و اقتدا، به معنی سنت و روش نیز آمده است. (۳) در پژوهش پیش رو، مقصود از «الگو و اسوه» همان مقتدا و پیشوا است.

دو. تقلید

از میان واژگان هم سو و مرتبط با «اسوه» مانند امام و اتمام، قده و اقتدا، تبعیت و تقلید، معنای واژه اخیر به خاطر فراوانی کاربرد در این پژوهش، تبیین می گردد. برای تقلید معانی متعددی بیان شده مانند الزام و ملزم نمودن امری یا عملی برای کسی، (۴) قبول قول غیر بدون دلیل، (۵) پیروی از مجتهدی در امور شرعی، (۶) مطلق متابعت و دنباله روی، (۷) پیروی بدون تأمل و دریافت حقیقت، از روی کار دیگران کاری کردن، (۸) نقش دیگری را بازی کردن، شبیه سازی کردن. (۹)

منظور از «اقتدا و تقلید» در این پژوهش الگوبرداری، شبیه سازی فعلی و پیروی عملی

ص: ۱۵۳

۱- مانند معالجه، مساوات و یکسان بودن عده ای در حالتی، «فراهِیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۳۳۳» و مداوا، حزن، اصلاح، برقراری عدل، «ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، صص ۳۴-۳۵» و تعزیه؛ تسلیت و مایه آرامش «همان، ص ۳۵ و الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۴، ص ۲۶۸».

۲- در قرآن کریم «اسوه» با کلمه «حسنه» توصیف شده است که نشانه عمومیت آن است. ر.ک: سوره احزاب: آیه ۲۱ و سوره ممتحنه: آیه ۴ و ۶، همچنین ر.ک: راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن علی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۶ و قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۷.

۳- کرمی، رضاعلی، مهارت های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، صص ۵۱-۵۳.

۴- ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۶۷.

۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۲.

۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۱۱.

۷- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۲۲.

۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۸۸۵.

۹- سایت المعانی (<http://www.almaany.com>)

از دیگری (الگو) با آگاهی، رضایت و رغبت می باشد. بر این اساس، قبول سخن الگو و تبعیت قولی یعنی عمل به گفتار وی از این بحث خارج است.

سه. الگوی مهدوی

مقصود از الگوی مهدوی، انسانی است که بتوان او را جهت رشد و تعالی شخصیت انسان در مسیر شناخت و گرایش نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انجام اعمال مورد رضایت ایشان، به مخاطب معرفی و ارائه کرد.

غرض از معرفی و شناساندن الگوی مهدوی، تحریک کودک برای تبعیت عملی از اوست. این گونه پیروی کردن، تأثیرات فراوانی بر شخصیت الگوپذیر می گذارد و نمی توان هر کسی را به صرف انجام یک عمل مثل جمکران رفتن به عنوان الگوی مهدوی معرفی کرد، زیرا کودک تحت تأثیر دیگر حالات و رفتارهای او نیز قرار می گیرد.

بر این اساس، لازم است ویژگی های الگوهای جامع و کامل شناسایی شوند. برای این کار، باید با مراجعه به منابع دینی مانند قرآن و روایات معصومین علیهم السلام خصوصیات انسان هایی که به عنوان امام و مقتدا معرفی شده اند و از جانب الهی امر به تبعیت آن ها شده است، دانسته و تبیین گردند. این خود پژوهشی مستقل می طلبد و در این مجال، فقط یک نمونه از روایات بیان می شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«...اما دانشمندانی که پاکی روح خود را حفظ کنند، حافظ و نگهدارنده دین خود باشند، مخالف هوی و هوس خود باشند، مطیع فرمان مولای خویش باشند، عوام میتوانند از آنها پیروی کنند...» (۱)

نمونه کامل الگوی مهدوی، شخصی است که افزون بر اعتقاد و پیروی عملی نسبت به تعالیم اسلامی و دارا بودن صفات مومن واقعی، به تمام ویژگی هایی که در متون دینی برای انسان مومن منتظر در عصر غیبت وارد شده آراسته باشد. تحقق کامل چنین اوصافی، فقط در خاندان پاک معصومین علیهم السلام یافت می شود. پس در درجه اول، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام مصداق اتم الگوی مهدوی هستند.

غیر از معصومین علیهم السلام انسان هایی یافت می شوند که رنگ و بوی مهدوی به خود گرفته اند،

ص: ۱۵۴

۱- «...فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...»؛ (طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸).

یعنی به لحاظ شناختی، معرفت عمیقی نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند به گونه ای که وقتی لب به سخن می گشایند، حتماً جمله ای حکمت آمیز پیرامون ایشان شنیده می شود. از جهت عاطفی، جان و روحشان مملوّ از عشق به حضرت بوده و هیچ میل و آرزویی را بر

خواست ایشان ترجیح نمی دهند به گونه ای که آثار دلدادگی و شیفتگی در رخسار و حالات آن ها نمایان است. همچنین در انجام هر عملی، نخست رضایت حضرت را در نظر می گیرند. پس در مرحله ای پایین تر از معصومین علیهم السلام انسان هایی که به مرتبه ای از ایمان و پاکی دست یافته اند را می توان به عنوان الگوی مهدوی معرفی نمود مانند برخی علما و اولیای الهی. در مرحله ای نازل تر نیز انسان هایی وجود دارند که در برخی اعمال و رفتار آن هم به صورت مقطعی می توانند الگوی مهدوی باشند.

در پژوهش حاضر، حیطه به کارگیری روش الگونمایی مهدوی، دوره کودکی است. به همین خاطر، هر نوع رفتار یا حالت هر شخص مؤمنی که در زمینه ای از معارف مهدویت، قابلیت الگوپذیری داشته باشد را می توان به عنوان الگوی مهدوی معرفی کرد اعمّ از اینکه الگوی جامع باشد مثل معصومین علیهم السلام یا در زمینه ای خاص الگوی نمونه و کامل باشد و یا کامل نبوده و تنها نسبت به دیگران قدری برتر باشد و یا حداقل نمونه ای بهتر از خود کودک الگوپذیر باشد. پس حتّی رفتار مقطعی کودکی دیگر مانند خواندن دعای فرج نیز می تواند باعث شود او را به عنوان الگوی مهدوی معرفی نماییم؛ البتّه به شرط رعایت اصول روش الگونمایی که خواهد آمد.

چهار. الگونمایی مهدوی

اشاره

یکی از راه کارهای تربیتی که به وسیله ی آن می توان آموزه های مهدوی را در جان و روح کودک، نهادینه و درونی کرد «روش الگونمایی مهدوی» است. اهمّیت و کارآمدی آن تا حدّی زیاد است که حتّی می تواند به عنوان گام اوّل درونی سازی معارف مهدوی، استفاده شود. تأثیرات این روش در انسان به ویژه در دوران کودکی موجب توجّه، آگاهی از طریق مشاهده کامل، میل به پذیرش و سپس انتخاب آگاهانه و کنترل شده نسبت به آموزه های مهدوی می گردد.

در کتاب‌هایی که عهده دار بیان روش‌های تربیتی هستند، به اسوه و الگو توجهی ویژه شده و در قالب عناوینی همچون ارائه الگو، (۱) الگودهی، (۲) نقش الگو، (۳) روش الگویی، (۴) الگوپذیری، تربیت الگومحور، (۵) اسوه‌سازی، (۶) تربیت الگویی، (۷) الگومای، (۸) الگوسازی، ارائه اسوه‌ها و قدوه‌ها، اسوه‌پذیری و الگوگیری (۹) به منزله‌ی یک روش تربیتی تأثیرگذار ذکر گردیده است.

عناوین و اصطلاحات فوق‌دو گونه‌اند:

برخی ناظر به معرفی و ارائه الگو به کودک است مانند الگودهی، الگوسازی و همچنین روش الگویی که چنین تعریف شده:

«با ارائه الگوهای عینی و رفتاری، فرد را به انجام رفتار مطلوب ترغیب و از اقدام به رفتارهای نامطلوب بازداریم». (۱۰)

«مرئی می‌کوشد تا نمونه‌ی حالات و رفتار مطلوب را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، به صورت عینی در معرض دید متربی قرار داده و بدین گونه، موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی، مطابق با عمل نمونه در او پدید آورد. البته نخست سزاوار است که در وجود

ص: ۱۵۶

-
- ۱- داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۹۳.
 - ۲- جان بزرگی، مسعود، و همکاران، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی، و قانون‌پذیری به کودکان، ص ۷ و همتی، مجید، فرزندان قانون (روش‌های نظم‌آموزی به کودکان)، ص ۱۸.
 - ۳- داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۵۷.
 - ۴- محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، صص ۱۸ و ۲۰.
 - ۵- رضاعلی کرمی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، صص ۵۱ و ۵۴.
 - ۶- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۱.
 - ۷- کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات، ص ۱۱۱.
 - ۸- واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۲۴.
 - ۹- اعرافی، علی رضا و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، ص ۲۳۴.
 - ۱۰- محمدی مهر، علی اکبر، روش‌های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

خود مرتبی، اسوه ی نیکویی برای مرتبی باشد». (۱)

برخی دیگر ناظر به واکنش کودک نسبت به الگو است؛ مانند الگوپذیری و الگوبرداری

که اولی چنین تعریف شده:

«فرد از انطباق رفتارش با دیگران که از نظر او پذیرفته است، احساس رضایت کند و سعی کند که رفتارش هماهنگ با دیگران و در جهت انسجام با آنان باشد». (۲)

الگونمایی مهدوی از گونه نخست است، ولی در تبیین آن به مفاهیم گونه دوم نیز توجه می شود؛ چون پذیرش الگو و تقلید از آن، در واقع هدف اصلی الگودهی است.

(ب) تعریف پیشنهادی

اینک با توجه به نکته مذکور و اینکه مخاطب روش، کودک است نگارنده تعریف ذیل را برای تبیین مقصود از «الگونمایی مهدوی» پیشنهاد می کند.

«نخست توجه کودک را به سوی الگوهای مهدوی جلب نموده و سپس زمینه را برای مشاهده کامل جنبه الگویی آن ها یا امری به منزله آن فراهم می کنیم به گونه ای که او با مشاهده حالات و رفتار ایشان، آگاهی دقیق و عمیقی در مورد آن جنبه کسب نماید، آن را به خوبی یاد گرفته و به حافظه بسپارد. پس از آن نسبت به بازپدیدآوری عملی جنبه الگویی مورد نظر، ترغیب شده و با اراده ای آزادانه، آگاهانه، کنترل شده و با رضایت، آن جنبه را انتخاب و تصمیم بر انجام می گیرد و در مرحله آخر (به طور عینی یا غیرعینی) به شبیه سازی و الگوبرداری (نیمه آگاهانه و آگاهانه) از آن منجر شود» (۳)

در این تعریف، نکات مهمی گنجانده شده، دو مورد از آن ها (موارد داخل پرانتز) مربوط به بحث انواع الگوبرداری است که توضیح آن ها خواهد آمد. (۴) در اینجا فقط به یک نکته اشاره می شود.

ص: ۱۵۷

۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۲.

۲- رضاعلی کرمی، مهارت های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۵.

۳- همان گونه که در تعریف تلقین نیز بیان شد؛ غرض نگارنده از تعرف پیشنهادی، جمع آوری و بیان نکات مهم درباره الگونمایی و همچنین ارائه تصویری روشن از آن بوده است. به همین خاطر، از بیان اختصار گونه ی تعریف با قیود مبهم پرهیز شده است.

۴- رک: همین فصل، گفتار هفتم؛ انواع و شیوه های الگوبرداری، صص ۱۸۵-۱۸۸.

مقصود از «مشاهده کامل و امری به منزله آن»

مقصود از «مشاهده کامل» در تعریف، دیدن جنبه الگویی به وضوح و از نزدیک به گونه ای که کودک بتواند تمام جزئیاتی که برای بازپدیدآوری عملی بدان نیاز دارد را ببیند. گرچه

بهترین نوع آگاهی یافتن از جنبه الگویی دیدار از نزدیک است، ولی چنین مشاهده ای برای بسیاری از الگوها سخت یا غیر ممکن است. زیرا تعداد فراوانی از الگوها، عینی و محسوس نیستند، مانند الگوهای تاریخی و تخیلی. همچنین امکان دیدار از نزدیک نسبت به برخی الگوهای محسوس نیز میسر نیست به خاطر محدودیت های زمانی، مالی و... مانند الگوهایی که در شهرهای دور و یا کشورهای دیگر زندگی می کنند. افزون بر آن، الگوهای محسوس و نزدیک به کودک را هم نمی توان برای هر نوع جنبه الگویی در برابر دیدگان وی حاضر نمود.

به خاطر موارد یادشده و با توجه به اینکه غرض اصلی از الگونمایی، آگاهی یافتن کامل کودک از جنبه الگویی است، قید «به منزله مشاهده» در تعریف اضافه شده تا بیان گر شمولیت الگونمایی نسبت به هر گونه شیوه و قالبی باشد که منجر به توصیف الگو و آگاهی مذکور گردد. بر این اساس، الگونمایی، افزون بر دیدار الگو، شامل شنیدن و خواندن قصه الگو و همچنین تماشای عکس، نقاشی، نمایش و فیلم در مورد الگو نیز می شود.

از آنجا که ارائه نمایی کامل و صحیح از الگوی مهدوی، تأثیر به سزایی در مراحل بعدی فرآیند الگودهی دارد، عنوان «الگونمایی مهدوی» انتخاب گردید و تمام مباحث اعم از اصول، شیوه ها و قالب ها، بیشتر مربوط به نحوه معرفی و نمایش الگو است.

گفتار دوم: جایگاه شناسی روش الگونمایی

اشاره

الگو و روش الگویی، یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر فرد و جامعه است. این روش، در تعالیم تربیتی اسلام جایگاهی ویژه داشته و همچنین در علوم مختلفی مانند تعلیم و تربیت، اخلاق، روان شناسی و جامعه شناسی مورد بحث قرار گرفته است. این بخش، نگاهی گذرا به جایگاه بهره بری از الگو در موارد مذکور دارد.

ص: ۱۵۸

جایگاه الگو‌نمایی در

یک. قرآن و روایات
دو. بیان تربیت‌پژوهان اسلامی
سه. روان‌شناسی
چهار. جامعه‌شناسی

یک. قرآن و روایات

در قرآن، الگو‌نمایی به عنوان روشی اساسی در تربیت به کار گرفته شده و با شیوه های متنوعی برای معرفی و توصیف الگو بدن پرداخته شده که توضیح آن ها خواهد آمد. (۱) در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام نیز می بینیم که آن ها دیگران را به اقتدا و الگو برداری فرا می خواندند؛ مانند سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به معاذ که فرمودند: «در یقین به پیامبرت اقتدا کن» (۲) همچنین حضرت علی علیه السلام در مورد الگو گیری خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین می فرماید:

«من پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تبعیت و دنبال می کردم، چنان که بچه شتر مادرش را. هر روز خُلقی از اخلاقش را برای من برمی افراشت و دستور می داد به او اقتدا کنم» (۳)

افزون بر آن، دیگران را به الگو قرار دادن ایشان فرا می خواند:

«پیامبر پاکیزه و پاک را الگو قرار ده، ایشان برای کسی که در صدد الگو گرفتن است، الگوست و برای کسی که در صدد استناد کردن است، سند است و محبوب ترین بندگان نزد خداوند کسانی اند که پیامبر او را الگو قرار دهند و از او پیروی کنند...» (۴)

علاوه بر روایاتی که به طور عام توصیه به تبعیت و اقتدا به معصومین علیهم السلام می کنند، در خصوص اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز روایاتی وارد شده مانند سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که

ص: ۱۵۹

۱- رک: همین فصل، گفتار ششم؛ انواع الگو‌نمایی، صص ۱۸۳-۱۸۴.

۲- «... قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا أَعْمَلُ؟ قَالَ اقْتَدِ بِنَبِيِّكَ يَا مُعَاذُ فِي الْيَقِينِ...» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۵).

۳- «... وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَأُ أَنَّهُ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْاِقْتِدَاءِ بِهِ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۰).

۴- «... فَيَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِّ لِأَثَرِهِ...»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹، صص ۲۲۷ و ۲۲۸).

«خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند در حالی که قبل از قیامش اقتدا کننده ی به اوست، و امامت او و ائمه هدایت پیش از او را پذیرفته باشد (معتقد باشد) و از دشمنانش بیزار بوده و به خدای تعالی پناه برد، آنان رفیقان من و گرامی ترین امت من هستند.» (۱)

دو. بیان تربیت پژوهان اسلامی

تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با روش الگویی شکل می گیرد و این روش، اولین و مهم ترین روش شناخت محیط اطراف و سازگاری موفق از طریق انجام عمل مطابق با آن است. (۲) در دین اسلام به این روش، توجهی ویژه شده تا جایی که پایه ی روش تربیتی آن بیش از هر چیزی، بر روش الگویی بنا نهاده شده است، زیرا عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله ی تربیت، تربیت کردن با نمونه ی عملی و سرمشق زنده است. (۳) همچنین یکی از بهترین، کوتاه ترین (۴) و سریع ترین (۵) روش های تربیتی به شمار می آید. اسلام همواره اصرار و سعی داشته که تأثیرپذیری طبیعی انسان را از طریق معرفی الگوهای شایسته در مسیر صحیح جهت دهی و هدایت نماید. همچنین مؤمنین را ترغیب و تشویق به تقلید، تبعیت و همانندسازی با الگوهای مطلوب کرده است. (۶)

اهمیت توجه به الگوها، در عبارات تربیتی نقل شده از دانشمندان مسلمانی همچون ابن سینا، مولوی و ملامحسن فیض کاشانی به چشم می خورد. (۷) بعضی پژوهشگران عرصه ی

ص: ۱۶۰

۱- «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ وَ بِأَنَّمِهِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ يَبْتَزُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷. جهت مشاهده موارد دیگر ر.ک. همان، ص ۲۸۶ و طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، ص ۴۵۶).

۲- داوودی، محمد، خانه بهشتی، صص ۵۸ و ۵۷.

۳- قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۴- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۰.

۵- محمدی مهر، علی اکبر، روش های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۶- ر.ک: مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۷؛ صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت، صص ۱۸۹-۲۰۰؛ امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۴۵؛ بستانی، محمود، اسلام و روان شناسی (الاسلام و علم النفس)، صص ۳۹-۵۵.

۷- ر.ک: آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲ و ۵.

تربیت اسلامی، بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیرپذیری انسان از شرایط محیطی»، می توان با روش تربیتی اسوه سازی، شرایط محیطی متربّی را اصلاح نمود. البته اسوه سازی اولاً- و اساساً در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است، امّا حاصل آن این است که شخصیت های تاریخی نیز الگوی عمل محسوب می شوند. (۱) همچنین با پدید آوردن الگوهای شایسته و طرد الگوهای ناشایست، می توان به عنوان شیوه ای جهت ایجاد محیط

تربیتی مساعد استفاده کرد. (۲) زیرا الگو، یک عامل محیطی اجتماعی تأثیرگذار بر رفتار و تربیت است. از این رو، تقلید از الگوهای مقبول و بزرگان هر جامعه از پدیده های رایج بوده و اکثریت مردم، مقلد و پیرو شخصیت های برجسته ی عصر خویش هستند. (۳) همچنین سازندگان اصلی هر محیط و جامعه، نخبگان و سردمداران آن هستند و وجود الگوهای محبوب در جامعه، به خودی خود، افراد آن محیط را به سوی آنان سوق داده و از مکارم اخلاقی شان الگوبرداری می کنند. (۴) امروزه روش الگویی طرفداران بسیاری دارد.

«طرفداران رویکرد منش پروری معتقدند: اخلاقی شدن دانش آموزان مستلزم آن است که مدارس، فضائل اخلاقی را در آنها پرورش دهند و پرورش فضائل نیازمند... الگوهای اخلاقی نیکوست و به همین جهت یکی از روش های اساسی تربیت اخلاقی در این رویکرد ارائه الگوهای اخلاقی است؛ بدین معنا که همه ی دست اندرکاران مدرسه باید از ویژگی های مطلوب اخلاقی برخوردار باشند.» (۵)

سه. روان شناسی

در روان شناسی واژه ی «الگو» با عنوان «طرح و نمونه ی عینی» به کار رفته (۶) و به فرایندی اطلاق می شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه، به مثابه ی محرّکی برای افکار،

ص: ۱۶۱

-
- ۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۹۴-۱۰۲.
 - ۲- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، صص ۱۶۲-۱۶۳.
 - ۳- بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصلنامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، ش ۱، صص ۷۹ و ۸۱.
 - ۴- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، ص ۱۶۳.
 - ۵- به نقل از داوودی، محمّد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۶۲.
 - ۶- رضاعلی کرمی، مهارت های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۵.

نگرش ها و یا رفتارهای شخص دیگری که او را مشاهده نموده به کار گرفته می شود. (۱) بحث از الگو مستلزم یادگیری مشاهده ای، تقلید و الگوبرداری است که افزون بر ایفای نقش در شکل گیری شخصیت و رشد و پرورش رفتارهای انسان، (۲) برای درمان بسیاری از مشکلات روانی و اختلالات رفتاری از جمله انزوای اجتماعی در میان بزرگسالان و کودکان، رفتارهای وسواسی اجباری، بی جراتی، رفتار ضد اجتماعی، پرخاشگری فیزیکی، اوتیسم خردسالی، و انواع ترس و اضطراب ها کاربرد دارد. (۳)

چهار. جامعه شناسی

در علم جامعه شناسی، الگو (۴) به معنای مدل، گونه، هنجار و شیوه زندگی ناشی از فرهنگ، فرآیندی است که در آن رفتار یک فرد یا گروه و یا موجودیت یک مدل یا پدیده، به منزله (راهنما، سرمشق و) محرکی برای افکار، نگرش ها و یا رفتارهای مشخص فرد یا نمونه دیگری که آن را مشاهده نموده، به کار گرفته می شود تا اعمال خود را با آن ها تطبیق دهد. الگوی رفتاری مشترک، نقش اساسی در داشتن افرادی هماهنگ با یکدیگر و جامعه، برقراری نظم اجتماعی و سازگاری اجتماعی دارد. برای الگو، اقسامی همچون شخصی و عمومی، مفهومی و رفتاری و همچنین مراحل مانند مشاهده، اکتساب و پذیرش مطرح شده است. (۵)

از آنجا که در جامعه شناسی، پدیده اجتماعی الگو تنها از حیث وجود در جامعه و منشأ آثار اجتماعی بودن موضوع مطالعه قرار می گیرد بدون لحاظ درست یا غلط بودن و اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن، می توان پس از جهت دهی آن به سوی فرهنگ مهدویت، از انواع و نکات اجرایی آن برای نهادهای سازی آموزه های مهدوی در جوامع کوچک کودکانه مثل

ص: ۱۶۲

۱- آلن، مارت. جی، روان شناسی تقلید، ترجمه سیامک مهجور، ص ۱۷۵.

۲- ساتراک، جان دبلیو، زمینه روانشناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۲۲۵.

۳- کرامر، جفری و دیگران، روان شناسی بالینی، ترجمه مهدی گنجی، صص ۳۲۴-۳۲۵.

۴- Pattern

۵- اقتباس از نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۵۹ و صلاحی محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، صص ۷۵-۵۰ و خبازی، مجید، اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۳۸-۱۲.

گفتار سوم: الگوپذیری کودکان

یکی از جلوه های تأثیرپذیری کودکان، واکنش انفعالی آن ها در مواجهه با الگو است. او از ابتدای تولد می کوشد تا به محیط اطراف خود توجه نموده، آن را بشناسد و بر طبق آن، عمل و الگو برداری کند تا بتواند با دنیایی که در آن زندگی می کند، سازگار شود. (۱) کودک به طور طبیعی به سبب یادگیری مشاهده ای، تأثیرپذیری و تقلیدی (۲) که از الگوهای پیرامون خود دارد، رشد می کند و ساختار تربیتی اش سامان می یابد. از این رو روش الگویی، نقش

اساسی و محوری در سازمان دادن و شکل گیری شخصیت و رفتار کودک دارد و در واقع، نوعی هم سویی با سیر طبیعی رشد اوست.

والدین، اولین سرمشق و مدل برای رفتار کودک هستند. او با مشاهده ی رفتار والدین، آن را الگوی رفتاری خود قرار می دهد. به همین جهت در روایتی آمده:

«(رفتار) کودکان در اثر (خوبی های) رفتار والدین آن ها حفظ و نگهداری می شود...» (۳)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«خداوند، فردی را که به نیکی و خیر فرزندش کمک کند مورد رحمت قرار می دهد» (۴)

این نکته، کنایه از آن است که شما الگوی او خواهید بود. تلقی کودکان از والدین در سال های نخست کودکی به نقش الگویی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن می زند، زیرا کودکان در این ایام، همه چیز خود را از والدین و وابسته به ایشان می دانند. چنان که در حدیثی بدان اشاره شده:

«به فرزندانان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید، زیرا آنان گمان می کنند که شما ایشان را روزی

ص: ۱۶۳

۱- داوودی، محمد، خانه بهشتی، صص ۵۷-۵۸.

۲- جهت توضیح یادگیری مشاهده ای و تقلیدپذیری، ر.ک. فصل دوم، گفتار دوم، صص ۶۱-۶۲ و ۷۱.

۳- «عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليه السلام: قالوا- يُحَفِّظُ الْأَطْفَالَ بِأَعْمَالِ آبَائِهِمْ كَمَا حَفِظَ اللَّهُ الْغُلَامِينَ بِصِيَالِحِ آبَائِهِمَا»؛ (عتاشی، محمّد بن مسعود، تفسیر عتاشی، ج ۲، ص ۳۳۸، ذیل سوره کهف: آیه ۸۲).

۴- «...رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَأَ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ...»؛ (فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۷).

کودک افزون بر والدین، از افرادی که ارتباط بیشتری با آن‌ها دارد، الگوگیری می‌کند مانند دیگر اعضای خانواده، اقوام، مربیان و گروه هم‌سال از دوستان و هم‌بازی‌ها. البته میزان الگوبرداری او نسبت به موارد مذکور یکسان نیست، بلکه از گروه هم‌سال بیشتر است. اگر کودکی را تصور کنیم که به خاطر اشتیاق به بازی پر جنب و جوشی که در او نهفته، به تماشای بازی جمعی از کودکان هم‌سن خود نشسته است، قهرمان بازی تأثیر تحریکی زیادی بر او دارد که در تعلیل آن گفته شده:

«او برای هم‌سالان خود الگو شده و به راحتی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، آن‌چنان در آن‌ها نفوذ کرده که

نا آرام و بی‌امان و با حرص و ولع هر چه تمام‌تر در صدد تشبّه، تشاکل و یکتایی میان خود و اوست». (۲)

ابن سینا می‌گوید:

«باید گروهی باشند که دانش آموزان با آن‌ها معاشرت کنند که صفات و عادات پسندیده داشته باشند، زیرا کودک، از کودک فرا می‌گیرد و می‌کوشد عقب‌نماند». (۳)

کودک در سنین بالاتر، از شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری الگو می‌گیرد. البته شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی اند، نقش الگویی به‌سزایی در تربیت، بازی می‌کنند به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان تقلید می‌شود. هر چه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه‌ی پذیرش آماده‌تر باشد نمونه‌برداری کامل‌تر صورت می‌گیرد. (۴)

افراد هم‌چون والدین و معلمان، و همچنین نهادهای تأثیرگذار می‌توانند با استفاده از ظرفیت بالای الگوپذیری دوره کودکی، نمونه‌های اخلاقی و رفتاری الگوهای مهدوی را در معرض مشاهده‌ی کودکان قرار دهند تا آموزه‌های مهدوی در وجود آن‌ها نهادینه شود. در این صورت، به‌طور قطع می‌توان شخصیت‌مربی و موقعیت او را در جهت

ص: ۱۶۴

۱- «بُرُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يُطُئُونَ أُنُكُمْ تَزُفُونَهُمْ»؛ (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۳۶).

۲- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۶۸.

۳- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری کاردان، علی محمّد و دیگران، در آمدی بر تعلیم تربیت اسلامی (۱)؛ فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول، ص ۲۸۲.

۴- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴۴.

گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان

اشاره

برای الگوپذیری می توان از جهات گوناگون، مبانی مختلفی بیان کرد مانند مبانی دینی، روان شناسی، جامعه شناسی و انسان شناسی که در این مجال، جهت اخیر مدنظر است.

تصویر



یک. تأثیرپذیری از محیط

انسان، به سبب اتحاد نفس و بدن، در شرایط و وضعیت های مختلف محیطی اعم از زمانی، مکانی، شرایط اجتماعی و ارتباط با هم نوعان خود در معرض حالات، احساسات و افکار معینی قرار می گیرد و از آن ها تأثیر می پذیرد. (۱) از شواهد این تأثیرپذیری طبیعی گسترده، پذیرش عرف و سنت رایج در جامعه و عادت به آداب و رفتار نهادینه شده در متن جامعه است. (۲) دیگر اینکه اگر فردی با جمعی معین محشور باشد، رفته رفته به سنخ آنان در می آید. (۳) در قرآن نیز به این نکته اشاره شده؛ آنجا که خداوند بندگان را از نشستن با کفار بازداشته است و درباره ی هر که به آن تن دهد، حکم به همانندی کرده است:

«...با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند! و گر نه، شما هم مثل آنان خواهید بود». (۴)

ملا محسن فیض کاشانی در این باره می گوید:

ص: ۱۶۵

۱- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۴.

۲- بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصل نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۱، ص ۸۶.

۳- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۵.

۴- «...فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ...»؛ (سوره نساء: آیه ۱۴۰).

«طبیعت و سرشت آدمی به گونه ای سامان یافته که به سرعت از اخلاق و رفتار نیک و بد دیگران تأثیر می پذیرد و چون با نیکوکاران و خوبان همنشین باشد، اخلاق نیکو می یابد و چون با بدان دم خور شود، از اخلاق بد آنان تأثیر می پذیرد.» (۱)

از بین مراحل سنی، کودکان از همه تأثیرپذیرتر هستند؛ به خاطر ویژگی هایی از قبیل محدودیت ظرفیت شناختی، زودباوری، وجود روحیه ی احساسی و انعطاف پذیری زیاد.

دو. کمال طلبی

انسان به طور طبیعی، خود و اهداف و کمالات خود را دوست دارد و از آنجا که بیشتر آن ها بالفعل نیستند، خواهان دست یابی به آن هاست. (۲) همچنین به آن مرتبه از کمال که تا کنون به آن دست یافته است، خرسند نمی گردد و همواره کمالی بالاتر از آن را می جوید. (۳)

در کودکان، ظهور و بروز این کمال جویی، در قالب میل به کمال های نزدیک، زودگذر، کوچک و کودکانه به چشم می خورد. بهترین راه برای رساندن آن ها به هدف کمالی شان، الگونمایی است، یعنی سیر تکامل و موفقیت دیگران در معرض مشاهده او قرار داده شود. حال باید از این ویژگی فطری برای الگونمایی مهدوی بهره برد؛ بدین صورت که کمال طلبی کودک را به سمت الگوهای مهدوی سوق دهیم، یعنی به کودک القا شود که بهترین، زیباترین و موفق ترین انسان های دنیا الگوهای مهدوی هستند و کمال و موفقیتی که او به دنبالش هست در آن ها یافت می شود.

سه. قهرمان جویی

انسان به طور طبیعی علاقه مند به قهرمان ها است. (۴) او دارای روح قهرمان پروری است، یعنی می خواهد به شخص بزرگی عشق بورزد و او را در زندگی خود الگو قرار دهد. یکی از پشتوانه های الگونمایی مهدوی، همین روحیه قهرمان دوستی و قهرمان جویی است.

ص: ۱۶۶

۱- بهشتی، محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، نظریه فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۳۴.

۲- مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۳- همو، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۶۴.

۴- در واقع، قهرمان جویی یکی از مصادیق کمال طلبی محسوب می شود ولی به خاطر اهمیت آن، در عنوان جداگانه ای ذکر شد.

انتخاب قهرمان، عشق ورزشی به او و همچنین الگوپذیری از وی در سرنوشت انسان به ویژه در دوره ی کودکی و شکل دادن به زندگی تأثیر فراوانی دارد. هدایت این تمایل فطری به سوی قهرمانان واقعی و الگوهای والای انسانی می تواند کمک مؤثری به پرورش فضائل اخلاقی در فرد و جامعه باشد. (۱) می توان این خصلت ذاتی در کودک را به سمت قهرمانان مهدوی جهت دهی کرد. این قهرمانان، الگوهایی هستند که بسان پلکان رشد، موجبات ترقی و تعالی کودکان در جهت رشد فضایل اخلاقی هم سو با رضایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می سازند.

چهار. نیاز روانی به الگو

یکی از نیازهای روانی انسان به ویژه در دوره کودکی، تمایل به تربیت پذیری، پیروی و الگوپذیری از دیگران است. این جنبه روانی و نیاز درونی، پیوند عمیقی با عواطف و احساسات دارد. از این رو، به هر کس یا هر چیزی که علاقه داشته و به نظرش قدری برتر

بوده و شایسته ی الگو بودن باشد نزدیک می شود و او را به عنوان الگو بر می گزینند. اگر بتوانیم زمینه های محبوب سازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و الگوهای مهدوی را در کودکان ایجاد نماییم، موفقیت چشم گیری نسبت به جهت دادن این نیاز روانی به مهدویت حاصل خواهد شد.

«احساس الگوخواهی فطری و درونی از یک سو و مشاهده ی سیر تکاملی به کمال رسیدگان از دیگر سوی، انسان را وامی دارد تا برای رسیدن سریع تر به کمال مطلوب، روش و سیره ی آن تکامل یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی آگاهانه و هدف دار برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با الگوهای خویش در پیش گیرد». (۲)

گفتار پنجم: اصول الگونمایی مهدوی

اشاره

برای روش الگویی، قواعد و اصول کلی وجود دارد که باید در همه ی انواع آن مانند معرفی الگو، الگوسازی و الگوپردازی رعایت شود اعم از این که الگوها فکری،

ص: ۱۶۷

۱- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ص ۳۸۲.

۲- مصباح، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۷.

عاطفی، اخلاقی و عملی باشند و همچنین اعم از اینکه مخاطبِ روش، یعنی الگوپذیر کودک یا بزرگسال باشد. لازم به ذکر است که بعضی از آن اصول، ناظر به ویژگی های خود الگو بوده و برخی دیگر مربوط به نوع ارائه الگو و الگودهی است. با توجه به موضوع پژوهش پیش روی، هر اصل با در نظر گرفتن الگونمایی مهدوی به کودکان توضیح داده خواهد شد.

تصویر

۱. نمونه و ممتاز بودن الگو	} اصول الگونمایی
۲. جذاییت رفتاری الگو	
۳. هماهنگی رفتار الگو	
۴. فراهم سازی مشاهده کامل الگو	
۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها	
۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگوپردازی	
۷. بهره‌بری از تنوع	
۸. تناسب و هماهنگی	

۱. نمونه و ممتاز بودن الگو

الگوی مهدوی باید در آن جنبه از معارف مهدویت که به عنوان الگو معرفی می گردد، نمونه و ممتاز باشد. حال در آن جهت، یا نمونه ی کامل بوده و یا این که حداقل نسبت به دیگران به ویژه کودک الگوپذیر، جلوتر و پیش تر باشد و در راه تحقق کامل جنبه الگویی، با سرعت و صحت بیشتری حرکت کند. این جنبه الگویی می تواند فکری، اخلاقی، عاطفی و یا رفتاری باشد. ممتاز بودن الگوهای مهدوی، نقش به سزایی در آموزش کامل تر جنبه الگویی به کودک و جذب او به معارف مهدوی ایفا می کند.

مثلاً- برای تقویت گرایش و عشق کودکان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید کسی را به عنوان الگوی عاطفی مهدوی معرفی کنیم که واقعاً در این زمینه ممتاز و نسبت به دیگران پیش تر باشد، یعنی عشق و علاقه فراوانی نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته و این عشق در سراسر زندگی او جریان دارد و در قالب گفتار، اخلاق و رفتارهای متناسب نمایان شود.

کودکان، اطراف خود را می‌نگرند و به سوی هر چیز و هر کس که برایشان جذائیت داشته باشد گرایش پیدا می‌کنند. اگر بخواهیم کودک با رغبت درونی به سمت الگوی مهدوی جذب شود و الگوبرداری کند باید آن الگو از جذائیت‌های رفتاری مناسب و کافی برخوردار باشد. روان‌شناسان معتقدند کودکان و نوجوانان، آن بخش از رفتار والدین را تقلید و الگوبرداری می‌کنند که از هر جهت برای آن‌ها جاذبه داشته باشد. (۱) همچنین پیرامون انتقال پیام نیز بر این باورند که جذائیت، یکی از عناصر اصلی ارزیابی پیام‌گیر از پیام‌دهنده است. (۲) بنابراین، جذائیت الگو، در توجّه، پذیرفتن، رغبت و همانندسازی نسبت به پیامی که از طریق نمایش الگو به کودک منتقل می‌شود، نقش دارد.

جذائیت‌ها به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

جذائیت‌های الگو

جذائیت درونی

جذائیت بیرونی

جذائیت درونی رفتار به این معنی است که شیوه و کیفیت انجام رفتار به خودی خود در نظر کودک زیبا و جذّاب جلوه‌نمایی کند. به عنوان مثال، خادمان مکان‌های منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند مسجد جمکران از جمله مصادیق الگوی مهدوی می‌توانند باشند. اگر تعدادی از آن‌ها با شرکت در دوره‌های تربیت مربی کودک، با مهارت‌های جذّاب‌سازی گفتار و رفتار در ارتباط با کودک آشنا شوند، می‌توانند با ایجاد جاذبه در خود، کودکان را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و معارف مهدوی علاقه‌مند نمایند. مثلاً در لحظه ورود کودکان به مسجد، توجّهی ویژه و استقبال گرم از آن‌ها داشته باشند با اموری مانند خوش اخلاقی، ادب کامل، پذیرایی مناسب، اعطای هدیه و آماده‌سازی جایگاهی خاص برای کودکان.

جذائیت‌های بیرونی، یعنی اموری مستقل و جدای از رفتار که باعث جذائیت آن رفتار نزد کودک می‌شود. مانند توجّه ویژه، تمجید، تحسین و تشویق الگوی مهدوی در برابر کودک به خاطر انجام رفتار متناسب با جنبه الگویی اش. در سیره‌ی تربیتی معصومین علیهم السلام

ص: ۱۶۹

۱- کرمی، رضاعلی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۱۴.

۲- اتکینسون و دیگران، زمینه روان‌شناسی، ج ۲، صص ۴۰۷ و ۴۰۸ به نقل از مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۲۵.

نیز، فراوان از تشویق و ترغیب استفاده شده که شاید به خاطر ایجاد انگیزه برای انجام، تکرار و تداوم رفتار باشد. (۱) بنابراین، زمانی که اطرافیان، به رفتار الگوی مهدوی توجهی ویژه نشان داده و از آن به نیکی یاد کنند و الگو را تشویق نمایند، کودک سعی می کند عین همان رفتار را انجام دهد، زیرا دوست دارد مرکز توجه اطرافیان باشد و چنین توجهاتی در مورد او نیز اعمال گردد.

۳. هماهنگی رفتار الگو

اشاره

رفتار الگوی مهدوی، باید در سه مورد هماهنگ باشد که عبارتند از:

الف) هماهنگی بین رفتار و رفتار الگو

این گونه هماهنگی یعنی کودک بین گفتار و عمل الگو، هماهنگی کاملی مشاهده نماید. برای تحقق آن، باید الگو طبق باورها و گفته های خود عمل کند به گونه ای که رفتار او، باورها و گفته هایشان را تصدیق نماید. (۲) اگر کودک مغایرت بین آن دو را احساس کند متحیر و سرگردان می ماند، نسبت به توصیه ها دچار تردید شده، اعتمادش را از دست می دهد و ممکن است آشفتگی و دوگانگی رفتاری به دنبال داشته باشد. مثلاً اگر پدر به عنوان الگویی مهدوی، توصیه به دعا نمودن برای تعجیل ظهور می کند، خود نیز بدان عامل باشد به ویژه در مقابل فرزند خود.

ب) هماهنگی رفتار الگو در موقعیت های مشابه

این نوع هماهنگی به این معنی است که اگر الگوی مهدوی در مقطعی از زندگی، رفتاری از خود نشان داد، این رفتار تداوم و استمرار داشته باشد و در موقعیت های مشابه هم تکرار گردد نه این که مثلاً هر کدام از والدین در جایی به گونه ای عمل کنند و در جای دیگر به گونه ای دیگر. (۳) به عنوان نمونه، والدین در حضور دیگران یا هنگام سفر به قم و جمکران، در مراسم دعای ندبه شرکت کنند و با کیفیت خوبی آن را به جا آورند؛

ص: ۱۷۰

۱- رک: داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، صص ۱۷۲ و ۱۹۴ و ۲۵۸.

۲- مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۶۵.

۳- داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۴.

ولی در وطن، خانه و خلوت به آن اهمیت ندهند. یا در مسجد بعد از اقامه نماز، جهت تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند و در خانه این چنین نباشند. البته اگر واقعاً موقعیت ها مشابه نبوده و موانعی بر سر راه هماهنگی مذکور است، باید با زبان کودکانه موقعیت ها و شرایط خاص آن ها را برای او توضیح داد و گمان یکسانی موقعیت ها و انتظار تشابه رفتاری را در ذهنش رفع نمود.

ج) هماهنگی رفتار الگو با گفتار و رفتار الگوهای دیگر

گاهی اوقات رفتار یک الگو با رفتار الگوی دیگر تفاوت و یا حتی تضاد دارد و کودک نمی داند کدام را الگو قرار دهد و بر اساس آن عمل نماید. مثلاً مادر در انجام هر کاری به دنبال مطابقت آن با رضایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و این امر را به زبان می آورد، ولی پدر توجهی به آن ندارد و حتی ممکن است چنین تفکری را در برابر فرزندان مورد بی توجهی و تمسخر قرار دهد. از آنجا که خمیرمایه ی شخصیت کودک در کانون خانواده شکل می گیرد و تقلید از اعضای آن از برجسته ترین ویژگی های او است، هماهنگی مذکور در رشد شخصیت و تفهیم معیارهای اخلاقی به وی بسیار تأثیرگذار است.

در الگونمایی به کودک، اگر اصل هماهنگی (اعم از سه مورد فوق)، رعایت نشود آسیب های جدی همچون تردید در صحت رفتار الگو دامن گیر او خواهد شد. (۱)

۴. فراهم سازی مشاهده کامل الگو

پس از جلب توجه کودک به الگوی مهدوی، فراهم سازی زمینه جهت مشاهده ی دقیق، عمیق و صحیح از جنبه ی الگویی، از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه بیان شد؛ (۲) در الگونمایی می توان از مشاهده یا آنچه به منزله آن است مانند توصیف گفتاری الگو و نمایش فیلم استفاده نمود، ولی بهترین حالت آن است که والدین و مربیان، خود را به زیور اخلاق و رفتارهای نیکو و مرتبط با مهدویت آراسته نمایند و در معرض مشاهده کودک قرار دهند. به هر حال باید با استفاده از روش ها و قالب های مناسب، الگوی

ص: ۱۷۱

۱- ر.ک: همین فصل، گفتار نهم؛ آسیب شناسی، صص ۲۰۴-۲۰۶.

۲- ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، ذیل عنوان «تعریف پیشنهادی و نکات آن»، صص ۱۵۱-۱۵۲.

مهدوی چنان در برابر توجه و نظر کودک قرار گیرد که مشاهده ی مذکور حاصل شود. در غیر این صورت، فرایند الگوگیری دست خوش تحریفی ناخواسته خواهد شد، یعنی تصوّرات غلطی از جنبه الگویی در ذهن کودک نقش می بندد و هر چه بر الگوگیری ترغیب، تشویق و تأکید شود در واقع بر نهادینه سازی رفتاری اشتباه تأکید شده است.

یکی از ثمرات اصل فراهم سازی مشاهده این است که وقتی کودک چشم انداز کمال خود را در زمینه ی مهدویت به راحتی در الگوی خویش ببیند، بین خود و او فاصله ی زیادی احساس نمی کند، از لحاظ فکری و عاطفی خود را به او نزدیک می کند و در نتیجه بازپیداآوری رفتارها و حالات او را در خود شدنی و ممکن می داند نه دست نیافتنی و رؤیایی. همچنین در صورت مشاهده ی صحیح است که کودک می تواند او را دوست داشته و احساس یگانگی و محب و محبوب بودن در او شکل گیرد و با این احساس، ناخودآگاه به همانندسازی با الگو مشغول باشد و از این کار لذّت ببرد. اگر بین الگو و کودک فاصله ای حائل گردد؛ به مرور زمان ارتباط و جریان الگوگیری تضعیف می شود.

۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها

اشاره

قبل از اقدام به فرآیند الگونمایی مهدوی، لازم است با مطالعه معارف مهدویت، الگو و جنبه الگویی مناسبی انتخاب شود. مقصود از جنبه مناسب، حالت یا رفتاری از الگو است که معیارهای گزینش آموزه مهدویت از قبیل قابل فهم بودن، سودمندی و قابلیت

الگوپردازی را داشته باشد که قبلاً توضیح داده شد. (۱) افزون بر آن ها، آثار تربیتی داشتن، قابل مشاهده بودن و محوریت بر واقعی بودن را نیز می توان در نظر گرفت.

تصویر

- | | | |
|---|---|--|
| (۱) قابل فهم بودن جنبه الگویی برای کودک | } | معیارهای انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب |
| (۲) سودمندی به ویژه دارا بودن آثار تربیتی | | |
| (۳) قابلیت مشاهده* | | |
| (۴) قابلیت الگوپردازی و تقلیدپذیری* | | |

ص: ۱۷۲

در این جا متناسب با بحث الگونمایی، به توضیح سه شاخص بسنده می کنیم.

معیار اول: قابلیت مشاهده

رفتارهایی که کودک مشاهده می کند، بهتر فهمیده و یاد می گیرد. همچنین شرایط انجام و آثار آن بیشتر برای وی ملموس و محسوس است. حال اگر رفتاری برای الگونمایی انتخاب شود که قابلیت مشاهده برای کودک را نداشته باشد و صرفاً ذهنی باشد، الگوبرداری صحیح و کامل انجام نخواهد شد.

مثلاً والدین کودک، در مسجد جمکران مرتب به او توصیه کنند:

«حواست پرت نشود، تو حال معنوی خودت باش، نکند غافل باشی، سعی کن مثل ما دلت متوجه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و...»

این گونه جملات افزون بر اینکه قابل فهم برای کودک نیست، بلکه قابل مشاهده برای او نیز نیست؛ زیرا از سنخ حالات درونی انسان است. در چنین مواردی باید از قبل، مظاهر و نمادهای بیرونی آن حالات، یعنی رفتارها و حالات ظاهری قابل مشاهده مرتبط با آن ها را برای کودک بیان کنیم تا هم با آن ها آشنا شود و فهم صحیحی از آنان پیدا کند و هم بتواند از حرکات ظاهری آن ها الگوبرداری نماید. البته در چنین تقلیدهایی، پشتوانه معرفتی بسیار کم است و باید برای رشد و تقویت آن برنامه ریزی و تلاش کرد.

معیار دوم: قابلیت الگوبرداری و تقلید پذیری

از آنجا که غرض از معرفی الگوی مهدوی به کودک، الگوبرداری است، باید جنبه هایی از آن الگو به وی نشان داده و معرفی شود که قابلیت الگوبرداری و تقلید از آن برای کودک وجود داشته باشد مانند مهرورزی نسبت به دیگران، دعا برای سلامتی و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب عباراتی کوتاه.

بنابراین، شایسته نیست بر جنبه هایی تأکید شود که به خاطر محدودیت ظرفیت فکری، عاطفی و یا جسمی دوره کودکی، امکان تقلید از آن ها برای کودک نباشد. مانند برخی اوصاف مافوق بشری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حتی افراط در بیان آن ها، آسیب های جدی

معرفتی به دنبال دارد. (۱) همچنین انجام کارهایی که فراتر از توان و حوصله کودک است، مثل حضور کامل در دعای ندبه و خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

معیار سوّم: محوریت بر واقعی بودن

یکی دیگر از معیارهای انتخاب جنبه الگویی، آن است که غالباً و تا حدّ امکان از الگوی واقعی اتخاذ شده باشد. البته با توجه به این که کودکان به شخصیت های تخیلی در قالب داستان و فیلم، علاقه ی فراوانی از خود نشان می دهند، می توان در اجرای الگونمایی، از این ظرفیت تخیل دوستی نیز استفاده کرد. مثلاً درباره یک شخصیت خیالی هم سنّ او، قصه ای با محتوای معرفتی رفتارهای پسندیده ای که از او سر می زند بیان کنیم یا از کودک بخواهیم با بهره گیری از خلاقیت خود، قصه ای درباره همان محتوا بسازد. ولی به نظر می رسد از الگوهای تخیلی صرفاً برای جلب توجه، جذب و ایجاد هیجان در کودکان باید استفاده کرد. بر این اساس، زیاده روی در معرفتی و نمایش الگوی تخیلی بدین صورت که تمام فضای آرمانی ذهن کودک از این نوع الگوها پر گردد، باعث می شود او خود را در یک دنیای غیر واقعی ببیند و زمینه اندیشه های واقع مدارانه از او سلب شود و در نتیجه روند الگوبرداری مختل خواهد شد.

«تا زمانی که شخصیت های یک داستان تنها ریشه در ذهنیت و تخیلات نویسنده داشته باشد و مخاطب، آنها را تنها شخصیت های اسطوره ای و قهرمان هایی خیالی بردارد که در مدینه ی فاضله

می زیسته اند، هیچ گاه قادر نخواهد بود تا ارتباط دقیق و کاملی با آن شخصیت ها برقرار سازد و آن ها را سرمشق زندگی خویش قرار دهد».

(۲)

بنابراین، به منظور تقویت تفکر واقع گرایی در کودک و همچنین هماهنگی و تناسب او با الگو و در ادامه تحقق احساس اشتراک و قرابت در او نسبت به آن الگو، (۳) لازم است محوریت با الگوهای واقعی و حقیقی باشد و بیشتر، از آن ها استفاده گردد. وقتی در قرآن حکیم که مملو از آموزه های تربیت ساز برای انسان است بنگریم، درمی یابیم که فقط به

ص: ۱۷۴

۱- ر.ک: فصل دوم، گفتار سوّم، ذیل معیار «قابلیت الگوبرداری»، ص ۸۳.

۲- محمّدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۹.

۳- درباره هماهنگی و وجوه اشتراک بین الگو و الگوپذیر، نکات مهمی ذکر خواهد شد. ر.ک: همین گفتار، ذیل اصل «تناسب و هماهنگی»، صص ۱۲۳-۱۲۶.

الگوهای واقعی پرداخته شده و این نکته ای است قابل تأمل و دقت.

«مخاطب در داستان های قرآنی، خود را با شخصیت های واقعی مواجه می بیند که نقش هایی حقیقی را در صحنه ی زندگی ایفا نموده اند و تجربیات تلخ و شیرین را برای ما به ارمان گذاشته اند، به گونه ای که اگر نیک بنگریم نمونه های متعددی از شخصیت های داستانی قرآن را خواه از ابرار یا از اشرار می توانیم در زندگی خود سراغ بگیریم».^(۱)

۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگوبرداری

اشاره

الگونمایی مهدوی باعث پیروی عملی کودک از الگو می شود و هدف در آن، به عنوان یک روش تربیتی، پرورش متربی در همه ابعاد از جمله نیروی تفکر جهت دست یابی به بصیرت و بینش صحیح نسبت به معارف مهدویت است. در این راه، آگاهی دهی به الگوپذیر، پیش فرض (۲) یا شرطی (۳) مهم و اساسی به شمار می آید، زیرا در عرصه ی اسوه پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف دار و از روی معرفت و شناخت کامل می باشد. (۴) قرآن نیز کسانی را که در پیروی از دیگران، با کوردلی به هر چه که بیابند اقتدا می کنند، نکوهش می کند و آنان را به بصیرت فرا می خواند. (۵)

آگاهی دهی سبب می شود الگوبرداری کودک، همراه با پشتوانه فکری محکم و تزلزل ناپذیر باشد. این همراهی، باعث ماندگاری و استمرار رفتار و حالات الگو در کودک می شود. همچنین باعث می گردد کودک در مواجهه با الگو، با بصیرت به گزینش و انتخاب گری نسبت به الگو و جنبه های الگویی وی اقدام نماید. البته میزان و نوع آگاهی و هدف داری در الگوپذیری ها متفاوت است؛

«لحاظ عنصر آگاهی و هدف داری در الگوپذیری ها، گاه کامل است یعنی شخص پس از تفکر،

ص: ۱۷۵

۱- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، صص ۲۹-۳۰.

۲- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۴.

۳- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۳۲.

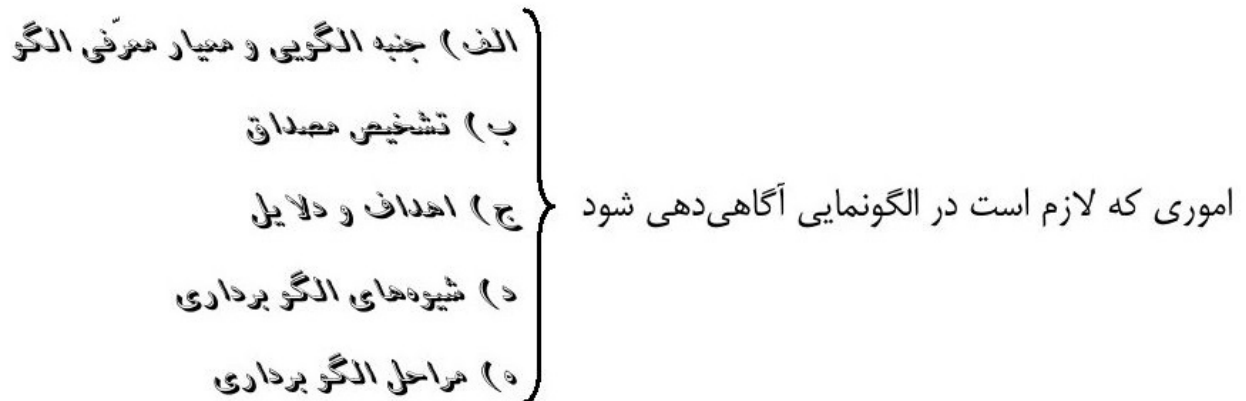
۴- مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۱۲-۲۱۴.

۵- آیات مربوط به این موضوع، ذکر خواهد شد. ر.ک: همین فصل، گفتار هفتم، صص ۱۹۸-۲۰۰.

استدلال، تجزیه و تحلیل عقلی و با بصیرت کامل به تقلید از الگو می پردازد؛ ولی گاه در حدّ کمال نیست و الگوپذیر به دلیلی ارتکازی، به تقلید خویش مبادرت می ورزد که بعداً این دلیل می تواند از ابهام در آید و به وضوح بیوندد. بر این اساس، عمده اعمال تقلیدی انسان آگاهانه و هدف دار است؛ هرچند بسیاری از افراد در تعیین ملاک های الگوپذیری و تشخیص الگوهای شایسته دچار اشتباه می شوند» (۱).

اکنون به چهار مورد از موضوعاتی که در هنگام الگونمایی باید به کودک منتقل شود اشاره می گردد:

تصویر



الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو

در الگونمایی مهدوی لازم است آن جنبه یا معیار و شاخصی که باعث الگو بودن شده است به طور دقیق برای کودک الگوپذیر بیان شود. به عبارت دیگر، جنبه ی الگویی الگو روشن گردد تا کودک با آگاهی از آن، در همان جهت و جنبه، از او پیروی کند. مثلاً در برابر کودک، از شخصی تعریف و تمجید می کنند و مرتّب به او می گویند: «تو هم باید مثل

آن شخص باشی»؛ اما جنبه الگویی را دقیقاً مشخص نمی کنند و در نتیجه کودک آگاهی کافی از آن ندارد. لازم به ذکر است که کارآمدی این نوع آگاهی دهی، بیشتر در معرفی الگوهای غیرجامع است با این توضیح که:

گروهی از الگوهای مهدوی، از همه نظر نمونه و کامل بوده و با در نظر گرفتن

ص: ۱۷۶

ویژگی‌هایی که برای جنبه الگویی مناسب بیان شد، (۱) می‌توان در جهاتی بیشتر از جنبه الگویی مد نظر، از آنان الگوبرداری کرد. بدین صورت که کودک در کنار توجه به جنبه الگویی، با صفات دیگر آن‌ها نیز آشنا شده و الگوبرداری نماید. مصداق اتم این نوع الگو، معصومین علیهم السلام هستند.

اما غالب الگوهای مهدوی، جامع همه خصوصیات ذکر شده (در معناشناسی الگوی مهدوی) نبوده و از همه نظر نمونه و کامل نیستند. حتی ممکن است برخی از آنان عیوب اخلاقی و رفتاری خاصی داشته باشند که قبل یا هنگام الگونمایی آشکار نگردد. چنین الگوهایی، در همه جهات الگو نبوده بلکه در یک یا چند بُعد، جنبه الگویی دارند. به همین خاطر باید حداکثر در همان جنبه‌ای که نمونه است، به عنوان الگو معرفی و الگوبرداری شود. در غیر این صورت، ممکن است کودک دچار مغالطه الگویی شود که توضیح آن در بحث آسیب شناسی خواهد آمد. (۲)

الگودهی دینی، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که حتی برخی معتقدند اسوه‌های دینی و اخلاقی لازم است در تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی، صاحب فضایل و کمالات و برتری قابل توجه باشند تا شأنت پیروی و تقلید و مورد توجه بودن را داشته باشند. (۳) بنابراین در بخش الگوهای غیرجامع، بهتر است الگویی معرفی گردد که نسبتاً کامل بوده و افزون بر جنبه الگویی، دیگر خصوصیات فکری، روانی و رفتاری او نیز آسیب‌زا نباشد.

(ب) تشخیص مصداق

این نوع آگاهی، در جایی لازم است که الگویی برای کودک توصیف لفظی شود و او برای الگوبرداری باید بر اساس تصویری که از آن پیدا کرده، عمل نماید و یک مصداق خارجی در رفتارش برای آن ایجاد کند و یا اینکه مصداق عملی آن را در بین اطرافیان

ص: ۱۷۷

۱- ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، توضیحات ذیل عنوان «الگوی مهدوی»، ص ۱۴۸-۱۴۹ و همچنین ر.ک. گفتار پنجم، معیارهای ذیل اصل شماره ۵، صص ۱۶۵-۱۶۸.

۲- ر.ک: همین فصل، گفتار نهم، مغالطه الگویی، صص ۲۰۰-۲۰۲.

۳- ر.ک: صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۱۸۹-۲۰۲ و بستانی، محمود، اسلام و روان شناسی (اسلام و علم النفس)، صص ۳۹-۵۴.

بیابد. همچنین این گونه آگاهی، در جایی به کار می آید که کودک، چند الگو با یک جنبه الگویی مشترک مشاهده کند و نداند کدام یک از آن ها، مصداق کامل و برتر جنبه ای است که به او قبلاً معرفی شده است. برخی، آگاهی پیرامون تشخیص مصداق را تحت دو عنوان «تشخیص مصداق کمال» و «تعیین مصداق کامل» بررسی کرده اند. (۱)

ضرورت انتقال و آگاهی های مذکور، آن است که غرض و هدف اصلی از الگونمایی مهدوی به کودکان، آشناسازی آنان با الگوهای مهدوی به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اما گاهی اوقات، مسیر این هدف دچار آسیب از ناحیه مصداق می شود. یعنی مفاهیم و گزاره های الگوی مهدوی برای کودک بیان شده و او نیز تا حدودی آن ها را فهمیده است، ولی به مرحله عمل و الگوبرداری که می رسد، در تطبیق آن عناوین بر مصداق خارجی دچار اشتباه می شود. این امر، به خاطر عدم آگاهی کافی و عدم تشخیص کودک نسبت به مصداق مورد نظر می باشد. بنابراین، کودک نیاز به اطلاعاتی پیرامون جنبه الگویی دارد که در تشخیص مصداق جنبه الگویی و الگوی کامل موفق شود. پس شایسته است در هنگام الگونمایی مهدوی آگاهی های لازم درباره آن تشخیص به وی داده شود.

انسان به طور طبیعی حالات و رفتارهای دیگران را پس از مشاهده، مقایسه می کند. در بحث الگوبرداری، این ویژگی از حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا پس از مقایسه، هر حالت، فکر و رفتاری را که بهتر دانست می پسندد و تقلید می کند. در کودکان این فرآیند سریع تر رخ می دهد؛ چون ظرفیت شناختی آن ها بسیار محدود است و خیلی زود رفتاری را انتخاب و الگوبرداری می کنند. از نشانه های بارز این ترازوی قضاوت، این است که کودکان مرتب این گونه می پرسند:

«الان وقت اذان شده است، مامان مشغول نماز شده پس چرا بابا نمی آید؟ بابا صبح زود بیدار شده و سر کار می رود، چرا مامان این قدر می خوابد؟...»

بنابراین، شایسته است از میان حالات و رفتارهای مشابهی که در الگوهای متعدد و یا در الگوی واحد در موقعیت های مختلف رخ می دهد، بهترین و کامل ترین آن ها به کودکان معرفی و شناسانده شود و پیرامون آن، آگاهی های لازم و کافی ارائه شود. حتی اگر

ص: ۱۷۸

رفتاری مانند دعا کردن برای ظهور، در الگویی به صورت ناقص و کم کیفیت مشاهده شد، کودک را در جهت الگوپذیری از آن تشویق و در ادامه، افق های بالاتر و کامل تر از آن را هم برای او ترسیم نماییم. مثلاً در مورد دعا نمودن مذکور، مصادیقی به کودک نشان دهیم که آداب و شرایط دعا را بیشتر رعایت می کنند و با کیفیت بهتری انجام می دهند مانند با وضو بودن، رو به قبله بودن و توجه به دعا در هر دو حالت گرفتاری و آسایش.

البته باید توجه داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام تنها اسوه هایی هستند که خداوند حکیم به اطاعت، تبعیت، اقتدا و الگوبرداری از آن ها امر فرموده است. این امر الهی، نشان گر صحت و کامل بودن تمامی افکار، حالات و اعمال ایشان است. بر این اساس، تنها اسوه های کامل مهدوی، چهارده معصوم علیهم السلام هستند و آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین نهایت تلاش ما در روش الگونمایی مهدوی، آشنا کردن کودکان با آن حضرت به عنوان مصداق انسان کامل می باشد.

ج) اهداف و دلایل

در این بحث، اهداف و دلایل دو گونه اند.

گونه اول، اهداف و دلایل کلی الگوبرداری که نقش ترغیبی و اعتمادسازی دارند و باعث پذیرفتن جنبه الگویی یا قبول کسی به عنوان الگو می گردد. مثلاً به کودک می گوییم: «برای اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را دوست داشته باشند و از ما راضی و خشنود شوند، باید هر کاری ایشان انجام می دهند ما هم عمل کنیم؛ مانند سر زدن به فقرا و محرومین».

گونه دوم، اهداف و دلایل جزئی است که سبب بروز یکایک حالات و رفتارهای الگو است. هدف ها و ادله ای که الگو برای انجام رفتارهایش دنبال می کرده، اگر قابل فهم و متناسب برای کودک باشد برایش تبیین می گردد. در صورتی که کودک آن را بپذیرد اتحاد هدف الگو و الگوپذیر پیش می آید که تأثیر معرفتی و عاطفی مهمی در روند الگوپذیری و الگوبرداری دارد. اما اگر قابل فهم یا متناسب نبود، به ناچار باید اهداف و دلایل جزئی دیگر با زبان کودکان بیان گردد. مثلاً رفتن به مسجد جمکران، یک جنبه الگویی والدین

می تواند باشد. پیرامون هدف جزئی از الگوبرداری کودک از آن رفتار می توان به او گفت: «در مسجد جمکران، کسانی می آیند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوست دارند و برای

ظهور ایشان دعا می کنند؛ پس وقتی می رویم آنجا با تعداد زیادی از آن ها آشنا می شویم و ممکن است مطالب زیبایی در مورد حضرت از آن ها بشنویم، دسته جمعی که دعا کنیم زودتر خدا حاجتمان را می دهد و...»

در الگونمایی مهدوی، لازم است در مورد هر دو نوع هدف مذکور (کلی و جزئی)، آگاهی های لازم و قانع کننده با شیوه ها و قالب هایی متناسب با ظرفیت شناختی و عاطفی مراحل رشد در دوره کودکی به کودک منتقل شود. در غیر این صورت دچار آسیب بی رغبتی و ترک رفتار خواهد شد.

لازم به ذکر است که تبیین دلایل کلی و اولیّه ی تقلید برای کودک باعث می شود آن دلایل را نسبت به کارهای مثبت دیگر نیز سرایت دهد و آن ها را مثل جنبه الگویی با علاقه و پشتوانه ی معرفتی انجام دهد و در نتیجه ماندگار شود. اگر کودک نسبت به دلایل برخی حالات و اعمال الگو آگاهی نداشت یا این که به خوبی متوجه نشد، دلایل اولیّه پذیرش الگو به کمک او می آید و این اعتماد، او را در مسیر همانندسازی یاری خواهد کرد. مثلاً مادر خانواده به عنوان الگوی مهدوی، همیشه خانه را تمیز و مرتب نگه می دارد. شایسته است خود او یا دیگر اعضای تأثیرگذار خانواده، دلایل آن را مرتبط با رضایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کنند. به عنوان مثال بگویند: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از تمام کارهای ما خبر دارند. اگر خانه ی ما از نظر پاکیزگی و مرتبگی آن گونه باشد که ایشان می خواهند آن وقت از ما راضی تر بوده و بیشتر ما را دوست دارند و در زندگی کمکمان می کنند».

برخی، از طرح مسأله ی «اقتدا به هدایت» در قرآن کریم، ایمان به هدف الگو را برداشت کرده اند که مقدمه لازم آن، آگاهی نسبت به هدف است.

«آنچه ضروری است، ایمان به هدف و رهبران الهی و الگوهای شایسته است و نه شخص آن ها. از این رو می بینیم خداوند، پیامبر را مأمور به تبعیت از خطّ فکری و جریان هدایت طلبی پیامبران نموده است

و فرموده: **فَبِهَدَاهُمُ اقْتَدِهْ**؛ (۱) به هدایت آنان اقتدا کن. و فرموده است که به شخص ایشان اقتدا

ص: ۱۸۰

البته در تفسیر المیزان دلایل دیگری نیز برای دستور الهی مبنی بر اقتدا به انبیا و رسولان بیان شده است. (۲) در جایی دیگر از قرآن هم، در خطاب حضرت شعیب به قومش سخن از ایمان به شخص او نیست، بلکه سخن از: «ایمان به آنچه برای آن فرستاده شده است» (۳) می باشد.

د) شیوه های الگوبرداری

برای تقلید و الگوبرداری کودک، انواع و شیوه هایی می توان در نظر گرفت (۴) که اگر به آن ها توجه شود فرآیند همانندسازی با سرعت و تأثیرگذاری بیشتری طی می شود. آگاهی از آن ها نخست برای شخص یا نهاد الگودهنده ای که قصد الگونمایی مهدوی دارد لازم است. همچنین در برخی موارد باید آن شیوه ها به کودک آموزش داده شود. اهمیت این نوع آگاهی از آن جهت است که اگر کودک مورد تأکید و اصرار بر تقلید از الگوی مهدوی قرار گیرد، ولی ندانیم چه نوع تقلیدی برای مرحله سنی او میسر است و یا کودک پیرامون شیوه صحیح الگوبرداری آگاهی های لازم را نداشته باشد، نمی توان امید داشت که در الگونمایی مهدوی موفقیت قابل توجهی حاصل شود.

ه) مراحل الگوبرداری

اشاره

برای تقلید و الگوبرداری که نوعی یادگیری مشاهده ای است و از آن به عنوان مهم ترین عامل رشد و یادگیری یاد شده، (۵) مراحل بیان گردیده است. لازم است کسانی که عهده دار الگونمایی مهدوی به کودکان هستند آن ها را مورد توجه قرار دهند. اگر مربی و والدین بدانند کودک در فرآیند تقلید، در چه مرحله ای قرار دارد بهتر می توانند در

ص: ۱۸۱

۱- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۳۲.

۲- ر.ک. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۰۲.

۳- «وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُزِيلَتْ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ؛ و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان آورده اند، و گروهی ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است»؛ (سوره اعراف: آیه ۸۷).

۴- ر.ک: همین فصل، گفتار هفتم؛ انواع و شیوه های الگوبرداری، صص ۱۸۵-۱۸۸.

۵- کدیور، پروین، روان شناسی اخلاق، صص ۱۰۲ و ۱۰۸.

الگوپذیری به او کمک کنند و انتظاری متناسب با همان مرحله داشته باشند. برخی، سه مرحله «مشاهده، اکتساب و پذیرش» را برای تبعیت از الگو مطرح کرده اند و معتقدند «پذیرش» نیز در چهار شکل رخ می دهد با این توضیح که؛ پذیرش یا به صورت تقلید است یا تقابل و هر یک از این دو مورد نیز می تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم روی دهد. (۱)

آلبرت بندورا، برای یادگیری مشاهده ای، چهار مرحله ذکر کرده که به این شرح است:

یک. توجه

یادگیرنده یا مشاهده کننده به الگو یا سرمشق که معمولاً انسان زنده در حال انجام کار است، توجه می کند.

دو. به یادسپاری

یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده می کند، به طور شناختی بازنمایی می کند؛ یعنی آن را به حافظه می سپارد.

سه. باز آفرینی حرکتی

اگر یادگیرنده توانایی های لازم را داشته باشد، رفتار مشاهده شده را تولید و اصلاح می کند.

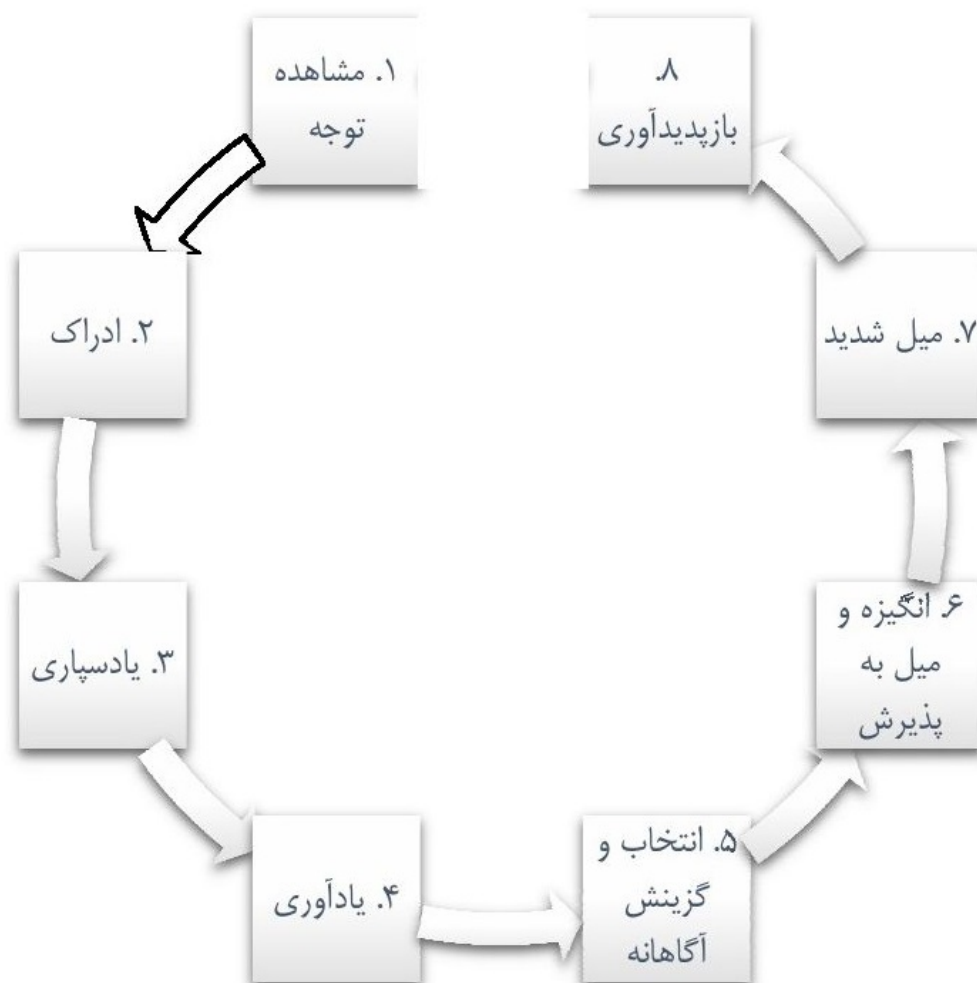
چهار. انگیزش

در شرایط مناسب، انگیزش و تشویق یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده کرده است به عملکرد تبدیل می کند. (۲)

البته می توان مراحل دقیق تری برای الگوبرداری بیان کرد به گونه ای که در نمودار زیر

ص: ۱۸۲

-
- ۱- ر.ک: صلاحی محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، ص ۵۰-۷۵ و نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۵۹ و خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی»، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۸.
 - ۲- سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۲۸۹.



هر کدام از مراحل مذکور را می توان با توجه به الگونمایی مهدوی، مورد بازبینی و بازشناسی قرار داد و برای رشد و تقویت کودک در هر یک از آن ها، راه کارهایی ارائه کرد که خود پژوهشی مستقل می طلبد. یکی از آن راه کارها، آموزش برخی از مراحل مذکور به کودک است مثلاً در جمعی کودکان می گوئیم: «بچه ها ببینید علی آقا چه جوری داره نماز یا دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می خواند. شما الان در مرحله خوب دیدن هستید، یعنی باید خیلی خوب و با دقت به او نگاه کنید تا یاد بگیرید. بعد چشمتون را ببندید و بهش فکر کنید. حالا کدامیک از شما می تواند عین آن کار را انجام بدهد؟»

۰۷. بهره بری از تنوع

اشاره

یکی از اصول تأثیرگذار در پذیرش الگوی مهدوی، بهره بری از تنوع در الگوها و همچنین در شیوه ها و قالب های الگونمایی است. وجوه اهمیت این اصل عبارتند از ملالت آور بودن یکنواختی، تطابق و هم سوئی آن با اصل آموزشی بهره گیری از تنوع و

خصوصیت تنوع طلبی دوره کودکی، بهره بری بهتر از اصل تمرکز بر یک آموزه، اختلاف سلیقه میان کودکان در پذیرش نوع الگو و شیوه الگونمایی به خاطر اصل تفاوت های فردی، و همچنین عدم ثبوت و یکسانی گرایش ها و حالات روحی روانی کودک در طول زندگی نسبت به پذیرش و تقلید از الگو. الگوها و شیوه های الگونمایی را می توان از جهات مختلفی تقسیم کرد و انواع گوناگونی برای آن ذکر نمود. در این مجال، به برخی از آن ها اشاره می گردد.

تنوع در الگونمایی از دو جهت

الف) تنوع الگوها

ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی

الف) تنوع الگوها

در الگونمایی مهدوی با در نظر گرفتن اصل تناسب، شایسته است از الگوهای مختلف و متنوع در عرصه ی مهدویت استفاده نمود. حتی برای نهادینه سازی یک آموزه مهدوی، از چند نوع الگو می توان بهره برد. جهت یافتن انواع مذکور، می توان از قرآن کریم الهام و الگو گرفت.

«الگوها و چهره های مطرح شده در داستان های قرآن از نظر جنسیت، نژاد، سن و همچنین موقعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار متنوع و گوناگون هستند. علاوه بر آن، انواع دیگری هم ذکر شده است مانند اسوه های تمام عیار و همه جانبه و افرادی که تنها از یک یا چند جنبه و منظر الگو باشند، الگوهای موفق و ناموفق، آراسته به زیور ارزش های اخلاقی و فریب خورده از جلوه های دروغین و ناپایدار، کاخ نشین و کوخ نشین، فقیر و غنی، پیامبران و غیر پیامبران، معصوم و غیر معصوم، جوان و غیر جوان، افراد و جماعات، با نام و بی نام» (۱).

همچنین می توان از کسانی که به طور طبیعی در زندگی کودک، ایفاگر نقش الگویی هستند نیز نام برد مانند والدین، دوست و معلم. تقسیمات دیگری نیز برای انواع الگو بیان شده که همراه با برخی موارد یادشده، در نمودار زیر معرفی می گردند.

ص: ۱۸۴

۱) الگوی فردی (شخصی) و الگوی کلی (عمومی)

۲) الگوی مفهومی (ذهنی - درونی) و الگوی رفتاری (کنشی - بیرونی). (۱)

۳) الگوهای واقعی و تخیلی

۴) الگوی موفق و ناموفق

۵) الگوی پایدار و ناپایدار

۶) والدین، دوست و معلم

۷) الگوی کامل (همه جانبه) و ناقص (تک بُعدی)

۸) معصوم و غیر معصوم

۹) الگوی همسال و غیر همسال

۱۰) الگو با ذکر نام و عنوان.

ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی

جهت معرفی و نشان دادن خصوصیات الگوی مهدوی به کودکان، باید با شیوه های متنوع از قبیل مستقیم و غیرمستقیم و قالب های گوناگون مانند قصه، شعر، نمایش و نقاشی آشنا بود تا برای جلوگیری از یکنواختی شیوه و قالب و خسته کننده بودن آن و همچنین برای سلايق مختلف کودکان، در هر مرتبه الگونمایی، از شیوه و قالبی خاص استفاده گردد.

۸. تناسب و هماهنگی

اشاره

یکی از اصول مهم تربیتی، رعایت تناسب با شرایط و موقعیت متربی است که باید در اجرای همه ی روش های تربیتی در نظر گرفته شود. روش الگونمایی مهدوی نیز از این قاعده مستثنا نیست به این معنا که در انتخاب و گزینش هدف، الگو، جنبه الگویی، نوع، شیوه و قالب اجرای الگونمایی مهدوی و همچنین جهت بهره بری از اصل تنوع، باید به اصل «تناسب» توجهی ویژه نمود. به عبارت دیگر، در هنگام الگونمایی، لازم است هر یک از امور مذکور، متناسب با شرایط و موقعیت کودک الگوپذیر باشد. اگر متنوع

ص: ۱۸۵

۱- ر.ک: خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی»، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۸ و نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۵۹ و صلاحی، محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، صص ۵۰-۷۵.

ترین و برجسته ترین الگوهای مهدوی با بهترین روش ها و قالب های جذّاب به کودکان معرّفی شوند ولی متناسب با دوره کودکی و موقعیت کودک نباشد، دست یابی به موفقیت کامل در روش الگویی امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین شایسته است برای اجرای الگونمایی مهدوی، ابتدا ویژگی های دوره ی کودکی و همچنین موقعیت کودک اعم از وضعیت فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خانواده و محیط زندگی وی ارزیابی شود، سپس الگو و شیوه و قالب الگونمایی متناسب با آن ها انتخاب و به کار گرفته شود.

الف) وجوه اشتراک، جنبه ای از تناسب

یکی از عواملی که می تواند در زمینه ی بهره بری از اصل تناسب به ما کمک کند، وجوه اشتراک بین الگو و الگوپذیر است؛ چنانچه گفته شده:

«در هر نوع تأثیری و اقتدا؛ هماهنگی و تفاهم میان رهبر و رهرو، الگو و پیرو، امام و مأموم و یا اسوه و متأثیری، شرط اساسی حرکت به سوی کمال است. چنانچه این هماهنگی در کار نباشد، پیروی و اقتدا و اساساً رابطه ی الگو و الگوپذیری بی معنا می شود.» (۱)

برای وجه اشتراک و مشابهت، می توان به موارد مذکور برای موقعیت اشاره کرد. همچنین برخی، برای آن مصادیقی ذکر کرده اند از قبیل مشابهت و هماهنگی در جنبه ی بشری و نیازهای طبیعی و شرایط زیستی، عقاید و اصول فکری مانند حق جویی، ارزش ها، تمایلات و علائق، آداب و سنن و شیوه ی زندگی، (۲) مشابهت در جنس، سن و اهداف کلی زندگی.

ب) آثار تناسب و هماهنگی

وجوه تشابه و تناسب، باعث قرابت و هماهنگی بین الگوی مهدوی و کودک الگوپذیر می شود که آثار چشم گیری به دنبال دارد مانند سرعت بخشیدن به فرآیند الگوبرداری، افزایش انگیزه و تقویت اعتماد به نفس در هنگام الگوبرداری، دانستن الگو از خود و

ص: ۱۸۶

۱- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۲۳۹.

۲- همان، صص ۲۳۹-۲۴۶.

ایجاد نوعی ارتباط عاطفی نسبت به او. (۱) به بیانی دیگر، وجوه اشتراک سبب می شود کودک خود را هم سو با الگو ببیند، امکان تقلید در نظرش آسان آید، میل شدیدتری به همانندسازی

پیدا کند و در مسیر تحقق اخلاق و رفتار مهدوی، با سرعت بیشتری حرکت کند. مثلاً اگر الگوی مهدوی، هم سن با کودک باشد، میزان تأثیرپذیری او بیشتر خواهد بود. اکنون به چند نمونه از تناسب و هماهنگی اشاره می گردد.

ج) چند نمونه از تناسب

نمونه اول: تناسب با شرایط خانوادگی

برای خانواده های سهل گیر، سخت گیر یا معتدل نمی توان الگوهای یکسانی معرفی کرد، چون پذیرش یک رفتار و الگوپذیری از آن توسط کودک، وابسته به روحیه ی تأثیرپذیرانه ای است که مستقیماً مرتبط با سخت گیر بودن یا آسان گیر بودن والدین و دیگر افراد تأثیرگذار در خانواده می باشد. مثلاً اگر کودک از خانواده ای بسیار قانون مند است که اعضای آن نسبت به مسایل دینی به ویژه احکام شرعی فوق العاده سخت گیر هستند باید الگویی معرفی شود که زمینه های معتدل قانون مندی در آن ها ظهور چشم گیری داشته باشد تا کودک احساس همگونی با او پیدا کند و در نتیجه روند الگوپذیری هموارتر گردد. نسبت به شرایط اقتصادی نیز همین طور؛ یعنی اگر کودک از خانواده ای فقیر است باید الگویی متناسب با خود او ارائه شود.

نمونه دوم: مثال قرآنی مشابهت

جنبه ی بشری بودن الگو، یکی از شئون شباهت بوده و مربوط به مشابهت در جنس است. در قرآن حکیم، الگوهایی که برای رشد و تعالی انسان مطرح شده اند از جنس خود او می باشند. حتی برخی بر این باورند که مهم ترین ویژگی اسوه های قرآن، بشر بودن آن هاست. (۲) خداوند حکیم، رسولان و الگوهای شایسته ی خود را از میان آدمیان

ص: ۱۸۷

۱- مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۳۴.

۲- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۸.

برانگیخته و بر این امر تأکید ورزیده است. (۱) این امر، حاوی این نکته ی روان شناختی و تربیتی است که پیامبران می گویند: ما هم انسان و مخلوقی همچون شما هستیم، بنابراین شما نیز می توانید مانند ما به این کمالات و درجات با تأسی به ما نائل شوید. (۲) اگر اسوه ها با مخاطبان و پیروانشان از یک جنس باشند، باعث هم بستگی و پیوستگی عمیقی میان اسوه و پیروان است. همین جنبه ی بشری باعث می شود اسوه ها به طور دائم در میان انسان ها و در بجهوه ی زندگانی آنان حضور داشته باشند و افراد به شکل مستمر در معرض رفتارها، برخوردها و آموزش های آنان قرار گیرند. (۳)

نمونه سوم: مشابهت در سطح زندگی

اشتراکات و هماهنگی بین الگو و الگوپذیر، آنقدر حائز اهمیت است که حتی فراتر از الگودهی به کودکان، در سطح مربیان و رهبران جامعه نیز مطرح می شود و کارکردهای ویژه خود را دارد.

مثلاً اگر یک مربی یا رهبری که نقش الگویی در جامعه ایفا می کند در زندگی خود امکانات ویژه ای داشته باشد که اکثر مردم از آن محرومند، وی در امر ارشاد و تربیت موفق نخواهد بود. یکی از شرایط موفقیت یک مربی یا الگو این است که سطح زندگی خود را همانند سطوح زندگی غالب مردم قرار دهد. در منابع دینی نیز به این نکته مهم اشاره شده آن جا که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان هم سو کنند، تا فقر و نداری، تهی دست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند» (۴)

همچنین ایشان در نامه ی خود به عثمان بن حنیف؛ فرماندار بصره، به این هم سطحی و

ص: ۱۸۸

۱- مانند آیه «قَالَ لَهُمْ رَسُولُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»؛ (سوره ابراهیم: آیه ۱۱ و سوره فرقان: آیه ۲۰ و سوره مائده: آیه ۷۵).

۲- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ، ص ۱۶۴.

۳- همو، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، ص ۵۳.

۴- «...قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي حُشُونِهِ مَلْبَسَكَ وَ جُشُونِهِ مَا كَلِمَكَ قَالَ وَيَحَكَ إِيَّيْ لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ فَرَضَ عَلَىٰ أُمَّهِ [الْحَقِ] الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ...»؛ (ص ۳۲۵، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵).

هم درد بودنِ الگو (امام) با الگوپذیر (مأموم) اشاره می کنند. (۱)

«هر چه رابطه و هماهنگی میان اسوه ها و پیروان عمیق تر باشد فرایند تبعیت، هدایت و راهنمایی

کامل تر خواهد شد. از این رو در مواردی که الگو خود را جدای از جامعه و یا جامعه خود را ناتوان از پیروی الگو می شمارد، کارکرد اسوه رو به ضعف می نهد و یا به طور کلی متوقف می شود» (۲)

نکته

برخی، این اشتراکات و مشابهات را تحت عنوان «هماهنگی و همراهی بین الگو و پیرو» مطرح کرده اند. (۳) حال اگر مقصودشان از آن عنوان خصوصاً واژه «همراهی» افزون بر مشابهات مذکور، معنایی دیگر از قبیل قدم به قدم کمک یار بودن برای الگوپذیر باشد، جزء اصول عام روش الگویی نیست، بلکه در صورتی مطرح می گردد که شخصی افزون بر الگوبودن، نقش مربی نیز داشته باشد.

گفتار ششم: انواع الگونمایی

اشاره

برای الگونمایی، انواع مختلفی می توان بیان کرد که در اینجا با الهام گیری از انواع و شیوه های آشنا ساختن مخاطبان با الگوهای نمونه در قرآن کریم، در قالب سه تقسیم ارائه می گردد.

تصویر



ص: ۱۸۹

۱- «...فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَا دُبِّيهِ فَأَسْرَعَتْ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمِ عَائِلَتِهِمْ مَجْفُوفٍ وَ عَيْتِهِمْ مَدْعُوفٍ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضِيهِ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهُ وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ [وَجْهِهِ] وَ جَوْهِهِ فَنَلِ مِنْهُ أَلْمَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدَى بِهِ وَ يَسْتَنْصِيءُ بِهُ نُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ...» (نهج البلاغه، صص ۴۱۶ و ۴۱۷).

۲- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، صص ۲۸-۲۹.

۳- ر.ک: بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصل نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۱، صص ۹۲.

یک. مشاهده ای (مستقیم) و توصیفی (غیرمستقیم)

چنان چه در معناشناسی بیان شد، (۱) الگونمایی شامل مشاهده دیداری الگو و هر امر به منزله مشاهده می باشد. یکی از آن امور، توصیف لفظی اعم از گفتار و نوشتار است. بر

این اساس، می توان دو شیوه مشاهده ای و توصیفی را مطرح کرد.

شیوه مشاهده ای یعنی خود کودک، با دیدن الگوی مهدوی از حالات، گفتار و رفتار او آگاهی کسب می نماید و همچنین از این طریق، به ماهیت شخصیت او پی می برد و از روحيات و خلقيات درونی وی مطلع می گردد.

شیوه توصیفی یعنی شخصیت الگو اعم از حالات ظاهری، گفتار، رفتار، روحيات و خلقيات او به گونه ای برای کودک توصیف لفظی شود که وی نسبت به آن ها آگاهی دقیق و عمیقی پیدا نماید و گویی خود الگو را دیده است. لازم به ذکر است که برخی محققین، عنوان مستقیم و غیرمستقیم را عکس آنچه بیان شد مطرح نموده اند؛ به خاطر اینکه ایشان، پی بردن مخاطب به شخصیت درونی الگو را ملاک آن دو عنوان قرار داده و گفته اند:

شیوه مستقیم یعنی اوصاف و ویژگی های الگو به طور آشکار و روشن بیان شود و از رخساره ی آنان پرده برداشته و چهره ی باطنی آنان برای همگان آشکار ساخته شود. شیوه غیرمستقیم یعنی مخاطب، خود باید از رفتار، گفتار و افکار یک شخصیت پی به ماهیت او ببرد و از روحيات و خلقيات وی آگاهی یابد. (۲)

دو. تصریح به الگوبودن شخص و عدم تصریح

شیوه تصریح به الگوبودن یعنی مستقیماً شخصی به عنوان الگو و اسوه معرفی و به پیروی و الگوبرداری از او تصریح می شود. مانند آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (۳) که خداوند

ص: ۱۹۰

۱- ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۲- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۷.

۳- «بی تردید رسول خدا برای شما الگوی پسندیده ای است»؛ (سوره احزاب: آیه ۲۱). موارد دیگر مانند سوره ممتحنه: آیات ۴ و ۶.

متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان الگو معرفی می نماید و مردم را به تأسی از ایشان فراخوانده است. شیوه عدم تصریح یعنی بدون تصریح مذکور، الگو در معرض دید الگوپذیر قرار بگیرد. به کارگیری این شیوه، در قرآن فراوان است مانند آیاتی که اوصاف پیامبران را بیان می کند. مثل آیه «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (۱) که در آن، نحوه ی سخن گفتن ایوب با خداوند به عنوان الگو مطرح شده است. (۲)

سه. معرفی الگو با اسم یا عنوان عام

معرفی الگو با اسم یعنی به هنگام الگونمایی توصیفی، نام او نیز بیان شود. مانند معرفی الگوی «صبر و تحمل در سختی ها» که در قرآن اسم او یعنی حضرت ایوب ذکر گردیده است. نمونه های دیگری نیز ذکر شده است.

تصویر

جدول الگو و جنبه الگویی	
ایوب	صبر و تحمل در سختی ها
یوسف	قهرمان مقاومت در مقابل شہوت
جوانان کھف	اسوه های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت
اسماعیل	نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا
ابراهیم جوان	عادت شکن و بت شکن
نوح	الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین
ایوب	قهرمان صبر و تحمل در شدايد روزگار
داوود نوجوان	نمونه ی شہامت و شجاعت در مبارزه با طاغوت

ص: ۱۹۱

۱- «و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربان ترین مهربانانی!»؛ (سوره انبیاء: آیه ۸۳).

۲- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۱۰۲-۱۰۳.

سرمشق و الگوی مطلق در همه ی ابعاد زندگی و برای همه ی جهانیان.

معرفی الگو با عنوان عام یعنی اسم کسی به عنوان الگو ذکر نمی شود، بلکه عناوین عام و کلی مطرح می شود مانند توابان، متطهران، متقیان، صالحان، صابران، محسنان و مجاهدان در قرآن، و همچنین در مباحث مهدویت عناوینی مانند یاران، عاشقان و منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

نکته

چنانچه ملاحظه شد قرآن کریم، چهره های محبوب را گاه با عناوین عام بیان کرده و گاه نیز به طور خاص و به اسم یاد نموده است، اما چهره های منفور و مطرود از نظر قرآن

به طور عمده (به جز موارد استثنایی مثل ابولهب) با توصیف عناوین کلی آنان، مثل تجاوزکاران، اسراف کنندگان، خودپسندان، کافران، ستمگران، متکبران و... بیان شده است. این کتاب الهی، با طرح چهره های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه ی انسانی را به گزینش آگاهانه ی الگوهای مورد نظر خویش دعوت می کند. (۱)

گفتار هفتم: انواع و شیوه های الگوبرداری

اشاره

الگوبرداری و تقلید، انواعی دارد که در قالب سه تقسیم ارائه می گردد:

تصویر



۱- ديلمى، احمد و آذربايجانى، مسعود، اخلاق اسلامى، صص ۱۶۴-۱۶۵.

اشاره

گروهی از روانشناسان برای تقلید، سه نوع ذکر می کنند.

الف) تقلید ناآگاهانه

تقلید ناآگاهانه یا محاکات، تقلیدی است که عاری از هرگونه اندیشه و تشخیص باشد که از تولد تا دو سالگی بسیار مشاهده می گردد. مانند کودک چند ماهه ای که در پی خنده اطرافیان، بی درنگ می خندد.

ب) تقلید نیمه آگاهانه

مقصود از تقلید نیمه آگاهانه یا تقلید بالمعنی الاخص، تقلید همراه با آگاهی اندک از رفتار دیگران است که در سنین دو تا هفت سالگی رخ می دهد. در این نوع الگوبرداری، عنصر آگاهی و هدف داری حضور دارد، اما حضوری کم رنگ و اندک؛ مانند طفل سه ساله ای که تنها برای شبیه سازی خود به اطرافیان، از اعمال و رفتار ایشان تقلید می نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن رفتار را درک کرده باشد.

ج) تقلید آگاهانه

تکرار رفتار دیگری با آگاهی از حسن کار او را اقتباس یا تقلید آگاهانه گویند. این نوع تقلید که عالی ترین مرتبه ی آن قلمداد می شود، از هفت سالگی به بعد مشاهده می گردد. این نوع الگوبرداری کاملاً آگاهانه و هدف دار و از روی علم و قصد صورت می گیرد. همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می یابد برمیگزیند و برای این گزینش دلیلی هم اقامه می کند. (۱)

ص: ۱۹۳

۱- توضیح سه نوع تقلید مذکور برگرفته از مصباح، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، صص ۶۷ و ۶۸ و جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۱۲-۲۱۴ و محدودهای سنی یادشده از منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، صص ۱۹۵-۲۰۴.

الگو برداری مدّ نظر در این پژوهش، غالباً از نوع دوم است. مثلاً یک کودک همراه با والدین خود به مسجد جمکران یا مراسم دعای ندبه می رود و دوست هم سنّ او با مشاهده این صحنه، اقدام به الگو برداری می کند در حالی که آگاهی کامل و صحیحی از علّت آن ندارد. در این نوع تقلید باید ابتدا از کودک پیرامون علّت سؤال کنیم تا میزان شناخت او از مسجد جمکران یا دعای ندبه روشن گردد و اگر تصوّر و اعتقادات اشتباهی وجود دارد اصلاح شود و سپس با زبان کودکانه دلیلی برای او بیان شود، زیرا مرتبه نخست الگو برداری کودک اگر با عنصر آگاهی و هدفداری (هر چند کودکانه) همراه باشد تأثیر بسزایی در ماندگاری و تثبیت جنبه الگویی و التزام وی نسبت به آن دارد.

البته می توان زمینه های ارتقاء رشد ذهنی و معرفتی کودک را فراهم ساخت تا به تقلید اقتباسی نیز راه پیدا کند که در این صورت لازم است متناسب با ظرفیت شناختی آن مرحله سنّی که در آن قرار دارد، عناصری همچون آگاهی، هدف داری و با قصد بودن را تنظیم و ارائه کرد. مثلاً برای یک کودک چهار ساله دلیلی ارائه می شود و در سنّ

شش سالگی دلیلی عمیق تر و محکم تر. گفتنی است برخی کودکان به خاطر توجه بیش از حدّ والدین (به اصطلاح لوس بودن)، ممکن است نحوه سخن گفتن، حالات و رفتارهایشان هنوز مانند کودک دو سه ساله باشد. آن ها در الگو برداری نیز به مرحله نیمه آگاهانه نرسیده اند. در این گونه موارد باید از طریق قالب هایی مانند بازی های پرسشی و گفتگوهای کنجکاوانه کودکانه، تقلید آگاهانه یا نیمه آگاهانه را به آن ها آموزش داده و آن قدر تکرار شود که به صورت ملکه درآید.

بنابراین اگر کودکی را با رفتار الگویی مهدوی آشنا کردیم نخست باید بدانیم به طور طبیعی، تقلید او از کدام نوع است و در مرحله ی بعدی، با استفاده از قالب هایی نظیر قصّه، تمثیل و نمایش زمینه های الگو پذیری نیمه آگاهانه یا آگاهانه متناسب با دوره کودکی را فراهم نماییم.

دو. تقسیم از جهت تطابق کامل

الف) الگو برداری عینی

این نوع الگو برداری به این معنی است که کودک پس از مشاهده رفتار الگو در شرایط

و موقعیتی خاص، بخواهد همان رفتار را با تمام جزئیاتش در موقعیتی دیگر انجام دهد. بدیهی است که این گونه همانندسازی در الگوبرداری از گروه هم سال در یک زمان و موقعیت مثل مهد کودک ها و پیش دبستانی ها به طور طبیعی اتفاق می افتد. مثلاً از شیوه بازی کردن و غذا خوردن همدیگر، تقلید عینی انجام می دهند. اما همین الگوبرداری عینی، در برخی موارد غیر ممکن و در بعضی موارد بسیار سخت است. افزون بر آن، ممکن است آسیب هایی به دنبال داشته باشد. مثلاً مربی برای ترغیب کودکان به استمرار یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، داستان جوانی را بگوید که این قدر به ایشان علاقه داشته که همیشه به یادشان بوده و حتی گاهی اوقات تا جمکران پیاده می رفته، سعی داشته تمام کارهایی که پدر و مادر از او خواسته اند را به خاطر جلب رضایت آن امام انجام دهد مانند خرید نان در صبح زود قبل از طلوع آفتاب. روشن است که کودک شش ساله ای که این مطالب را می شنود، اگر در جذبه ی محبتی وی قرار گیرد دوست دارد عیناً همان ها را انجام دهد در حالی که امکان پذیر نیست. در چنین مواردی کودک باید الگوبرداری غیرعینی نماید.

(ب) الگوبرداری غیرعینی

الگوبرداری غیرعینی یعنی رفتار الگو به صورت عینی همانندسازی نمی شود، بلکه با در نظر گرفتن هدف و محتوای کلی آن رفتار، عمل الگو با شرایط فعلی کودک از قبیل ظرفیت ها، استعدادها و امکانات وی تطبیق داده شده و میل شدید کودک به تقلید، به سمت عملی مشابه جهت دهی می شود. مثلاً در مورد نمونه ای که در بخش قبل بیان شد، باید مربی نحوه ی صحیح الگوبرداری غیرعینی را برای کودک به خوبی تشریح کند با جملاتی مانند:

«شما بچه ها هم می توانید مثل آن جوان موفق باشید و همه دوستتون داشته باشند. اما چطوری؟ ما که راه جمکران را بلد نیستیم، اما می توانیم از پدرمان خواهش کنیم که هر موقع توانست ما را به آنجا ببرد. حتی می توانیم در خانه دور هم جمع بشیم و توسل به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیدا کنیم و با ایشان، حرف های خودمانی و دوستانه بزنیم چون صدای ما را می شنوند»

البته می توان از قالب پرسش و پاسخ و همچنین گفتگوی دوستانه دو طرفه بهره برد و مسیر گفتگو به گونه ای باشد که در نهایت خود کودک چنین نتایجی را درک و بیان کند.

لازم به ذکر است که؛ مربی و والدین از مقایسه الگو با کودک و بیان جملات تحقیرآمیز باید جداً پرهیز نمایند؛ مانند: «تو با آن جوان عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خیلی فرق داری، به هیچ وجه نمی توانی مثل او باشی، تو خیلی بچه ای و ضعیفی و اصلاً توان رفتن به جمکران را نداری و...»، زیرا افزون بر تحقیر او و پدید آمدن آثار زیان بار آن مانند ناامیدی، ممکن است از روی لجاجت یا به خاطر اثبات توانایی هایش دست به الگوبرداری عینی بزند. یعنی مثلاً تصمیم بگیرد از محله و شهر خود خارج شده و به تنهایی به جمکران برود.

گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی

اشاره

الگونمایی مهدوی برای کودک، کارکردها (۱) و فوائد زیادی دارد که به برخی از آن ها اشاره می گردد.

کارکردهای الگونمایی

۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا

۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر

۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار

۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت

۵. سوق دهی گرایش ها به مهدویت

۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی

۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف

۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا

این کارکرد مربوط به نقش آموزشی و خاصیت تعلیمی الگونمایی است. مقصود از کیفیت بالا، بهترین فرایند تعلیم و فراگیری است که غیرمستقیم، صحیح، عمیق، سریع، آسان و

ص: ۱۹۶

۱- کارکردها، مربوط به یادگیری مشاهده ای و روش الگویی عام بوده و اختصاص به آموزه های دینی و مهدوی ندارند ولی به دلیل بهره بری بیشتر از آن ها جهت تبیین اهمیت ارائه الگوی مهدوی، در قالب کارکردهای الگونمایی مهدوی بیان شده اند.

ماندگار باشد. با این توضیح که:

کودک با مشاهده حالت یا رفتار الگوی مهدوی، با همه ی جزئیات و ظرافت های اجرایی آن به طور صحیح و کامل آشنا می شود. افزون بر آن، به شرایط تحقق و تأثیرات آن رفتار بر دیگران و همچنین جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می برد. (۱) در الگونمایی مهدوی، نمونه ای عینی، محسوس و قابل تقلید، در برابر کودک که دارای گرایش ذاتی به الگوگیری است قرار می گیرد و او به طور غیرمستقیم (نه با روش کلامی و پند و اندرز

صریح) به سوی همسانی با آن پیش می رود. (۲) به همین خاطر این روش، تأثیرگذاری عمیقی در یادگیری و ارتقای کیفیت آن دارد. (۳) همچنین باعث آسان تر شدن و سرعت در آموزش و یادگیری در کمترین زمان ممکن، ماندگاری در ذهن و کاهش خطا در فراگیری می شود. (۴)

ارائه الگوهای مهدوی، به مثابه ی سرمشق برای آموزش و قطب نما برای پیمایش است که موجبات رهنمونی و روشننگری مسیر و مقصد رشد و تکامل کودک در جهت معرفت و یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می سازد. حال اگر تعلیم و تربیت کودک در جهت مذکور، صرفاً علمی باشد یعنی بدون نمایش سمبل ها، نمونه ها و مدل های مهدوی، آن ها در واقع راهنمایی هایی خشک، بی روح و منجمدی هستند که ثمره ای کم توجه و بس ناچیز دارند. (۵)

۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الکویدیر

وجود الگوهای مهدوی در محیط زندگی، کودک را نسبت به التزام به معارف مهدویّت متقاعد می سازد و انجام رفتارهای مهدوی را در نظر وی ممکن، شدنی و آسان می نماید. (۶) هنگامی که کودک به انجام استمرار کاری مثل صدقه روزانه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۱۹۷

۱- داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۶۲.

۲- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۰.

۳- باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، صص ۴۶-۴۷.

۴- محمدی مهر، علی اکبر، روش های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۵- واثقی، ق، امام، الگوی امت، صص ۵۲-۵۴.

۶- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۶۲.

توصیه می شود، در ابتدا ممکن است امتناع ورزد به خاطر ترس از این که نتواند انجام دهد و فکر می کند انجام آن برای او سخت و یا غیر ممکن است. حال اگر الگوی کامل آن رفتار را در شخصی مشاهده نماید به همراه موفقیت وی در همان رفتار، امکان عملی شدن آن رفتار به صورت عینی برای کودک اثبات، (۱) از سختی های آن کاسته و انجام آن کار در نظرش آسان تر جلوه می نماید. در نتیجه رغبت بیشتری به الگوبرداری از آن عمل به وجود می آید؛ به ویژه اگر با الگو احساس تناسب، هماهنگی و قرابت کند مانند گروه هم سال. (۲)

۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار

یکی از عوامل موفقیت کودک پیرامون صحت انجام رفتارهای مهدوی و به طور کلی پیمودن مسیر رشد در جهت مهدی باوری و مهدی یاوری، این است که بداند در چه مرحله و موقعیتی از راه است، (بداند چه مقدار از مسیر را پیموده و تا رسیدن به مقصد نهایی چه مقدار باقی مانده) خود را ارزیابی کرده، به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرد و سپس سعی در تقویت امور مثبت و تلاش در جهت جبران و اصلاح نقائص داشته باشد. در غیر این صورت، طبیعی است که در رشد نهایی و ایده آل مذکور، موفق نخواهد بود. کودک، برای دانستن موقعیت و ارزیابی خویش، نیاز به وجود ملاک ها و معیارهای صحیح آن مسیر دارد. برای تأمین این نیاز، الگونمایی (عینی) مهدوی که همان مشاهده و توجه به الگو است (در مقابل الگوی توصیفی- زبانی)، بهترین راه برای ارزیابی رفتار می باشد. در واقع الگوهای مهدوی که به منزله وسائل سنجشی همچون ترازو و ساعت و دماسنج هستند، همان معیار، شاخص و میزان سنجش رفتارهای کودک می باشند. مشاهده این الگوها، باعث درک میزان موفقیت، شناخت نارسایی ها و سنجش کمبودها، ایجاد تلاش و حرکت، (۳) و همچنین سبب مشخص شدن میزان دارایی های علمی و اخلاقی کودک

ص: ۱۹۸

۱- داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۶۲.

۲- حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳- واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۵۴.

می شوند. (۱) حال اگر او از آشنایی و مشاهده ی آن ها محروم بماند، چه بسا دچار خودبینی و بلندپروازی گشته و خود را بی عیب و نقص بداند. (۲) همچنین در تشخیص حالات و رفتارهای صحیح الگوی مهدوی، گرفتار سردرگمی و تحیر خواهد شد. (۳)

۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت

استحکام و خدشه ناپذیری معارف مهدویت در میان کودکان در گرو وجود تعالیم صحیح تردیدناپذیر و نمونه های عینی آن است. (۴) نمونه مجسم آن معارف، نقش مهمی نیز در ترویج آن در بین کودکان دارد زیرا آنان با مشاهده الگو، به مزایا و آثار مثبت رفتار وی

پی برده و این، سبب ترغیب و جذب و در ادامه تقلید از آن می شود. (۵) افزایش الگوبرداری ها، به تدریج به شیوع بیشتر رفتار الگو و در نتیجه به ترویج معارف مهدویت در میان کودکان می انجامد. افزون بر آن، هر کودک با انجام مستمر آن رفتار، خود، تبدیل به الگویی برای دیگر هم سالانش می شود البته در صورت دارا بودن شرایط الگوبودن و رعایت اصول الگونمایی.

شیوع و فراوانی الگوی مهدوی و رفتار وی، در جامعه و همچنین در میان جوامع کوچک کودکان، سبب اطمینان و یقین کودکان به صحت آن رفتار می گردد. این به خاطر طرز تفکر «کثرت و شهرت امری در جامعه دلیل بر صحت آن» است که در بیشتر جوامع شایع است. البته این عقیده، در معرض آسیبی همچون دوری از حق محوری است، امّا می توان از این باور پذیرفته شده اجتماعی با رعایت اصل آگاهی دهی و بصیرت افزایی، برای انتشار رفتارهای الگوی مهدوی استفاده کرد. افزون بر سه کارکرد فوق، برخی معتقدند الگوبدیر با مشاهده رشد چشم گیر الگو در سایه معارف دین، به حقایق مکتب و

ص: ۱۹۹

۱- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۷۵.

۲- واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۵۶.

۳- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۲۱.

۴- اقتباس از: عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۵- در حالی که تبلیغ کلامی آن معارف همچون سخنرانی چنین اثری نداشته چون کمتر در ذهن می ماند و ممکن است مزایای آن به خوبی روشن نشود و به مرحله عمل نرسد.

۵. سوق دهی گرایش ها به مهدویت

الگوی مهدوی، نقش حساسی در تحوّل، تغییر و جهت دهی تمایلات کودک نسبت به معارف مهدویت دارد. این جهت دهی، باعث تبدیل گرایش های نامطلوب به امیال پسندیده مطابق با الگو می شود؛ همچنین سبب تغییر رفتارها و حتی اندیشه ها و تصمیم ها نیز می گردد. (۲) گاهی آشنایی کودک با یک الگوی نمونه مهدوی، چنان تأثیری در احساسات، عواطف و باورهای وی می گذارد که حتی ممکن است جهت زندگی او را تغییر دهد، چون انسان طبق باورهای خود زندگی می کند.

الگونمایی مهدوی، یکی از بهترین روش های برانگیختن و تحریک عاطفی کودکان نسبت به انجام عمل متناسب با رفتار الگوی مهدوی است. با اجرای این روش، آن ها با رغبت درونی عمل مذکور را انجام می دهند که در این صورت رشد دهنده، دارای اثری مستمر و ماندگار خواهد بود. همچنین با بازشناسی محرک ها و نیازهای عاطفی طبیعی و اصیل روح کودک می توان هم سو و هم جهت با آن ها، گرایش ها و امیال وی را به آسانی تحریک، تغییر و جهت دهی نمود. این امر، اصلی است در تربیت که بر اساس خواست فطری انسان و وارد نمودن ضربه های تحریکی بر مراکز حرکتی روح او بنیان گرفته است. (۳) در این باره، نویسنده ی کتاب «امام، الگوی امت» به نکته ی مهمی اشاره نموده که خلاصه ی آن چنین است:

عده ی زیادی از کسانی که به انحراف کشیده شده اند ممکن است دلایل منطقی بر بطلان عقاید و اعمال خود شنیده اند، ولی گاه به جهت عدم ارضای برخی نیازهای اصیل روانی خویش و دلباختگی به معشوق ها و قهرمانان دروغین و الگوهای ناصالح، بدین واکنش روانی مبتلا شده اند. به همین خاطر جهت تغییر این گرایش ها، ناچار باید از همان طریقی اقدام کنیم که آن ها مبتلا گشتند. یعنی باید دید نیازهای عاطفی آن ها چه بوده که

ص: ۲۰۰

۱- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۲- همان، ص ۱۷۲.

۳- واثقی، ق، امام الگوی امت، ص ۱۰۱.

برای تأمین آن، به انحراف روی آورده اند و به آن علاقه مندند. سپس مظاهر تباهی هایی که در نظرشان دوست داشتنی و زیبا جلوه کرده است را از عظمت و پسند بیفکنیم تا هدف گرایش قدرت پرستی و پذیرفتگی اجتماعی آن نسل نگردد. این گونه، ریشه های انحراف بازشناسی شده و از پسندیدگی اجتماعی خارج می شود تا دیگر معیار و سرمشق نباشد. به دنبال آن تخریب و پاکسازی، باید عمل بازسازی و معرفی الگوهای صالح و شایسته را آغاز نماییم. (۱)

بنابراین، برای الگونمایی مهدوی لازم است امیال کودک از قبیل میل به ارتباط با دیگران و دوست یابی، حس قهرمان جویی و همانندی با او، میل به کمال جویی و بهترین بودن بازشناسی عمیق شود و هماهنگ با آن ها اقدام به معرفی و نمایش الگو گردد. کودک، به خاطر آنکه تابع میل و رغبت های آنی و زودگذر هستند، به سرعت اقدام به انتخاب فردی جذاب و برتر نموده و از او الگوبرداری می کنند. حال اگر مربیان دلسوز عرصه مهدویت، هم سو با این ویژگی های طبیعی دوره ی کودکی، اقدامی سریع جهت

معرفی الگوهای شایسته مهدوی نکنند، خطر جذب کودکان به سوی الگوهای ناشایست، تربیت آنان را تهدید می نماید.

۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و بویایی

اگر کودک ظرفیت و توانایی انجام رفتاری مورد رضایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل کمک به والدین را داشته و نسبت به انجام آن علاقه نشان دهد، ولی حالت ناامیدی، سستی و تنبلی حاکی از فقدان انگیزه کافی و نبودن تحرک درونی (جنب و جوش و حرکت فعالانه) داشته باشد، اراده ی او خاموش بوده و هرگز موفق به انجام آن رفتار نخواهد شد. یکی از عوامل رفع آن، آگاهی بخشی کودک نسبت به ظرفیت ها و استعدادهایش به همراه افزایش انگیزه و فعالیت در او است. بهترین روش برای چنین امری، نمایش الگوی رفتار مورد نظر است. زیرا الگو، عالی ترین عامل برای ایجاد حرکت و جنبش بوده (۲) که توانایی های کودک را همچون آینه به او نشان می دهد. مشاهده رفتار الگو و زیبایی هایش، موجب

ص: ۲۰۱

۱- همان، صص ۱۰۱-۱۰۴.

۲- همان، ص ۵۷.

ایجاد و تقویت گرایش و انگیزه اقدام به آن رفتار می شود. (۱) همچنین قوه های خام و آرمیده درون را به فعلیت در می آورد، استعداد های نهانی را شکوفا می سازد و از خمودگی و خفتگی جلوگیری می کند.

مثلاً- کودکی که شور و شوق ورزشی پُر جنب و جوش در او نهفته و با تماشای یک مسابقه ی مهیج فوتبال، آن چنان تحریک می شود که پس از اتمام آن، میل شدیدی برای انجام آن ورزش احساس می کند. انگیزه ی وصف ناپذیر او موجب می گردد تا اراده و تصمیمی محکم جهت انجام آن اتخاذ نماید، زیرا قهرمانان بازی، در روح و جانش نفوذ کرده و عشقش را تحریک نموده اند و چون خود محبوب مردم بودند حس پذیرفتگی اجتماعی اش را به حرکت در آورده اند. کودک فوراً تحت تأثیر قرار گرفته و در اثر میل به رنگ پذیری، تقلید می کند و تحرک درونی اش را آشکار می سازد و تا دیر نشده است می خواهد مانند او قهرمان باشد یا خود را قهرمان تصور کند و تا آنجا که نیرو دارد تلاش

کند. (۲) اگر آن قهرمان، از گروه هم سال باشد، این تحرک بیشتر خواهد بود.

البته امید است با الگونمایی مهدوی بتوان چنین حالتی را در کودک نسبت به معارف مهدوی ایجاد کرد. افزون بر کودکان، الگوها عامل تحرک برای بزرگ سالان و پویایی حیات می شوند و جامعه را از ایستایی و یا عقب گرد باز می دارند. (۳)

۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف

نمایش رفتار مهدوی با نمونه عینی، موجب پیش گیری از ایجاد و انتشار رفتارهای اشتباه می شود. تعالیم اسلامی نیز به اصل پیش گیری از انحرافات توجه داشته و در این راه، به ایجاد زمینه های سالم تربیتی و سالم سازی اجتماع اهتمام ویژه دارد. (۴) همچنین در

ص: ۲۰۲

۱- داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۶۲؛ محمدی مهر، علی اکبر، روش های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۲- واثقی، ق، امام، الگوی امت، صص ۵۷-۵۹.

۳- محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در قرآن، ص ۲۱.

۴- عباسی مقدّم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۲.

مباحث بهداشت روانی بر پیش‌گیری از اختلالات روانی پیش از درمان تأکید شده است. (۱) حضور اسوه‌ها و نمونه‌های مهدوی، زمینه‌ساز رشد و سلامت روح و روان افراد جامعه به ویژه کودکان می‌باشد (۲) و آن‌ها را از بیماری‌های اخلاقی و انحرافات دور می‌کند. همچنین باعث می‌شود از مبتلا شدن به انحراف و خطا مصون بماند. البته این مصونیت، نسبت به خطاهای ضروری و عمدی است نه خطاهای رفتاری معمول دوره کودکی. (۳) الگونمایی مهدوی، افزون بر پیشگیری و مصونیت، قابلیت مبارزه با انحرافات را نیز دارد، زیرا الگوهای مهدوی با حضور چشمگیر و مؤثر خود، می‌توانند جوّی از ایمان و عشق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جامعه پدید آورند که خود به خود، اجازه ظهور جلوه‌های تباہی و انحراف و همچنین جلوه‌های ناامیدی مقابل آن عشق را نمی‌دهد. (۴)

گفتار نهم: آسیب‌شناسی

اشاره

اگرچه روش الگونمایی به عنوان یک روش تربیتی موقّق جهت انتقال معارف مهدوی به کودکان مطرح شد و فوائد و مزایای بسیاری دارد، ولی ممکن است دست‌خوش آسیب‌ها و آفات گردد. بی‌توجهی و عدم رعایت هر یک از اصول و قواعد یادشده‌ی این روش، می‌تواند باعث پدید آمدن آسیب‌های مرتبط با همان اصل باشد. در این مجال، با در نظر گرفتن موضوع پژوهش حاضر، هر آسیب در فضای الگونمایی مهدوی به کودکان تبیین خواهد شد.

آسیب‌های احتمالی هنگام اجرای الگونمایی

۱. شخصیت‌گرایی

۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت

ص: ۲۰۳

۱- سیدعلی اکبر حسینی، مقاله «ملاحظات پیرامون روان‌شناسی و بهداشت روانی و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام»، به نقل از عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۱.

۲- اقتباس از: حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، ص ۹۷.

۳- نکته «خطاهای ضروری»، اقتباس از باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، ص ۳۵.

۴- واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۶۰.

۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو

۴. لغزش الگو

۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه الگویی

۱. شخصیت‌گرایی با آثار یا مصادیق مختلف

اشاره

شهید مطهری درباره این آسیب می‌گوید:

«عامل اصلی شخصیت‌زدگی و مُریدشدن، این است که آگاهی دهی نسبت به هدف از انجام جنبه الگویی و همچنین معیار، حد صلاحیت و محدوده‌ی شایستگی‌های الگو به خوبی انجام‌نگیرد و کودک الگوپذیر اطلاعات کافی نسبت به آن‌ها نداشته باشد و یا اینکه آگاهی‌های مذکور در معرض غفلت و فراموشی قرار بگیرند.» (۱)

زمانی که کودک، گرایش و میل شدید به یک شخص پیدا کند به گونه‌ای که وابستگی کامل فکری، عاطفی و رفتاری نسبت به او پدید آید در معرض این آسیب قرار می‌گیرد. هر چه محبوبیت و مقبولیت آن شخص نزد کودک بیشتر باشد، میزان وابستگی و الگوبرداری از او نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه همیشه ذهنش متوجه دریافت‌های ادراکی از اوست، عشق و علاقه‌ی شدیدی نسبت به او دارد، رفتارهای درونی مثل تصمیم و اراده‌اش

تسخیر وی شده و همچنین از همه رفتارهای او با تمامی جزئیاتش خواسته و آگاهانه تقلید و یا ناآگاهانه همانندسازی می‌کند. به عبارت دیگر، او یک مقلد صرف و دنباله‌رو مطلق (بدون اندیشه، اراده و قدرت انتخاب) خواهد بود. این نوع تقلید، غالباً از نوع ناآگاهانه و یا نیمه آگاهانه است.

شخصیت‌گرایی به شکل‌های مختلف در مصادیق ظاهر می‌شود که به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد.

الف) فراموشی معیار و هدف در غیاب الگو

وابستگی به الگو در کودکان بسیار سریع‌تر و شدیدتر از بزرگسالان اتفاق می‌افتد. به

ص: ۲۰۴

۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، بخش اول؛ انسان و ایمان، ص ۶۹.

همین خاطر، در هنگام تربیت کودک از طریق الگونمایی مهدوی نباید او را متکی به حضور، مراقبت و مشاهده الگو کنیم. چون در صورت وابستگی و اتکاء در هنگام جدایی یا عدم مشاهده الگو، رفتار تقلید شده فراموش گردیده و در عمل ترک می شود. همچنین اگر قصد اصلاح رفتار اتفاقی یا ترک عادت زشتی را داشته ایم با غیاب الگو، خطر بازگشت آن رفتار، تربیت کودک را تهدید می کند.

مثلاً اگر رفتاری از الگوی مهدوی را صرفاً به کودک نشان داده و به انجام آن ترغیب و تشویق نماییم بدون اینکه هدفی مشخص برای انجام آن بیان کنیم، ممکن است او تا مدت کوتاهی راغب به انجام آن باشد، ولی در بلندمدت و با رشد نیروی تفکر، به دنبال هدف و دلیل انجام آن بر می آید. از آنجا که ذهنش خالی از اطلاعات مرتبط با هدف است، آن رفتار را ترک و یا با بی میلی انجام می دهد. بارها مشاهده شده که کودک برخی کارهای مذهبی و مرتبط با آموزه های مهدوی را بر حسب عادت خانوادگی انجام می داده، ولی در سنین بالاتر ترک کرده است؛ زیرا یا دلیل و هدفی از انجام آن برایش گفته نشده یا اینکه خوب تبیین نشده و یا این که دلایل و اهداف بیان شده متناسب با سن کودک در هنگام مشاهده رفتار الگو بوده است و همگام با رشد شناختی و ذهنی وی، تغییر و تحوّل در نوع اهداف و شیوه بیان آن صورت نگرفته است.

بنابراین باید تلاش کرد از ابتدای معرفی الگو و از آغاز مشاهده و آشنایی کودک با الگوی مهدوی، معیارهای الگو و اهداف آن به خوبی تبیین شود. در واقع با این کار، نوعی مصونیت الگوپذیر در هنگام غیبت الگو ایجاد می شود.

افزون بر کودکان، در سطح افراد جامعه نیز وابستگی فکری و عملی آنان به رهبر و الگوی خود و پیروی از او باعث می شود با غیبت یا مرگ رهبر همه ی ارزش ها به بوته ی فراموشی سپرده شود. (۱) در قرآن کریم نمونه ی این نوع شخصیت گرایی در داستان سامری از قوم بنی اسرائیل ذکر شده است. با وجود این که حضرت موسی به عنوان رهبر و الگویی شایسته، کارهایی ارزنده همچون رهایی بنی اسرائیل از چنگ فرعونیان و نجات از دریا انجام داده بود، ولی به خاطر عدم تثبیت روح ایمان و عبودیت در اعماق وجودشان،

ص: ۲۰۵

همانند کودکانی بودند که هر لحظه نیازمند حضور الگو، راهنما و پدری مراقب مثل موسی بودند تا از خطرات محفوظ بمانند. از این رو، به محض غیبت چند روزه ی موسی، گویی همه ی ارزش ها، سفارشات و اعتقادات توحیدی او را فراموش کردند و فرد فرصت طلبی همچون سامری توانست گوساله ای را به عنوان خدای موسی به آن جماعت قالب کند. بنی اسرائیل چنان لجوجانه به آن چسبیده بودند که منطق نیرومند و دلانگیز روشن هارون در آن ها مؤثر نیفتاد. (۱) قرآن سخن آنان را چنین نقل می نماید:

«گفتند ما هم چنان گرد آن می گردیم (به پرستش این گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد». (۲)

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت؛

«یکی از وظایف مهم رهبران راستین (و مسئولین جامعه) آن است که معیارها را از خویش به جامعه منتقل کنند. بدون شک، این امر مهم نیاز به گذشت زمان دارد ولی باید کوشید که این زمان هر چه ممکن است کوتاه تر شود». (۳)

ب) الگوبرداری کورکورانه و بی دلیل

کودکان به طور طبیعی تا حدود سه سالگی در الگوبرداری خویش به هیچ وجه طالب دانستن هدف و دلیل نیستند و این امر، آسیبی برای آن ها محسوب نمی شود. اما با افزایش سن، ظرفیت شناختی آنان وسعت پیدا می کند و برای انجام هر کار به دنبال دلیل هستند. اگر والدین از این دلیل خواهی طبیعی غافل باشند بدین صورت که در هنگام توصیه به تقلید، دلیلی بیان نکنند و یا پاسخگوی پرسش های دلیل خواهانه نباشند شخصیت کودک

بر مبنای تقلید و تبعیت کورکورانه شکل می گیرد. یعنی یاد می گیرد عملی را صرفاً به خاطر تبعیت از دیگران انجام دهد و هیچ گاه پیرامون دلیل و هدف آن فکر نکند.

«با توجه به این که اغلب افرادی که به عنوان الگو مورد تقلید قرار می گیرند ویژگی های مطلوب و خصوصیات نرمال الگوبودن را ندارند، تبعیت و تقلید (کورکورانه) از آنان موجب بی هویتی و انحطاط مقلدان، می شود». (۴)

قرآن کریم این آسیب را گوش زد نموده و ما را دعوت به استقلال فکری می کند و

ص: ۲۰۶

۱- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

۲- «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»؛ (سوره طه: آیه ۹۱).

۳- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷۷.

۴- بنکدار، هدی، نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی، فصل نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، ش ۱، صص ۸۱-۸۲.

پیروی های کورکورانه از اکابر و شخصیت ها را موجب شقاوت ابدی می داند. (۱) مانند این آیه که به نقل سخن گمراهان در قیامت می پردازد: «...پروردگارا، ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و (در نتیجه) ما را گمراه ساختند». (۲) همچنین در آیاتی دیگر، خداوند سخن آنان که دین توحیدی را قبول نکرده اند به خاطر تبعیت از دین و منش آباء و اجداد خود، چنین نقل می نماید که مدّمت و توبیخ از متن و سیاق آن فهمیده می شود:

«و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندازکننده ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم. (پیامبرشان) گفت: آیا اگر من آئینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می کنید)؟ گفتند: (آری) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم. به همین جهت از آن ها انتقام گرفتیم، بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود». (۳)

«و هنگامی که به آن ها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید، می گویند: «آن چه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است. آیا اگر پدران آن ها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آن ها پیروی می کنند)؟!» (۴)

البته آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. (۵)

ج) گرفتار شدن به دو گونه مغالطه الگویی

اشاره

مغالطه الگویی یعنی کودک در جنبه هایی که نباید تقلید کند، به اشتباه فکر می کند باید الگوبرداری نماید. این امر ناشی از تعمیم بخشی نادرست جنبه الگویی و همچنین بی توجهی به محدوده ی شایستگی های هر یک از آن ها پیش می آید. به عبارت دیگر، حدّ و مرز صلاحیت الگوها برای تقلید به خوبی شناخته نشده اند.

یکی از مصادیق مغالطه الگویی، تقلید و تبعیت از الگو در غیر جنبه ی الگویی است.

ص: ۲۰۷

۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، بخش اول؛ انسان و ایمان، ص ۶۹.

۲- «و قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا»؛ (سوره احزاب: آیه ۶۷).

۳- (سوره زخرف: آیه ۲۳-۲۵): «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»، «قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»، «فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

۴- «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ»؛ (سوره مائده: آیه ۱۰۴).

۵- ر.ک: سوره های اعراف: آیه ۲۸، یونس: آیات ۵۳-۵۴، انبیاء: آیه ۷۴، شعراء: آیه ۲۱، لقمان: آیات ۲۳-۲۴.

تعبیر دیگری هم برای این آسیب ذکر گردیده از قبیل «اشتباه در حدّ و مرز الگوپذیری» و «اشتباه در محدوده ی شایستگی های الگوها». این اشتباه، زمانی رخ می دهد که شخصی واقعاً فقط در زمینه ای خاص صاحب نظر و الگو باشد، ولی در سایر زمینه ها نیز الگو پنداشته و حتی تصوّر شود که عقیده و سیره ی او در همه ی زمینه ها معتبر است. غافل از این که قبول برتری مسلّم (یا نامسلّم) فردی در زمینه ای معین، نباید سبب شود بپنداریم آن شخص در زمینه های دیگر نیز شایستگی دارد. حاصل چنین پنداشتی در کودک آن است که او در زمینه هایی غیر از جنبه الگویی از الگو تقلید کند و در برخی موارد پا را فراتر گذاشته و وی را یک الگوی تمام عیار شمرد و در تمام ابعاد از او پیروی کند.

یکی دیگر از مصادیق مغالطه الگویی، آن است که کودک فردی را صرفاً به دلیل آن که در زمینه ای خاص، کاردان نیست، لایق الگو بودن در هیچ قلمرویی نداند. بنابراین باید تلاش کرد الگوی مهدوی حدّا کثر در همان جنبه ای که نمونه است، به عنوان الگو معرفی و الگو برداری شود. در دنیای امروز، معرفی پر رنگ الگو های تک جنبه ای رواج فراوانی یافته است. مثلاً از طریق رسانه ها، یک ورزشکار یا بازیگر موفق آن قدر بزرگ نشان داده می شود که گویا تمام خصلت های یک انسان کامل در او جمع شده و به کمال مطلوب دست یافته است. حال آن که باید در حدّ صلاحیتشان معرفی شوند. مثلاً یک قهرمان وزنه برداری تنها در یک جنبه ی نیرومندی عضلات در اثر تمرین همیشگی نمونه شده است. (۱)

خصوصیات زمینه ساز مغالطه الگویی در کودک

اشاره

اکثر الگو برداری های کودکان، از نوع تقلید همه جانبه از الگوهای تک بُعدی و غیر جامع است. پس اگر به خاطر ویژگی خاصی شیفته ی فردی شد، به طور طبیعی سعی می کند در همه چیز اعم از افکار، اخلاق، رفتار و حتی نوع سخن گفتن نیز نسبت به او

ص: ۲۰۸

۱- توضیح: «مغالطه الگویی» برگرفته از مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۵۱ و مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۹ و مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص ۲۴۸ و حجّتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، بخش ۲، ص ۱۳۷.

همانندسازی کند. خاستگاه این حالت، برخی ویژگی‌های دوره کودکی است.

خصوصیات زمینه ساز یا خاستگاه‌های مغالطه‌الگویی در کودک

(۱) محدودیت ظرفیت شناختی.

(۲) ناتوانی در تجزیه و تحلیل.

(۳) انعطاف فکری و زودباری. (۱)

(۴) تصوّر خوب و بد مطلق.

(۵) شیفتگی و دل‌بستگی سریع به محبوب خود.

(۶) خوش بینی بیش از حد به محبوب.

(۷) قبول همه جانبه محبوب.

در این جا برخی از ویژگی‌های مذکور با نمونه کاربردی تبیین می‌گردد.

یک) محدودیت ظرفیت شناختی و ناتوانی در تجزیه و تحلیل

مثالی برای تأثیر این ویژگی بر الگوبرداری در سنین کودکی بیان می‌شود که در آن، قبلاً مادر به عنوان الگوی مهدوی به کودک معرفی شده است. جنبه الگویی او مواردی از قبیل عطف، مهربانی، یاری‌رسانی و احساس مسئولیت نسبت به دیگران و همچنین استمرار یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

مثال: مادر در آشپزخانه مشغول تهیه و طبخ غذا است که ناگهان صدای دعای «اللهم کن لولیک...» را می‌شنود و متوجه رسیدن وقت اذان ظهر می‌شود. با ناراحتی آهی می‌کشد و می‌گوید: وای، باز صدای دعای اللهم کن لولیک... آمد، اذان شده و کارهایم هنوز تمام نشده است»

کودک که نظاره‌گر این صحنه بوده تصوّر می‌کند همه یا بخشی از ناراحتی مادر به خاطر شنیدن صدای دعا، اذان و رسیدن وقت ادای نماز است در حالی که ناراحتی مذکور به خاطر عدم اتمام کارهای منزل تا وقتی خاص بوده است. پس کودک از هر آنچه که مرتبط

ص: ۲۰۹

۱- جهت توضیح سه مورد اول ر.ک: فصل دوم، گفتار دوم، ویژگی (۷) حیطه شناختی کودک، صص ۵۷-۵۸.

و همزمان با بُروز ناراحتی مادر (اعمّ از گفتار، حالت و رفتار) مشاهده و ادراک کرده انزجار پیدا می کند، زیرا ارزیابی و تجزیه و تحلیل صحیح از آن موقعیت نداشته است؛ چون قدرت تصوّر همه ی داده ها به طور همزمان را ندارد و به روابط عینی و قانون علّیت پایبند نیست.

دو) خوش بینی زیاد، تصوّر خوب و بد مطلق

کودکان بر اساس فطرت پاکی که دارند به همه چیز و همه کس خوش بینند و حسن ظن دارند. به سختی باور می کنند که شخصی برجسته (الگو) هم کارهای خوب انجام دهد و هم کارهای بد. عالمی که در نظر کودک وجود دارد شامل دو بخش خوب و بد است، یعنی اشخاص و اشیاء در ترازوی کودکان آن ها، یا در کفه خوبی هاست و یا در کفه بدی ها. به همین خاطر است که بارها سؤال می کند؛ «فلانی که آدم خوبی بود چرا فلان کار را کرد؟» بزرگترها می توانند یک ویژگی و یا صفت فردی را تمجید و صفت دیگر او را تقیح کنند. ولی اگر کودکان ویژگی کسی در نظرشان خوب جلوه کند و خوششان بیاید، نمی توانند او را مجزاً از بدی هایش تصوّر کنند.

۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت

در جامعه، عقیده یا رفتارهایی وجود دارد که از قدیم مرسوم بوده و رواج بسیاری یافته و حتّی به صورت فرهنگ درآمده است. غالب مردم، در عقیده و عملی خاص، از اکثریت پیروی می کنند بدون این که بررسی کنند آیا حق، صحیح و منطقی است یا نه؟

«هم نوایی و هم صدایی با یک رأی و عقیده که بیشترین طرف دار را دارد، بدون در نظر گرفتن این که آن عقیده، حق یا باطل است، از آفات مهمّ تقلید است.» (۱)

«هم نوایی یعنی تغییر در رفتار یا باورهای فرد در نتیجه ی فشار غیرمستقیم عامل نفوذ است که در مباحث کنترل اجتماعی آن عامل فشار و نفوذ، گروه یا جامعه قرار می گیرد.» (۲)

علّت چنین هم نوایی ممکن است این باشد که شخص برای حفظ و ابقای ارتباطات موّدت آمیز خود با دیگران و یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که

ص: ۲۱۰

۱- مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۵۷.

۲- سلیمی، علی و داوری، محمّد، جامعه شناسی کج روی، ص ۵۷۱.

خلاف حق و حقیقت است، قبول نموده و پذیرا شود. (۱) چنان چه در قرآن هم به این علت صراحتاً اشاره شده است:

«(ابراهیم) گفت: شما غیر از خدا، بت هایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه ی (برای) دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می جوئید...» (۲)

از کلام حضرت علی علیه السلام که فرمودند:

«ای مردم، در طریق هدایت و حق، از کم بودن پیروان، هراس به خود راه ندهید» (۳) می توان فهمید که مهم ترین دلیل هم نوایی مذکور، شیفتگی نسبت به اکثریت و وحشت از تنهایی و ماندن در اقلیت است که برخی روان شناسان اسلامی هم به این مورد اشاره کرده اند. (۴) کودکان که حساس ترین عضو تأثیرپذیر جامعه اند و ظرفیت شناختی آنان محدود است، بیشتر از دیگران در معرض خصلت الگوبرداری از رفتار نهادینه شده در جامعه هستند و غالباً از عقیده ی اکثریت تبعیت می کنند. یکی از نشانه های بارز آن، هم نوایی کودکان با گروه هم سال خود در فضاهای آموزشی کودکانه و یا در جمع های خانوادگی است به ویژه روز اول آشنایی. به عبارت دیگر، کودک همین که می بیند عده ی زیادی از هم سن و سالانش کاری را انجام می دهند حکم به صحت آن می کند. بر این اساس، برای رفع این آسیب شایسته است به سه نکته زیر توجه شود.

اولاً، زمینه ی دوستی و معاشرت کودک را با کسانی که می توانند به عنوان الگوی مهدوی نقش ایفا کنند فراهم نماییم.

ثانیاً، در جمع های کودکانه نقش نظارتی غیرمستقیم داشته باشیم.

ثالثاً، او را با این واقعیت آشنا کنیم که ملاک و معیار درستی یک عقیده یا عمل، حق بودن است که مصداق کامل و اصلی آن، اموری است که مورد رضایت خداوند متعال

ص: ۲۱۱

۱- مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص ۲۴۸.

۲- «وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ لِيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»؛ (سوره عنکبوت: آیه ۲۵).

۳- «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلِّهِ أَهْلُهُ...»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱، ص ۳۱۹).

۴- کاویانی، محمد، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۶.

۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو و آثار آن

اشاره

در اصل سوّم از اصول روش الگویی بیان شد که باید بین رفتار الگو و سه مورد، هماهنگی باشد. آن سه عبارتند از: گفتار الگو، رفتارهای دیگر الگو در موقعیت های مشابه و همچنین با گفتار و رفتار الگوهای دیگر. این هماهنگی تأثیر زیادی در فهم و قبول کودکان نسبت به افکار، عواطف و رفتار دیگران به ویژه الگوها دارد، زیرا کودکی، دوره ای است که هر گونه و هر بار مشاهده ی محیط اطراف، به منزله ی کلاس آموزشی غیرمستقیم است. همچنین دوره ی ادراک ها و دریافت های صادقانه، هم دلانه، خالصانه و ماندگار می باشد. حال اگر هر یک از هماهنگی های مذکور، در نظر کودک، کم رنگ و یا تبدیل به ناهماهنگی شود اولاً، فرآیند آموزش صحیح رفتاری خاص مختل می شود و ثانیاً، روند الگوگیری از آن رفتار تضعیف و یا حتی متوقف می گردد.

باید توجه داشت که کودک در هنگام مواجه شدن با تعارض بین رفتار و گفتار الگوی مهدوی، سؤالاتی مهم در ذهنش نقش می بندد مانند «چرا به آنچه خود می گوید و یا حتی دیگران را به آن سفارش می نماید، عمل نمی کند؟» در هنگام مشاهده ی اختلاف رفتارهای الگو در موقعیت های مشابه با موضوع و مسأله ی واحد نیز می پرسد «چرا او، امروز چنین کاری انجام می دهد درحالی که هفته ی پیش کاری دیگر کرد؟» همچنین در زمان مشاهده ی ناهماهنگی و یا حتی تضاد بین الگوها، سؤالش این است: «چرا رفتارها این قدر با هم فرق دارند و بالاخره کدام یک درست است؟» بسیاری از کودکان نمی توانند سؤالات و مطالب یادشده را به صورت استدلالی و محکم مطرح کنند. به همین خاطر، با عباراتی کودکانه بیان می کنند یا در برابر امر به تقلید مخالفت نشان می دهند. غالباً والدین و دیگر الگوها، پاسخ های کوتاه، مبهم و دلیل تراشانه می دهند و متوجه نیستند که ذهن و فطرت پاک کودک، به نادرستی آن پی خواهد بُرد.

الف) تردید

اولین اثری که پیش می آید، تردید در صحت سخن و درستی رفتار اوست. اگر همه ی الگوها به یک اندازه نزد کودک محبوبیت و مقبولیت داشته باشند پس از تردید، دچار حیرت و سرگردانی می شود. (۱) چون او به خاطر جهل نسبت به معیارهای عمل، قدرت تشخیص واقعی صحت یک رفتار را ندارد.

ب) قضاوت نابجای کودکان

دومین اثری که نمایان می شود، قضاوت های کودکانه است. کودک به طور ناخواسته در معرض داوری و قضاوت های کودکانه قرار می گیرد و یکی از دو طرف متضاد و متناقض را انتخاب می کند. البته چون داوری او واقعی و صحیح نیست، گفته اند: «کودک، داور نیست که بخواهد عمل کردهای الگوهای بزرگسال همچون پدر، مادر و معلم را داوری کند. بنابراین، هرگز نباید چنین موقعیت تناقض آمیزی برای او ایجاد شود». (۲) انتخاب رفتار یکی از الگوها با پشتوانه های فکری کودکانه نیز، آسیب های خاص خود را دارد.

ج) کاهش محبوبیت الگو

سومین اثر ناهماهنگی رفتار الگو، کاهش محبوبیت الگو نزد کودک الگوپذیر و تهدید بهداشت روانی اوست. بهداشت روانی، یکی از اساسی ترین نیازهای روانی کودکان است و یکی از مواردی که تأمین کننده آن می باشد تعادل عاطفی، اطمینان و امتیث خاطر است. ناهماهنگی و ناهمانندی رفتاری الگو، موجب بی ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارض های روانی می شود. (۳)

ص: ۲۱۳

۱- داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

۲- افروز، غلام علی، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، صص ۶۱-۶۸.

۳- مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۶۲.

چهارمین اثر ناهماهنگی، بی اعتمادی یا کم اعتمادی یا کودک نسبت به الگو و صحت رفتار اوست. چون تعارض های رفتاری، حساسیت او نسبت به رفتارهای الگو را تضعیف و در نهایت نابود می کند و موجب بی توجهی و بی تفاوتی او نسبت به رفتار الگو می شود و در نتیجه سبب می گردد از آن الگوگیری نکند. (۱) این بی اعتمادی، بیشتر در موارد تعارض رفتار و گفتار الگو نمایان می شود. بنابراین، دوگانگی الگوها، باعث بی اعتمادی الگوپذیر نسبت به همه ی ارزش ها می گردد، به طوری که هر جا مصلحت خویش بیابد، از همان پیروی می کند. (۲)

(ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا

پنجمین اثر ناهماهنگی، پرورش روحیه ی برخی صفات بد اخلاقی همچون نفاق، دورویی، خودخواهی (۳) و ریا (۴) است. وقتی کودک می بیند که یک الگو، پیرامون رفتارهای مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می گوید، ولی رفتارش به گونه ای دیگر است، ناخودآگاه یاد می گیرد که می توان چیزی گفت و به آن عمل نکرد.

به طور کلی امور یادشده (تردید، حیرت، دآوری کودکانه، کاهش محبوبیت، دوگانگی احساس و تعارض های روانی، بی اعتمادی، بی تفاوتی، نفاق و خودخواهی) باعث وقفه در الگوگیری می گردد. شایسته است که در هنگام تعارض بین رفتار الگوها، رفتار صحیح را معرفی نماییم. لازم به ذکر است که گاهی از منظر مشاهدات کودکانه، تعارض رفتاری الگو وجود دارد در حالی که واقعاً منافاتی بین آن ها نیست، بلکه گاهی به خاطر اختلاف در موقعیت است. در این صورت باید با زبان قابل فهم برای کودکان، شرایط و موقعیت های مختلف رفتار الگو را توضیح داد تا به علت هر کدام در شرایط خاص خود پی ببرند. در برخی موارد اختلاف رفتاری، جزئی و مربوط به اختلاف سلیقه است که باید

ص: ۲۱۴

۱- داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

۲- قائمی مقدم، محمدرضا، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شهریور ۱۳۸۲، ش ۶۹، ص ۳۴.

۳- همان.

۴- داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

آن را به خوبی تبیین نماییم و کودک را در انتخاب آزاد گذاریم، ولی از راهنمایی سازنده محرومش نکنیم.

آثار ناهماهنگی رفتار الگو

الف) تردید

ب) قضاوت نابجای کودکانه

ج) کاهش محبوبیت الگو

د) بی اعتمادی یا کاهش اعتماد

ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا

۴. لغزش الگو

الگوها و قهرمانان، همچون لوکوموتیوهایی هستند که به هر کجا گذر کنند، واگن های عظیم اجتماع انسانی را به دنبال خویش می کشانند. (۱) بر این اساس، اگر الگو دچار لغزش و انحراف از مسیر صحیح شود سبب گمراهی و لغزش الگوپذیر می گردد. در این صورت به لحاظ تربیتی ادامه دادن الگوگیری از او اشتباه بوده و تأثیرات نامطلوبی بر کودک الگوپذیر می گذارد. آسیب این لغزش، زمانی بیشتر و مخرب تر است که در همان زمینه ای باشد که الگو به خاطر آن انتخاب شده و مورد الگوگیری قرار گرفته است، یعنی انحراف در جنبه ی الگویی. این آفت، مهم ترین عامل تضعیف کننده ی هماهنگی و تفاهم میان الگو و الگوپذیر است. (۲)

بنابراین، لازم است الگوهای معرفی و نسبت به آن ها ترغیب و تشویق شود که خطر چنین انحرافی را نداشته باشند. البته باید کودکان را با این واقعیت آشنا کرد که تنها الگوهایی که هیچ گاه دچار انحراف و لغزش نمی شوند فقط معصومین علیهم السلام هستند و بقیه ی انسان ها ممکن است در طول زندگی خود اشتباهاتی انجام دهند.

ص: ۲۱۵

۱- واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۶۸.

۲- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۲۵۲.

«انتخاب اسوه بدین بستگی دارد که اسوه پذیر، کمال را در چه چیزی بداند. کسی که کمال انسان را در ثروتمندی می‌پندارد، مسلماً ثروتمندان را الگوی خود می‌انگارد و در رفتار به ایشان می‌گراید و از سوی دیگر فقرا و مستمندان را به سبب فقر و مسکنتشان در

خور توجه نمی‌داند؛ از آنان می‌گریزد و سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند شبیه شان نباشد».^(۱)

گاه ممکن است کودک الگویی را با میل و رغبت درونی پذیرفته باشد، ولی در تشخیص مصداق کمال در قالب عنوانی مهدوی دچار اشتباه شود. مثلاً کودکی دیگر به عنوان الگوی عاطفی معرفی و مورد تشویق قرار می‌گیرد. مرتب می‌گویند: «او امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را واقعاً و از ته دل دوست دارد». الگوپذیر که آرزو دارد او هم مورد تمجید و تشویق قرار گیرد، به دقت در حالات، اعمال و رفتار الگو می‌نگرد تا حالت و رفتاری که باعث توجه دیگران شده را بیابد و همانندسازی کند. حال اگر به اشتباه رفتار یا حالتی را انتخاب کرد که ربطی به کمال اصلی الگو نداشته و یا حتی بد و آسیب‌زا باشد، مسیر الگوپذیری ادامه پیدا می‌کند، ولی به مقصد نخواهد رسید. به همین دلیل است که غالباً در وقت مؤاخذه شدن کودکان این جملات را می‌شنویم: «برادرم هم همین کار را کرده بود، پس چرا اون را دعوا نکردید، دوستم همین کار من را انجام داد، پس چرا به من جایزه ندادید و...»

بنابراین اگر الگوهای مهدوی در برابر دیدگان کودکان کودک قرار دادیم حتماً باید مصداق کمال‌هایی که به خاطر آن‌ها معرفی شده‌اند خوب و دقیق تبیین شوند. تا آن‌جا که امکان دارد از عناوین کلی کمتر استفاده شود و جهت تبیین هر عنوان کلی مطرح شده، مثال‌ها و مصادیق رفتاری محسوس بیان گردد.

ص: ۲۱۶

این پژوهش، به هیچ وجه با مدّعیان بازنمود همه ی جنبه های موضوع به نگارش درنیامده و تنها هدف نگارنده اش در وهله ی نخست، در میان گذاردن آن با صاحب نظران این پهنه ی مطالعاتی است به قصد سنجش یافته ها و دیدگاهش، و آنگاه گامی دیگر در مطالعات مهدویت. در این پژوهش، تنها دو روش تربیتی، دو شیوه کلی اجرایی و پنج قالب مورد بررسی قرار گرفت. به پژوهشگران عرصه انتقال و نهادینه سازی معارف مهدویت در کودکان پیشنهاد می گردد که پیرامون روش های دیگر مانند «اعطای بینش»، «دعوت»، «حفظ عمل»، «تشویق و تنبیه»، «فریضه سازی»، «محاسبه نفس»، «زمینه سازی»، «تغییر موقعیت»، «مواجهه با نتایج اعمال» و «عبرت آموزی» به تحقیق پردازند.

همچنین پیرامون شیوه های اجرایی کلی دیگر نظیر جابجایی «نقش مربی و کودک»، «ایجاد فرصت تأمل»، «ایجاد تردید در امور منفی»، «نشان دادن آثار و زیبایی ها و جذّابیت ها در زندگی کودک»، «درخواست راهنمایی و مشاوره»، «زمینه سازی ارتباط و معاشرت با خانواده و گروه همسال مهدوی»، «بهره بری از گرایش کودک به گفتگو»، «استفاده از حس کنجکاوی»، «خودافشایی والدین و مربی».

افزون بر آن، درباره قالب های دیگر مانند «مسابقه»، «مباحثه»، «گردش علمی یا فعالیت تجربی»، «تصویر سازی»، «تشبیهی و تمثیلی». چون این قلم، بر دوش کشیدن بار گران تبیین همه روش ها و قالب های نهادینه سازی آموزه مهدویت برای کودکان را نمی تواند، دامنه نگارش را بیش از این نگستراند. امید نگارنده نیز آن که در روزگاری نه چندان دور، سرانجام در بررسی های دیگر محققان ابعاد دیگر این مسئله، به شکلی روشمند و از چشم اندازهای گوناگون مورد مذاقه قرار گیرد.

نمایاندن موضوعاتی از این دست، در فرجام این نوشته، سودمند است:

- ۱) بایسته ها و شیوه های پاسخ گویی به سؤالات مهدوی کودکان؛
- ۲) آسیب شناسی انتقال معارف مهدوی به کودکان در جامعه معاصر؛
- ۳) سبک شناسی تبیین و تبلیغ آموزه مهدویت برای مخاطب کودک؛
- ۴) نقش خانواده در رشد و شکوفایی مهدوی باوری فرزندان؛
- ۵) جایگاه شناسی تربیت کودک در جامعه منتظر؛
- ۶) بازشناسی باورهای مهدوی در میان دانش آموزان مقطع ابتدایی؛
- ۷) بررسی نقش آموزه های مهدوی در تربیت اخلاقی و معنوی کودکان؛
- ۸) بررسی میزان تأثیر فرهنگ مهدویت و اعتقاد به آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی؛
- ۹) تحلیل آموزه های اخلاقی و تربیتی در روایات و ادعیه مهدوی؛
- ۱۰) بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی پابندی کودکان به ارزش های مهدوی.

کتاب عربی و فارسی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه صبحی صالح.
۳. صحیفه سجادیّه.
۴. آمدی، عبدالواحد ابن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۵. آلن مارت، جی، روان شناسی تقلید، ترجمه سیامک مهجور، انتشارات راهگشا، تهران، ۱۳۷۱.
۶. آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، آگه، تهران، ۱۳۸۱ش.
۷. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه ی تربیت، چ ۱۰، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۶ش.
۸. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، چ ۲، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳ و ۵ و ۱۴، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّه لثمره المهجه، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵.
۱۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، تحقیق طاهر احمد الزاودی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ش.
۱۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۳. ابوطالبی، مهدی، تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۳ش.
۱۴. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، جلد ۱، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۵. اسماعیلی و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، چاپ دوم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، قم، ۱۳۹۲ش.
۱۶. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، چ ۲، سخن، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۷. اعرافی، علی رضا، درآمدی بر فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۸. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، چ ۲، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸ش.

۱۹. افروز، غلام علی، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، چ ۲، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. بالادستیان، محمّد امین و دیگران، نگین آفرینش (درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت)، جلد ۱، چ ۵۹، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، چ ۹، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. بارو، ربین و رونالد، وودز، در آمدی بر فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فاطمه زیباکلام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ ۴، مدرسه، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. -----، چستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست)، تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، راهگشا، شیراز، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. بی‌ریا، ناصر و دیگران، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، جلد ۱، سمت، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. بهشتی، محمّد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۵؛ چ ۲، فیض کاشانی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. بهبودی، محمّد باقر، گزیده کافی، چاپ اول، مرکز انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۳ ش.
۲۹. بستانی، محمود، اسلام و روان شناسی (الاسلام و علم النفس)، ترجمه محمود هوشیم، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری کاردان، علی محمّد و دیگران، در آمدی بر تعلیم تربیت اسلامی (۱)؛ فلسفه تعلیم و تربیت، جلد ۱، چ ۱۰، سمت، تهران، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۳۱. پارسا، محمّد، روان شناسی رشد کودک و نوجوان، بعثت، تهران، بهار ۱۳۶۷ ش.
۳۲. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، (گفتارهایی در فرهنگ و تمدن)، پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. تاسی، هنری، تئوری های سازمان، ترجمه علی پارسائیان، ترمه، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۳۴. جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، چ ۲، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، قم، ۱۳۹۲ ش.
۳۵. جمعی از نویسندگان؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ ش.

۳۶. جمعی از نویسندگان، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۲، چ ۴، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، قم، ۱۳۸۸ش.
۳۷. جان بزرگی، مسعود و دیگران، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون به کودکان، انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۸۷ش.
۳۸. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، جلد ۴، چ ۴، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۹. حیدری ابهری، غلامرضا، خداشناسی قرآنی کودکان، چ ۳۱، جمال، قم، ۱۳۹۲ش.
۴۰. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیه السلام، جلد ۴: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، چاپ چهارم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، بهار ۱۳۸۸ش.
۴۱. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، قم، ۱۳۷۷ش.
۴۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشّیعه، جلد ۲۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۴۳. حسینی، مریم، کودک بازی و اسباب بازی، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۵ش.
۴۴. حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۶۱ش.
۴۵. حجّتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۴۶. دادستان، پریخ، ارزشیابی شخصیت کودکان (بر اساس آزمون های ترسیمی)، چ ۷، رشد، تهران، ۱۳۹۱ش.
۴۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (۱۶ جلدی)، ج ۲ و ۳ و ۵ و ۱۲، چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۴۸. داوودی، محمّد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، چ ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱ش.
۴۹. داوودی، محمّد، خانه بهشتی (اصول و روش های دعوت فرزندان به نماز)، چ ۳، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، تهران، پاییز ۱۳۹۳ش.
۵۰. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، چ ۲، انتشارات معارف، قم، ۱۳۷۹ش.
۵۱. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین (یک جلدی)، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۵۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، چ ۳، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۷ش.

۵۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم و الدارالشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵۴. الرازی، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۹ق.
۵۵. رضایی، حمیدالله، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۵۶. رفیعی، بهروز، زیر نظر علیرضا اعرافی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۳، چ ۳، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، قم، زمستان ۱۳۹۰ش.
۵۷. رضاییان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چ ۹، سمت، تهران، ۱۳۸۷ش.
۵۸. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۹. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، چ ۱۵، آگاه، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶۰. سلطانی تیرانی، فلورا، نهادی کردن نوآوری در سازمان، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، تابستان ۱۳۷۸ش.
۶۱. سلیمیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، چ ۵، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۰ش.
۶۲. سلیمی، علی و داوری، محمد، زیر نظر صدیقی اورعی، جامعه شناسی کج روی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ش.
۶۳. سائتراک، جان دبلیو، زمینه روانشناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶۴. شعبانی، حسن، مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)، چ ۸، سمت، تهران، ۱۳۷۷ش.
۶۵. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، چ ۱۷، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶۶. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چ ۱۸، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ش.
۶۷. شجاعی، محمد صادق، بازی کودک در اسلام، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۳ش.
۶۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه (۲جلدی)، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۶۹. -----، من لایحضره الفقیه، (۴جلدی)، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.

۷۰. صالحی، علی محمد، بازی را جدی بگیرد، چ ۲، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۷۱. صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت، انتشارات سناباد، مشهد، ۱۳۷۸ ش.
۷۲. صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، چ ۵، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۷۳. صلاحی، محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، نشر مهر محبوب، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۷۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج (دو جلدی)، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۷۵. طبرسی، علی بن الحسین، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، المكتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۴۴ ش / ۱۳۸۵ ق.
۷۶. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، ج ۲، چ ۴، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۷۷. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۷۸. طباطبایی، محمد رضا، صرف ساده، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۱ ش.
۷۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۸۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط (۹ جلدی)، تحقیق ابراهیم الحسینی، ج ۶، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
۸۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر المیزان، جلد ۷، چ ۵، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۸۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چ ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۱ ش.
۸۴. -----، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۸۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، به تحقیق هاشم رسولی محلاتی، المطبعه العلمیه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۸۶. غروی، محسن، فلسفه ی اخلاق، نشر پیک جمال، قم، ۱۳۷۹ ش.
۸۷. غفاری، محمد جواد، ترجمه و متن غیبت نعمانی، چاپ دوم، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ ق و ۱۳۷۶ ش.
۸۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
۸۹. فرمهبینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، اسرار دانش، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۹۰. فیرس، ای. جری و جی. ترال، تیموتی، روان شناسی بالینی، ترجمه مهرداد فیروزبخت با همکاری سیف الله بهاری، رشد، تهران، ۱۳۸۲ ش.

۹۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (دو جلدی)، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۹۲. قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۹۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۹۴. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، چ ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ش.
۹۵. کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷ ش.
۹۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (هشت جلدی)، چ ۴، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۹۷. کیومرثی، غلام علی، آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت های پرورشی مدارس، مدرسه، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۹۸. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، چ ۱۱، سمت، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۹۹. کرمی، رضاعلی، مهارت های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، انتشارات قلمگاه، قم، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۰۰. کرامر، جفری و دیگران، روان شناسی بالینی، ترجمه مهدی گنجی، ساوالان، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۰۱. کدیور، پروین، روانشناسی اخلاقی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۲. گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، چ ۶۰، ساوالان، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۱۰۳. گریوانی، مسلم، خدایی که در این نزدیکی است (چگونگی معرفتی خدا به فرزندان)، چ ۵، مؤسسه ضریح آفتاب، مشهد، ۱۳۹۱ ش.
۱۰۴. گرونلند، نرمان ادوارد، هدف های رفتاری برای تدریس و ارزش یابی، ترجمه امان الله صفری، چ ۴، رشد، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۵. لطیفی، رحیم، مهدویت؛ حکومت دینی و دموکراسی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۰۶. لوکرون، لسلی، اتوهینوتیزم، ترجمه یدالله همایون فر، سیروس، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۷. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، جلد ۱۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۱ ق.

۱۰۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (شش جلدی)، جلد ۱ و ۳، چ ۲۵، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۰۹. محدّثی، جواد، هنر در قلمرو حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۱۰. محمدقاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآن، چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۱۱. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک (عربی به فارسی)، ترجمه عباس پسندیده، چ ۷، چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۹۱ ش.
۱۱۲. محمدی، محمدعلی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، قم، ۱۳۹۱ ش.
۱۱۳. محمودی، حسن، گزیده دیوان حیران، (اشعار علامه سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹.
۱۱۴. مصباح، محمدتقی، فلسفه ی تعلیم و تربیت، چ ۲، مدرسه، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۱۱۵. -----، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چ ۲، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۱۶. -----، دروس فلسفه ی اخلاق، چ ۵، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۱۱۷. -----، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش محمدباقر حیدری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۱۸. منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک (تحول روانی از تولد تا پیری)، چ ۱۰، سمت، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۱۹. مک کی، رابرت، داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم نامه نویسی، با ترجمه محمد گذرآبادی، چ ۵، هرمس، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۲۰. مرتضوی، محمد، اصول و روش ها در نظام تربیتی اسلام، انتشارات گلنشر، مشهد، ۱۳۷۵ ش.
۱۲۱. مهجور، سیامک رضا، روان شناسی بازی، راه گشا، شیراز، ۱۳۷۶ ش.
۱۲۲. مهدوی، سعید، نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش.
۱۲۳. محمدی مهر، علی اکبر، روش های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، سلسله جزوات واحد تربیت مربی اخلاق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بی تا.
۱۲۴. محدّث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۱۱، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۲۵. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۶ جلدی)، چاپ هشتم، صدرا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۲۶. -----، مجموعه آثار، جلد ۳، چ ۱۳، صدرا، تهران، ۱۳۸۷ ش.

۱۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۱، مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۲۸. ----- با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، جلد ۱۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۲۹. مهدی زاده، حسین، الگوشناسی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳۰. مور، استفان، کلیات جامعه شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، نشر علم، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۳۱. المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، الفقه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
۱۳۲. محسنی، منوچهر، جامعه شناسی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۳۳. نعمانی، (ابن ابی زینب) محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۱۳۴. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، نشر رایزن، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۳۵. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، جلد ۱، چ ۳، انتشارات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۳۶. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چ ۷، انتشارات طوبای محبت، قم، ۱۳۹۱ ش.
۱۳۷. واثقی، ق، امام، الگوی امت، کتاب فروشی امیری، تهران، بی تا.
۱۳۸. هاشمی، عزیزالله، نغمه های دینی کودکان، چ ۴، عصمت، قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۳۹. همتی، مجید، فرزندان قانون (روش های نظم آموزی به کودکان)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۴۰. -----، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۴۱. یزدی حایری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب، ج ۲، چ ۱، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۱۴۲. یوسفیان، محمد، منتظرم بیایی، چ ۹، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۳ ش.
۱۴۳. ----- و ولایی، ف، یاران آفتاب، -----، ۱۳۹۲ ش.
۱۴۴. -----، فرشته خوش خبر، -----
۱۴۵. ----- و وحیدی صدر، مهدی، مجموعه چلچراغ، چ ۳، -----، ۱۳۹۳ ش.
۱۴۶. -----، شکوفه های امید، چ ۳، -----، ۱۳۹۱ ش.

۱. آیتی، نصرت الله، «زمینه سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۹، قم، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۲. بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصل نامه راه تربیت، جامعه المصطفی، شماره ۱، قم، پاییز ۱۳۸۵ ش.
۳. بهروزی لک، غلام رضا و آیت اللهی، محمد، «اقتراح»، (مصاحبه فصل نامه ی انتظار موعود)، سال چهارم، شماره ی ۱۱-۱۲، قم، مرکز تخصصی مهدویت، بهار و تابستان ۱۳۸۳ ش.
۴. پورسید آقایی، مسعود، «مهدویت و رویکردها»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ی ۴، مؤسسه آینده روشن، قم، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۵. حاجی بابایی، حمید رضا، «ویژگی های «مدرسه ای که دوست دارم» با توجه به سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش»، فصل نامه ی نوآوری های آموزشی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تهران، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۶. حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن علی، «تلقین؛ چالشی فراروی تربیت دینیم»، فصل-نامه ی اسلام و پژوهش های تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ش.
۷. خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ی ملی»، نشریه ی رواق هنر و اندیشه، شماره ۳۶، مرکز پژوهش های صدا و سیما، قم، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۸. رحیمی، محمد رضا، «نهادینه سازی وجدان کاری با رویکرد اسلامی»، فصل نامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال دوم، شماره ۵، قم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۹. سروریان، حمیدرضا، «روش های آموزش و تربیت دینی در سیره ی عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم»، نشریه ی معارف، شماره ی ۴۴، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها، قم، اسفند ۱۳۸۵ ش.
۱۰. شهبازیان، محمد و همکاران، «بررسی و تحلیل اسناد عریضه نویسی با تأکید بر آسیب های آن»، فصلنامه انتظار موعود، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۱۱. قائمی مقدم، محمد رضا، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، فصل نامه معرفت، شماره ۶۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، شهریور ۱۳۸۲ ش.
۱۲. مقدسی پور، علی، «اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)»، فصل نامه ی معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، شماره ی ۷۵، اسفند ۱۳۸۲ ش.

پایان نامه ها

۱. رضایی شریف آبادی، حسین، بررسی بداء در آموزه های مهدوی، پایان نامه سطح سه (معادل کارشناسی ارشد)، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، قم، تابستان ۱۳۹۳.
۲. کاویانی، محمد، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، مؤسسه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹ش.
۳. موسوی نسب، محمد رضا، بررسی تحوّل فهم دعا در کودکان و نوجوانان، رساله ی دکترا، استاد راهنما؛ دکتر علی عسگری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، گروه علوم تربیتی، قم، اسفند ۱۳۸۹ش.
۴. هاشمی، انسیه، نقش تلقین در تقویت اراده، پایان نامه کارشناسی، جامعه الزهراء(س)، قم، ۱۳۸۸ش.

سایت ها

۵. <http://www.pezeshk.us/index.php>

۶. <http://www.almaany.com/fa/dict/ar-fa>. المعانی

ص: ۲۲۹

(تقويم و تأصيل التعاليم المهدويه فى شخصيه الطفل عن طريق اسلوبين تربويين و هما الأسلوب التلقينى و الأسلوب القدوى)

لاشك و لا ريب فى ان واحده من أهم الوظائف المناطه فى عصر الغيبه هى تنميه و توسعه الثقافه المهدويه و تعبئه خطابها، و إستيعابه هذا الموروث المعرفى الشيعى الغنى بكل اشكالها و ابعاده ، و بالتالى تهيئه الأرضيه المناسبه و المناخ الملائم فى أمر ظهور مولانا صاحب العصر و الزمان (أروحا لمقدمه الفداء) و لن يتأتى هذا الهدف المنشود و القيم الإمن خلال تنشئه جيل يحمل المبادئ و المنهج المهدوى الوضاء و تطبيقه على أرض الواقع. و من هذا المنطلق فمن الأجدر و المناسب بمكان إنتخاب مرحله الطفوله المبكره و التى تعتبر هى السن المناسب لإيجاد التريبه الصحیحه و المؤثره فى الإعتماد على النهوض بالمشروع المهدوى و تعاليمه الرفيعه، و لعل من الضرورى فى هذه المرحله تشخيص طبيعه شخصيه الطفل (سواء اكانت المعرفيه و العاطفيه و السلوكيه) و من ثم تعين نقطه البدايه فى مسار تزريق التعاليم المهدويه بشكل مصنف و منتخب، و بعد ذلك ينبغى الإلتزام بالأساليب و الآليات التى من شأنها توجد عمليه التطور و الرشده و التغير لدى الطفل و تقديم رؤيه واضحه لديه فى هذا المضمار. و الكتاب الذى بين يديك عزيزى القارئ يلقى نظره عابره و سريعه على مسأله المعايير المنتخبه فى العلوم و المعارف المهدويه فى هذه المرحله العمرية و ذلك بعد شرح و بيان الخصائص التى تنطوى عليها مرحله الطفوله، و من ثم يبحث و يغور فى أسلوبين تربويين و هما الأسلوب التلقينى و الأسلوب القدوى و ذلك بلحاظ معرفه المعنى الخاص بهما و معرفه مكانهما و منزلتهما فى المصادر الدينيه و عمليه تربيته الطفل و الاسس و القواعد و الأصول و الطرق التنفيذيه الناجعه فى تحصيل ذلك. طرق و اساليب من قبيل ربط المشروع و الرساله

المهدويه مع حياه الطفل إرتباطاً وثيقاً فى

ص: ٢٣١

قالب و إطار وضعه فى آليه التحكيم و الإشهار بالمحبه و الولاء و ايضاً فى السرد القصصى الملائم و الشعر و الرسم و التلوين و المسرح و السؤال و الجواب. و يمكن و من خلال تلك الطرق و الأساليب المتبعه خلق حاله و مقدار من الإستعداد و التوطأ لدى الطفل و وضع قدمه فى المسار الصحيح لمعرفة التعاليم المهدويه الغنيه لتكون له فى المستقبل المنظور مدارات من الرقى. مضافاً الى إن هذا الطريق ليس منطلقاً وحيداً لإيجاد الثقافه المهدويه و التعرف عليها فحسب و إنما هى عمليه إلتماس طريق لمعرفة وجوه و أبعاد الغيبه و كون الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف يحمل مشروعاً ربانياً لخالص الأرض و الإنسان من ماسى و ويلات إمتدت قرون طويله، و هذا الأمر إضافه الى كونه يزيد من حاله المراقبه و المحاسبه فى درك و فهم حضور الإمام بقيه الله الأعظمعجل الله تعالى فرجه الشريف بين ظهرائه فإنه يبعث على تقويه آواصر الإعتقاد و الإرتباط به و القيام بالأفعال الصالحه و السوكيات القويمه برغبه باطنيه منه، و كذلك توجد فى نفسه الأستعداد التام لعصر الظهور المبارك.

Then, the two training methods of inculcation and typifying are discussed in terms of knowing their implication and position in the religious and upbringing the child sources, their fundamentals and principles, and its implementation mechanisms. Strategies like linking the Mahdavi message to the child's life, making it be the subject for the judgment, self-revealing of love in the form of story, poem, painting and coloring, display, question and answer

By taking advantage of these strategies, we can develop the hidden talents of the kids and make them flourish by guiding their Madavi beliefs. This way, not only do the children get acquainted with these teachings, but also the way to the institutionalization and internalization of these teachings is paved and they turn into beliefs and faith. This issue results in the strengthening of the beliefs, doing the good behavior with the inner will and desire and being prepared for the Appearance era in addition to the self-guarding resulted from perceiving the presence of Imam (Mahdi (A

Institutionalizing the Mahdavi Teachings in Children with the Two Training Methods of ()Inculcation and Typifying

One of the most important tasks in the Occultation era is developing the Mahdism culture and paving the way for the appearance of the Imam of the Time. This valuable goal is achieved through upbringing a generation who believe Mahdi. Therefore, it deserves to select the best age for the training- and influence-acceptance, i.e. childhood, in order to institutionalize the Mahdavi teachings and recognize the personality areas special to this period (including the cognitive, emotional and behavioral areas). Then, the Mahdavi teachings appropriate to their age are categorized and selected in a systematic way. After that, the methods appropriate to their course of growth and transition should be adopted. In this book, after explaining the characteristics of this period of childhood, we have a quick look at the criteria for the selection of .Mahdavi teachings for this phase of age

بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

